

کره شمالی، لیبی نیست
علی خرم



ایران می تواند غنی سازی
۲۰ درصدی را آغاز کند
گفت و گو با حسن بهشتی پور

دیگر توجیهی برای
حمایت از روحانی نداریم
غلامرضا حیدری



معمای پسا برجام
گفت و گو با
سیدرسول موسوی

روحانی بدون تلگرام و برجام چه می کند؟

تلگرام فیلتر شده و برجام زیر تیغ ترامپ قرار گرفته است. دو پدیده ای که در انتخابات ۹۶ به باری روحانی آمده بودند. با غروب این دو پدیده، روحانی در ۳ سال باقی مانده چه خواهد کرد. آیا سیاست خارجی می تواند روزه ای جدید برای او مهیا کند؟

تسلیم

دولت روحانی بالاخره دکمه
فیلترینگ را فشار داد

حیات نباتی

سرنوشت برجام چه می شود؟

تصمیم تهران

ایران در مواجهه با آمریکا
چه خواهد کرد؟

مصادره از نظر سیاسی بی طرف است

گفت و گو با مهبران احمدی

مارکسیسم

تجدید نظر طلب

چین و روسیه چه نقشی در
خلع سلاح اتمی کره شمالی دارند

نمونه واقعی

فرانک آندروود

جمع جنگ طلبان در
کاخ سفید کامل می شود





شرکت نفت ایرانول



کیفیت را با روغن موتورهای ایرانول تجربه کنید

تلفن واحد فروش: ۸۸۲۱۲۹۹۹

www.iranol.ir



یک روزه

اعطای تسهیلات با نرخ



سپرده سرمایه گذاری **امید ۲**

واریز سود بصورت ماهیانه

نرخ سود علی الحساب ۱۵٪

نرخ سود تسهیلات اعطایی ۱۰٪

مدت باز پرداخت تسهیلات تا سقف ۳۶ ماه

پرداخت تسهیلات تا سقف ۷۰٪ مبلغ سپرده افتتاح شده

▪ مرکز ارتباط با مشتریان: ۰۲۱-۸۹۵۳۹۵۹۵



www.mci.ir



صعود مشترک به جام جهانی

♦♦♦ کمک هزینه سفر به جام جهانی

ویژه مشترکین فعال | اعلام امتیاز #۴۳۱*۱۰*



مختلت

جلد دوم

غروب برج‌ام

سرانجام توافق هسته‌ای چه می‌شود؟





بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَكَلَّمَكَ جَعَلْنَاكَ أُمَّةً وَسَطًا لِنُتَوَكَّلَ عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
وَيَكُونَتِ الرَّسُولُ عَلَيْنَا شَهِيدًا

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی با رویکرد خبری، تحلیلی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مصطفی آجورلو

سردبیر: سعید آجورلو

تقویت نیروی جسمی و روحی

برای تقویت روح هم کرده‌اند و می‌کنند. وقتی این دو تا قوه با هم شد- قوه جسمانی و قوه روحانی- این ارزش خیلی پیدا می‌کند. قوه جسمانی برای خدمت و قوه روحانی هم برای هدایت. با قوه روحانی انسان هدایت کند خودش را و با قوه جسمانی خدمت کند. این دو قوه وقتی که مجتمع شد، یک انسان- به تمام معنا- انسان می‌شود. همان طور که در یک جامعه یک قوای فعاله و یک قوای هادیه می‌خواهد، یک «جامعه را هدایت کن» لازم است، و جامعه هم باید به آن هدایت عمل بکند، وقتی هدایت هدایت صحیح باشد و عمل عمل صحیح باشد، یک جامعه راه می‌اندازد و یک جامعه را معتدل می‌کند، صحیح بار می‌آورد، در شخص هم همین طور است. شخص هم مثل یک جامعه می‌ماند: یک قوه هادی می‌خواهد هدایت کند، و یک قوه عامله می‌خواهد

از اینکه این جوانها از دست شمارفته است و مصیبت واقع شده است من متاثرم لکن برای اسلام و برای قرآن کریم ارزش دارد که همه از بین برویم. ما همه زنده ایم برای احیای سنت پیغمبر اسلام و احیای قرآن کریم؛ و باید دین خودمان را به اسلام ادا کنیم. من وقتی که شما جوانها را می‌بینم، ماشاء الله جوانهای برومند و پهلوان، خیلی خوشم می‌آید و افتخار می‌کنم به اینکه این جوانها علاوه بر برومندی بدنی، توجه به دیانت و اسلام دارند و همان طوری که ورزش کردند برای تقویت بدن، ان شاء الله ورزش



خبرنامه

۸-۱۹

بی «تلگرام»

پایان روابط

حمله روحانی به ناامیدان

شایعه بالای سر محمود



گفتارها

۲۰-۲۵

نمونه واقعی فرانک آندرود

آیا ترامپ روی توافق ثانویه کار می‌کند؟

مذاکره با موضع برابر

مسافرت خارجی کم است ولی...



سیاست

۲۶-۳۷

روحانی بدون تلگرام و برجام چه می‌کند؟

سه شنبه متفاوت

وزیری با مشت‌های باز نشده

دیگر توجیهی برای حمایت از روحانی نداریم

تحریریه:

دبیر تحریریه: مصطفی صادقی

سیاست: مصطفی صادقی (دبیر) - سیدمجتبی جلال‌زاده

بین‌الملل: سعیده سادات فهری (دبیر)

سیاست خارجی: حنیف غفاری (دبیر)

اقتصاد: محمدمهدی صدرزاده (دبیر)

دبیر: افشین خماند (دبیر)

ورزش: مهدی ربوشه (دبیر)

فرهنگ: امیر خوش‌صحبتان (دبیر)

بازار: محمد شکراللهی (دبیر)

مشاور هنری: نیما ملک‌نیزی

مثلث: هفته‌نامه‌ای خبری، تحلیلی است که سعی دارد روایتی منصفانه و عادلانه از واقعیت‌ها ارائه دهد. نامش تمثیل و اشارهای است به سه ضلع استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی. مرامش تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، چارچوبش اسلام، انقلاب، امام و رهبری، آزمائش گسست‌ترش و سیادت اسلام‌خواهی در سراسر جهان و عزت مسلمانان، توسعه و پیشرفت ایران اسلامی و رفاه مردم شریف ایران و رونق گرفتن عدالت، مرزش رواداری و تألیف قلوب اهالی انقلاب و ایستادگی در برابر مقابلان گفتمانی و عملی نظام و سیاق و مشرب‌مان نجابت قلم و روزنامه‌نگاری مومنانه و تلاش در جهت رونق گرفتن سنت گفت‌وگو میان فرهیختگان و نخبگان کشور است. امیدواریم که در روایت‌مان صادق، بر مرام‌مان مستمّر و دائم، بر چارچوب‌مان مستقر، بر آرمان‌مان مومن، بر مرزهایمان مراقب و هوشیار و بر سیاق‌مان استوار بمانیم.



را به اسلام بکنیم؛ تمام مقصد اسلام باشد. اسلام است که می تواند ما را به سعادت دنیا و آخرت برساند. اسلام است که برای ما آزادی - یک آزادی سالم، آزادی صحیح - تأمین می کند. اسلام است که می تواند ما را مستقل کند. اسلام است که می تواند روح ما را قوی کند، و به تبع آن جسم ما هم قوی بشود. ما همه الآن محتاج به این هستیم که در این آشفتگیهایی که البته بعد از هر انقلاب آشفتگیها هست و بحمد الله انقلاب ایران یک انقلاب کم آشفتگی است آشفتگی هست اما نه مثل آنها که در جاهای دیگر، انقلابات دیگر بوده است. انقلاب روسیه و انقلاب فرانسه ضایعاتش خیلی بوده است.

که عمل بکند، یک عقل فعال می خواهد، یک عقل نظری می خواهد، و یک عقل عملی می خواهد [که] ادراک کند به آن عقل نظری مطالب را، و هدایت کند همین انسان خودش را به اینکه در راه آن مقصدی که دارد عمل بکند. همان طور که جامعه با این دو قوه اصلاح می شود، انسان هم با این دو قوه اصلاح می شود. و من امیدوارم که همین طوری که شما قوه جسمی تان بحمد الله سالم و خوب است قوای روحی تان همین طور، باشد؛ و با این دو قوه به اسلام خدمت بکنید.

تمام مقصد، اجرای اسلام

الآن وقتی است که ما بخواهیم این کشور را از این آشفتگیهایی که دارد نجات بدهیم، باید همه وجهه نظر

بین الملل

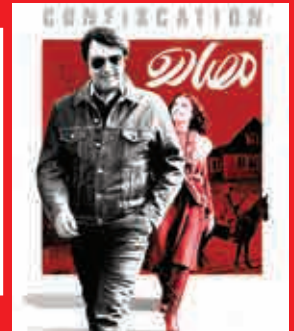
مارکسیسم تجدیدنظر طلب
کره شمالی، لیبی نیست
غروب برجام
توافق واگرایانه



۴۶-۵۷

فرهنگ

مصادره از نظر سیاسی فیلم بی طرفی است
مصادره دغدغه مند است
کمدی نسبتاً محترم
روایت های چندپاره



۵۸-۶۳

ورزش

کرانچار؛ با ۲۵۰ هزار دلار
کرانچار فوتبال ایران را خوب می شناسد
تراژدی در جشن قهرمانی
نکونام کار یزما می مریگیری دارد



۶۴-۶۹

طراح جلد: مصطفی مرادی



شماره پیامک: ۳۰۰۰۴۱۱۷۱۱

با تشکر از: دکتر دارابی - دکتر آیت اله ابراهیمی - دکتر عیسی رضایی
مهندس صدوقی حسین محمد پورزند - محمدابراهیم محمد پورزند
حسین مجاهدی - حاج آقا توکلی - علیرضا حسن زاده - هادی انباردار

سازمان آگهی ها: تلفن: ۰۹۱۲-۸۵۰۵۸۴۸
چاپ: هنر سرزمین سبز - پردازش تصویر رایان
توزیع: نشر گستر امروز
نشانی: تهران، خیابان شهید عباسپور (توانیر)، خیابان نظامی گنجوی، کوچه پناه،
پلاک ۱۹
تلفن: ۸۸۱۹۸۲۰۷

گرافیک و صفحه آرایی: فاطمه قناتی - علی آجورلو
افشین جم و محمد محمودی
پردازش تصاویر: هومن سلیمیان
عکس: عدنان جعفری و محمد برنو
ویرایش: ژیل شاکری - امیر عزیزی، نرگس حاجیلو و فاطمه پورمهر
حروفچینی: وجیهه قاسمی - علی حشمتی
مدیر مالی: محمدرضا پالیزدار
سازمان آگهی ها: محمد شکراللهی
بازرگانی و بازاریابی: محمدعلی آجورلو
امور اداری: علیرضا اسداللهی - علی اکبر پیمانی
انفورماتیک: شهرام زحمتی
ناظر چاپ: بابک اسکندرنیا

حمله روحانی به ناامیدان

قاضی زاده هاشمی، نوبخت و آخوندی از گزینه‌های تغییر در کابینه هستند



خدا حافظی با بویینگ

شایعات دور سر محمود

از بازداشت تا تعلیق حکم



بی «تلگرام»

فضای مجازی ایران شکل جدیدی به خود گرفت

قطعا مهمترین خبر هفته گذشته که فضای عمومی جامعه را به خود اختصاص داد فیلتر تلگرام بود. این ماجرا حاشیه‌های زیادی داشت. یک شبکه اجتماعی که در ایران ۴۰ میلیون کاربر داشت به یکباره از گوشی‌های همراه و کامپیوترها حذف شد. آنقدر حرف و حدیث در مورد ماندگاری یا فیلتر تلگرام در این مدت زیاد بود که خیلی‌ها فکر می‌کردند این بار نیز این بحث‌ها در ادامه مباحث پیشین است و بعید است اتفاقی جدی در این مورد رخ دهد. در این ماجرا البته یک خبر دیگر هم بود که برای چند ساعت رسانه‌ها را به خود مشغول کرده بود. گفتند وزیر ارتباطات استعفا داده است و در یک جلسه با حسن روحانی در حال رایزنی در این مورد است. این استعفا رد شد و گفتند اصلا چنین چیزی وجود نداشته است. خود وزیر هم گفت بحث‌های کارشناسی به معنای استعفا نیست. برخی در

خارجه جمهوری اسلامی است و فارغ از هر نوع نگرش و دید سیاسی چنین برخوردی با او برخورد با وزیر نظام است. او فردی است که حامی حاکمیت بر شمرده می‌شود. بدون شک اعتراض و انتقاد حق همه افراد جامعه است اما این نقد و اعتراض باید در قالب درست و پسندیده انجام شود.

احمدی نژاد

اواسط هفته به یکباره گفته شد که محمود احمدی نژاد بازداشت شده است. رسانه‌های معتبری هم در فضای مجازی به باز نشر این خبر اقدام کردند. در نهایت اما دفتر او خبر این بازداشت را تکذیب کرد. او در یک جشن سخنرانی انجام داد تا همه شایعات در مورد او پایان یابد. هر چه هست او این روزها بدون اسفندیار رحیم‌مشایی و حمید

وزیر ممنوع تصویر

«آذری جهرمی ممنوع تصویر شد»: این خبری عجیب بود که هفته گذشته در رسانه‌ها مطرح شد. انتشار خبر تصمیم مسئولان سازمان صداوسیما مبنی بر سانسور کردن وزیر دهه شصتی ارتباطات در حالی در فضای رسانه‌ای و مجازی دست به دست شد که کنایه‌های آذری جهرمی به قراردادهای صداوسیما همچنان در حافظه شهروندان و علاقه‌مندان به اخبار مدیریت کشور باقی مانده است. آذری جهرمی چندی پیش با یک توییت و یک مصاحبه با خبرگزاری ایرنا به موضوع صوت و تصویر فراگیر و افشای جزئیاتی از قراردادهای صداوسیما با پیمانکاران اعتراض کرده بود. توییت و مصاحبه اعتراض آمیزی که گویا دلیل اصلی انتشار خبر ممنوع تصویر او بود، هر چند ساعاتی بعد از سوی محمدحسین رنجبران، مدیرکل روابط عمومی سازمان صداوسیما تکذیب شد. رنجبران در مصاحبه‌ای با ایسنا در واکنش به اینکه رئیس سازمان صداوسیما در واکنش به اعتراض جهرمی نسبت به قراردادهای پیمانکاری صداوسیما در ابلاغی به معاونت سیاسی و بخش خبر، دستور داده تا هرگونه پخش اخبار از وزیر ارتباطات و وزارت ارتباطات صرفا با هماهنگی معاونت مربوطه صورت پذیرد، گفته است: «آقای آذری جهرمی از



روزی که این اظهار نظر را انجام داد، یعنی سوم اردیبهشت تا امروز که یک هفته می‌گذرد، تقریبا به صورت میانگین هر روز در بخش‌های مختلف خبری رادیو و تلویزیون حضور داشته است؛ شاید معنی ممنوع تصویر فرق کرده است و ما خبر نداریم؟! اما همان‌طور با تکذیب خبر ممنوع تصویر آذری جهرمی از سوی محمدحسین رنجبران، یک منبع آگاه در صداوسیما این خبر را تایید کرد و به «اعتماد» گفت: «پس از افشای وزیر ارتباطات از

»

محمد جواد ظریف ایام سختی را پشت سر می‌گذراند. برجام گویا آخرین روزهای حیاتش را طی می‌کند و او تمام تلاش‌هایش تا اینجای کار ناکام مانده است. جدا از سفرها و جلسات سنگین محرمانه در مورد برجام او هفته گذشته به دانشگاه امیر کبیر رفت که برای او پایان خوشی را به همراه نداشت. از قرار معلوم برخی افراد حاضر در محل سخنرانی به سمت ماشین ظریف حمله کرده و با مشت و پا به ماشین او ضربه وارد کرده‌اند

»

بقای روزهای تقریبا ساکنی را طی می‌کند. البته گاهی از او جملاتی در قالب مصاحبه با برخی رسانه‌های نزدیک منتشر می‌شود که چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

اصلاح طلبان و روحانی

شاید تصور اولیه این بود که انتقاد روحانی از کابینه‌اش به مذاق اصلاح طلبان خوش آید و او با موجی از همراهی‌ها مواجه شود. صرف نظر از اینکه برخی چهره‌های این جناح از این موضع روحانی تقدیر کردند اما اغلب اصلاح طلبان گفتند که پیش تر به روحانی هشدار داده بودند که باید در کابینه‌اش تجدیدنظر کند. در میان رسانه‌های اصلاح طلبان نیز همین حال و هوا حاکم بود.

برای مثال سایت اصلاح طلب انتخاب در مطلبی در این مورد نوشت: «در حالی که هنوز یک سال هم از دولت دوم روحانی سپری نشده، سوالی که به اذهان متبادر می‌شود این است که چرا روحانی همه این «پاشنه ورنکشیده‌ها» را در دولت حفظ کرده و به عکس، افرادی با کارنامه مثبت را از کابینه خارج کرد تا مجبور شود در همین مدت کوتاه، به گلایه از اعضای دولت خود بپردازد؟ آیا از نظر روحانی، رحمانی فضلی و نهایندیان و سلطانی فر با آن همه انتقاد کارشناسان به آنان، «پاشنه ورنکشیده» بودند و امثال طیب نیا «پاشنه ورنکشیده»؟

این مورد گفته اند گویا در دولت از وزیر ارتباطات خواسته شده بود که در اعتراض به فیلتر تلگرام استعفا دهد تا دولت فضای بیشتری برای مانور در این زمینه داشته باشد و اساسا جلوی وارد آمدن بیش از اندازه هزینه‌ها به دولت را در سطح جامعه بگیرد.

اینکه میان روحانی و جهرمی در آن جلسه طولانی چه گذشته است اصلا معلوم نیست، اما اینکه روحانی حضورش را در افتتاحیه نمایشگاه کتاب لغو کرد تا دیدارش را با وزیر ارتباطات برگزار کند نشان از اهمیت موضوعات مطرح شده دارد.

حاصل آن جلسه تکذیب استعفا بود و یک بیانیه نه چندان جدی دولت در مورد نقد فیلتر برجام.

ظریف

محمد جواد ظریف ایام سختی را پشت سر می‌گذراند. برجام گویا آخرین روزهای حیاتش را طی می‌کند و او تمام تلاش‌هایش تا اینجای کار ناکام مانده است. جدا از سفرها و جلسات سنگین محرمانه در مورد برجام او هفته گذشته به دانشگاه امیر کبیر رفت که برای او پایان خوشی را به همراه نداشت. از قرار معلوم برخی افراد حاضر در محل سخنرانی به سمت ماشین ظریف حمله کرده و با مشت و پا به ماشین او ضربه وارد کرده‌اند. این رویداد البته اتفاقی ناپسند و ناخوشایند تلقی می‌شود. محمد جواد ظریف وزیر

جزئیات برخی قراردادهای صداوسیما، معاونت سیاسی صداوسیما به خبرنگاران ابلاغ کرده است برای پوشش اخبار این وزیر هماهنگی‌های لازم انجام شود.»

ماجرای رفع حصر

دادستان تهران در مورد خبر یکی از نمایندگان مجلس با موضوع «رفع حصر تا پایان سال» که در اسفند ماه بیان شده بود گفته است: «این خبر خلاف واقع بود که حتی ارزش تکذیب هم نداشت؛ چرا که با فرارسیدن پایان سال، عدم صحت آن برای همگان محرز شد». او با طرح این سوال که چرا نشریات این گونه اخبار خلاف واقع را منتشر می‌کنند، عنوان کرد: «مرجع پیگیری مساله حصر، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی است و برای بررسی صحت و سقم اخبار در این زمینه باید به مسئولان این دبیرخانه مراجعه کرد. انتشار اخبار خلاف واقع در رسانه‌ها امر مطلوبی نیست و وزارت علمی آن روزنامه‌ها را در میان مردم پایین می‌آورد». نماینده‌ای که جعفری دولت‌آبادی به او اشاره کرد «علی مطهری» است. او ۲۸ بهمن سال گذشته در جمع خبرنگاران گفته بود: «مسئولان قضائی و امنیتی وعده رفع حصر تا پایان سال را داده‌اند. به ما قول‌هایی دادند و گفته‌اند زیاد در رسانه‌ها اظهار نظر نکنیم و در مقابل

ادامه خواهد داد. مطهری البته در نیمه دوم فروردین با ایسنا مصاحبه کرد و جزئیات خبری را که درباره رفع حصر تا پایان سال ۹۶ گفته بود، بیان کرد: «ملاقات‌هایی که در چند ماه پیش با برخی مسئولان امنیتی و قضائی داشتیم، نشان می‌داد آنها نگاه‌شان کاملاً به موضوع ادامه حصر عوض شده است و به ما می‌گفتند برنامه داریم که موضوع را حل و فصل کنیم و به آن خاتمه بدهیم. یکی از آنها گفت سعی داریم تا پایان سال ۹۶ به حصر خاتمه دهیم و ما آن را به عنوان یک قول تلقی کردیم و منتظر بودیم محقق شود. اگر از ابتدا هم مجوزی برای این کار وجود داشته، الان فلسفه وجودی خود را از دست داده است. اگر محصوران تخلصی هم کرده‌اند، هفت سال حصر خانگی برای آنها مجازات بزرگی است و نباید بیش از این تحت مجازات باشند».

گفتنی است عزت‌الله ضرغامی هم هفته گذشته اظهار نظر قابل توجهی در این مورد داشت. «حصر را خیلی به رهبری وصل نکنید». این جمله را ضرغامی در جمع زندانیان سیاسی رژیم سابق گفته و در کانال شبکه پیام‌رسان داخلی‌اش منتشر کرده است. ضرغامی پیش‌تر در برنامه جهان‌آرا گفته بود: «حصر به هیچ وجه ارتباطی با مقام معظم رهبری نداشت و تصمیم شورای عالی امنیت

آن از سوی مقام معظم رهبری را بویکرد حل به شورای عالی امنیت ملی ارجاع شده است».

رئیس دولت اصلاحات گفته بود: «نظام و رهبری می‌خواهند این مساله حل شود و گشایش‌هایی هم ایجاد شده اما این کافی نیست. باید این مساله حل شود. هیچ کس حق ندارد در این زمینه بگوید رهبری نمی‌خواهند این مساله حل شود». او در ادامه گفته بود: «معتقدم وقتی تصمیم گرفته شد یعنی رهبری و نظام می‌خواهند این مساله حل شود و آن تشکیلاتی که باید آن را حل کند، سستی و ناتوانی می‌کند». برخی اخبار از گوشه و کنار هم موید سخن رئیس دولت اصلاحات است. اینکه کمیته‌ای که در مجلس برای پیگیری رفع حصر تشکیل شده تاکنون موفق به دیدار حسن روحانی نشده است!

خداحافظی با بویینگ

مدیرعامل بویینگ در اظهار نظری اعلام کرده که جایگزینی اماراتی برای هواپیماهایی که قرار بود در ناوگان ایران قرار بگیرند، پیدا کرده است و به این ترتیب، رویای بویینگ ایران‌ایر که قرار بود در سال ۲۰۱۸ وارد ناوگان هوایی ایران شود، یک سال به عقب رفت. حالا باید منتظر باشیم تا مذاکرات ایران‌ایر و بویینگ تا سال



۲۰۱۹ به کجا ختم می‌شود و آیا ایران خواهد توانست فاینانسور برای خرید هواپیما بیاید یا به روش‌های دیگر تأمین مالی متوسل خواهد شد. حالا در این بین شرکت‌های هواپیمایی دیگر که در دریافت مجوز اوفک به در بسته خورده بودند، راه دیگری را انتخاب کردند و دست به دامن همسایه شمالی شدند. امضای تفاهم‌نامه برای خرید ۲۰ فروند هواپیمای سوخو ۱۰۰ از سوی دو شرکت هواپیمایی آسمان و ایران‌ایرتور هم گواهی بر این ناامیدی است؛ اما آنچه ایجاد نگرانی کرده است، تلاش برای یافتن راه‌حلی برای رهایی از مجوز اوفک از سوی شرکت‌های هواپیمایی ایران است. امضای این تفاهم‌نامه بر این نکته صحت می‌گذارد که سوخو ۱۰۰ روسی دیگر قرار نیست با قطعات و موتور آمریکایی روانه آسمان ایران شود و احتمالاً این قطعات روسی یا چندملیتی خواهد بود. این را حتی دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی هم تأیید می‌کند. این نگرانی از آنجایی وجود دارد که آب‌وهوای ایران و آمریکا به سبب تنوع دما به یکدیگر نزدیک است و به همین دلیل موتورهای عمده‌تایا با قدرت بالاتری ساخته می‌شوند؛ اما شرایط آب‌وهوایی روسیه به سبب سردی هوا، نیازمند موتوری چندان قوی نیست؛ زیرا سردی دما برای موتور هواپیما بسیار مطلوب است. این نکته می‌تواند هم از نظر ایمنی و هم از بُعد اقتصادی بر شرکت‌های هواپیمایی خریدار اثر جدی بگذارد.

شاید تصور اولیه این بود که انتقاد روحانی از کابینه‌اش به مذاق اصلاح‌طلبان خوش آید و او با موجی از همراهی‌ها مواجه شود. صرف نظر از اینکه برخی چهره‌های این جناح از این موضع روحانی تقدیر کردند اما اغلب اصلاح‌طلبان گفتند که پیش‌تر به روحانی هشدار داده بودند که باید در کابینه‌اش تجدیدنظر کند. در میان رسانه‌های اصلاح‌طلبان نیز همین حال و هوا حاکم بود

ملی کشور بود». او در همان جمع زندانیان سابق ادامه داده است: «مساله «حصر» یک مساله امنیتی است. همان‌طور که در سال ۸۹ با حضور آقای روحانی در جلسه شورای عالی امنیت ملی به تصویب رسید، هر وقت این شورا با ریاست رئیس‌جمهور به نتیجه جدیدی برسد قاعدتاً پیگیری می‌شود». اخیراً محمدرضا تابش، نماینده مجلس و خواهرزاده رئیس‌دولت اصلاحات، از قول رئیس‌جمهور پیشین ایران گفته بود: «همان‌طور که آقای خاتمی هم چندروز پیش گفتند، ظاهراً مساله رفع حصر در حد کلان

آنها به دنبال این هستند که تا پایان سال به این موضوع خاتمه بدهند. ما هم منتظریم که آیا آنها به قول‌شان عمل می‌کنند یا نه». به گزارش ایسنا، مطهری گفته بود: «هنوز مسئولانی که این موضوع به آنها مربوط است، اظهار نظری نداشته‌اند اما افراد غیرمسئول حرف‌هایی برخلاف این تصمیم زده‌اند؛ اما چون مسئولان حرف روشنی نزده‌اند ما روی قول‌هایی که داده‌اند حساب می‌کنیم تا ببینیم آیا این اتفاق تا پایان سال رخ می‌دهد یا نه؟ این قول در مذاکره و ملاقات‌ها مطرح شده و مسئولان امنیتی و قضائی هم آن را گفته‌اند که ما منتظر اقدامات آنها هستیم». ۱۱ اسفند هم مطهری در کنگره حزب مردم سالاری اعلام کرد: «ما با بسیاری از افراد و مقامات و اعضای خبرگان درباره رفع حصر صحبت می‌کنیم و می‌گوییم حصر باید پایان‌پذیرد. بسیاری از این افراد نیز می‌گویند نظر ما همین است که این رفع حصر باید اتمام برسد و به صلاح کشور نیست ولی می‌گویند احساس می‌کنیم نظر حاکمیت بر ادامه این راه است». اما چند روز مانده به پایان سال ۹۶، او به ایلنا گفت که چندان امیدوارانه درباره رفع حصر در این مقطع زمانی ندارد و تحقق نیافتن این مهم به معنای خلف وعده خواهد بود. نایب‌رئیس مجلس گفته بود: «این وعده از سوی برخی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی مطرح شد که نمی‌خواهیم نامی از فرد یا نهادی بیاوریم». مطهری همچنین گفته بود که همچنان در زمینه رفع حصر پیگیری‌های خود را



حمله روحانی به ناامیدان

قاضی زاده هاشمی، نوبخت و آخوندی
از گزینه‌های تغییر در کابینه هستند

پست مدیریتی خود باید بداند طبق قانون اساسی و وظیفه شرعی، دارای توانمندی بالایی است و باید به وظیفه خود عمل کند و اگر می‌ترسد و از اخم این و آن هراس دارد، باید کنار برود. واجب نیست این افراد تا پایان چهار سال بر صندلی خود بنشینند. «او برخی از مدیران را هم مورد طعنه قرار داده بود: «وقتی کسی از تلفن یا اخم یک نفر می‌ترسد و عقب نشینی می‌کند، این صندلی مدیریت بر او حرام می‌شود؛ بنابراین باید صندلی را رها کند و کنار برود. ما بر صندلی قانون نشسته‌ایم، بالاترین قدرت در کشور قدرت اجرایی و بالاترین بار، بار مسئولیت نیز بر دوش بخش اجرایی است؛ پس ما باید محکم و قاطع راه خود را طی کنیم.» حسن روحانی از دستگاه‌های نظارتی هم انتقاد کرده و گفته بود: «هیچ دستگاه نظارتی حق ندارد در کار اجرایی دخالت کند. اعلام نظر اشکالی ندارد ولی مدیر باید کار خود را انجام دهد. یک دستگاه نظارتی نوشته بود باید فلان مدل هواپیما خریداری شود. من نوشته‌ام تو چه ربطی دارد، تو چه کاره‌ای؟ دستگاه نظارتی هم باید طبق قانون عمل کند؛ نه بر مبنای عقل ناقص خود. عقل ناقص که مبنای عملکرد دستگاه نظارتی نیست؛ بلکه باید در چارچوب قانون حرف زد. مدیران دولتی به تهدیدات اعتنا نکنند و اگر می‌ترسند به آنها جواب بدهند، به من بگویند که جواب آنها را بدهم. عده‌ای کنار خود نشسته‌اند و پیشنهاد می‌دهند ولی نمی‌دانند در کود چه خبر است.» رئیس جمهوری در آن سخنرانی، برخلاف روز گذشته، به چند وزیر هم اشاره کرده بود. او با اشاره به اینکه مدیران دولتی باید با بیان و منطق درست مردم را قانع کنند، گفته بود: «مردم بهتر از ما می‌دانند که در کشور کم‌آبی وجود دارد. دولت هم در جایگاهی نیست که به مردم بگوید خشکسالی داریم. نصیحت کار دولت نیست. علما و ائمه جمعه بلدند نصیحت کنند. مدیر اجرایی باید برنامه داشته باشد. وزیر نیرو، کشاورزی، صنعت و رئیس سازمان محیط زیست باید برنامه بدهند. به من گزارش داده‌اند که کشور در کم‌آبی است، مگر من نمی‌دانم؟ چرا توضیح و ابهامات

زندگی می‌کنند؛ در حالی که این تفکر ناصحیح است و با منطق اعتقادات و فرهنگ ما سازگار نیست. همیشه یک مومن و مسلمان باید معتقد به گشایش‌های روزهای آینده باشد. اصلاً فرض بگیریم سال آینده سخت‌تر است، از حالا غصه بخوریم که سال آینده و هفته آینده سخت‌تر است؟ همواره باید به آینده با انکا به خدا و توجه به الطاف الهی امیدوار باشیم.» حسن روحانی سپس اعلام کرد که در ذهنش، وزیران را به دو دسته تقسیم‌بندی می‌کند: «هر دو دسته پرتلاش هستند؛ یک عده از اول سال نوایشان نوای ناامیدی است. می‌گویند امسال بودجه کم است، نفت ارزان شد و نفروختیم و مالیات چه شد؟ تمام اول، آخر و وسط دولت سخن ناامیدی است. یک عده هم درباره باران حرف می‌زنند و می‌گویند امسال وضع بد است و خشکسالی است. تلاش کردم گوش من درباره اینها کم بشنود.» او ادامه داد: «عده‌ای همیشه امیدوارانه حرف می‌زنند و می‌گویند مشکل این است و باید بیشتر تلاش کنیم و باید تشویق کنیم کشاورزان فلان کار را کنند. هم پیشنهاد می‌دهند و هم امیدوارند این ناامیدی و غم و غصه چه خاصیتی دارد؟ این چهره عبوس از اول سال برای اتفاقات بعدی است؟»

روحانی اول اردیبهشت هم گفته بود: «ما باید به مردم توضیح بدهیم مشکل چیست. اگر مردم اطلاع کافی نداشته باشند، دیگران می‌توانند مردم را تحریک کنند. ما با مردم کم حرف می‌زنیم. مدیران دولتی ما روزه سکوت گرفته‌اند. نمی‌دانم از چه می‌ترسند. هرکس در

کابینه تغییر می‌کند؛ این مهم‌ترین نتیجه‌ای است که می‌توان از اعتراض‌های پی‌درپی حسن روحانی به کابینه‌اش گرفت. او تا دیروز از سکوت و همراه نبودن برخی اعضا گلایه می‌کرد، اما امروز گفته برخی اعضای کابینه ناامید شده‌اند، ناامید در دولتی که نام خود را دولت امید نهاده بود. ماجرا از این قرار است که رئیس جمهوری یک بار دیگر و کمتر از ۱۰ روز پس از سخنرانی اول اردیبهشت خود، دولتی‌ها را مخاطب قرار داد و این بار وزیران خود را به «امیدوار» و «ناامید» تقسیم کرد. حسن روحانی چندی پیش هم از «سکوت» مدیران دولتی انتقاد کرده بود. روحانی در مراسم گرامیداشت هفته کارگر فرصت را مغتنم شمرد تا با ذکر خاطره‌ای از آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، کنایه‌ای به برخی وزیران خود بزند. روحانی خاطره خود را این گونه نقل کرد: «آیت‌الله هاشمی مرد امیدواری بود. وقتی به او می‌گفتم امید شما زیاد است، ایشان که ۶ سال زندان بود، می‌گفت شبی نخوابیدم؛ مگر اینکه هر شب امید داشتم فردا آزاد می‌شوم. با این روحیه هفت سال در جنگ بودیم و سختی‌ها زیاد بود، عملیات زیاد بود، از بیسیم معلوم بود چه می‌شود. وقتی می‌گفتم به نظر من این عملیات موفق نیست، می‌گفت از حالا غصه عملیات را نخورید.»

رئیس جمهوری انتقاد خود از فضای ناامیدی را این گونه توصیف کرد تا سپس انتقاد خود را علنی‌تر مطرح کند: «برخی با این تفکر که فردا روز بدی است و سال دیگر سال سختی است و روزه‌روز در مشکل قرار می‌گیریم،

ولی الله سیف، رئیس بانک مرکزی دومین گزینه احتمالی روحانی برای انجام تغییرات در کابینه است. عملکرد او به شدت مورد انتقاد است و نوسانات اخیر در بازار ارز نیز برایش حکم ضربه آخر را داشت. حضورش در صحن علنی مجلس و آن درگیری تقریباً فیزیکی با نمایندگان به تنهایی کافی است تا در پایبیم که وضعیت او چقدر وخیم است. صدای شعار دادن‌های نمایندگان خواهان استعفای سیف دوباره بلند خواهد شد اگر دولت تغییرات مورد نظر خود را آغاز کند

عملکرد آنها از جانب دولت قابل تحمل بود اگر با حاشیه‌سازی‌های سیاسی همراه نشده و اهرم فشاری در دست مخالفان دولت نمی‌شد. تغییرات تخصصی اما به وزارتخانه‌هایی مربوط می‌شود که کمتر حاشیه داشته‌اند یا حداقل این حاشیه جان را به لب دولت نرسانده است. نکته دیگر اینکه در خود دولت اختلافاتی ایجاد شده و به نظر می‌رسد این کدورت‌ها نتیجه‌ای غیر از تغییر در کابینه نداشته باشد. قاضی زاده هاشمی وزیر بهداشت، عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی و محمود حجتی، وزیر کشاورزی گزینه‌های سوم، چهارم و پنجم دولت برای تغییر هستند. احتمال تغییر وزیر بهداشت به همان کدورت‌های داخلی دولت برمی‌گردد و شاهدش افزایش غیبت‌های آقای وزیر در جلسات هیات دولت است. قاضی زاده هاشمی از دولت دلخور شده و عدم رفع این دلخوری که همزمان با تصمیم به ترمیم کابینه است، می‌تواند به تغییر وزیر بهداشت منجر شود. هرچه باشد قاضی زاده هاشمی یکی از ژنرال‌های دولت یازدهم بود و به واسطه اجرای موفقیت‌آمیز طرح سلامت رای قابل توجهی به سید روحانی در اردیبهشت ۹۶ ریخت اما مشکل اقتصادی یا هر عامل دیگری موجب کاهش بودجه این طرف و شکست آن شده است. این وضعیت به هیچ وجه پاداش خوبی برای وزیر مردمی دولت روحانی نیست و او را مکدر کرده است. شناختی که از روحیه حسن روحانی وجود دارد نیز گمانه دلجویی دولت از وزیر بهداشت را منتفی کرده و احتمال کنارگذاشتن او را جدی می‌کند. عباس آخوندی نیز با وجود تحریم‌های باقیمانده در قراردادهای بوئینگ... موفقیت قابل توجهی حاصل نکرد. اقبال او این بود که در همین یک سال گذشته به واسطه حوادثی مثل سانچی و هواییمای مسافری در معرض انتقادات تند قرار گرفت. آخوندی در اسفند گذشته استیضاح را از سر گذراند اما نمی‌تواند مطمئن باشد که از ترمیم کابینه نیز جان سالم به در برد. آن طور که حاجی دلگانی، نماینده نزدیک به طیف پایداری مجلس در مصاحبه‌ای گفته، رسیدن آن خبر نامشخص به جلسه فراکسیون امید، او را نجات داده است. حال اگر زور اصلاح‌طلبان به دولت تجرد، آخوندی نیز رفتی خواهد شد.

محمود حجتی، وزیر جهاد کشاورزی هم یکی از ناامیدها و ناموفق‌های دولت است اما گویا بخت با او بیش از دیگران یار است. طرح نام حجتی در فهرست شهرداران بالقوه تهران این فرصت را به او می‌دهد تا قبل از آنکه روحانی بگوید، دولت را با پای خود ترک کند. موضوع استعفای انصاری لاری نشان داد که احتمال شهردار شدن حجتی قوت گرفته است. به عبارت دیگر سرنوشت حجتی قبل از روحانی در دست اعضای شورای شهر تهران است و باید منتظر ماند و دید که بهشت را به او می‌سپارند یا خیر.

و بودجه است زیرا معتقدند این سازمان از وزارتخانه‌های متبوع هر وزیر پشتیبانی لازم را انجام نمی‌دهد.» به این ترتیب به نظر می‌رسد با گام بعدی روحانی یعنی آغاز تغییرات احتمالی، با تنزل مقام محمدباقر نوبخت شروع می‌شود. از آنجایی که نوبخت علاوه بر ریاست سازمان برنامه و بودجه، سخنگوی دولت نیز هست، ناگزیر به پیاده شدن از قطار کابینه نمی‌شود اما این وضعیت نیز چندان پایدار نخواهد بود. لویج مربوط به اصلاح ساختار دولت اکنون روی میز اعضای کمیسیون ویژه‌ای در مجلس است و آن طور که علیرضا رحیمی، عضو فراکسیون امید می‌گوید، روحانی برای شروع تغییرات مورد نظر خود منتظر تعیین تکلیف این لویج می‌ماند. تفکیک وزارتخانه‌های «صنعت، معدن، تجارت»، «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» و «راه و شهرسازی» و نیز احیای سازمان‌های «جوانان»، «برنامه‌ریزی» و «توسعه و تعاون روستایی» و البته احتمال تشکیل وزارت «میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی» خیلی برای نوبخت مهم نخواهد بود، اما او بهتر از هر کسی می‌داند که از ابتدای دولت دوازدهم زرمه‌هایی در مورد تعیین یک سخنگوی سیاسی در دولت وجود داشته است. تا کید بر حوزه اطلاع‌رسانی سبب شد بررسی‌هایی برای ایجاد یک معاونت جدید تحت عنوان «روابط عمومی و اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری» آغاز شد. اکنون همزمان با طرح گمانه تغییر رئیس سازمان برنامه و بودجه خبرهایی نیز مبنی بر جدی شدن ماجرای تعیین معاونت سیاسی به گوش می‌رسد. منابع خبری غیررسمی از مجید تخت‌روانچی به عنوان گزینه اصلی این سمت نام می‌برند و در صورت اجرایی شدن این ایده، نوبخت یک گام دیگر به عقب رانده می‌شود.

روزگار سخت سیف

ولی الله سیف، رئیس بانک مرکزی دومین گزینه احتمالی روحانی برای انجام تغییرات در کابینه است. عملکرد او به شدت مورد انتقاد است و نوسانات اخیر در بازار ارز نیز برایش حکم ضربه آخر را داشت. حضورش در صحن علنی مجلس و آن درگیری تقریباً فیزیکی با نمایندگان به تنهایی کافی است تا در پایبیم که وضعیت او چقدر وخیم است. صدای شعار دادن‌های نمایندگان خواهان استعفای سیف دوباره بلند خواهد شد اگر دولت تغییرات مورد نظر خود را آغاز کند. مجلسی‌ها تنها منتقدان او نیستند و فعالان سیاسی نیز از ضعف عملکرد او گلایه دارند. چنانکه حسین مرعشی معتقد است: «پس از سازمان برنامه و بودجه، بیشتر انتقادات و گلایه‌ها متوجه بانک مرکزی است.»

سرنوشت نامعلوم آخوندی و قاضی زاده

می‌توان از سبک رئیس‌جمهور استفاده و تغییرات احتمالی دولت را تقسیم‌بندی کرد؛ «تغییرات سیاسی» و «تغییرات تخصصی»، کنارگذاشتن افرادی همچون نوبخت و سیف در گروه اول قرار می‌گیرد، زیرا ضعف

می‌دهید؟ باید برنامه ارائه کنید، توقع مردم از منصیحت و موعظه نیست. ما باید با برنامه‌ریزی درست و نظارت درست کاری کنیم که فساد ناممکن یا بسیار سخت شود. یکی از کارهای ممکن که انجام دادیم این بود که بر مبنای عملکرد به دستگاه‌ها پول بدهیم. به وزارت اقتصاد هم گفته‌ام پول‌هایی که به دستگاه‌ها می‌دهد باید منتشر شود تا مردم بداند. مردم باید ناظر بر پول خودشان باشند.»

چه کسانی می‌روند؟

حالا که روحانی این سخنان را به زبان آورده گمانه‌زنی‌ها در مورد تغییرات آغاز شده است. اخبار رسمی در این مورد وجود ندارد اما شاید بتوان از نشانه‌ها و شواهد موجود در این مورد حدس‌هایی زد.

پایان روزهای خوب نوبخت

روحانی از ابتدای کار با چالش نابسامانی وضعیت اقتصادی مواجه بود و در دولت دوم پیش از قبل تحت فشار قرار گرفت. تغییر تیم اقتصادی یعنی کنار گذاشتن طیب‌نیا و تضعیف جایگاه اسحاق جهانگیری نه تنها به کار نیامد، بلکه اوضاع را بدتر هم کرد. از همین رو در هفته‌های اخیر شاهد چرخشی دوباره و بازگشت جهانگیری بودیم. معاون اول دولت روحانی که در یک سال گذشته به واسطه کاهش نقش اقتصادی خود و مسائل سیاسی دیگر در گروه‌های ناامیدها قرار گرفته بود حالا قدرت بازگشت و خیال ترک پاستور را ندارد. تقویت او اما تمام ماجرا نیست زیرا پیرنگ شدن نقش جهانگیری به عنوان نماینده تکنوکرات‌ها در دولت با ضعف جایگاه بوروکرات‌ها همراه است. گروهی که تحت عنوان «اعتدال و توسعه» شناخته شده و در پست‌های قابل توجهی در کابینه دارند. از ریاست سازمان برنامه و بودجه و سخنگویی گرفته تا ریاست دفتر، نتیجه روشن است؛ اگر به این معادله، اختلافات واعظی و جهانگیری که بعد از انتخابات ۹۶ افزایش یافت را نیز اضافه کنیم، مهره اصلی اصلاح‌طلبان در دولت یعنی جهانگیری به جایگاه اصلی خود بازگشته و کاپیتان تیم اقتصادی است. در مقابل از میزان اثرگذاری مهره اصلی اعتدالیون یعنی واعظی کاسته شده است. این موضوع شاید به حذف واعظی از دولت منجر نشود اما گریبان نوبخت را خواهد گرفت. برای همین هم همه گمانه‌زنی‌ها در مورد تغییرات احتمالی دولت با نام او آغاز می‌شود. اظهارات نوبخت در نشست خبری اخیر نشان می‌دهد که او این قضیه را به اندازه کافی جدی نگرفته و اصلاً توجهی ندارد که از اصولگرا تا اصلاح‌طلب خواهان حذف او از دولت هستند؛ مشخصاً کارگزارانی‌ها. شاهد این مدعا علاوه بر فهرست روزنامه‌سازی، حرف‌های حسین مرعشی با روزنامه اعتماد است. او در پاسخ به خبرنگار این روزنامه از ذکر نام فرد خاصی امتناع کرده، اما گفته است: «باتوجه به شناخت و اطلاعاتی که من در اختیار دارم، بخش عمده گلایه‌مندی بیشتر روزها مربوط به سازمان برنامه

روحانی از ابتدای کار با چالش نابسامانی وضعیت اقتصادی مواجه بود و در دولت دوم پیش از قبل تحت فشار قرار گرفت. تغییر تیم اقتصادی یعنی کنار گذاشتن طیب‌نیا و تضعیف جایگاه اسحاق جهانگیری نه تنها به کار نیامد، بلکه اوضاع را بدتر هم کرد. از همین رو در هفته‌های اخیر شاهد چرخشی دوباره و بازگشت جهانگیری بودیم. معاون اول دولت روحانی که در یک سال گذشته به واسطه کاهش نقش اقتصادی خود و مسائل سیاسی دیگر در گروه‌های ناامیدها قرار گرفته بود حالا قدرت بازگشت و خیال ترک پاستور را ندارد. تقویت او اما تمام ماجرا نیست زیرا پیرنگ شدن نقش جهانگیری به عنوان نماینده تکنوکرات‌ها در دولت با ضعف جایگاه بوروکرات‌ها همراه است. گروهی که تحت عنوان «اعتدال و توسعه» شناخته شده و در پست‌های قابل توجهی در کابینه دارند



پایان روابط

هاشمی یا حجتی؟

در حالی که رایزنی‌های فشرده برای انتخاب جایگزین محمدعلی نجفی ادامه دارد، برخی خبرها حکایت از آن دارد که همچنان برای محسن هاشمی لابی‌هایی در جریان است. در تازه‌ترین تحول محسن هاشمی در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا همچنان به عنوان یک گزینه شهرداری تهران باقی هستی یا خیر، گفت: «در این زمینه دیگر امیدی ندارم». این سخن رئیس شورای شهر تهران را می‌توان پایانی قطعی بر احتمال شهردار شدنش دانست. اگرچه هفت گزینه پیشنهادی شورا برای شهرداری تهران چند روزی است مشخص و اعلام شده اما در برخی گمانه‌زنی‌ها همچنان احتمال شهردار شدن هاشمی منتفی نشده بود و این احتمال که شاید در دقیقه ۹۰ دوباره نامش به فهرست نامزدهای نهایی برگردد، وجود داشت. با این حال خود او روز گذشته در این باره این طور اظهار نظر کرد. واقعیت این است که محسن هاشمی با وجود همه مخالفت‌ها و موافقت‌ها و مباحث مطرح شده در مجموع بی‌میل نبود به شهرداری تهران برگزیده شود، به ویژه آنکه هم سال‌ها تجربه کار در این زمینه را دارد و هم به گواه افراد مطلع، تاییدیه‌های لازم را از مقاماتی که نظرشان در رابطه با شهردار تهران شرط است، در اختیار داشت.

با این حال مخالفت‌های صریح و بی‌پرده اکثریتی از اعضای شورای شهر و همچنین جریان‌های سیاسی اصلاح طلبی که شورای پنجم حاصل اتحاد و لیست واحد آنان بود، در نهایت تصمیم بر آن شد که هاشمی در همین سمت کنونی خود، یعنی ریاست شورای شهر باقی بماند. به این مورد باید ميثاق نامه امضا شده اعضای شورای شهر تهران پیش از انتخابات را هم در نظر داشت؛ هر چند هاشمی آن ميثاق نامه را امضا نکرده بود اما توافق بخش مهم و نمادینی از اتحاد و کار جمعی منتخبان شورا به حساب می‌آید. اظهار نظر روز گذشته رئیس شورای شهر تهران درباره انتخاب شهردار پایتخت، البته به همین یک گزاره خلاصه نشد. او همچنین در بخشی دیگر از صحبت خود در جمع خبرنگاران این طور گفت: «شایعانی که در خصوص انتخاب شهردار مطرح می‌شود و اینکه قرار است لیست جدیدی رو شود، صحت ندارد و آنها را رد می‌کنم». او در پاسخ به پرسشی درباره اینکه گفته می‌شود حلقه خاصی در حال انتخاب شهردار هستند، گفت: «قطعا چنین چیزی صحت ندارد و اینها شایعاتی است که در فضای مجازی عنوان می‌شود و به نظر من تخریبی است و اتحاد و انسجام شورا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظر همه افراد البته مهم است و پشت این موضوعات توطئه‌ای نیست». هاشمی همچنین اضافه کرد: «اعضای شورای شهر به صورت جبهه‌ای معرفی شده‌اند و در موارد مختلف احزاب نیز کمیته رایزنی با هفت گزینه نیز توضیح داد: «این افراد مسئولیت این را دارند که بدانند کاندیداها چقدر برای حضور جدی هستند که خوشبختانه تا امروز هفت کاندیدا به‌طور جدی اعلام آمادگی کرده‌اند و در این ملاقات‌ها نیز تاکید شده برنامه‌ها بر اساس کلیات برنامه سوم شهرداری باشد». او در پاسخ به پرسش دیگری درباره اینکه آیا به شمار جوع سه‌باره شده، گفت: «چنین اتفاقی نیفتاده است. همچنین درباره اینکه آیا لیست پنهان دیگری وجود دارد، باید گفت هیچ لیست پنهانی در خصوص گزینه‌های شهرداری وجود ندارد».

در تازه‌ترین تحول در این مورد علی‌اعطاء در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا آقای حجتی از گزینه‌های شهرداری تهران انصراف داده است، گفت: «کسی انصراف نداده است». وی در پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه آیا رئیس‌جمهور مخالف خروج آقای حجتی از وزارت جهاد کشاورزی هستند، گفت: «وی در حال حاضر وزیر آقای روحانی است و حتما تصمیمی بدون هماهنگی با رئیس‌جمهور گرفته نخواهد شد». هم‌زمان سخنگوی دولت، محمود حجتی را وزیر لایق، شایسته، صادق و یکی از افراد آینده‌نگر و آشنا به بخش کشاورزی کشور توصیف کرده و گفته است: «طبیعی است دولت راضی نباشد که چنین فردی را از دست بدهد و باید توجه داشت تقویت شهرداری تهران باعث ضعف قوه مجریه نشود».

مغرب روز سه‌شنبه روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع و حزب الله و سفارت ایران در الجزایر را متهم کرد که به نیروهای جبهه پولیساریو آموزش نظامی داده‌اند. سفارت جمهوری اسلامی ایران در الجزایر با صدور بیانیه‌ای هرگونه رابطه با پولیساریو را رد کرد. مغرب روز سه‌شنبه از زبان وزیر خارجه خود ادعا کرده بود ایران و نیروهای حزب الله لبنان از طریق سفارت ایران در الجزایر با جبهه پولیساریو در ارتباطند و به آنها آموزش و سلاح می‌دهند. جبهه پولیساریو این اتهامات مغرب را ساختگی و دروغ خواند و اعلام کرد این جبهه با ایران همکاری ندارد. جبهه پولیساریو سازمان سیاسی- نظامی در صحرای غربی است. صحرای غربی منطقه‌ای است در شمال غرب آفریقا و جنوب کشور مغرب که جبهه آزادی بخش پولیساریو و پادشاهی مغرب بر سر کنترل آن مناقشه دارند. اسپانیا در سال ۱۸۸۳ میلادی صحرای غربی را به قلمرو خود ملحق کرد و این روند ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۷۳ جبهه پولیساریو تشکیل و این گروه نبرد با دولت مادر را آغاز کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۵ میلادی از دیوان بین‌المللی دادگستری خواست درباره وضعیت صحرا رای صادر کند. این دادگاه وجود روابط تاریخی بین صحرا با مغرب و موریتانی را تایید، اما وجود رابطه حاکمیت و سیطره قانونی میان آنها را رد کرد. در همین حال، توافق سه‌گانه مغرب، اسپانیا و موریتانی منجر به خروج اسپانیا شد. پس از خروج اسپانیا از صحرای غربی در سال ۱۹۷۵ میلادی، صحرای غربی به مغرب الحاق شد. این امر با مخالفت شدید نیروهای جبهه پولیساریو روبه‌رو شد و درگیری‌های شدیدی میان طرفین در گرفت که در سال ۱۹۹۱ میلادی با میانجیگری سازمان ملل متوقف شد. جبهه پولیساریو در سال ۱۹۷۶ از تشکیل کشوری به نام جمهوری صحرا به مرکزیت العیون خبر داد که این خود با درگیری‌هایی در منطقه همراه بود، زیرا مغرب و موریتانی مخالف این امر بودند. مغرب نوعی خودمختاری به صحرای غربی پیشنهاد داده، اما جبهه پولیساریو خواستار برگزاری همه‌پرسی با نظارت سازمان ملل برای استقلال جمهوری دموکراتیک عربی صحرا است. صحرای غربی واقع در ساحل اقیانوس اطلس، تنها منطقه در قاره آفریقا بوده که پس از پایان یافتن دوران استعمار، هنوز وضعیت سیاسی آن نامشخص است. این اقدام مغرب، بلافاصله با استقبال عربستان و برخی دیگر از کشورهای منطقه‌ای روبه‌رو شد. «انور قرقاش»، وزیر مشاور در امور خارجی امارات عربی متحده اولین نفری بود که به این موضوع واکنش نشان داد و حمایت خود را اعلام کرد. وی در صفحه توئیتر خود نوشت: «در رابطه با حساسیت مغرب در خصوص مسائل ملی و مخالفت با دخالت‌های ایران در امور داخلی خود، در کنار مغرب هستیم و سیاست و رویکرد حمایتی ما از مغرب یک میراث تاریخی است». پس از آن وزارت خارجه امارات نیز بیانیه‌ای صادر و اعلام کرد: «امارات در کنار کشور برادر مغرب برای مقابله با هر آنچه امنیت، ثبات و وحدت اراضی اش را تهدید می‌کند، ایستاده است». در ادامه بیانیه مذکور تاکید شده است: «امارات حامی اقدامات مغرب در خصوص هر آنچه امنیت و ثباتش را تضمین می‌کند، ایستاده است که از جمله آنها، تصمیم مهم این کشور در قبال مداخلات ایرانی است». «عادل الجبیر» نیز مانند همیشه اتهاماتش را مبنی بر اینکه ایران در راستای متشنج کردن کشورهای عربی و اسلامی گام می‌دارد، تکرار کرد. وی در صفحه توئیتر خود نوشت: «آنچه ایران از طریق حزب الله در مغرب و آموزش نیروهای پولیساریو انجام می‌دهد، نمونه خوبی از مداخله ایران در امور کشورهای دیگر است. مقامات قطر نیز این اقدام مغرب را تایید کردند». بر اساس گزارش وبگاه «الشرق»، در بیانیه وزارت خارجه این کشور آمده است: «قطر، همبستگی کامل و عمیق خود با کشور برادر مغرب برای حفظ وحدت اراضی در مقابله با تهدیدها را ابراز می‌دارد». وزارت خارجه قطر افزود: «قطر همچنین بر اهمیت حفظ اصولی که روابط میان کشورهای تقویت می‌کنند و مقدمه آنها احترام به حاکمیت کشورها، عدم مداخله در امور داخلی و حل اختلافات قرار دارد، تاکید می‌کند». خالد بن حمد، وزیر خارجه بحرین نیز در صفحه توئیتر خود نوشت: «در کنار مغرب ایستاده‌ایم همانگونه که همیشه کنار ما بوده است، به شدت از قطع روابط این کشور با ایران به خاطر حمایت تهران از دشمنان مغرب با همکاری حزب الله حمایت می‌کنیم؛ خداوند «محمد ششم» و ملت برادر مغرب را حفظ کند». «ایمن الصفدی»، وزیر خارجه اردن نیز در واکنش به این موضوع در حساب توئیتری خود نوشت: «در کنار برادران خود در مغرب ایستاده‌ایم و به آنها در مقابله با هر تهدیدی که امنیت مغرب و ثبات و وحدت اراضی اش را تهدید کند، کمک می‌کنیم». بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان اظهارات منتسب به وزیر امور خارجه کشور مغرب مبنی بر همکاری یکی از دیپلمات‌های ایرانی با جبهه پولیساریو را نادرست و موضوعی خلاف واقع عنوان کرد.



گشت جنجالی

چند روز از ماجرای انتشار یک فیلم در مورد گشت ارشاد در یکی از پارک‌های تهران گذشته است، اما همچنان واکنش‌ها به این موضوع ادامه دارد. تازه‌ترین خبرها حاکی از آن است که از مأموری که در این فیلم دیده شده بود، تقدیر شده است. «در جلسه کمیسیون امنیت ملی با فرماندهان ناجا، در پاسخ به علت تأخیر ناجا در اطلاع‌رسانی درباره حوادث مختلف، سردار اشتی اعلام کردند دو روز بعد از حادثه درگیری خانمی در پارک، مأمور ناجا در محل فرماندهی کل مورد تشویق قرار گرفته و لوح تقدیر از ایشان دریافت کرد.» این توثیق علیرضا رحیمی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی است و به ماجرای ویدئویی اشاره می‌کند که در هفته‌های گذشته درگیری نیروهای گشت ارشاد با دختری را نشان می‌داد که در آن یک زن جوان به گشت ارشاد معترض بود و در مقابل، مأمور گشت ارشاد با او برخورد کرد. شدت تأثیر این ویدئو در اذهان عمومی به حدی بود که ناجا بلافاصله اطلاعیه منتشر کرد و وزارت کشور دستور پیگیری داد و اخباری نیز درباره در انتظار خدمت قرار گرفتن نیروی متخلف منتشر شد؛ اما حالا پس از اتفاقات دومینواری که از هفته گذشته در این باره روی داده، خبرها حاکی از تشویق و اهدای لوح تقدیر به این مأمور گشت ارشاد است. در یک واکنش به این ماجرا حجت‌الاسلام علم‌الهدی، امام جمعه مشهد، در خطبه‌های نماز جمعه در سخنانی این طور عنوان کرد: «پلیسی در اجرای برنامه پلیسی خود خطا کرده و باید به آن رسیدگی شود. حال یکبار همه دستگاه‌های کشور راه می‌افتند تا بعد از این کسی با بی‌حجاب برخورد نکند؛ یعنی چه؟ ندا بر ضد قرآن و ندا بر ضد فریضه امر به معروف و نهی از منکر، آن هم در مجلس؟». فرمانده ناجا، سردار حسین اشتی نیز در سخنانی گفت: «حتی اگر مورد هجمه واقع شویم، کوتاه نمی‌آییم.» اشتی افزود: «در اجرای مأموریت‌ها، همواره بر «آموزش نیروها» و «استانداردسازی و تعالی رفتار کارکنان» تأکید داریم و از نیروهایی که بر مبنای وظایف قانونی ایفای نقش می‌کنند، حمایت می‌کنیم». او با بیان اینکه دنبال اجرای وظایف ذاتی و قانونی خود هستیم و فارغ از مصلحت‌اندیشی‌های جناحی عمل می‌کنیم، گفت: «اجرای طرح‌های امنیت اخلاقی را با قوت دنبال می‌کنیم و باید این طرح‌ها با برنامه، مستمر، مقتدرانه و هوشمندانه اجرایی شوند». در همین حال، فاطمه سعیدی، عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «شرق» درباره اهدای لوح تقدیر به نیروی گشت ارشاد می‌گوید: «آنچه مردم از چهره نیروی انتظامی طلب می‌کنند، صراحت، جدیت و در عین حال سعه صدر و همچنین آرامش در حین برخورد با افراد متخلف است. تحت هر شرایطی، نیروی خدمت انتظامی نباید رفتاری از خود نشان بدهد که به تشویش اذهان منجر شده و رابطه مردم و پلیس را مخدوش کند. فیلم منتشرشده از برخورد نیروی انتظامی با دختران، حتی در صورت صحنه‌سازی بودن، باعث جریحه‌دار شدن قلب مردم و بی‌اعتمادی احتمالی جوانان به گشت ارشاد می‌شود؛ بنابراین از پلیس انتظار می‌رود با مردم صحبت کند و جدای تقدیر از نیروی خود، سعی در دلجویی از جوانان کند.» همچنین علیرضا رحیمی، نماینده منتشرکننده خبر اهدای لوح به گشت ارشاد نیز تأکید می‌کند: «آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که احترام به افکار عمومی، موضوع بسیار مهمی در کل حاکمیت محسوب می‌شود و خواست عمومی هم موضوع مهمی است که قاعدتاً نباید احساسات جامعه را جریحه‌دار کرد و نکته درخور توجه این است که پلیس باید حافظ امنیت باشد و بخش شایان توجهی از امنیت را نیز امنیت روانی تشکیل می‌دهد. وقتی شهروندان احساس امنیت روانی بکنند، طبعاً احساس خوبی نیز به پلیس خواهند داشت و اگر احساس ناامنی بکنند، احساسشان به پلیس مخدوش می‌شود و مخدوش شدن اعتماد به پلیس، بزرگ‌ترین خسارت هم برای پلیس و هم برای کشور است و قاعدتاً یک پلیس حرفه‌ای، حتماً باید به سمت تقویت اعتماد عمومی از طریق مسیر امنیت برای همه حرکت بکند.» او تأکید کرد: «به‌هرحال همه در برابر قانون یکسان هستند و اگر تخلفی از جانب مأموری اتفاق افتاده، آن تخلف باید رسیدگی شود؛ به‌ویژه وقتی حادثه‌ای فراگیر شده و مردم از آن مطلع هستند و همه انتظار واکنش در قبال این حادثه را دارند.» رحیمی در پایان خاطر نشان کرد: «نکته درخور توجهی که ما در جلسه مشترک خدمت آقای اشتی گفتیم، این بود که واکنش رسانه‌ای پلیس به وقایع جامعه، بسیار ضعیف است و افکار عمومی انتظار دارند پلیس اطلاع‌رسانی به‌موقع داشته باشد و موضع‌گیری خود را در قبال اتفاقات مشخص کند.»



داعشی‌ها در دادگاه

اولین جلسه رسیدگی به اتهامات عوامل گروهک تروریستی داعش در حمله به مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام راحل، هفته گذشته در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی صلواتی و با حضور مستشاران موکلان و نماینده دادستان به صورت علنی برگزار شد. پس از قرائت موادی از آیین دادرسی کیفری از سوی قاضی صلواتی، ریاست دادگاه، از نماینده دادستان خواسته شد در جایگاه حاضر شده و به قرائت کیفرخواست متهمان بپردازد. نماینده دادستان با حضور در جایگاه به قرائت کیفرخواست هشت نفر از متهمان این حادثه پرداخت و گفت: «در این جلسه کیفرخواست هشت نفر از این متهمان قرائت می‌شود که متهم اول به اتهام بغی به علت حضور در گروهک تروریستی داعش و ورود غیرمجاز به کشور، قاچاق مهمات و اسلحه جنگی، جعل سند و شناسنامه، حمل و نگهداری سلاح جنگی، حمل و نگهداری گاز اشک‌آور در تاریخ ۹۶/۲/۲۰ بازداشت شده است.»

او گفت: «متهم دوم به اتهام معاونت در افساد فی الارض و حمل و نگهداری سلاح جنگی سبک و سنگین در ۹۶/۳/۱۹ بازداشت شده است. متهم سوم به اتهام معاونت در افساد فی الارض مستوجب اعدام، جعل شناسنامه، خرید، حمل و نگهداری اسلحه، نفر چهارم به اتهام افساد فی الارض، نفر پنجم به اتهام بغی به علت عضویت در گروهک تکفیری داعش، نفر ششم به اتهام معاونت افساد فی الارض مستوجب اعدام، خرید و حمل سلاح جنگی، نفر هفتم به اتهام معاونت در افساد فی الارض تهیه و حمل و نگهداری سلاح جنگی، استفاده از سند مجعول و نفر هشتم به اتهام افساد فی الارض مستوجب اعدام، تهیه حمل و نگهداری سلاح جنگی سبک و سنگین، مخفی کردن متهمان و اسکان تیم ترور برای آنها کیفرخواست صادر شده است.» نماینده دادستان افزود: «اواخر بهمن سال ۹۵، یک تیم عملیاتی ترور با ترکیبی چهارنفره و به صورت سازماندهی شده از کشور عراق به سمت کرمانشاه عزیمت می‌کنند. با ورود این افراد، این تیم پشتیبانی به سمت مرزها رفته و آنها را در شهرهای استان کرمانشاه اسکان می‌دهند و در مدت ۲۴ روز اسکان این افراد با ارتباط‌گیری با عوامل خود، سعی کردند هسته‌سازی و یارگیری کنند. در تاریخ ۹۶/۳/۱۶ دو نفر از افراد جذب شده از ایران به همراه سه نفر از افراد وارد شده به ایران با یک خودروی پرآید عازم تهران شده که در تاریخ ۹۶/۳/۱۷ اقدام به عملیات ترور می‌کنند که در نهایت منجر به شهادت ۱۸ نفر و مجروح شدن ۴۰ نفر می‌شود.» او در ادامه به قرائت کیفرخواست هر یک از متهمان به صورت جداگانه پرداخت و گفت: «س. یکی از این متهمان است که در سال ۹۴ از کشور خارج و به داعش ملحق شده است. او در سال ۹۶ به همراه تیم تروریستی به صورت غیرمجاز و با کمربند انفجاری به کشور وارد و با یک شناسنامه جعلی در یک خانه اجاره‌ای مستقر می‌شود. بر اساس گزارش‌ها علت عدم همراهی این فرد با تیم عملیاتی به تهران، ادامه فعالیت‌ها برای سایر اقدامات بوده است.» او افزود: «از این متهم سلاح کمری، ۱۴۰ عدد فشنگ، چندین عدد گوشی، مقادیری دلار، دینار، پول نقد ایرانی، لپ‌تاپ، دوربین عکاسی، خشاب اسلحه، کمربند انفجاری، اسپری گاز اشک‌آور و شناسنامه جعلی کشف شده است.»

نماینده دادستان ادامه داد: «نامبرده تا مدت زمانی گرایش‌های تکفیری داشته و به آنها پایبند بوده و در جذب افراد دیگری به این اعضا، نقش موثری داشته است. متهم در سال ۹۱ به گروهک پیوسته و جزو این گروهک بوده است.»

در ادامه قاضی صلواتی گفت: «در حال حاضر هشت نفر از ۲۶ متهم این پرونده در جلسه حاضر هستند که فعلاً به اتهامات این هشت نفر رسیدگی می‌شود.» در ادامه قاضی صلواتی، رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران از خانواده شهیدای مجلس خواست در صورت تمایل در جایگاه حاضر شده و مطالب خود را عنوان کنند. پس از این موضوع داوود تیموری، برادر شهید جواد تیموری در جایگاه حاضر شد.

در ادامه دختر شهید زارع در جایگاه حاضر شد و گفت: «آقای قاضی من هم تقاضای اشد مجازات را برای این متهمان دارم.» در ادامه یوسفی، کارمند اداره رفاه مجلس شورای اسلامی در جایگاه حاضر شد و گفت: «من به‌عنوان نماینده‌ای از مجلس شورای اسلامی در جلسه حاضر هستم و به صورت جدی پیگیر کارهای شهدا خواهم بود.»





حمله به ظریف

محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه هفته گذشته به مناسبت روز معلم در دانشگاه امیرکبیر حضور یافت. برخی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر پس از پایان سخنرانی وزیر خارجه به اتومبیل ظریف حمله کرده‌اند. یکی از دانشجویان گفت: «برخی با حرمت شکنی با مشت و لگد به خودروی وزیر آسیب رسانده‌اند. حضور رئیس دستگاه دیپلماسی موجب شد برخی از دانشجویان منتقد عملکرد وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی با دست گرفتن پلاکاردهایی نسبت به حضور وی در دانشگاه امیرکبیر اعتراض کنند. این دانشجویان در تابلوی نوشته‌های خود نوشته بودند: «روزه سکوت خود را نسبت به فلسطین بشکنید»، «مردم یمن یادتان هست؟»، «کوتاه آمدن مساوی است با گستاخی آمریکا». در یکی از این تابلو نوشته‌ها عکس قدم زدن ظریف و کری منتشر شده بود که در آن نوشته شده بود «آقای ظریف با من نیز قدم بزن». همچنین تابلو نوشته‌هایی با مضمون اینکه: «آقای ظریف! ایران از حضورش در منطقه پشیمان نیست»، «همان طور که برجام هسته‌ای نتوانسته مشکلات اقتصادی مردم را حل کند برجام موشکی نیز گرهی نمی‌گشاید»، «روزه سکوت خود را نسبت به مساله فلسطین بشکنید»، «باید از بدحسابی‌های آمریکا در برجام تجربه آموخت»، «وزیر امور خارجه: برجام گچ را از پای شکسته ایران در برخورد با تحریم‌ها باز کرد»، «اقتصاد مقاومتی، دلار»، «سلاح تهدید با اقدام و عمل بی اثر است نه با لخبند».

مراسم خصوصی

در حالی که رسم است مراسم عمامه گذاری با حضور چند نفر از طلاب برگزار شود و بعد آنها به صورت دسته جمعی ملیس به لباس روحانیت شوند، هفته گذشته در حسینیه جماران، این مراسم بر خلاف سنت مألوف به طور یک نفره و اختصاصی برای سید احمد خمینی، فرزند سید حسن خمینی برگزار شد. این مراسم، در لوی برگزاری جشن میلاد امام زمان (عج) برگزار شد و در انتهای آن مراسم، عمامه گذاری نتیجه امام خمینی بجا آمد. در این مراسم که در آن چهره‌های سیاسی و بعضی از نمایندگان مجلس دیده می‌شدند. از دیگر چهره‌هایی که در این جمع حضور داشتند، می‌توان به محسن هاشمی و فرزندش عماد و نیز مهدی هاشمی اشاره کرد. سایت جماران در این مورد نوشت: «مراسم جشن نیمه شعبان با حضور اعضای بیت امام، آیت الله سید علی محقق داماد، آیت الله موسوی بجنوردی و جمعی از علما و شخصیت‌ها در حسینیه جماران برگزار شد. در این مراسم، جمعی از قاریان قرآن آیاتی از کلام الله مجید را قرائت کردند و چند تن از مداحان اهل بیت (ع) به مدح حضرت صاحب الزمان (عج) پرداختند.» در پایان نیز سید احمد خمینی با حضور علما و روحانیون حاضر ملیس به لباس روحانیت شد و آیین عمامه گذاری توسط آیت الله سید علی محقق داماد برگزار شد. احمد خمینی، فرزند ارشد سید حسن خمینی و نوه مرحوم سید احمد خمینی، فرزند امام خمینی، است. او متولد سال ۱۳۷۷ است و ۲۰ سال دارد. حسن خمینی به غیر از احمد، دارای دو دختر و یک پسر دیگر است. همسر او، ندا بجنوردی، فرزند آیت الله موسوی بجنوردی است.

تازه‌ترین خبر که برخی رسانه‌ها آن را منتشر کرده‌اند، دعوت حسن روحانی از علی لاریجانی برای پیوستن به جلسات چهار نفره در منزل رئیس جمهور است. برخی بر این باورند که این جلسه تلاشی برای تقویت ائتلاف اصلاح طلبان و اعتدال گرایان است، آن هم در آستانه نزدیک شدن به موعد برگزاری انتخابات مجلس. در این میان برخی خبرها حکایت از این دارد که در صورت تداوم این جلسه، علی لاریجانی نیز به جمع این ۴ نفر اضافه خواهد شد. محمد عطریانفر در گفت‌وگویی در این مورد اظهار داشته است که شاید در آینده آقای لاریجانی به این جمع اضافه شود. در اظهار نظری دیگر در این مورد جعفرزاده، نایب رئیس فراکسیون ولایی گفته است که جای لاریجانی در این جلسات خالی است. آقای لاریجانی شخصیت بزرگی است که باید از وجودش استفاده کنند.

کارت دعوت برای لاریجانی



حمله به آخوندی

اکبر ترکان، مشاور عالی رئیس جمهور در امور هماهنگی نوسازی بافت‌های فرسوده و ناپایدار شهری که چندی پیش به واسطه آیین نامه جدید وزارت راه و شهرسازی برای لغو اجاع نظارت به سازمان نظام مهندسی، عباس آخوندی را فردی مستبد خوانده بود، این بار در گفت‌وگویی دیگر نه تنها بر این ویژگی آخوندی تاکید کرد، که ویژگی لجبازی را هم بر آن افزود. ترکان در این گفت‌وگو این آیین نامه را نظر شخصی وزیر راه و شهرسازی خواند و آن را در هیئت آیین نامه قلمداد نکرد. به گفته او، این نظر شخصی زمانی قانونی است که به تصویب هیات دولت برسد، اما مصوبه‌ای برای آن وجود ندارد. ترکان در واکنش به اظهار نظر حامد مظاهریان، معاون وزیر راه و شهرسازی که به نمایندگی از وزیر، از مخالفان این آیین نامه که آن را غیرقانونی می‌دانند، دعوت کرده بود به دیوان عدالت اداری شکایت ببرند، خطاب به آخوندی گفت: «این درست است که ایشان قانون شکنی کند، به سراغ قوه قضائیه برویم. این مشکل در داخل دولت قابل حل است. پیشنهادم این است که آقای آخوندی، خودشان را عضو دولت بدانند و کارهایشان را با دولت حل کنند.»



شایعات دور سر محمود

از بازداشت تا تعلیق حکم

سراسر جهان گفت که منتظر ظهور هستند؛ از هر دین و ملت. هر چند او می گفت «اسم» را نمی دانستند اما وقتی شرح می دادند که منتظر چه هستند، نشانی امام زمان را می دادند. مرد عصبی این روزهای سیاست، هر چند به تندی مواضع قبلی خود اظهار نظری نکرد اما به حرف های پیشین خود ارجاع داد و به شنوندگانش اطمینان داد که «اتفاق بزرگی در پیش است». او موضع گیری های تندی را که در دنیای امروز می شود، نشانه ای «از خالی شدن زیر پای صاحبان قدرت و ثروت» دانست، «هر چند خودشان ندانند». محمود احمدی نژاد

نخواهد بود. «هیچ یک از این شایعات نتوانست مانع از برگزاری جشن و سخنرانی احمدی نژاد شود. این مراسم در پارکینگ خانه ای در ضلع شمال شرقی میدان ۷۲ نارمک برگزار شد. خانه احمدی نژاد در بن بست هدایت واقع شده است، ضلع شرقی میدان. از پارکینگ که مولودی و سخنرانی احمدی نژاد در آن برگزار شد تا خانه او کمتر از صد قدم فاصله است. در برخی از میدان های شرق تهران بناهایی برای اطلاع رسانی این برنامه به چشم می خورد. پلیس دو خیابان منتهی به میدان ۷۲ را بسته بود و با فاصله مراقب

هفته گذشته یک خبر فضای رسانه ای را درگیر خود کرد. سایت تابناک رسانه نزدیک به محمود احمدی نژاد مدعی شد که محمود احمدی نژاد دیگر نمی تواند به جلسات مجمع تشخیص برود. در روزهای هفته گذشته خبر تعلیق عضویت محمود احمدی نژاد از مجمع تشخیص مصلحت نظام دست به دست می شد، اما صحت و سقم این موضوع در هاله ای از ابهام قرار دارد که برخی نمایندگان مجلس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام با احتیاط درباره آن اظهار نظر می کنند.

هر چند مصطفی میرسلیم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به سوالی در رابطه با صحت تعلیق عضویت محمود احمدی نژاد از مجمع تشخیص مصلحت نظام تنها به گفتن «این خبر شایعه است» اکتفا کرد و حاضر نشد توضیح بیشتری بدهد اما محمد علی پورمختار، نماینده اصولگرای مجلس دهم به صورت غیر مستقیم احتمال این موضوع را دور از واقعیت ندانست. او در این رابطه با بیان اینکه از تعلیق عضویت محمود احمدی نژاد خبری ندارم، درباره چرایی این شایعات گفت: «از آنجایی که احمدی نژاد رفتارهای غیر منطقی و غیر قابل قبولی از خود نشان داده است، نمی توان این رفتارها را در جهت مصلحت نظام و کشور دانست.»

او ادامه داد: «امروز ما با انواع تهدیدات داخلی و خارجی مواجه هستیم به صورتی که هجمه های بسیاری علیه سه قوه به راه افتاده، وقتی فردی چون احمدی نژاد جلودار این موضوع می شود واضح است که راه اشتباه انتخاب شده است.»

او ضمن بیان اینکه احمدی نژاد با انواع سخنرانی ها و رفتارها تلاش می کند مردم را تحریک کند، گفت: «البته نباید به شایعات خیلی توجه کرد به هر حال این موضوع به سیاست های کلی نظام بازمی گردد و بر اساس حکمت های که معاون قوه قضائیه نیز پیش از این مطرح کرده بود، تصمیم گیری می شود.» یکی دیگر از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام که خواست اسمی از او برده نشود نیز گفت: «موضوع تعلیق عضویت احمدی نژاد را برای اولین بار از زبان شما می شنوم و خبری در این رابطه ندارم و فکر می کنم تنها یک جوسازی باشد.»

اما صبح سه شنبه کانال های نزدیک به اصولگرایان همچون «آخرین خبر» و «خبر فوری» خبر بازداشت احمدی نژاد را روی خروچی های ایشان قرار دادند. در همین رابطه یک منبع آگاه در گفت و گو با آنا این خبر را تکذیب کرد و گفت: «این اخبار به هیچ وجه صحت ندارد و شایعه است.» این خبر در حالی در فضای مجازی دست به دست می شود که در کانال تلگرامی دولت بهار منتسب به تیم رسانه ای احمدی نژاد متنی به شرح زیر منتشر شده است: «صبح امروز خبر کذب در یکی از رسانه های گمنام پیرامون دکتر احمدی نژاد منتشر شد که بلافاصله توسط رسانه های هر دو جناح سیاسی پوشش داده شد. فارغ از انگیزه های پیدا و پنهان رسانه های متصل به جریان قدرت از انتشار این گونه خبرها، به نظر می رسد جریان های فاسد سیاسی بیشتر آرزوهای خود را در قالب شایعات بیان می کنند، در شرایطی که پرسش های زیادی در افکار عمومی پیرامون عملکرد ناعادلانه قوه قضائیه در پرونده های سیاسی وجود دارد و دولت نیز ناتوان از عمل به وعده های انتخاباتی، بحرانی ترین شرایط را در افکار عمومی دارد، پخش این گونه شایعات کذب کارکرد انحراف افکار عمومی از مطالبات اصلی و اساسی مردم را دارد که البته هرگز کارگر



از جهانی گفت که همه راه را امتحان کرده و دیگر خسته شده است. جهانی که به تعبیر او راست، چپ، میانه، بالا و... را آزموده و به نتیجه نرسیده است. ساعت ۸ نشده بود که احمدی نژاد صحبت های خود را به پایان برد و راهی خانه شد.

ماجرای حکم ارتداد

روح الله احمدزاده کرمانی، معاون احمدی نژاد و رئیس سازمان میراث فرهنگی در دولت دهم، با انتشار مطلب کوتاهی در کانال تلگرامی خود نوشت: «شنیده ها حکایت از اتهامات سنگین امنیتی در پرونده یکی از اعضای اصلی جریان انحرافی دارد. همچنین وجود برخی از اسناد و مدارک و اقاویر، احتمال صدور حکم ارتداد! را در خصوص این فرد، افزایش داده است.»

وی با انتشار مطلبی در کانال خود از ادعای دو رسانه که این موضوع را به مشایخی نسبت داده بودند انتقاد کرد و نوشت: «از این بداخلاقی رسانه های به اصطلاح اصلاح طلب و اعتدالگرا و اذتاب خارجی شان به خدا پناه می برم که بدون آنکه از کسی نامی ببرم، سریع مصداق معین می کنند تا خبرشان بیشتر بازدید بخورد، ولو به قیمت بی آبرو کردن یک انسان که سیستم محترم قضایی در حال بررسی پرونده وی است.»

برنامه بود. با توجه به محل مراسم، پلیس بیشتر در غرب میدان ایستاده بود، جایی که مردم کمتر حضور داشتند. در میانه میدان و سمت شمالی آن سالمندان زیادی به چشم می خوردند که بیشتر از اهالی همان منطقه بودند. متولیان مراسم، ورود و خروج افراد را به خانه کنترل می کردند. با توجه به فضای مراسم، خانم ها نمی توانستند وارد پارکینگ شوند. عده ای جوان، مردانی که قصد ورود به پارکینگ داشتند را می گشتند. داخل موقت شده بود و مداحی، مشغول مولودی خوانی بود و مردم هم در حال فیلم گرفتن و گاهی هم دست زدن.

بهمین شریف زاده، روحانی نزدیک به مشایخی و علی اکبر جوانفکر از دولتمردان دوره سکان داری احمدی نژاد در مقام ریاست جمهوری، از همراهان او در این مراسم بودند. حدود ساعت ۷ شب بود که رئیس دولت نهم و دهم آماده سخنرانی شد. محور اصلی حرف های احمدی نژاد درباره امام زمان بود. او از موجی در جهان سخن گفت که دیگر قابل بی اعتنایی نیست؛ موجی که به «پاس ایستادگی ملت ایران» به وجود آمده است. محمود احمدی نژاد به شنوندگان گفت: «اگر بخوایم خاطرات خود را درباره این موج بگویم باید چهار ساعت صحبت کنم.»

او در ادامه از مواجهه خود با افراد متفاوتی در

پیام به واشنگتن

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان تغییر مواضع مایک پامپئو درباره برجام را با طرح پرسشی زیر سوال برد. در پیام توئیتری ظریف آمده است: «در ۱۲ آوریل، مایک پامپئو [در نشست ادای توضیحات کمیته روابط خارجی سنا] اظهار داشت که نیازی نیست درباره ابطال [خروج از] برجام نگران بود، زیرا ایران «نه پیش از توافق به دنبال سلاح هسته‌ای می‌شناقت» و نه پس از آن «به دنبال سلاح [هسته‌ای] می‌شناقت»، اما هم‌اکنون می‌گوید «زمان ارزیابی دوباره این پرسش است که آیا می‌توان به ایران برای غنی‌سازی هرگونه ماده هسته‌ای اعتماد کرد یا خیر». باین حساب کدام یک از این اظهارات آرا باید در نظر گرفت؟



روز خلیج فارس

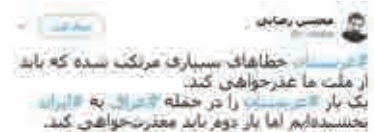
محمدحسین مهدویان، کارگردان با تئریک روز ملی خلیج فارس در اینستاگرامش نوشت: امروز روز ملی «خلیج فارس» است. دهم اردیبهشت سال هزارویک هجری شمسی، نیروهای ایرانی با رهبری امام‌قلی خان، جزیره هرمز را که در اشغال نیروهای پرتغالی بود، آزاد کردند تا خلیج فارس، برای همیشه فارس بماند. امروز شاید از شهادی این جنگ سخت که در برابر یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های آن زمان اتفاق افتاد، نامی بر جا نمانده باشد اما شجاعت و مردانگی سربازان ایرانی که برای حفظ هویت و مرزهای این سرزمین پاک از جان‌شان گذشتند، تا همیشه مایه افتخار زنان و مردان ایرانی است. این سرمایه‌ای است که آسان به دست نیامده و آسان هم از دست نخواهد رفت. محمدحسین مهدویان همچنین نوشت: «عکس بالا از ویکی پدیا برداشته شده و تزئینی نیست. این تصویر تابلوی قدیمی یک خیابان در قاهره پایتخت مصر است که نام خلیج فارس را بر خود دارد.»



سبک زندگی یک مرجع تقلید



تفسیر حداد عادل از وضعیت فضای مجازی



محسن رضایی به عربستان هشدار داده است



اگه خودت وزیر ارتباطات بودی، حاضر بودی به خاطر به تلگرام بری زندان یا فقط از بقیه طلبکاری؟ وزرا و کارمندان دولت هم مجبورند از قانون پیروی کنند. قدرشناسی نکنید تا همین الان هم که سعی کردند فیلترش نکنند خوب بوده. مشکل اینجاس که یه مشت موجود مریض یا آدمای بی ظرفیت درست از تلگرام استفاده نکردند، درگیری‌های دی ماه پارسال رو ایجاد کردند و کشور رو به آشوب کشوندند، حالا به غیر از خلافتکاری‌های دیگه‌ای که می‌کردند. حالا ما باید پاسوز اینا بشیم، این دیگه تقصیر دولت نیست.

اگه ترامپ برجام رو پاره کنه، بیشترین خدمت روبه ایران کرده و ملت ما رو از یوغ کاغذپاره برجام نجات میده.

آقای ظریف چطور می‌کنی در مقابل این همه فشارهای دیپلماتیک در سطح جهان و منطقه فقط و فقط پیام توییتری بدی!

سلبریتی کجایی؟ فقط از تولید خارجی یعنی تلگرام دفاع میکنی؟ پس جوان متخصص ایرانی چه؟

متاسفانه دولت روحانی برای این که برجام حفظ شود، کلی تعهد اضافه هم دادند که سال‌ها برای کشور هزینه‌اش باقی است مثل پالرمو، fat، کره شمالی کرد.

این بازیگران چون در فیلم‌ها نقش‌های متفاوتی مثلا دکتر و مهندس و... رو بازی می‌کنند، واقعا باورشون می‌شه مثلا دکتر شدند، گرچه این عناوین به خودی خود چیزی از انسانیت و فهم اجتماعی آدم اثبات نمی‌کند ولی این دست هنرورهای دست‌چندم واقعا دارند گند می‌زنند به هر چی امنیت و سلامت اجتماعی جامعه و یک عده هم این را باور دارند. خدا کند همه ما به راه راست هدایت شویم و ثابت قدم هم بمانیم.

فرانسه مهد دموکراسی تظاهرات صنفی کارگران را به شدیدترین خشونت‌ها پاسخ میده، روشنفکرهای غربی زده حالا کجا هستن؟ خیلی دموکراسی کشورهای غربی را به رخ می‌کشید، خوبه فقط تظاهرات صنفی بوده اگه قرار بود علیه کل حاکمه فرانسه تظاهرات کنند چه می‌شد.



جنایتی که توسط تلگرام انجام شد، شاید داعش انجام نداد؛ از دادن امکانات به تروریست‌ها در انجام جنایت در ایران گرفته تا...

با خروج ترامپ از برجام ایران باید از فرصت استفاده کند و حالا که همه دنیا و اروپا و چین و روسیه ترامپ را مقصر فروپاشی برجام می‌دانند ایران هم باید فوری از برجام و ان پی تی خارج شود و فیتیله بحران را تا حد ممکن بالا ببرد و وقتی حسابی بحران تبدیل به مسئله اول دنیا شد و خطر جنگ هر لحظه انوقت مواضع صلح دوستانه بگیرد. دقیقا مانند کاری که کره شمالی کرد.

اصولا اصلاح طلبان هیچ وقت نتوانسته‌اند همگی با هم زیر یک سقف جمع شوند! اما اینکه این مساله چه زمانی برای مردم ایران و تهران مایه عبرت و تنبه شود، مشخص نیست! مجلس ششم، دولت دوم خاتمی و عبور از خاتمی، شورای اول و شورای پنجم.

ادامه حیات با این برجام که حتی با بودنش هم نمی‌شود تجارت کرد و تکنولوژی وارد کرد و تبادلات فرهنگی و علمی و اجتماعی داشت، در دراز مدت ایران را تبدیل به کشوری عقب مانده و ویرانه خواهد کرد

حاضریم قسم بخوریم اگر اون جوان توسط پلیس مهار نمی‌شد، همین جماعت معتاد به هشتگ بازی تسلیت تسلیت راه می‌انداختند و کنار یک مثنوی انتقاد می‌فرمودند. همین دیگه یه امنیت بود که اونم نداریم. شاید هم خواستار ۲۰۳۰ برای جوانان می‌شدند، الله اعلم.



متاسفانه درحالی که طرف مقابل از آخرین تکنیک‌های جنگ روانی استفاده می‌کند تا منافعش را پیش ببرد، رسانه‌های ما به مسخره کردن و واکنش‌های سطحی بدون ارائه دلیل بازی را به آنها واگذار می‌کنند. در این برهه زمانی پاتک رسانه‌ای متمرکز با انتشار اطلاعات طبقه‌بندی شده سلاح‌های غیرمجاز آنها در کنار تصاویر آدم کشی‌های آنها امری ضروری است.

با سلام. از همون اول مذاکرات برجام نقشه و خباثت آمریکا و اروپا معلوم بود. می‌خواستند تا آنجا که ممکن است با دست خودمان برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را از بین ببریم و بعدش هر چی باقی ماند را در فشارها و کلک‌های بعدی؛ البته برجام می‌تونه با مقاومت مردم و مثلا دولت به مثابه شمشیر دولبه بر ضد دشمنان ایران تبدیل بشه.

نمونه واقعی فرانک آندروود

جمع جنگ طلبان در کاخ سفید کامل می شود

ثروتمند بوده که می‌بایست بخشی از ثروت خود را به آمریکا ببخشد. ترامپ شناختن از شخصیت بن سلمان را نیز پنهان نمی‌کند، بن سلمانی که در قراردادهای میلیاردری تسلیحاتی با آمریکا بخل نوزید؛ قراردادهایی که هزاران فرصت شغلی برای آمریکایی‌ها ایجاد می‌کند و این چیزی است که موجب شود آب دهن ترامپ سرازیر شود تا آنجا که مقابل دوربین‌ها خطاب به بن سلمان بگوید که این پول‌ها برای شما پشیزی بیش نیست، بیشتر بخرید. متحد دیگر عربی آمریکا در فرآیند فوق، امارات و ولیعهد آن محمد بن زاید است. نام بن زاید به عنوان واسطه و نقش در دوره انتقالی، یعنی بین پیروزی در انتخابات تا تصدی رسمی سمت ریاست جمهوری آمریکا به کرات شنیده شد. نقش او، ایجاد مسیرهای مخفی برای برقراری تماس با کرملین است. رسانه‌ها از روابط عمیق ترامپ با بن زاید نیز سخن گفته و نقش او را در ارتباط با سیاست آمریکا در خلیج فارس تاثیرگذار بر شمرده‌اند، اما مدتی در این مورد وجود ندارد. برخی منابع می‌گویند دلیل برکناری رگس تیلرسون، وزیر خارجه پیشین آمریکا توسط ترامپ، گزارش‌هایی است که امارات در ارتباط با ترنمش تیلرسون در تعامل با قطر در موضوع اختلافات محوری عربی در اختیار رئیس‌جمهور آمریکا قرار داده است.

اسرائیل و تکمیل مربع دشمنان ایران

ترامپ، همچنین رئیس‌جمهور رویایی برای اسرائیلی‌ها نیز هست، او خطوط قرمز را برای کسب رضایت اسرائیل زیر پا گذاشته و دستور انتقال سفارت آمریکا به قدس را داده است؛ به اعتراضات کشورهای اسلامی در این خصوص توجهی نکرده و رویکردش نسبت به روند صلح فلسطین-اسرائیل، به شدت به ضرر طرف فلسطینی است، همان‌طور که مخالفتی با شهرک‌سازی اسرائیلی‌ها در فلسطین ندارد.

نتیجه‌گیری

سه متحد منطقه‌ای آمریکا، به مواضع خصومت‌آمیز خود علیه ایران پایان نمی‌دهند و خواستار تشدید سیاست‌های آمریکا علیه سیاست منطقه‌ای ایران شده‌اند، اما در این میان، بن سلمان، کینه و دشمنی خاصی نسبت به ایران نشان داده و در بیش از یک مناسبت، ایران را به آلمان هیتلری تشبیه کرده است. بن سلمان از آمریکا می‌خواهد شدت عمل بیشتری برای مقابله با ایران نشان دهد و از آن فراتر رفته و می‌گوید دستیابی به نقطه نظرات مشترک با ایران غیرممکن است. او حتی تهدید کرده که منتظر نمی‌ماند که جنگ در عربستان صورت گیرد، بلکه تلاش خواهد کرد جنگ را به داخل ایران بکشاند. هیچ کنفرانس خبری یا دیداری بین ترامپ و شخصیت‌هایی از سه بازیگر فوق‌فوق نمی‌دهد، مگر اینکه در آن نامی از ایران برده شود. پیش از این، جان کری، وزیر خارجه سابق آمریکا گفته بود: «هرکدام از آنها به من گفت: باید به ایران حمله کنید... این تنها چیزی است که در تهران فهمیده می‌شود». او با این جمله، پرده از تلاش‌های مصر، عربستان و اسرائیل بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ برای اقناع واشنگتن جهت حمله نظامی به ایران برداشت. آنها در آن برهه امید داشتند که تنش میان آمریکا و ایران رو به تشدید نهد، اما در شرایط کنونی این امری است که گویا چراغ سبز را به اسرائیل و دیگر دشمنان ایران نشان داده است. این سخن پس از تنش‌های روی داده در سوریه طی دو ماه گذشته به وضوح شنیده شد. با این تفاسیل، اگر بپذیریم که سیاست ترامپ، کمک به متحدان است خواه بحق باشند یا ناحق، در آن صورت تبعید نیست که برای نشان دادن پایبندی به اتحاد فوق به خصوص اگر برای منافع آمریکا در میان باشد، تنش‌ها در منطقه علیه ایران با همراهی دیگر متحدان منطقه‌ای در آینده رو به تصاعد بگذارد.

<https://www.sasapost.com/would-trump-declare-war-on-iran/>

در سریال معروف خانه پوشالی، کاراکتر رئیس‌جمهور آمریکا، فرانک اندروود، آنجا که ابعاد رسوایی او در حال آشکار شدن بود، اجازه داد که یک گروه تروریستی، یکی از گروه‌های آمریکایی خود را گردن بزند، تا با ظهور بر صفحه‌های تلویزیون و اعلام اینکه آمریکا «در وضعیت جنگی» قرار دارد، افکار عمومی را از تخلفات داخلی خود منحرف کرده و برای مقابله با تروریسم خیالی جامعه را با خود متحد کند. این گونه بود که در سریال مذکور، اندروود با فرار به جلو از احتمال برکناری جان سالم به در برد.

به نظر می‌رسد اوضاع امروز ترامپ بی‌شباهت به شرایط کاراکتر فرانک اندروود در سریال مذکور نیست. همان‌حربه همیشگی، تحریک جنگ برای فرار از مشکلات داخلی با این تفاوت که در اینجا، ترامپ متحدان جنگ طلبی در منطقه دارد مانند عربستان و اسرائیل اما اتهامات همان اتهامات است. ترامپ چه خشوند باشد یا ناراحت، هیچ‌وقت از حمله به ایران دست نکشیده، او ایران را منشأ افراط و شر منطقه می‌خواند و خواستار انزوای آن و اعمال تحریم‌های بیشتر علیه تهران شده است. او هیچ فرصتی را برای حمله لفظی به ایران از دست نداده و آن را تهدید به خروج از توافق هسته‌ای کرده است. ترامپ توافق را سرشار از اشکالات توصیف کرده و از سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا خواستار تحلیل فعالیت‌ها و اقدامات ایران شده و تاکید کرده که ایران به روح توافق هسته‌ای پایبند نبوده و می‌گوید با همکاری با متحدان در جهت مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران و حمایت این کشور از متحدان تروریستی آن در منطقه خواهد پرداخت. رئیس‌جمهور آمریکا، از اغتشاشات در ایران بهره‌برداری کرده و از آن به «فرصتی برای تغییر نظام» تعبیر کرده است؛ موضعی که ایران آن را تحریک کننده و نتیجه کینه ترامپ علیه خود می‌داند. ترامپ از این نیز فراتر رفته و شخصیت‌های مخالف ایران را در دولت خود افزایش داده است. مشاور جدید امنیت ملی او، جان بولتون، مخالف شدید ایران بوده و توافق هسته‌ای را بی‌فایده می‌داند و بر این باور است که ابقای گزینه نظامی روی میز ضدتهران ضروری است. وزیر دفاع پیشین اسرائیل، شاول موفاز نقل کرده که بولتون پیش از این تلاش کرده و اوقع کند که اسرائیل به ایران حمله کند. مایک پامپئو، دیگر مقام مسئول در دولت آمریکا است که نقل شده زمانی که رئیس سازمان سیا بوده، پیام هشدار آمیزی را برای سردار سلیمانی ارسال کرده است؛ موضوع پیام فوق، مواضع آمریکا از سیاست‌های ایران در عراق است که واشنگتن آن را تهدید فرآیند تلقی می‌کند. همه این تغییرات موجب شده تا ناظران، از شکل گیری «کابینه جنگ» در دولت ترامپ سخن بگویند که هدف آن چیزی جز مقدمه‌سازی برای حمله به ایران نیست. اگر بپذیریم که ترامپ تلاش دارد فرار به جلو کرده و از مشکلات داخلی بگریزد، در آن صورت، جایگاه دشمن شماره یک در اختیار ایران خواهد بود؛ ایرانی که این روزها، اغلب رژیم‌های عربی با آن در تنش بوده و بهترین هدف برای ترامپ است.

ظالم باشد یا مظلوم، بحق باشد یا به ناحق، متحد خود، عربستان را یاری و به ایران حمله کن!!

فارغ از اظهار نظر‌ها در مورد سیاست خارجی ترامپ و اینکه ترامپ، اصلاً برخوردار از سیاست خارجی منسجم و قابل تحلیل هست یا خیر، اما این سیاست خارجی او یک ویژگی اصلی دارد. ویژگی سیاست خارجی ترامپ، اتحاد شبه‌مطلق او با عربستان سعودی و ولیعهد این کشور محمد بن سلمان و در درجه‌ای کمتر با امارات متحده عربی در کنار تایید کورکورانه اسرائیل است که ترامپ هر از گاهی مراتب اطاعت و ارادت خود را نسبت به آن ابراز کرده است. ترامپ که زبانی جز زبان پول و ثروت را نمی‌فهمد اعجاب خود نسبت به بن سلمان را مخفی نمی‌کند که حاکم بر کشوری



سید عبدالعظیم موسوی

تیم پژوهشی روزنامه ساسه
بوست - ترجمه

این مقاله به این می‌پردازد که عوامل مختلفی کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که حکایت از تشدید تنش‌ها میان محور آمریکا، اسرائیل، عربستان و امارات علیه ایران داشته که این عوامل بعضاً مربوط به مسائل سیاست داخلی آمریکا و برخی دیگر در ارتباط با اهداف عربستان و دیگر شرکای ایالات متحده در منطقه هستند. فرد برای اینکه رفتار سیاسی ترامپ را متوجه شود، نیازمند خیالی حاصلخیز است که هیچ گزینه‌ای را از ذهن خود دور نگه ندارد حتی اگر به دیوانگی متهم شود. او باید احتمال هر چیز را بدهد حتی اگر گزینه‌ای باشد که با تمام معیارهای منطقی و عقلی سازگار نباشد... حتی گزینه‌ای به خطرناکی احتمال وقوع جنگ...

طناب اتهامات بر گردن ترامپ؛ نگاهی به سیاست داخلی آمریکا

روزی نیست که بزرگس و ویژه رابرت مولر، ابعاد تازه‌ای از موضوع دست داشتن روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا را آشکار نکند، همه این رویدادها در اصل، طنابی بر گردن ترامپ هستند. اعضای گروه ترامپ و نزدیکان او امروز در جنگ هستند؛ این جنگ زمانی شروع شد که ابعاد تازه‌ای از پرونده مذکور در معرض قضاوت افکار عمومی قرار گرفت. موضوع از این قرار بود که افراط‌طلبان از تیم ترامپ در برج او با یک وکیل روس دیدار کرده و خواستار اسنادی علیه نامزد دموکرات، هیلاری کلینتون شده بودند. این افراد را پسر ترامپ، جونیور، داماد او جراد کوشنر و مدیر ستاد انتخاباتی او، پل مانافورت تشکیل می‌دادند. ستیف بون، از مقامات سابق کاخ سفید پس از انتشار خبر رسوایی فوق، آن را «خیانت به آمریکا» توصیف کرد. کوشنر، خود ناظر بر تماس‌هایی نیز بوده که مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا، مایکل فلین با سفیر روسیه در واشنگتن برقرار کرده و فلین خود به همراه کردن «اف بی آی» در این خصوص اعتراف کرده است. این فهرست گسترده‌تر شده و افرادی چون ریچارد جیتس، یکی از مشاوران ترامپ که خود متهم است پیش از این جاسوس روسیه بوده و اریک برنس، موسس شرکت بلک واتر را در دربر می‌گیرد. برنس متهم است که با هماهنگی نماینده ولیعهد امارات، محمد بن زاید یعنی جورج نادر، با یک مسئول روسی در جزیره سیشل ملاقات کرده است. ابعاد این رسوایی تا بدان جا گسترش پیدا کرد که برخی دست‌انداختن شخص ترامپ در رویدادهای فوق را محتمل دانسته‌اند. برکناری جیمس کومی، مدیر پیشین اف بی آی، با هدف تاثیرگذاری بر روند تحقیقات در خواست ترامپ که توسط وکیل او ارائه شده و خواستار عفو ریاست جمهوری برای مایکل فلین و پول مانافورت شده، شواهد این موضوع هستند. از طرفی شخص مولر هم بعید نیست که هدف خشم ترامپ قرار بگیرد، چرا که ترامپ، روند تحقیقات او را غیرعادلانه توصیف کرده بود. رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، پل رایان، آشکارا ترامپ را از هرگونه فشار بر مولر یا احتمال برکناری او، بر حذر داشته است. این تحقیقات، بر تخلفات ترامپ و نزدیکان او نیز متمرکز شده است. مولر خواستار دسترسی به اسناد مجموعه شرکت‌های ترامپ که احتمالاً در روسیه سرمایه‌گذاری دارند، شده، همان‌طور نیز کاخ سفید در خصوص احتمال برخورداری داماد ترامپ از وام‌هایی برای شرکت‌های خود به ارزش ۵۰۹ میلیون دلار تحقیق کرده است. هیچ‌کس نمی‌تواند در مقابل ضربه‌هایی اینچنینی مقاومت کند؛ ضربه‌هایی که اجازه نفس کشیدن به فرد را نمی‌دهند. شرایط برای او به گونه‌ای است که اگر حتی از محاکمه و برکناری جان سالم به در برد، باز هم احتمال انتخاب او برای دوره دوم ریاست جمهوری غیرممکن است.



آیا ترامپ روی توافق ثانویه کار می‌کند؟

گزارش اکونومیست از تبعات خروج آمریکا از برجام

کشور برای تمدید تعلیق تحریم‌های ایران یا عدم این اقدام در نظر گرفته است) فرصت و قدرت مانور زیادی برای رد قرارداد برجام دارد. مهلت بعدی، ۱۲ ماه می خواهد بود. ترامپ در روز ۲۴ آوریل و در کنفرانسی مشترک با امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه که در واشنگتن برگزار شد، در عین اینکه از پیشنهاد ماکرون برای ایجاد یک توافق بین‌المللی جدید برای محدود کردن بیشتر ایران (اعمال محدودیت‌های هسته‌ای و موشکی جدید و گسترش تعهدات برجامی ایران) سخن گفت، اما مجدداً توافق هسته‌ای ایران را توافقی احقانه خواند و آن را محکوم کرد.

با این حال هنوز اطمینانی در این خصوص وجود ندارد. به نظر می‌رسد که ۱۲ ماه می مهلت نهایی در این خصوص نخواهد بود. تحریم‌های آمریکا (تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا) عمدتاً مربوط به صادرات نفت ایران و سایر معادن این کشور و همچنین با هدف تضعیف فعالیت‌های بانکی ایران و هدف قرار دادن آنها وضع شده است. از این به رو نظر می‌رسد مهلت اصلی در اواسط ماه جولای است. زمانی که ترامپ باید تحریم‌هایی که طیف وسیعی از بخش‌ها از جمله صنعت هواپیمایی ایران را هدف قرار می‌دهد، بررسی کند. مقامات ایران تأکید کرده‌اند که اگر ترامپ برجام را ترک کند و به تعهدات خود وفق توافق هسته‌ای عمل نکند، از برجام خارج می‌شوند. در بدترین و سختگیرانه‌ترین حالت، ایران می‌تواند کار روی تولید سلاح هسته‌ای را آغاز کند. با این حال آنها می‌توانند به دنبال گسترش تجارت خود با شرکای غیر آمریکایی باشند. با این حال شرکت‌های بزرگ بین‌المللی احتمالاً از ترس خروج از بازار ایالات متحده آمریکا (که متعاقباً اعمال تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران رخ خواهد داد) ترجیح می‌دهند فعالیت‌های تجاری خود با ایران را متوقف کنند.^(۱)

از سوی دیگر، در بهترین حالت ممکن ترامپ می‌تواند (به جای خروج از توافق هسته‌ای با ایران) با طرف‌های اروپایی در خصوص توافقنامه‌های چندجانبه‌ای که قصد محدود کردن برنامه موشکی ایران را دارند کار کند. توافقنامه‌هایی که می‌تواند موضوع سیاست‌های ایران در منطقه خاورمیانه را با هدف جلوگیری از مداخله ایران در منطقه و ایجاد محدودیت‌های دائمی برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای از سوی ایران را نیز در بر بگیرد. با این حال به نظر می‌رسد بدون مبنای قراردادن توافق هسته‌ای فعلی با ایران (برجام)، انجام چنین معاملاتی سخت باشد.

پی‌نوشت

۱- از سال ۲۰۱۵ میلادی تاکنون نیز بسیاری از شرکت‌ها، بانک‌های بزرگ و کمپانی‌های تجاری در ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی به سبب اعمال فشارهای مژمن حقوقی و اقتصادی از سوی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، از دادوستد و همکاری با ایران اجتناب کرده‌اند. این موضوع هم در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما و هم در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ کاملاً ملموس بوده است. از این رو برخلاف آنچه از متن یادداشت منتشر شده در مجله اکونومیست برداشت می‌شود، هم‌اکنون نیز دادوستد میان ایران و شرکت‌های تجاری و کمپانی‌های بزرگ صورت نمی‌گیرد؛ موضوعی که بارها منجر به اعتراض نمایندگان ایران در جلسات کمیسیون مشترک بررسی برجام شده و البته تاکنون نیز بی‌نتیجه مانده است.

<https://www.economist.com/blogs/>

economist-explains/04/2018/economist-explains-17

که در سال ۲۰۱۵ میلادی میان ایران و قدرت‌های جهانی به امضا رسید خارج شود. به راستی اگر ترامپ این اقدام را صورت دهد و از برجام خارج شود، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

در عرصه تئوری، ترامپ به سادگی قادر به پایان دادن به برجام و توافق هسته‌ای نیست؛ توافقی که توسط رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا یعنی باراک اوباما به امضا رسیده است. این یک توافق سیاسی بین ایران و شش قدرت جهانی یعنی بریتانیا، چین، فرانسه، آلمان، روسیه و ایالات متحده آمریکا است. مطابق برنامه جامع اقدام مشترک، تحریم‌های بین‌المللی و آمریکایی (تحریم‌های ثانویه آمریکا) که مربوط به برنامه هسته‌ای ایران بوده‌اند، در ازای اعمال محدودیت‌هایی ۱۰ تا ۱۵ ساله بر سر فعالیت‌های هسته‌ای ایران لغو شده است. دولت‌های اروپایی به علاوه دو کشور چین و روسیه تصریح کرده‌اند که آنها نسبت به برجام ملتزم هستند. از سوی دیگر، بازرسان بین‌المللی نیز معتقدند که ایران تعهدات خود را وفق توافق هسته‌ای صورت داده است. با این حال، اعمال مجدد تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا، توافق هسته‌ای با ایران را از بین خواهد برد.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا این معامله (برجام) را بدترین معامله قرن می‌داند و مدت‌هاست وعده داده تا به این توافق خاتمه دهد. ترامپ به لطف مهلت‌های تعیین شده از سوی کنگره (مهلت‌هایی که کنگره آمریکا برای رئیس‌جمهور این

علی‌عالمی

مترجم

متعاقب سفر امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان به ایالات متحده آمریکا و دیدار ناموفق آنها با دونالد ترامپ بر سر برجام، بسیاری از رسانه‌ها و نشریات بین‌المللی عواقب و آثار خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای با ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. به عبارت بهتر، طی روزهای اخیر، احتمال خروج یکجانبه ایالات متحده از برجام بیش از پیش تقویت شده و برخی رسانه‌ها نیز پیش‌فرض اصلی خود را بر مبنای این خروج یکجانبه گذاشته‌اند. با این حال، برخی رسانه‌ها معتقدند که اعلام خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، مکانیزم تقابلی واشنگتن و نظام بین‌الملل را وارد روند پیچیده‌ای خواهد کرد و عملیاتی شدن دوباره تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا علیه ایران، در تاریخ ۱۲ ماه می (۲۲ اردیبهشت) رخ نخواهد داد. نشریه اکونومیست در یادداشتی به بررسی اجزای تبعات خروج واشنگتن از برجام پرداخته است:

امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه سفر سه‌روزه خود به ایالات متحده آمریکا را به پایان رساند. وی در پایان این سفر اعلام کرد که احتمال دارد ترامپ بنا بر دلایل داخلی، از توافق هسته‌ای با ایران (برجام)

خروج دوجانبه

روایت راشاتودی از اتحاد برجامی در قاره سبز

سعید سبحانی

مترجم

مقامات اروپایی و خصوصا مقامات سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه طی ماه‌های اخیر بارها از تعهد خود نسبت به توافق هسته‌ای با ایران سخن گفته‌اند. با این حال، این کشورها در رویکرد و اقدامی دوگانه، مشغول رایزنی‌های فشرده بر سر تأمین خواسته‌های غیرقانونی و فرابرجامی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا بر سر برجام هستند.

از سوی دیگر، چنانچه منابع خبری و تحلیلی اعلام کرده‌اند سفر امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان به واشنگتن و دیدارهای آنها با ترامپ بر سر حفظ برجام بی‌نتیجه بوده است. با این حال مقامات سه کشور اروپایی همچنان رویکرد دوگانه و پارادوکسیکال خود را در قبال برجام ادامه می‌دهند. بیانیه اخیر مقامات سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان در همین راستا قابل تجزیه و تحلیل است. این بیانیه مشترک، به ابتکار نخست‌وزیر انگلیس صادر شده است. اگرچه ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس سعی دارد در سفر نمایشی پیش روی خود به ایالات متحده آمریکا، خود را به عنوان ناجی اصلی توافق هسته‌ای معرفی کند، اما نباید فراموش کرد که باور مردم این بازی تصنعی، به قیمت تحدید «توان موشکی ایران» و «اجازه بازرسی از اماکن نظامی»، «تحدید قدرت منطقه‌ای ایران» و «دائمی شدن محدودیت‌های برجامی ایران» تمام خواهد شد.

ترزا می به همراه امانوئل ماکرون و آنگلا مرکل در حال چپش پازل‌های برجامی از پیش تعیین شده توسط خود و ایالات متحده آمریکا هستند. در این معادله، نه تنها نباید تفکیکی بین بازی کاخ سفید و تروئیکای اروپایی قائل شد، بلکه باید در قبال پیوستگی و همپوشانی بازی

برجامی این دو بیش از پیش حساسیت به خرج داد. «راشاتودی» گزارشی را در خصوص بیانیه اخیر سه کشور اروپایی در خصوص برجام منتشر کرده است که به مرور به آن می‌پردازیم:

انگلیس، فرانسه و آلمان از توافق هسته‌ای با ایران (برجام) دفاع کرده‌اند، این در حالی است که ایالات متحده آمریکا همچنان بر خروج از برجام یا اعمال تغییر در آن تأکید می‌ورزد. رهبران سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه توافق کرده‌اند تا از معاهده هسته‌ای با ایران دفاع کنند، در حالی که آنها راه‌هایی را برای جلب امتیازات بیشتر از ایران بررسی می‌کنند. سران این سه کشور اعلام کرده‌اند که معامله صورت گرفته در سال ۲۰۱۵ میلادی، بهترین راه برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای محسوب می‌شود. اخیراً در تماسی تلفنی ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس با دو همتای خود یعنی آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، رهبران اروپایی امضاکننده برجام در خصوص اینکه توافق هسته‌ای با ایران بهترین راه برای خنثی کردن تهدید ایران مسلح به سلاح هسته‌ای است موافقت کردند.

همچنین اخیراً سفیر فرانسه در اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی) هشدار داد که در صورت از بین بردن توافق هسته‌ای توسط دونالد ترامپ، احتمال جنگ میان ایران و اسرائیل وجود دارد.

از سوی دیگر، سه کشور اروپایی دغدغه‌های رئیس‌جمهور آمریکا در خصوص «اصلاح توافق هسته‌ای» را نیز مدنظر قرار داده و در تلاش هستند تا ایران را بابت پذیرش تعهداتی بیشتر در خصوص توسعه برنامه هسته‌ای خود ملزم کنند. آنها در عین تأکید بر اهمیت حفظ برجام، خود را متعهد به ادامه همکاری‌ها با یکدیگر و ایالات متحده آمریکا بر سر مقابله با طیف گسترده‌ای از چالش‌های مربوط به ایران دانسته‌اند.

این موارد عبارتند از برنامه موشکی ایران (خصوصاً در خصوص موشک‌های بالستیک) و نقش رو به گسترش و رشد ایران در منطقه خاورمیانه و تعیین یک چارچوب

رسمی برای پس از سال ۲۰۲۵ میلادی. در سال ۲۰۲۵ میلادی، تعهدات ایران وفق برجام پایان می‌یابد، از این رو مقامات اروپایی به دنبال دستیابی به توافقی جدید با ایران هستند که فعالیت‌های هسته‌ای ایران (محدودیت‌های فعالیت‌های هسته‌ای) را برای پس از سال ۲۰۲۵ نیز پوشش دهد، البته این در صورتی خواهد بود که برجام طی روزهای آتی از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از بین نرود. این پیشنهادات توسط امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و در جریان سفر اخیر وی به ایالات متحده و دیدارش با ترامپ ارائه شد. ماکرون و مرکل هر دو در دیدارهای خود با ترامپ خواستار بازگشت ترامپ از مواضع خود و رسیدن به یک توافق محدودکننده دیگر در خصوص ایران شده‌اند، اما ظاهراً موفق به متقاعد کردن رئیس‌جمهور آمریکا در این خصوص نشده‌اند.

مایک پمپئو، وزیر امور خارجه جدید ایالات متحده آمریکا در جریان سفر خود به فلسطین اشغالی، به وضوح توافق هسته‌ای با ایران را توافقی ناقص خواند. این اظهارات نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور آمریکا به دنبال عقب‌نشینی و خروج از برجام در تاریخ ۱۲ ماه می است. پمپئو تأکید کرده که واشنگتن می‌خواهد توافق هسته‌ای با ایران را اصلاح کند و اگر نتوانیم این موضوع را حل کنیم، قصد داریم از توافق هسته‌ای خارج شویم.

همچنین مایک پمپئو در سفر شنبه خود به عربستان سعودی، خواستار تحریم بیشتر و گسترده‌تر ایران و افراد مرتبط با برنامه موشکی این کشور شد و مدعی شد که این موضوع میان ایالات متحده آمریکا و متحدان اروپایی آن نیز مورد بحث قرار گرفته است.

از سوی دیگر، حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران در واکنش به اقدامات ماکرون (برای اعمال محدودیت‌های فراتر از برجام علیه ایران)، تأکید کرد که برجام ظرفیت غنی‌سازی هسته‌ای ایران را در ازای تعلیق تحریم‌های اقتصادی کاهش می‌دهد و هر گونه تجدید نظری در آن غیر قابل توجیه است. روحانی تأکید کرده است که ایران هیچ‌گونه محدودیتی را فراتر از تعهداتش در برجام نخواهد پذیرفت. تهران پیشتر اعلام کرده است که اگر دونالد ترامپ مجدداً تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کند و از توافق هسته‌ای خارج شود، ایران نیز از این توافق خارج خواهد شد.

<https://www.rt.com/news/425496-europe-defends-iran-deal/>



مذاکره با موضع برابر

پیونگ یانگ به چین اجازه می‌دهد که نقش میانجی فرزانه را ایفا کند

کامران برادران

مترجم
منبع: گای سورمان، نیوزویک

اگر در پی آن هستید که سفری به کره جنوبی داشته باشید، انتظار ملتی را در ذهن نپرورانید که آماده‌اند برای جنگی قریب‌الوقوع بسیج شوند. در فرودگاه اینچون، دروازه ورود به سئول، تنها سوالی که مامور امنیت از شما می‌پرسد این خواهد بود که: «آیا با شتر تماس داشته‌اید؟» از قرار معلوم، مسافرانی که از خاورمیانه به کره جنوبی بازگشته‌اند، میکروب‌هایی را با خود آورده‌اند که باعث نوعی آنفلوآنزای ریوی می‌شود. اینکه بسیاری از مردم کره جنوبی برای محافظت در برابر بیماری‌های تنفسی ماسک به دهان می‌زنند - البته زنان مدگرا ماسک‌های

مردم سایه انداخته. مرز باعث شده تا دو نوع متفاوت از مردم شکل بگیرد که از قرار معلوم، علاقه‌ای به زندگی با یکدیگر ندارند. لااقل در طرف جنوبی شبه جزیره که چین تمایلی وجود ندارد. در کره شمالی، کسانی که زندگی خود را به خطر می‌اندازند و به چین یا کره جنوبی پناه می‌برند، در بیشتر مواقع برای فرار از فقر چین می‌کنند. اما باقی مردم نگویند این کشور چطور؟

مردم کره جنوبی حس وطن پرستی بیشتری نسبت به همسایه‌های شمالی خود دارند؛ این مردمان به سختکوشی‌شان که آنها را به یکی از شکوفاترین و خلاقانه‌ترین ملل جهان تبدیل کرده است، معروف هستند. سامسونگ، هیوندای و موسیقی پاپ کره‌ای البته چندین نمایانگر سنت‌های کره‌ای نیست، اما هواخواهان بسیاری در سراسر جهان دارد. مردم کره جنوبی به آزادی بیان خود نیز می‌نازند. گرچه این آزادی بیشتر در اینترنت مشهود



مشکی رنگ را ترجیح می‌دهند. نشان از این دارد که مردم این کشور بیشتر از بیماری‌های واگیردار می‌ترسند تا حمله میکروبی پیونگ یانگ. علاوه بر این، از نظرگاه سئول، کره شمالی در فاصله بسیار دوری قرار دارد. تازه از منظر روانی این فاصله بیشتر هم هست. درست است که مرز مین گذاری شده میان دو کشور در فاصله ۴۰ کیلومتری از پایتخت کره جنوبی قرار دارد، اما انگار فرسنگ‌ها میان دو کشور فاصله افتاده است.

آنچه میان مردم این دو کشور فاصله انداخته نه موقعیت‌های جغرافیایی، بلکه تاریخ است. ۴۰ سال پیش که به این کشور سفر کردم، جنگ و آتش پس میان خانواده‌ها فاصله انداخته بود. میل به الحاق میان دو کره در آن زمان بسیار قدرتمند بود. دو نسل از آن زمان گذشته است. بسیاری دیگر مطمئن نیستند که آشنایان‌شان در آن سوی مرز هنوز زنده‌اند یا نه. در نتیجه، بی‌تفاوتی بر

است تا نشریات محافظه کار این کشور. در نهایت ساکنان کره جنوبی به دموکراسی خود، با تمام نقایصی که ممکن است داشته باشد، نیز افتخار می‌کنند. گرچه زندانی کردن سیستماتیک تمام روسای جمهوری این کشور را چندان نمی‌توان به حساب آزادی‌های دموکراتیک گذاشت.

این روزها توجه تمام دنیا بر مذاکرات میان کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده و رهبران کره جنوبی متمرکز است. اما در این میان مردمان کره جنوبی چندان وقعی به این مسائل نمی‌گذارند و نفس در سینه حبس نمی‌کنند. بیشتر نگرانی مردم در اینجا بیکاری است، به‌ویژه در میان جوانان. غول‌های صنعتی کره جنوبی یا کارآمدند یا فعالیت‌های خود را به خارج از کشور انتقال داده‌اند و برای همین جذب نیروی اندکی انجام می‌دهند. مشاغل آینده در این کشور بیشتر در بخش‌های خرده‌پای تجاری و

استارت‌آپ‌ها یافت می‌شود؛ مشاغلی که عایدی چندانی هم البته ندارند، البته همین مشاغل هم به سختی گیر می‌آیند، چرا که شرکت‌هایی چون سامسونگ و هیوندای بیشتر فضای استخدامی را به تصرف خود درآورده‌اند. در پرسش‌نامه‌ای که مدتی پیش در دانشگاه‌های سئول میان دانشجویان پخش کردم، متوجه شدم که دغدغه اصلی جوانان کار و استخدام است.

کره شمالی، که چنین آمریکارا نگران کرده، مدت‌هاست که دیگر مردم کره جنوبی را نمی‌ترساند. آنان به رویکردهای تهدیدآمیز پیونگ یانگ خو کرده‌اند و نفرت‌شان را از سلسله نخبه‌های کیم پنهان نمی‌کنند. آنان از حمله نظامی نمی‌هراسند، چرا که معتقدند در چنین سناریویی این کره شمالی است که همه چیز را از دست می‌دهد. علاوه بر این، ما اغلب از یاد می‌بریم که ساختار سلاح هسته‌ای بازدارنی از حمله است: توان هسته‌ای کره شمالی نه در راستای بمباران آمریکا یا کره جنوبی، بلکه برای حفظ استقلالش است. کره جنوبی برای حفظ وضعیت موجود بیشتر به چینی‌ها اعتماد دارد تا آمریکایی‌ها، البته تمام احزاب درگیر در مساله نیز این امر را ترجیح می‌دهند و احتمالاً نتیجه بهتری را هم در پی داشته باشند. هواخواهان کره جنوبی علاقه‌ای به اتحاد با پسرعموهای فقیر خود ندارند. در حقیقت، آنان - به‌ویژه جوانان - از این هراس دارند که چین اتحادی برایشان گران تمام شود. تا آنجایی هم که به چین مربوط می‌شود، کره شمالی متحدی است که ممکن است کاربردهای بسیاری پیدا کند و زمانی که بی‌ثباتی منطقه ضروری باشد، می‌تواند به کار بیاید. پیونگ یانگ به چین اجازه می‌دهد که نقش میانجی فرزانه را ایفا کند و ایالات متحده را در حاشیه قرار دهد.

در شمال شبه جزیره کره، مقام‌های رسمی زندگی راحت و شادی دارند. از این هم نمی‌توان گذشت که به شکرانه ژست‌های ناشی از برنامه هسته‌ای، کیم جونگ اون از دل‌تکی صرف به چهره‌ای جهانی تبدیل شده و سر زبان مقام‌های دنیا افتاده است و حالا هم که قرار است در موضعی برابر، با رئیس‌جمهوری آمریکا و چین دیدار و گفت‌وگو کند. ژاپنی‌ها هم البته علاقه چندانی به ایده کره متحد ندارند، چرا که این امر باعث ایجاد هم‌اوردی اقتصادی و نظامی در منطقه می‌شود؛ آن هم با قابلیت و توان هسته‌ای. دست آخر، از دیدگاه مقام‌های آمریکا، وضعیت فعلی شبه جزیره کره حضور دائمی واشنگتن را در کره جنوبی توجیه می‌کند. در چارچوب قوانین بین‌المللی، حضور نظامی آمریکا در کره جنوبی نمایانگر حضور سازمان ملل متحد در منطقه است، آن هم تحت توافق میان کره جنوبی و آمریکا در راستای مقابله با تهدید تجاوز کمونیست‌ها.

در این معنا، دونالد ترامپ با گشودن در مصالحه میان دو کشور، وضعیت منطقه را بی‌ثبات می‌کند. براساس این قرارداد صلح که کره شمالی آن را پیش کشید و همسایه جنوبی اش هم از آن حمایت کرد، ایالات متحده دیگر بنیانی برای ماندن در کره جنوبی ندارد؛ امری که ماجراهای ویتنام را به یاد آدمی می‌آورد. در آن زمان، همین که آمریکایی‌ها ویتنام را ترک کردند، نیروهای کمونیست در شمال ویتنام بخش‌هایی را به اشغال خود درآوردند. مقام‌های کره جنوبی از این ماجرا آگاهی دارند و این خیال را در سر می‌پرورانند که مذاکرات میان ترامپ و کیم جونگ اون به چیزی ورای ادعای پیروزی و خشنودی از سوی طرفین منتهی نشود. از این منظر، بهترین نتیجه‌ای که می‌توان انتظارش را داشت که رهبران هر یک از دو طرف به وطن خود بازگردند و مورد تحسین مردمان خود قرار بگیرند و وضعیت فعلی پابرجا بماند و تنها تغییراتی ظاهری در نام‌ها اتفاق بیفتد.

جهان ایستاده است. ترکیه هم ۸ میلیون و ۷۵۰ هزار نفر گردشگر خروجی دارد. ایران هم با همان رقم ۶ میلیون و ۶۲۰ هزار در رده سی و هفتم جهان است.

۳- رقم نسبی گردشگر خارجی (جمعیت)

روشن است که نمی توان صرف رقم مطلق را ملاک مناسبی برای ارزیابی کم بودن یا زیاد بودن گردشگر خارجی دانست و از این رو باید این رقم را با برخی آلمان های دیگر سنجید. نخستین موضوع جمعیت کشور است. به طور مثال چین در سال ۲۰۱۵، یک میلیارد و ۳۷۱ میلیون نفر جمعیت داشته است و از این رو حدود ۸/۵ درصد از کل جمعیت این کشور، به خارج از کشور سفر کردند. این رقم در مورد آلمان با ۸۲ میلیون نفر جمعیت، تقریباً نزدیک به صد درصد است. در عربستان ۳۱ میلیون نفری، حدود ۶۵ درصد از مردم توانسته اند به خارج از کشور سفر کنند و در ترکیه ۸۲ میلیون نفری، این میزان کمی بیش از ۱۰ درصد است. در ایران اما با احتساب جمعیت ۸۰ میلیون نفری در سال ۲۰۱۵، کمی بیش از ۸ درصد مردم توانسته اند به خارج از کشور بروند.

۴- رقم نسبی گردشگر خارجی (درآمد سرانه)

با این معیار می خواهیم وضعیت اقتصادی کشورها را نیز در آن آمار دخیل کنیم. در چین، درآمد سرانه ۱۴ هزار دلار، در آلمان ۴۹ هزار دلار، در عربستان ۵۵ هزار دلار، در ترکیه ۲۳ هزار دلار و در ایران، حدود ۱۸ هزار دلار است، بنابراین در چین با وجود درآمد سرانه کمتر نسبت به همه کشورها، اوضاع معیشتی مردم یعنی دخل و خرج چنان مناسب است که مردم امکان سفر خارجی دارند، ولی در ایران با ۴ هزار دلار درآمد بیشتر، وضعیت در رقم نسبی گردشگر به جمعیت کل کمی پایین تر از چین است.

در مقایسه عربستان و آلمان، فرضیه جالب تری هم می توان داشت. عربستان با وجود اینکه درآمدی بیش از آلمان دارد و جمعیتش هم ۵۰ میلیون نفر کمتر از آلمان است، ولی احتمالاً به دو دلیل ترجیحات فرهنگی مردم و نیز توزیع مناسب درآمد در آلمان، رقم نسبی گردشگر به جمعیت کل بسیار بالاتر از عربستان سعودی است.

۵- آیا سیف درست نگفت؟

با در نظر داشتن همه این موارد به نظر نمی رسد سخنان رئیس کل بانک مرکزی صحیح باشد ولی باید یک نکته را در اینجا در نظر داشت. ظاهراً آقای سیف یک قید مهم را در سخنان خود به کار نبرده و همین باعث شده که جمله ای تا این اندازه از واقعیت دور باشد و انتقادبرانگیز شود. آن قید، شرایط کشور ماست. حقیقت این است که کشور ما، با قرار گرفتن در جبهه مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی در جهان، شرایط ویژه ای دارد. اگر بگوئیم که در چنین شرایط ویژه ای که تقریباً از ابتدای انقلاب به طور کم و زیاد در کشور وجود داشته؛ این حجم از گردشگر خارجی، متناسب با وضعیت ما نیست؛ پربراه نگفته ایم و گر نه چنین میزان گردشگری برای یک کشور با شرایط عادی زیاد که نیست هیچ؛ کم هم هست.

برای اینکه در اینجا هم با عدد و رقم صحبت کنیم، خوب است بدانید که در بهار سال ۱۳۹۵ و طبق گزارش مرکز آمار، خانوارهای ایرانی یک هزار و ۳۳۶ میلیارد تومان خرج سفر خارجی خود کردند که با احتساب قیمت دلار ۳۵۰۰ تومان در آن زمان باید مدعی هزینه کرد ارزی بیش از ۳۵۰ میلیون دلاری در یک فصل شد. این موضوع برای کشوری که همین الان هم به سختی در جهان جنس می فروشد و ارز را مبادله می کند رقم متناسبی نیست. از این روست که باید گفت اگر چه سخن سیف درست نیست ولی دغدغه او درست است. میزان گردشگر جامعه ما با سیاست های دیگر کشور در حوزه سیاست خارجی و بالطبع نتایج آن در اقتصاد تناسبی ندارد.



مسافرت خارجی کم است ولی...

راستی آزمایی سخنان رئیس کل بانک مرکزی

درباره میزان گردشگر اعزامی از کشور به خارج از کشور

مصطفی آرائی

روزنامه نگار

۱۳۹۵، ۹ میلیون و ۱۹۶ هزار ایرانی به خارج از کشور سفر کردند. طبق آمارهای بانک جهانی، در سال ۲۰۱۵ نیز بالغ بر ۶ میلیون و ۶۲۰ هزار نفر و در سال ۲۰۱۴ نیز ۷ میلیون و ۶۹۸ هزار ایرانی به خارج از کشور سفر کرده اند. ذکر یک نکته برای دقیق شدن این آمار اهمیت دارد. چنین آمارهایی در واقع تعداد افرادی است که از مرزهای رسمی کشور، در طول یک سال خارج شده اند و نمی توان آن را به معنای واقعی کلمه به گردشگری ارتباط داد. در واقع چه عدد ۹ میلیون نفری که داخلی است و چه ۶ میلیون نفری که خارجی است باید با دو نکته اصلاح عددی شود: الف) افرادی که از کشور خارج می شوند اما مقصد آنها توریسم نیست.

ب) افرادی که به دفعات از کشور خارج می شوند. با این حال، دسترسی ما به چنین آماری ممکن نیست و از این رو طبق نرم بین المللی همین رقم را مورد توجه قرار می دهیم.

۲- مقایسه رقم مطلق گردشگر خارجی

اما وضعیت در کشورهای دیگر به چه شکل است؟ چین در سال ۲۰۱۵ با ۱۱۶ میلیون نفر، در صدر کشورهای فرستاده گردشگر در جهان ایستاده است. بعد از چین هنگ کنگ و آلمان قرار دارند که این رقم در مورد آلمان، ۸۳ میلیون نفر است. در منطقه خاورمیانه، عربستان با ۲۰ میلیون گردشگر خروجی در رده اول منطقه و چهاردهم

سخنان ولی الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی، در برنامه نگاه یک شامگاه هشتم اردیبهشت درباره وضعیت ارزی کشور، هنوز هم حاشیه ساز است. منتقدان به خصوص در مورد آن بخش از سخن آقای سیف حرف دارند که در مورد مسافرت خارجی ایرانیان صحبت کرده است: «سفرهای خارجی در ایران بیش از حد معمول است و این روند باید متعادل شود. بازار ارز ما وابستگی جدی به وجه نقد ارز خارجی دارد و به علت نبود کارت های اعتباری بین المللی و حجم مسافران به خارج از کشور که نیاز به اسکناس ارز دارند، اگر در تامین آن مشکلی به وجود بیاید، بلافاصله اثر شدیدی می گذارد.» آیا این سخنان درست است؟ آیا واقعاً ایرانی ها خیلی به خارج از کشور سفر می کنند و آیا این میزان سفر در وضعیت ارزی کشور موثر است؟ بیایید از طریق آمار به راستی آزمایی سخنان آقای سیف بپردازیم.

۱- رقم مطلق گردشگر خارجی (اعزامی)

طبق آمار اعلامی معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی، هنرهای دستی و گردشگری کشور، در سال

روحانی بدون تلگرام و برجام چه می‌کند؟

آیا سیاست خارجی می‌تواند روزه‌های جدید برای روحانی مهیا کند





وزیری بامشتهای باز نشده

آذری جهرمی اصلاح طلب است یا اصولگرا

آلترناتیو

کدام شبکه‌های اجتماعی جایگزین تلگرام شده‌اند؟



روحانی بدون تلگرام و برجام چه می‌کند؟ آیا سیاست خارجی می‌تواند روزنه‌ای جدید برای روحانی مهیا کند

نه صداها خوب است و نه نشانه‌ها؛ اوضاع برای حسن روحانی چندان خوب نیست. او با وضعیت دشواری مواجه شده؛ هم در داخل و هم در خارج از کشور. او از اساس با مشکل مواجه شده است. شرایط اکنون او اصلا شبیه زمانی نیست که تازه رئیس‌جمهور ایران شده بود. او در حال حاضر با برجامی مواجه است که از قرار معلوم ترامپ بنای آن میان برداشتنش را دارد.

با جامعه‌ای از طرفدارانش مواجه است که نتوانسته برای آنها مهم‌ترین وعده‌هایش را عمل کند؛ با اهمیت‌ترینش همین تلگرام که در هفته گذشته توقیف شد.

در اقتصاد با شوکی عجیب مواجه بوده و برای اولین بار ایران دلار قیمت بالای ۶ هزار تومان را تجربه کرده است، حتی در کابینه هم شرایط برای او نامساعد شده است. برای چندمین بار است که انتقاد می‌کند از اعضای دولت. فعلا هم که کابینه را به دو بخش تقسیم کرده است؛ ناامیدان و امیدواران. کار برای او سخت شده؛ این ساده‌ترین تفسیر از شرایط این روزهای او است.

در میانه دو جناح

این از هوش سیاسی حسن روحانی بود که توانست در انتخابات سال ۹۲ یک سامان جدید در سیاست ایران پدید آورد. خوب می‌دانست که برای دوران پسااحمدی نژاد نمی‌توان یک کاراکتر راستگرا را بار دیگر به جامعه ارائه کرد، این را هم خوب می‌دانست که به موجب آنچه در سال ۸۸ گذشته بود، قدرت رسمی فعلاروی خوشی به چپگرایان نشان نخواهد داد. فضا را خوب شناخت، راهش را هم خوب پیدا کرد. چپ‌ها که چاره‌ای نداشتند و با محمدرضا عارف به جایی نمی‌رسیدند. او تنها باید با آنها از روزهای بهتر سخن می‌گفت. کار سخت او با راستگرایان بود؛ آنها که از احمدی نژاد عبور کرده و هر یک نسخه‌ای مخصوص خود داشتند، برای رسیدن به صندلی ریاست جمهوری، زیرکی حسن روحانی همین جارخ‌نمایی کرد. او در میانه ایستاد و در لحظه تعیین شده پروژه خود را اجرایی کرد. این پروژه یک ایده مرکزی داشت؛ «تمرکز بر سیاست خارجی». روحانی که در خرداد ۹۲ سیاست داخلی، اقتصاد و سیاست خارجی را به هم گره زد و رقبا را پشت سر گذاشت، همه تلاشش این بود که با برجام پنجره‌های تازه باز کند، برای آن مثلث تعیین کننده، وقتی گفت «من سرهنگ نیستم.» طبقه

متوسط و روشنفکران را امیدوار به توسعه سیاسی کرد و وقتی خطاب به عابدینی، مجری گفت‌وگوی ویژه خبری توصیه کرد تا بیانیه سعدآباد را «سه بار بخواند» و بعد از آن همنوا با دکتر ولایتی شد و محصول آن نوع از مذاکرات در دوران احمدی نژاد را فقر و تنگدستی و ایستادن چرخ کارخانه‌ها عنوان کرد به خوبی اقتصاد و سیاست خارجی را به هم پیوند داد تا مردم و طبقه پایین هم راضی شوند و او را بلدر ابدانند.

جزای روحانی؟

حسن روحانی اکنون کجای سیاست ایران ایستاده بود که رئیس‌جمهور شد. برخی تحلیلگران معتقدند ظهور احمدی نژاد در سال ۸۴ محصول رخدادهای دوران اصلاحات و اشتباهات اصلاح‌طلبان است، این گزاره را برخی از چهره‌های اصلاح‌طلب هم می‌پذیرند. اگر این رویه تحلیل پدیده‌های سیاست ایران را روال کنیم، باید این را هم قبول کنیم که پدیده پیروزی حسن روحانی در انتخابات سال ۹۶ هم محصول رخدادهای دوران احمدی نژاد است، پس با این نگاه می‌توانیم ماجراهای سال‌های نخستین دهه ۹۰ را این گونه تحلیل کنیم که رفتار سیاسی محمود احمدی نژاد در دوران صدارتش اگر چه در ابتدا موجب تقویت تشکیلاتی اصولگرایان را پدید آورد و می‌شد چهره‌هایی از آنان را در کابینه و بدنه حاکمیتی دولت دید اما با گذر زمان، شکاف‌های موجود میان محمود احمدی نژاد و اصولگرایان آنچنان نمایان شد که کوچ اجباری و غیر اجباری نیروهای اصولگرا با موجی قابل توجه پدیدار شد. به یک معنا «زمان جدایی» فرارسیده بود. حالا محمود احمدی نژاد و حواریون اطراف او خود را تافته‌ای جداافتاده از جریان اصولگرا می‌دانستند. دیگر زمان «همانی‌انگاشتن» به پایان رسیده بود. اقدامات محمود احمدی نژاد دولت او به گونه‌ای نبود که اصولگرایان قبول کنند هزینه آن را بپردازند و درست همین جاست که رقبای پیشین یعنی چپ و راست همصدا می‌شوند و به نقد سیاست‌های دولت مستقر می‌پردازند و درست همین جاست که در میان اصولگرایان و اصلاح‌طلبان هم در این مورد کندروی و تندروی پدید می‌آید.

به این معنا که برخی اصولگرایان باورش‌ان این می‌شود که انتقاد مشخص از محمود احمدی نژاد کمک شایان توجهی به اصلاح‌طلبان خواهد کرد و جایگاه و سرمایه اجتماعی اصولگرایان را در جامعه خواهد کاست، پس در این جناح برخی با سکوت و انتخاب گزینه «تحمل، صبر و مدارا»، نقطه استقرار خود را در جناح حفظ می‌کنند اما برخی

دیگر با انتقاد و اعتراض به وضع موجود به «شیفت سیاسی» و «همنشینی» با رقبای سابق پرداختند. در جناح مقابل هم چنین شرایطی حکمفرما بود. برخی می‌گفتند انتقاد از محمود احمدی نژاد باید به انتقاد از او و جریان سیاسی‌اش خلاصه شود و نباید انتقاد از وضع موجود به انتقاد از اصولگرایان یا حاکمیت تعمیم داده شود. چنین تصمیمی بر این پایه استوار بود که تعمیم انتقاد موجبات دفاع از محمود احمدی نژاد را فراهم خواهد کرد. به باور این طیف، از شکاف میان حاکمیت و دولتمردان وقت با بهره‌گیری سیاسی می‌شد به انتلافی برای گذار از شرایط سخت رسید. طیف دیگر اما باورشان بود که در حرکتی رادیکال باید حساب اصولگرایان، احمدی نژاد و حاکمیت را یکی کرد تا میزان سرمایه اجتماعی را در سمت مقابل به صورت مشهودی کاهش داد. در چنین شرایطی سیاسی آشفته‌ای بود که حسن روحانی و جبهه سیاسی خود را نمایان ساخت و در یک ائتلاف تاکتیکی میان نیروهایی از دو جناح به فردی فرا جناحی و «نیاز جامعه امروز» مشهور شد.

تغییر موقعیت

حتما این طور است که حسن روحانی نه در نسبت سابق با نیروهای سیاسی قرار دارد و نه این گونه است که سرمایه اجتماعی‌اش به او مانند سابق نگاه کنند. شاید اگر او سطح مواضع خود را با شناختی که از ساختار قدرت در ایران دارد تنظیم می‌کرد، بدنه او هم انتظار بالایی از او پیدا نمی‌کردند. او آنچنان برجام را بزرگ کرد و حتی آن را به خیابان‌ها آورد که امروز نمی‌تواند انتظار داشته باشد، حتی ساده‌ترین مردمان شهر هم در مورد برجام و عهدشکنی طرف مقابل مانند یک کارشناس سخن بگویند.

در اقتصاد او همه امیدش را به برجام بست و اصلاح‌کاری نداشت کسانی که می‌گویند غرب و آمریکا چندان قابل اعتنا نیستند حرف‌هایشان را از تجربه‌های قبلی می‌گویند. نسبت او با خیلی از مولفه‌ها تغییر کرده است حالا باید دنبال پاسخ این سوال بود. او از این پس چه خواهد کرد؟ مذاکرات جدید؟

به نظر می‌رسد او نخواهد گفت که شکست خورده است. او راهی دیگر برخواهد گزید. دوباره مذاکره؛ دوباره غرب.

این همان خط قرمزی است که اگر او از آن عبور کند دیگر چیزی برایش نمی‌ماند. او برای مذاکره جدید چه درباره موشک و چه درباره منطقه نه مردمی را دارد که در زمان برجام حامی‌اش بود و نه حاکمیتی که به او در این زمینه اعتماد کند.

روحانی باید تصمیم بگیرد؛ یک تصمیم مهم. نقدهای این روزهایش به کابینه را فعلا می‌گذاریم به حساب بازی روانی با سرمایه اجتماعی برای گذران این چند روز.

همه می‌دانیم اردیبهشت و خرداد مهمی برای روحانی خواهد بود.



تسلیم

دولت روحانی بالاخره دکمه فیلترینگ را فشار داد

حسن روحانی اگرچه تاکنون مواضع تندوتیزی در مورد فیلترینگ تلگرام داشته، اما هر چه هست، او نتوانست مقابل فیلترینگ تلگرام ایستادگی کند و در نهایت مجبور به تسلیم در مقابل مخالفان تلگرام شد.

روایت چند سخنرانی جنجالی

«تو احوال خوبی ۴۰ میلیون نفر گرفتار بودند، ۱۰۰ هزار نفر شغلشان را از دست دادند» این یکی از مهم‌ترین جملات حسن روحانی در مورد فیلترینگ تلگرام بعد از حادثه دی بود که بالاخره با فشارهای او رفع فیلتر شد. بعد از آن نیمه فروردین بود که نماینده اصلاح طلب مجلس از موافقت حسن روحانی با فیلترینگ تلگرام به خاطر تهدیدات امنیتی و اقتصادی آن خبر داد. داوود محمدی در گفت‌وگویی در تشریح دیدار نوروزی جمعی از نمایندگان مجلس که با حسن روحانی رئیس‌جمهور انجام شد، اظهار کرد: «در این نشست درباره موضوع فیلترینگ تلگرام هم مباحث مطرح شد و موضوعات جدی از سوی رئیس‌جمهور مطرح شد. رئیس‌جمهور تاکید کرد ما باید متکی به خود باشیم و حرکت‌های لازم را در بخش فضای مجازی، خودمان انجام دهیم و در عین حال باید از مضرات تلگرام جلوگیری کرد.» وی در پاسخ به این سوال که در مجموع رئیس‌جمهور موافق فیلترینگ تلگرام است یا خیر اظهار کرد: «بله! البته در این جلسه عنوان شد همه مزایا و مضرات این پیام‌رسان باید در کنار هم دیده و در عین حال باید همه مسائل در نظر گرفته شود.» حدود دو هفته بعد از سخنان این نماینده مجلس رئیس مرکز ملی فضای مجازی از تلاش‌های روحانی برای فیلترینگ تلگرام از ماه قبل خبر داد. ابوالحسن فیروزآبادی گفت: «اقدامات وسیعی بنا به دستور رئیس‌جمهور در دی ۹۶ انجام شد که فرمودند کشور باید از پیام‌رسان غالب (تلگرام) خارج شود.» چند روز بعد از آن نیز رئیس دفتر روحانی ادعای یک نماینده مجلس مبنی بر اینکه روحانی مخالف فیلترینگ تلگرام است را بی اساس خواند. محمود واعظی درباره ادعای حاجی دلگانی، نماینده اصولگرایی مجلس که گفته بود رئیس‌جمهور شخصاً مانع فیلترینگ تلگرام است، اظهار کرد: «آقای دلگانی حرف‌های مختلفی می‌زند و هیچ‌یک از آنها هیچ پایه و اساسی ندارد؛ این هم یکی از اینهاست.» با این وجود اما چند روز قبل حسن روحانی متنی را در صفحه اینستاگرام خود قرار داد که برخی آن را به مثابه مخالفت وی با فیلترینگ تلگرام عنوان کردند. روحانی در این متن نوشت: «رفع انحصار و کمک به تقویت پیام‌رسان‌های داخلی به معنای محدودسازی سایر شبکه‌های اجتماعی نیست. مردم حق انتخاب دارند و می‌توانند توامان در شبکه‌های مختلف اجتماعی فعالیت داشته باشند. دولت دوازدهم از فضای مجازی و امکان دسترسی و برقراری ارتباط مردم، حراست خواهد کرد.» این پیام روحانی در حالی بود که چند روز قبل اسحاق جهانگیری، معاون اول روحانی از پایان فعالیت‌هایش در کانال شخصی خود در تلگرام و کوچ به پیام‌رسان‌های داخلی خبر داده بود. پیام جدید روحانی اما با واکنش‌های مختلفی همراه شد. هر چند برخی این موضع‌گیری را به مثابه مخالفت با فیلترینگ تلگرام توسط روحانی عنوان کردند اما بسیاری از کاربران و چهره‌های رسانه‌ای به اقدامات مشابه و سابقه حسن روحانی اشاره کردند و گفتند نمی‌توان به ادعای‌های او اعتمادی کرد. آنها دلیل این عدم اعتماد را رفتارهای دوگانه و غیرصادقانه روحانی دانستند که تاکنون بارها به منصف

ظهور رسیده است. کاربران فضای مجازی نوشتند روحانی این موضع‌گیری در رابطه با فیلترینگ را در حالی اتخاذ کرده که در حوزه عمل رویکردی متفاوت است و اقداماتی خلاف این انجام می‌دهد، حتی اصلاح‌طلبان هم نتوانستند ادعای روحانی مبنی بر مخالفت با فیلترینگ تلگرام را باور کنند تا جایی که محمدعلی ببطحی در توییتری در این خصوص نوشت: «روحانی گفته رفع انحصار و کمک به تقویت پیام‌رسان‌های داخلی به معنای محدودسازی سایر شبکه‌های اجتماعی نیست. خدا کند معنایش فیلترینگ تلگرام باشد. نمی‌دانم چرا فکر می‌کنم روحانی می‌خواهد بگوید اگر فیلتر شد، ما مخالف بودیم. خدا کند اشتباه کنم و معنایش جلوگیری از فیلترینگ تلگرام باشد.»

واکنش متفاوت به سخنان روحانی

سخنان دو پهلوی روحانی البته با واکنش‌های متفاوت رسانه‌ها هم مواجه شد. برخی از مخالفت روحانی با فیلترینگ نوشتند و برخی دیگر بر طبل عملکرد ضعیف دولت دوازدهم در حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی کوبیدند. روزنامه ایران در این باره زیر عنوان رفع انحصار به جای فیلترینگ اعلام کرد: «در پی چند روز نگرانی از آنچه قطعی شدن مسدودسازی دسترسی به تلگرام خوانده شد، رئیس‌جمهوری تاکید کرد هدف از ایجاد و تقویت نرم‌افزارها و پیام‌رسان‌های داخلی فیلتر یا مسدود کردن دسترسی‌ها نباید باشد، بلکه باید با هدف رفع انحصار در پیام‌رسان‌ها انجام شود.» محمدامین قانع‌ی‌راد، جامعه‌شناس هم در یادداشتی که در روزنامه ایران منتشر شد، ضمن اشاره به فیلترینگ، سیاست شکست‌خورده گفت: «این موضع به خصوص از آن جهت قابل ارزیابی و تامل است که تجربه‌های پیشین در مورد فیلترینگ قرین موفقیت نبوده است، کم‌اینکه همین الان هم فیلترینگ برخی سایت‌ها انجام می‌شود اما به موازات آن رجوع به فیلترینگ هم بسیار زیاد شده به گونه‌ای که فیلترینگ عملاً بی‌معنا شده است. در حقیقت این سیاست هزینه‌ای را برای حاکمیت ایجاد کرده بدون آنکه نتیجه رضایت‌بخشی هم در پی داشته باشد. در مورد فیلترینگ تلگرام هم می‌توان همین پیش‌بینی را داشت.» تلگرام فیلتر نمی‌شود هم عنوان نخست روزنامه آرمان بود که در این گزارش اعلام شد: «نوروز سال ۹۶ شاید کمتر فردی تصور آن را داشت که در کمتر از یک سال کلمه‌ای با ۶ حرف به چالشی تبدیل شود که در یک سوی آن دولتمردان به دفاع از آن پرداخته و در سوی دیگر برخی که بقای خود را در فیلتر و محدود کردن جامعه می‌دانند بر حذف آن تاکید کنند. این کلمه ۶ حرفی یک پیام‌رسان خارجی است که به سرعت جای خود را در میان ایرانیان باز کرده به نحوی که حتی تبدیل به شغل و وسیله امرار معاش برخی خانواده‌ها شد.»

نکته قابل توجه دیگر تفاوتی میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در استفاده از آن نبود و همه به نوعی در آن عضویت داشتند و دارند اما زمانی که در صدد فیلترینگ آن بر آمدند چنین وعده دادند که پیام‌رسان داخلی جایگزین تلگرام خواهد شد که در این راستا سرش و ایتر را به راه انداختند که استقبالی از آن نشد و کماکان تلگرام در صدر استفاده ایرانیان قرار دارد. رئیس‌جمهور هم مخالف فیلترینگ تلگرام است و البته مخالفتی با فعالیت پیام‌رسان‌های داخلی ندارد اما نه به ارزش فیلترینگ تلگرام بلکه معتقد به حرکت موازی پیام‌رسان‌هاست. محمدرضا خباز، فعال

سیاسی اصلاح طلب هم در یادداشتی در روزنامه آرمان ضمن اشاره به اینکه دوران فیلتر گذشته، جایگزین کنیم، گفت: در عصر رسانه‌ها و زمانی که به اعتقاد کارشناسان این رسانه‌های فردی هستند که از قدرت تاثیرگذاری قوی برخوردارند، سخن گفتن از فیلتر چندان مطلوب نیست. فیلترینگ یکباره شبکه‌های اجتماعی به مصلحت نیست زیرا موجبات نارضایتی و ناراحتی مردم به خصوص افرادی که از این طریق ارتزاق می‌کنند را فراهم می‌کند، البته در این مسیر ابتدا باید به تولید شبکه‌های اجتماعی داخلی توجه کرد و طی برنامه‌ریزی زماندار مردم را تشویق به استفاده از شبکه‌های اجتماعی داخلی کنیم و در مرحله بعد برای رویکرد مثبت‌تر مردم به این رسانه‌های داخلی آنها را در شرایط رقابت با شبکه‌های قدرتمندتر قرار دهیم.»

روزنامه شهروند نیز کام مردم را تلخ‌نکند را عنوان نخست قرار داد و اعلام کرد: «روحانی در این دیدار و در واکنش به خبرهای مطرح شده در خصوص احتمال فیلترینگ تلگرام گفته، بنای نظام بر رفع انحصار از فضای پیام‌رسان‌ها بوده نه فیلتر و بستن فضای مجازی. کام مردم را با این گونه حرف‌ها تلخ نکنید، در فضای بحران بیکاری تیشه به ریشه اشتغال نزنید.» در این میان، روزنامه کیهان زیر عنوان شیون برای تلگرام عبور از نسخه نجات اقتصاد اعلام کرد: «جماعت درمانده در وعده‌ها ترجیح می‌دهد به جای پاسخگویی درباره نرخ دلار، به تلگرام پیل کند! به جای آنکه بگوید چه کار کرده که یورو ۶۲۰۰ تومان است، می‌گوید ما با سرکوب آزادی‌ها و فیلترینگ تلگرام مخالفیم و نمی‌گوییم مگر مردم عادی در یک پیام‌رسان چه می‌کنند که در دیگری نمی‌توانند؟! حساب مفسدان و بزهکاران و روسپی‌ها هم که جداسست، آیا به خودتان شک دارید؟! جماعتی که آن همه دروغ در هنگامه بجرام و انتخابات گفت، طبیعی است که نتواند حقیقت آشکاری به اسم ارزش اطلاعات را بپذیرد و درک کند که دشمنان قسم خورده ایران و ایرانی، با بهره‌گیری از داده‌هایی که برخی مقامات داخلی، سخاوتمندان و به‌راغبان در اختیار قرار می‌دهند، چه خوابی برای ایران دیده‌اند.»

ولی تو قول داده بودی!

کاربران اینستاگرام با پیام گذاشتن زیر آخرین پست صفحه رئیس‌جمهوری در این شبکه اجتماعی نسبت به فیلترینگ تلگرام و وعده‌های محقق نشده دولت او اعتراض کردند.

در حالی که حدود پنج روز از آخرین پست حسن روحانی، رئیس‌جمهوری در اینستاگرام می‌گذرد، اما بعد از دستور قضایی برای فیلترینگ تلگرام، این پست به جایگاه پایگاه اعتراض مردم نسبت به این محدودیت‌ها تبدیل شد. کاربران اینستاگرام که اتفاقاً برخی اعلام کرده‌اند صرفاً برای اظهار نظر در همین مورد اکانتهای رئیس‌جمهوری را دنبال کرده‌اند، به اشکال مختلفی اعتراض خود را بیان کرده‌اند. برخی به طنز و برخی با هجو و برخی هم با جدیت تمام در زیر پستی پیام گذاشته‌اند که به آخرین سفر رئیس‌جمهوری و زمان بازگشتش از تبریز مربوط می‌شود. زیر این پست بیش از ۲۱ هزار و سیصد پیام از طرف اقشار مختلف مردم گذاشته شده و آن را به یکی از پر مخاطب‌ترین پست‌های این اکانتهای تبدیل کرده است. پیام‌هایی که به نظر می‌آید حدود ساعت ۲ تا ۳ با مدام ارسال آنها آغاز شده و البته به استناد برخی از همان کاربران کسی هم آنها را نخواهد خواند و به آنها توجهی نمی‌کند، اما به هر حال برای برخی تنها راه رساندن صدایشان به گوش رئیس‌جمهوری بوده که ۲۹ اردیبهشت سال گذشته پرو فایلیشان را به خاطر او بنفش و متن «تا ۱۴۰۰ بار روحانی» را روی آن حک کرده‌اند. اظهار نظر‌ها عمدتاً در قالب اعتراض نسبت به شخص حسن روحانی و دولتی است که به واسطه آن قول داده بود

سه‌شنبه متفاوت تلگرام چگونه فیلتر شد؟

صبح سه‌شنبه میلیون‌ها ایرانی متوجه شدند که این بار تصمیم برای فیلترینگ تلگرام جدی است. آخرین پیام‌های روی گوشی آنها ساعت یک بامداد را نشان می‌داد و این یعنی با دستور قضایی روز دوشنبه سرانجام اپراتورها اقدام به انجام این خواسته قضایی کرده‌اند.

اما از صبح دوشنبه یک خبر در رسانه‌ها توجه همه را به خود جلب کرد. این خبر حکایت از استعفای وزیر ارتباطات داشت. رسانه‌ها در خبری شبیه به هم نوشته بودند: «محمد جواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات که گفته می‌شود استعفای خود را اعلام کرده از صبح امروز در دفتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور حضور یافته تا برای ادامه راهش از او کسب تکلیف کند. طبق گفته روابط عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، تایید یا تکذیب استعفای وزیر زمانی مشخص خواهد شد که او از جلسه با رئیس‌جمهور بیرون بیاید. این در حالی است که روحانی قرار بود صبح امروز در مراسم افتتاح نمایشگاه بین‌المللی کتاب به سخنرانی بپردازد که در این مراسم حضور نیافته است. روحانی هنوز تصمیمی درباره رد یا قبول استعفای آذری جهرمی نگرفته است. جلسه روحانی و آذری جهرمی پشت درهای بسته هنوز ادامه دارد.»

این خبر البته ساعتی بعد پس این اظهار نظر وزیر ارتباطات مواجه شد: «نیاید اعلام نظرات کارشناسی را استعفا تفسیر کنیم. در مورد فیلترینگ ما بارها اعلام کرده‌ایم که فیلترینگ تنها راه حل نیست و در مورد چالش‌های آن نیز نظرات را مستدل و مستند به مراجع مربوطه اعلام کرده‌ایم. شواهد حاکی از بروز مشکلاتی در فیلتر تلگرام در روسیه نیز هست و ممکن است اینگونه مشکلات در ایران هم رخ دهد. در هر حال به نظر می‌رسد فراتر از بحث امروز باید سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری کشور در مورد رسانه‌های نوین را سریع‌تر به نتیجه رساند تا دیگر شاهد این گونه چالش‌ها نباشیم.»

او قبل از آن نیز در نوشتاری در واکنش به فیلترینگ تلگرام نوشته بود: «۱- دسترسی شهروندان به منابع اطلاعات، توقف ناپذیر است؛ هرچند استفاده از یک نرم‌افزار متوقف شود. نرم‌افزارهای بدیل، شناسایی و جریان آزاد اطلاعات، مجدداً فعال و در گردش خواهد بود. این خاصیت و لازمه دسترسی آزاد به اطلاعات در عصر ارتباطات است. ۲- فناوری به خودی خود، نه مجرم است نه مفسد و نه منحرف؛ این بشر است که با استفاده نادرست از آن، جرم یا فساد در فضای زندگی مجازی را ترویج می‌کند؛ چندان که در فضای واقعی نیز چنین می‌کند که امری است گریزناپذیر و علی‌حده.»

۳- توسعه فناوری نیز بی‌پوسته و توقف‌ناپذیر است، چرا که مکتب در این مسیر پرجنب و جوش لاینهایی، آن هم در روزگار سرعت تکنولوژی، بس سخت و مستصعب است و خود تحریمی از دنیای نوین عقب ماندگی را به دنبال خواهد داشت.

۴- سیاست‌گذاری برای رسانه‌های نوین و به رسمیت شناختن آنها در جهت پاسداشت حقوق شهروندان، نیازمند اقدامی عاجل است که تعارض کشور با شبکه‌های اجتماعی را کاهش و باعث وحدت عمومی و مانع سلب اعتماد خواهد شد. ۵- در این میان نباید از عدم وجود استانداردهای جهانی برای حفظ حاکمیت کشورها در نرم‌افزارهای فضای مجازی گذشت، این تعارضی است که برای اکثر کشورها وجود دارد. زمانی

به دستگاه‌های ذیربط فشار می‌آورد تا جایی که حتی به وزیر ارتباطات خود دستور داده که خیلی در این حوزه ورود نکند! همه این کشمکش‌ها در حالی رخ می‌دهد که این روزها تبلیغات پیام‌رسان سروش به‌طور جدی در کشور شیوع یافته است و حتی برخی نهادها مانند آموزش و پرورش به زیرمجموعه‌هایشان دستور داده‌اند که از پیام‌رسان سروش استفاده کنند. پیام‌رسانی که تقریباً هر روز سیلی از انتقادات به تیم پشتیبانی آن برای عدم حفظ حریم شخصی کاربران وارد می‌شود. حذف کانال طرفداران محمود احمدی‌نژاد از پیام‌رسان سروش موضوعی بود که در فضای مجازی حاشیه‌ساز شد و به مقابله بین پیام‌رسان با آرا و افکار مختلف تعبیر شد. پیش از این شماره تلفن ادمین صفحه وزیر ارتباطات هم در این پیام‌رسان هک شده بود. گرچه سروش تمام این موارد را به نوعی رد کرد و آن را ضدتبلیغ برای خود دانست. من به‌شخصه با فعالیت بی‌چون و چرای تلگرام در ایران موافق نیستم، اما می‌دانم که شخص رئیس‌جمهوری سفت و سخت مقابل فیلترینگ تلگرام ایستاده است. همه می‌دانیم زاذگاه تلگرام روسیه است و امروز خود روسیه تلگرام را فیلتر کرده است. این اقدام به ما این سیگنال را می‌دهد که به علت عدم مماشات تلگرام برای انتقال سرورها به هر کشوری ممکن است رویه‌روی این پیام‌رسان بایستد. مسئولان کشور ما مذاکرات بسیاری برای به تفاهم رسیدن با تلگرام جهت رسیدن به چارچوب مشخصی داشتند اما در نهایت به نتیجه‌ای نرسیدند. با این حال شخص آقای روحانی به مسئولان ذی‌ربط از جمله وزارت ارتباطات تاکید کرده است که مواضع‌شان مخالفت با فیلتر کردن تلگرام باشد. اگرچه تلگرام، پیام‌رسان مورد تاییدی نیست اما در حال حاضر پیام‌رسان‌های داخلی هم توانایی مقابله با آن را ندارند؛ چرا که زیرساخت‌های لازم برای توسعه و گسترش آنها فراهم نیست.»

دولت موافق بود؟

«در این میان اما معاون دادستان کل کشور در امور فضای مجازی می‌گوید: تمام نهادها و قوای سه‌گانه در زمینه مقابله با فعالیت بی‌ضابطه و مسودسازی تلگرام متحد و یکپارچه هستند و همکاری کم‌نظیری بین دولت، مجلس، قوه قضاییه و مرکز ملی فضای مجازی در این رابطه وجود دارد. عبدالصمد خرم‌آبادی در پاسخ به سوالی درخصوص قانونی بودن مهاجرت نهادهای دولتی از تلگرام به سایر پیام‌رسان‌های خارجی اظهار کرد: «خطرات و تبعات فعالیت در سایر پیام‌رسان‌های خارجی، کمتر از خطرات تلگرام نیست.» معاون دادستان کل کشور در امور فضای مجازی افزود: «استفاده تمام نهادهای دولتی و حاکمیتی از پیام‌رسان‌های خارجی اکیدا ممنوع است و تخلف محسوب می‌شود و با متخلفان وفق مقررات برخورد خواهد شد.» خرم‌آبادی ادامه داد: «ممنوعیت استفاده از پیام‌رسان‌های خارجی برای نهادهای دولتی و عمومی به موجب مصوبه شورای عالی فضای مجازی، بخشنامه مرکز افتای ریاست‌جمهوری و نامه دادستان کل کشور به تمام دستگاه‌ها ابلاغ شده است. علاوه بر این در اجرای دستور معاون اول قوه قضاییه تمامی مراجع قضایی، نهادها و سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه از هرگونه استفاده اداری و اطلاع‌رسانی از تلگرام و سایر پیام‌رسان‌های خارجی منع شده‌اند. همه دستگاه‌ها بالاخص وزارت ارتباطات در این برهه حساس باید تلاش کنند با فراهم کردن زمینه ارتقای کمی و کیفی پیام‌رسان‌های داخلی، موجبات مهاجرت مردم از پیام‌رسان‌های خارجی به داخلی فراهم شود. الحمدلله تمام نهادها و قوای سه‌گانه در زمینه مقابله با فعالیت بی‌ضابطه و مسودسازی تلگرام متحد و یکپارچه هستند و همکاری کم‌نظیری بین دولت، مجلس، قوه قضاییه و مرکز ملی فضای مجازی در این رابطه وجود دارد.»

دستش روی کلید فیلترینگ نمی‌رود. بیشتر این کاربران به امیدی که برای رای دادن به دولت تدبیر و امید داشته‌اند، اشاره و تاکید کرده‌اند که به حسن روحانی رای دادند تا بسیاری از اتفاقاتی که اخیراً رخ داده مانند افزایش قیمت دلار و کالاهای اساسی، فیلترینگ تلگرام و محدودیت در فضای مجازی و... اتفاق نیفتد. برخی هم به میزان نفوذ دولت اشاره کرده و ناتوانی رئیس‌جمهوری برای جلوگیری از فیلترینگ را نشانه نداشتن قدرت و سستی دولت تعبیر کرده‌اند. کاربر دیگری این ناتوانی را به از بین رفتن اعتماد مردم نسبت به دولت تعبیر کرده و آورده است: «آقای روحانی از فیلتر شدن تلگرام ناراحت نمی‌شیم اون با فیلتر شدنش باز میشه، ما از اعتمادمون به شما ناراحتیم.» در این میان البته کاربرانی هم بوده‌اند که راه چاره و التیام زخم‌های خود را در استعفای رئیس‌جمهوری دانسته‌اند. یکی از آنها گفته است: «جناب رئیس‌جمهور بهترین کاری که می‌توانید انجام دهید اعلام استعفاست!» کاربری هم نوشته است: «اسکار غمگین‌ترین جمله الان میرسه به «ولی آقای روحانی توقعول داده بودی.» کاربر دیگری اصلاً به تاثیر فیلترینگ تلگرام بر حل مشکلات مردم اشاره و تاکید کرده است: «خواروشکر که تلگرام فیلتر شد و مشکل بیکاری جوینا حل شد. آمار اعتیاد، طلاق، تن‌فروشی به حداقل رسید، دیگه هیچ پدری سرمنده خانواده‌اش نیست، دیگه هیچ جوانی از بیکاری و بی‌پولی خودکشی نمی‌کنه، دیگه غم و افسردگی معنا نداره، مردم دیگه نمی‌تونن اختلاس کنن که در دولت فشار و سختی باشه، مشکل وام و مسکنم که نداریم خداروشکر، قتل و اسیدپاشی و دزدی هم همش زیر سر آمریکا و تلگرام بوده که اینام حل شد...» البته برخی هم به فیلترینگ تلگرام و سیاست‌های دولت برای ترغیب مردم به نصب پیام‌رسان‌های داخلی هم واکنش منفی نشان داده و تاکید کرده‌اند که هرگز «سروش» یا پیام‌رسان داخلی دیگری نصب نمی‌کنند.

روایت عجیب از روحانی

در میان اظهارنظرهای مختلف در این مورد حسینعلی حاجی‌دلیگانی می‌گوید: «من اطلاع دارم که روحانی سفت و سخت مقابل فیلترینگ تلگرام ایستاده و حتی برای این مسئله گوش بعضی‌ها را هم پیچانده است! در حالی که ابوالحسن فیروزآبادی، دبیر شورای عالی فضای مجازی نسبت به موضع گذشته خود نرم‌تر به نظر می‌رسید، اعلام کرد که شهروندان حق دارند از هر پیام‌رسانی استفاده کنند، به شرط اینکه تابع قوانین کشور باشد. این در حالی است که این مقام مسئول، چهاردهم فروردین سال جاری در برنامه‌ای تلویزیونی گفته بود: «تلگرام مثل شرکت هرمی در حال بلعیدن اقتصاد کشور است؛ خروج از انحصار پیام‌رسان‌ها دستور رئیس‌جمهوری است.» این اظهار نظر فیروزآبادی بدون پاسخ نماند و بلافاصله حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران در خصوص مطرح شدن بحث فیلترینگ تلگرام صراحتاً اعلام کرد که بنای نظام بر رفع انحصار از فضای پیام‌رسان‌ها بوده است نه فیلتر و بستن فضای مجازی. حالا فیروزآبادی از عدم انسداد قطعی تلگرام خبر داده و البته تاکید کرده هنوز احتمال فیلترینگ تلگرام وجود دارد. همین تغییر موضع این شائبه را به وجود آورده که سایر دستگاه‌های ذیربط عزم خود را برای فیلتر تلگرام جزم کرده‌اند اما می‌خواهند توپ را در زمین دولت بیندازند. واقعیت ماجرا اما چیست؟ چرا این روزها موضوع فیلترینگ تلگرام به یکی از موضوعات مهم کشور تبدیل شده و نه وزارت ارتباطات صراحتاً درباره آن نظری می‌دهد نه شورای عالی مجازی در عمل کاری انجام می‌دهد؟ حاجی‌دلیگانی، نماینده اصولگرای مردم‌شاهین شهر در اصفهان درباره علت این تناقض‌ها توضیح می‌دهد: «ماجرای این قرار است که آقای رئیس‌جمهوری به خاطر مخالفت اکید با فیلترینگ تلگرام

که مقررات کشورها محترم شمرده نشود، عکس العمل حاکمیت‌ها امری غیرطبیعی و غیرمعقول نمی‌کند. اما یک نکته جالب در مورد تلگرام این است که امروز یک خبر به نقل از وزیر ارتباطات منتشر شده که موضوع او را در مورد فیلترینگ نشان می‌دهد: «من با فیلترینگ تلگرام موافقم اما در شورای ملی فضای مجازی فقط یک حق رای دارم.»

تنگناهای وزیر جوان

اما همچنان که تلگرام برای برخی کاربران فیلتر شده و برای برخی نشده بود؛ خبر از استعفای وزیر جوان می‌رسد. خبرهای غیررسمی حکایت از آن داشت که چهره‌ی برای بیان استعفای شفاف‌های راهی دفتر رئیس‌جمهور شده و بعد از رد استعفا ناگزیر است حاشیه‌های ایجادشده را جمع‌وجور کند. در همین حال موجی از انتقادات روانه آقای وزیر شد و بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی این اقدام او را «نمایشی» خواندند. این انتقادات صرفاً به وزیر ارتباطات محدود نبود و شخص رئیس‌جمهور با لحن طنز و جدی مورد اعتراض واقع شد. بسیاری به روحانی یادآوری کردند که در همین چند ماه قبیل (اجلاس حقوق شهروندی در آذر ۹۶) گفته است: «وزیر ما اینجاست و به مردم قول می‌دهد دستش روی دکمه فیلترینگ نخواهد رفت.» کاربران صراحتاً از روحانی خواستند که به پشتوانه رای ۲۴ میلیون پست آنها را خالی نکرده و مانع از فیلتر تلگرام شود. با این وجود به نظر می‌رسد پرونده تلگرام بسته شده و کار تمام است. روحانی در همین چند روز گذشته در چند سخنرانی خوش درخشیده و تأکید کرده که پای وعده‌هایش ایستاده است. حال باید دید که وعده‌های او وزیر ارتباطاتش از حد فراتر می‌رود یا خیر. چهره‌ی که از همان روزهای اخذرای اعتماد پرحاشیه بود، این روزها همه تلاش خود را به کار گرفته تا از یک سو به پیام‌رسان‌های داخلی فرصت رقابت دهد و از سوی دیگر مقابل فیلترینگ تلگرام بایستد. حتی حاجی‌دلگانی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز اذعان می‌کند: «من اطلاع دارم که روحانی سفت و سخت مقابل فیلترینگ تلگرام ایستاده و حتی برای این مساله گوش بعضی‌ها را هم پیچانده است!»

وزیر ارتباطات حتی از ارائه گزارش این وزارتخانه در خصوص رفع فیلتر توییتر به مرکز ملی اطلاعات خبر داد. او به همین جا اکتفا نکرد و سعی کرد گامی نیز در حوزه قانون گذاری بردارد؛ قانونی برای اطمینان در حوزه امنیت کاربران. او گفت: «فتوای مقام معظم رهبری در خصوص حفظ حریم خصوصی و تأکید بر حرام بودن سرکشی به اطلاعات مردم بسیار راهبردی است. در حال پیگیری هستیم تا با مجلس مصوبه‌ای داشته باشیم و حوزه ورود به حریم خصوصی را تبیین کنیم و به قانون مجازات اسلامی افزوده شود که قوه قضاییه نیز همکاری خوبی در این عرصه دارد. مخصوصاً بعد از فتوای مقام معظم رهبری فضای بسیار آماده‌تر شده تا این قانون تبیین شود و یک بسته حمایتی برای مدیران پیام‌رسان‌ها در برابر حفاظت از حریم خصوصی کاربران‌شان باشد.» جلسه اخیر جهرمی با جوانان حزبی اما اوضاع را متفاوت کرده است. این طور که فارس و تسنیم نوشته‌اند او در این جلسه اعلام کرده است که با فیلترینگ تلگرام موافق بوده اما در شورای فضای مجازی تنها یک رای دارد. خودش اما در پاسخ به یکی از کاربران توییتر این موضوع را تکذیب کرد. با این وجود انتشار گزارش دیدار جهرمی و جوانان موفتلفه هم‌زمان با استعفایی که نمایشی تلقی شد، وزیر جوان را بیش از قبل در تنگنا گذاشته است. حال باید منتظر ماند و دید که در ماجرای فیلتر تلگرام زور چه کسی می‌چربد؟ فیلترینگ گام به گام ادامه یافته و نهایتاً همه ناگزیر به کوچ از این پیام‌رسان می‌شوند یا مسئولان کوتاه آمده و برای رفع انحصار در این حوزه فکر بهتری کنند؟

تکذیب یک خبر درباره تلگرام

به‌رغم انتشار خبری از مدیر تلگرام که در آن به نقل از «دوروف» آمده بود تلگرام ۲۲ ساعت با استفاده از «بلاک چین» ارائه می‌شود و غیر قابل فیلتر خواهد بود، بررسی توییتر و تلگرام وی نشان می‌دهد وی تا این لحظه چنین پستی را منتشر نکرده است.

ماجرای یک دستور قضایی

در کنار تمامی اما و اگرهای مختلف در خصوص فیلتر احتمالی تلگرام آن هم در ایام تعطیلی نوروز رئیس‌جمهوری، در دیدار با جمعی از مدیران ارشد کشوری، در واکنش به خبرهای مطرح شده در خصوص احتمال فیلتر تلگرام اعلام کرد: «بنای نظام بر رفع انحصار از فضای پیام‌رسان‌ها بوده است نه فیلتر و بستن فضای مجازی و نباید با فیلترینگ تلگرام کام مردم را تلخ کرد.» چندی بعد از این اظهار اما و اگر در خصوص فیلترینگ تلگرام ادامه داشت تا طرح کوچ مقامات دولتی به پیام‌رسان‌های داخلی در راستای حمایت از محصولات ایرانی کلید خورد. با این اتفاق و آمارهایی که از سوی مدیران پیام‌رسان‌های داخلی اعلام می‌شد بسیاری پیش‌بینی کردند که با شکست انحصار تلگرام دیگر نیاز به فیلترینگ تلگرام نیست. اما سرانجام کوچ دولتی‌ها به پیام‌رسان‌های داخلی و تمام تلاش‌های دولت برای جلوگیری از مسدودسازی تلگرام به نتیجه نرسید، چرا که روز دوشنبه (۱۰ اردیبهشت) خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه خبر از دستور قضایی در خصوص مسدودسازی پیام‌رسان تلگرام را داد. براساس این خبر تمام ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی به اینترنت کشور به خصوص شرکت ارتباطات زیرساخت و اپراتورهای تلفن همراه و دارندگان پروانه ارائه خدمات ارتباطات ثابت مکلف بودند تا تاریخ ۱۰ اردیبهشت نسبت به اعمال مسدودسازی کامل وبسایت و اپلیکیشن این پیام‌رسان اقدام کنند. در نهایت هم از شامگاه روز سه‌شنبه سه اپراتور همراه اول، ایرانسل و رایتل دسترسی به تلگرام را از طریق دیتای موبایل به‌روی کاربران بستند. در نخستین ساعات صبح روز سه‌شنبه محمد جوادی‌آذری جهرمی در توییتر و اینستاگرام خود نسبت به این مسدودسازی واکنش نشان داد. او در توییتر و در رشته توییتری نوشت: «دسترسی شهروندان به منابع اطلاعات، توقف ناپذیر است؛ هرچند استفاده از یک نرم‌افزار متوقف شود. نرم‌افزارهای بدیل، شناسایی و جریان آزاد اطلاعات، مجدداً فعال و در گردش خواهد بود. این خاصیت و لازمه دسترسی آزاد به اطلاعات در عصر ارتباطات است.» این اظهار نظر وزیر ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی فرصتی دست کاربران داد تا به‌صورت مستقیم نسبت به این اقدام واکنش نشان دهند. هشتک‌های مختلفی تاکنون در اینستاگرام و توییتر نسبت به مسدودسازی تلگرام به راه افتاده که از مورد توجه‌ترین آن‌ها می‌توان به «روحانی بایست»، «نه به فیلترینگ تلگرام، نه به پیام‌رسان داخلی»، «save our telegram»... اشاره کرد.

هفته گذشته در حالی که اخبار ضد و نقیضی در مورد وضعیت تمامی ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی به اینترنت کشور خصوصاً شرکت ارتباطات زیرساخت و اپراتورهای تلفن و دارندگان پروانه ارائه خدمات ارتباطات ثابت مکلف هستند از تاریخ ۹۷/۲/۱۰ نسبت به اعمال مسدودسازی کامل وبسایت و اپلیکیشن شبکه اجتماعی تلگرام اقدام نمایند، «بندیایانی این دستور نیز به این شرح است: «متذکر می‌گردد اعمال مسدودسازی باید به نحوی اجرا شود که محتوای شبکه مذکور با هیچ نرم‌افزاری (اعم از فیلتر شکن و نظایران) در کشور قابل دسترس نباشد. تخلف از اجرای این دستور مستوجب تعقیب کیفری خواهد بود.» به هر حال به نظر می‌رسد ماجرای تلگرام را می‌توان یک مساله تمام‌شده تلقی کرد.

۲۲

از صبح دوشنبه یک خبر در رسانه‌ها توجه همه را به خود جلب کرد. این خبر حکایت از استعفای وزیر ارتباطات داشت. رسانه‌ها خبری شبیه به هم نوشته بودند: «محمد جوادی‌آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات که گفته می‌شود استعفای خود را اعلام کرده از صبح امروز در دفتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور حضور یافته تا برای ادامه راهش از او کسب تکلیف کند»

۲۲

موضع دولت و مجلس

اما این ماجرا باز خوردهای زیادی داشت و نمایندگان مجلس نیز نسبت به این مسدودسازی واکنش نشان دادند. برای نمونه محمدرضا بادامچی، نماینده تهران و نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در گفت‌وگو با جماران اعلام کرد: «انتظار نداشتم تلگرام در دولت روحانی فیلتر شود. آقای روحانی قول داده بود فضای مجازی هیچ‌گاه محدود نشود. با این قول ما انتظار نداشتم تلگرام فیلتر شود. نباید از فضای مجازی اینقدر وحشت داشت و تبلیغات علیه آن صورت گیرد.» از سوی دیگر محمد کاظمی، نماینده ملایر و عضو کمیته تعیین مصادیق مجرمانه نیز با اعلام اینکه مخالف تلگرام است گفت: «مردم را باید به سمت استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی تشویق کرد، ولی در عین حال این ممنوعیت‌ها نمی‌تواند مفید باشد.» همچنین پروانه سلحشوری، رئیس فراکسیون زنان در گفت‌وگو با دیده‌بان ایران نیز با اعلام اینکه فیلتر تلگرام راه حل درستی نیست، تأکید کرد: «باید گفت که آیا مقام قضایی صلاحیت دستور فیلتر کردن را دارد یا خیر. مسأله مهمی همچون فیلتر کردن تلگرام نباید به صورت تشنج آور در جامعه مطرح شود و چالش جدیدی را برای مردم ایجاد کند.» از دیگر نمایندگان معترض به فیلتر تلگرام محمود صادقی بود. او در توییتر خود نوشت: «محدود ساختن گردش آزاد اطلاعات راه مناسبی برای تأمین امنیت نیست.»

با بالا رفتن حجم انتقادات نسبت به دولت در خصوص فیلتر تلگرام در نهایت عصر روز سه‌شنبه دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت اطلاعیه‌ای را در خصوص محدودیت‌های اعمال شده بر تلگرام منتشر کرد. در این اطلاعیه ضمن تأکید همیشگی بر تلاش دولت برای دسترسی آزاد به اطلاعات ارزان و آسان به‌عنوان یک حقوق شهروندی به دخالت دیگر نهادها در تصمیم‌گیری‌های دولت اشاره شده است. در بندهایی از این اطلاعیه تأکید شده که تشخیص تهدید امنیت ملی، سیاست‌گذاری و اقدام متناسب، صرفاً بر عهده شورای عالی امنیت ملی است و دیگران موظف به هماهنگی با این نهاد عالی هستند. در ادامه این اطلاعیه تصریح شده که تعیین تکلیف امور عمومی که مرتبط با نیازها و خواسته‌های ده‌ها میلیون نفر از شهروندان است، نمی‌تواند صرفاً مبتنی بر تشخیص و تصمیم‌موردی قضایی باشد. همچنین در اطلاعیه دولت در خصوص فیلترینگ تلگرام با اشاره به تداخل محدود وظایف نهادهای مختلف گفته شده: «متأسفانه وجود اختلاف نظر در مورد حدود صلاحیت‌ها و تشخیص مصالح عمومی منجر به تداخل وظایف، صدور احکام و اقدامات مختلف و بعضاً متعارض در مورد دسترسی عمومی به پایگاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شده است.» در پایان اطلاعیه دولت در خصوص فیلتر تلگرام تصریح شده که هر گونه سیاست‌گذاری در حوزه فضای مجازی باید هوشمندانه، متکی بر تجربیات جهانی و با رعایت ملاحظات، واقعیات، امکانات فنی و ظرفیت‌های اجتماعی اتخاذ شود.



وزیری با مشت‌های باز نشده

آذری جهرمی اصلاح طلب است یا اصولگرا

شاید کسی فکر نمی‌کرد یک روز در ایران تا این حد وزیر ارتباطات مورد توجه و در معرض اخبار باشد. در واقع این روزها شاید آذری جهرمی، مهم‌ترین عضو کابینه روحانی باشد، که هر روز هم خبرهای مهمی می‌دهد و هم حرف‌های مهمی در مورد او می‌زنند.

حالا که تلگرام در نهایت فیلتر شده و به شدت زیر ذره‌بین رسانه‌ها و جامعه قرار گرفته است، کار حتی تا آنجا پیش رفته که هفته گذشته آذری جهرمی در مورد استعفای او نیز در رسانه‌ها منتشر شد. سوال این است که این عضو کابینه دقیقاً چه نسبتی با جریان‌های سیاسی دارد؟ او اصلاح طلب است یا اصولگرا؟ ذات سیاسی او البته در چهره‌ای که تلاش می‌کند تنها حرف‌های فنی بزند پنهان شده اما شاید بتوان از لابه‌لای اخبار و مواضع به اطلاعاتی در این مورد دست یافت.

جهرمی کیست؟

محمد جواد آذری جهرمی در سال ۱۳۶۰ در شهر جهرم به دنیا آمده و خانواده‌وی یک شهید و یک جانباز تقدیم جمهوری اسلامی کرده است. او پس از پایان تحصیلات متوسطه وارد دانشگاه صنعت آب و برق می‌شود و مدرک کارشناسی مهندسی برق قدرت را دریافت می‌کند. وی متأهل است و سه فرزند دارد.

بازجو یا کارشناس؟

محمد جواد آذری جهرمی در سن ۲۴ سالگی اولین فعالیت کاری خود را با عنوان کارشناس فنی وزارت اطلاعات در وزارت اطلاعات شروع کرد و در دوران فعالیت وی وزیر اطلاعات غلامحسین محسنی‌اژه‌ای بود و تا سال ۱۳۸۸ در این حوزه فعال بود. همچنین از وی به عنوان بازجوی فنی از برخی زندانیان سیاسی نام برده می‌شود که او در خصوص این شایعه روز پنجشنبه، ۲۶ مرداد ۹۶ در تویتر خود نوشت: «هیچ‌گاه شغل بنده بازجویی یا مشاوره فنی آن یا تفتیش منازل نبوده است» و این شایعه را رد کرد و آمادگی خود را برای جلسه حضوری با کسانی که گفته‌اند از آنها بازجویی کرده، اعلام کرد.

او در مصاحبه با روزنامه ایران اطلاعات بیشتری در این مورد در اختیار قرار داده است. جهرمی گفته است: «خبرهای زیادی در خصوص اینکه من در بخش شنود وزارت اطلاعات کار کرده‌ام در شبکه‌های مجازی دیده می‌شود. یک بار هم اعلام کردم که اصلاً وزارت اطلاعات بخشی به نام شنود ندارد. در سال ۸۴ هم بنده در وزارت اطلاعات مدیرکل بودم. عنوان من در سال ۸۴ در وزارت اطلاعات کارشناس حوزه فنی بود. در واقع عنوان شفاف بنده هم در سال ۸۸ مدیرکل امنیت سیستم‌های ارتباطی در سازمان تنظیم مقررات بود. تمام خبرهایی که در این چند هفته در خصوص فعالیت‌های بنده با به کار بردن عبارات خاص منتشر شده هدف کاملاً رسانه‌ای و در راستای تخریب دارد. چارچوب و ضوابط شنود در کشور بر اساس قانون مشخص شده است. باید نگاه کنید، ببینید و چارچوب این قانون جایگاه و سلسله‌مراتب شنود چیست و کجاست؟ آیا در شنود، خود وزارت اطلاعات نقشی دارد؟ البته وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای امنیتی، پلیس و بخش‌هایی که برای امنیت مردم تلاش می‌کنند قطعاً نیاز به کنترل بر اساس قانون دارند تا سرریخ‌های لازم را کشف کنند، اما در خصوص موضوعی، خود این

نهادهای هم‌رأس اقدام نمی‌کنند. هر فعالیتی در این زمینه طبق آیین‌نامه در قوه قضائیه و اداره کل دادگستری کل استان‌ها و بر اساس قانون انجام می‌شود، بنابراین انتساب این حرف‌ها به صورت کلی به من کاملاً غلط است. من در وزارت اطلاعات کار کرده‌ام اما متأسفانه رویکردی ایجاد شده که هر فردی در این وزارتخانه کار می‌کند بد است. اگر این وزارتخانه بد است پس برای چه به وجود آمده است؟ وزارت اطلاعات یکی از نهادهای مهم برای برقراری امنیت در جامعه است. وزارت اطلاعات بر اساس مأموریت‌هایش برای حفظ امنیت مردم گام برمی‌دارد. کارکنان این وزارتخانه برای حفظ امنیت مردم



جان خودشان را آن هم در گمنامی از دست می‌دهند، البته ممکن است در هر دستگاهی عده‌ای اشتباه کنند این شرایط دلیل نمی‌شود که کل یک مجموعه را زیر سوال ببریم. به جای تخریب عده‌ای خاص و یک مجموعه باید اقدامات اشتباه در آن مجموعه را زیر سوال برد. آن چیزی که بد است و من هم قبول دارم این است که کسی با دیدگاه امنیتی محدود ساز در یک مجموعه توسعه‌ای مشغول به کار شود. اما در سه سالگی که من در مجموعه زیرساخت فعالیت کرده‌ام آیا رویکردی امنیتی و محدود کننده برای حوزه داشته‌ام؟ مگر هر فردی که در وزارت اطلاعات بوده است باید بیاید توضیح دهد که مشغول به چه کار و مأموریتی بوده است. خود وزارت اطلاعات اگر مصلحت ببیند همه چیز را توضیح می‌دهد. در خصوص فعالیت من در این وزارتخانه این بحث مطرح می‌شود که فلانی در سال ۸۸ در این وزارتخانه فلان کار و فلان کار کرده است. مجموعه فنی وزارت اطلاعات که من در آن مشغول به کار بودم یک مجموعه کاملاً مهندسی است و اتفاقاً بالاترین نگاه توسعه‌ای کشور در این مجموعه فنی دیده می‌شود.

تکنولوژی‌هایی که در این وزارتخانه به کار برده شده به تازگی به صورت پایلوت درآمده تا در حوزه‌های تجاری مورد استفاده قرار بگیرد. وزارت اطلاعات مجموعه‌ای است که در لبه تکنولوژی حرکت می‌کند. اما اینکه مجموعه فنی وزارت اطلاعات کار سیاسی انجام می‌دهد یا کار دستگیری و سرکوب انجام می‌دهد حرف‌هایی کاملاً اشتباه است. چنین مأموریت‌هایی در این مجموعه اصلاً تعریف نمی‌شود. کار معاونت فنی وزارت اطلاعات کاری کاملاً توسعه‌ای در حوزه تکنولوژی است. در کل نه هر چیزی که مردم می‌گویند را من به دلیل محدودیت‌های موجود می‌توانم اثبات کنم و نه هر چیزی که من بگویم را دیگران قبول می‌کنند. یک فضای مناسب برای تخریب ایجاد شده و من هم تا حد کفایت توضیحات لازم را ارائه کرده‌ام. در سال ۹۲ و زمانی که آقای واعظی به عنوان وزیر ارتباطات دولت یازدهم انتخاب شدند با آقای علوی، وزیر اطلاعات چندین بار صحبت کردند و باتوجه به شناختی که از مجموعه فعالیت‌های بنده داشتند درخواست کردند تا مأموریت‌های خود در این وزارتخانه را واگذار و به فعالیت‌های توسعه‌ای در وزارت ارتباطات کمک کنم. در نهایت با اصرار آقای واعظی و موافقت وزارت اطلاعات به مجموعه وزارت ارتباطات پیوستم.» اما نکته مهم در مورد آذری جهرمی این است که او هم مخالفان قابل شماری در میان اصولگرایان و هم مخالفان قابل توجهی در میان اصلاح‌طلبان دارد. زمانی الیاس نادران در توییتی در مورد او نوشته بود: «آقای روحانی! با نصب معاون فنی... که وظیفه ذاتی اش شنود بود، می‌خواهید فضای مجازی را آزاد کنید؟»

همین توییت؛ نام محمد جواد آذری جهرمی را بیش از گذشته بر سر زبان‌ها انداخت جالب آنکه جهرمی نیز درباره این توییت آرام ننشست و در واکنش به این ادعای نادران پاسخ داد: «وزارت اطلاعات اداره کلی به نام شنود ندارد، امور سیاسی هم در معاونت فنی پیگیری نمی‌شود. از آقای نادران انتظار حمایت از دولت دارید؟»

اما در واکنشی دیگر به انتخاب جهرمی توسط روحانی، «محمد کیانوش‌راد»، از فعالان اصلاح طلب و از نمایندگان مستعفی مجلس ششم به تازگی طی یادداشتی در روزنامه آرمان امروز و در کنایه به آقای جهرمی، جوان‌ترین وزیر پیشنهادی رئیس‌جمهور روحانی (که سابقه مدیرکلی در وزارت اطلاعات را هم دارد) نوشته بود: «به نظر نمی‌رسد مجموعه فعالان و اشخاص مرتبط با دو وزارتخانه آموزش و پرورش و ارتباطات رضایت چندانی از وزیر پیشنهادی داشته باشند. صرف نظر از بحث پیرامون شخصیت افراد، همان‌گونه که به کارگیری شخصی نظامی بر مسند سیاسی به علت تفاوت‌های حرفه‌ای امر نظامی با فعل سیاسی، چندان شایسته نیست و همان‌گونه که حسن روحانی در کارزار انتخاباتی سال ۹۲ به درستی بر این نکته تأکید داشت که من حقوقدان هستم نه سرهنگ، حضور شخصی از بدنه ارگانی دیگر، بر وزارت ارتباطات، حساسیت‌زا و مایه نگرانی جامعه است. این موضوع باعث تردید نمایندگان در رای اعتماد به وزیر ارتباطات شده و به نظر می‌رسد انتخاب دیگری برای این وزارتخانه مفیدتر باشد.» به نظر می‌رسد آذری جهرمی تلاش کرده است تا خود را در میانه دو جناح نگه دارد و دست خود را برای تحلیلی‌گرانی که می‌خواهند ذات سیاسی او را کشف کنند باز نکند. او حتی گاهی فاصله‌هایی با حسن روحانی هم ایجاد می‌کند. نمونه‌اش در ماجرای فیلترینگ بود که او حتی به سرعت در رسانه‌ها ظاهر شد و گفت: «من استعفا نداده‌ام.»

وزیر جوان

در مردادماه ۱۳۹۶ محمد جواد آذری جهرمی به عنوان وزیر پیشنهادی ارتباطات و فناوری اطلاعات در دولت دوازدهم به مجلس پیشنهاد شد و توانست اعتماد مجلس

را جذب کند و به عنوان وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات انتخاب شود. او اولین وزیر جوان جمهوری اسلامی ایران است که تاریخ تولد وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است و آیت الله سید علی خامنه‌ای در مورد انتخاب وی به عنوان وزیر با ابراز خرسندی از انتخاب یک «وزیر جوان»، خطاب به وی گفتند: «خداوند ان شاء الله کمک‌تان کند. ان شاء الله آمدن شما در دولت، تجربه موفق‌ی باشد. واقعا تشنه همین تلاش جوانانه جوان‌ها هستیم.»

موافق فیلتر؟

در مورد آذری چهرمی سخنان متناقضی بیرون می‌آید که هیچ‌کدام معلوم نمی‌کند که او بالاخره موافق فیلترینگ بوده یا مخالف آن. چند اظهار نظر او در مورد تلگرام به این شرح است:

«اما اینکه آیا تلگرام فیلتر می‌شود یا خیر؟ جواب این است که بله بالاخره وقتی گروه‌های سیاسی و افراد صاحب نظر در کشور اظهار نظر می‌کنند یعنی اینکه در مراجع سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر کشور این مباحث مطرح است، یعنی نمود مطالب جلسات در مظان افکار عمومی قرار می‌گیرد. این مسائل وجود دارد. اما خوب باید طی یک جمع‌بندی باید به یک روال قانونی تبدیل شود.

- من هیچ‌گاه کانال شخصی در تلگرام نداشته‌ام. من اصولا به رسانه یکسویه اعتقاد ندارم. از روز اولی که شروع به فعالیت رسانه‌ای نوین کردم، صفحه‌ای در شبکه اجتماعی اینستاگرام راه‌انداختم و در توئیتر هیچ‌گاه در تلگرام کانال نداشتم. چرا؟ چون برای من مسئول برخورداری از رسانه یکطرفه‌اگرگذار نیست.

- شبکه اجتماعی خود تولیدکننده محتوا نیست، بلکه این کاربران هستند که محتوا تولید می‌کنند. حالا ممکن است در شبکه اجتماعی داخلی کاربر محافظه‌کار باشد، ولی اصل و ذاتش عوض نمی‌شود. برخی همین انتقادات داخلی را هم بر نمی‌تابند، بنابراین تا ما سیاستمان را در برابر رسانه‌های نوین مشخص نکنیم همواره با این اختلاف مواجه خواهیم بود.

- ما به عنوان وزارت ارتباطات در حوزه ارتباط و فناوری اطلاعات، در زمینه ارتباطات تکلیف‌مان معلوم است. قانون گفته که شما به اپراتورها مجوز می‌دهید و اپراتورها زیر نظر شما باید کار کنند. سروش از چه نهادی مجوز گرفته است؟ از ما مجوز گرفته؟ آی‌گپ مگر از ما مجوز گرفته است؟ اصلا اسنپ یا تپسی مگر از ما مجوز گرفته‌اند؟ قانون به ما ولایت بر سربس‌های فناوری اطلاعات را ابلاغ نکرده است. کارگروه تعیین مصادیق حکم داده که توئیتر در ایران نباید فعالیت کند. توئیتر هم در ایران فعالیت نمی‌کند و حکم هم نداده، من به عنوان شهروند ایرانی نمی‌توانم وارد توئیتر شوم. این یک قاعده حقوقی مهم است و به شوخی به آن پرداختند، ولی اگر این مساله را ببینیم، خیلی موضوعات دیگر هم حل می‌شود. نکته در اینجا است که برخی با فیلتر شکن وارد توئیتر می‌شوند. آیا دور زدن فیلترینگ ممنوع است یا نه. برخی معتقدند که ممنوع است برخی هم معتقدند که چنین نیست. آن چیزی که برداشت است از ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای که برخی تعبیر می‌کنند دور زدن فیلترینگ جرم است و برخی تعبیر می‌کنند جرم نیست که البته من توضیح داده‌ام که اصلا فیلتر رادور زده‌ام که مبتلا به این مساله شده باشم. من از اینترنت بدون فیلتر استفاده می‌کنم با مجوز قانونی، اما اینکه عده‌ای از مسئولان از توئیتر استفاده می‌کنند، احتمالا به دلیل این است که به کارکردهای مثبت آن معتقدند.

- همواره این چالش وجود دارد که عده‌ای تلاش کنند محدودیت‌های اعمال شده توسط حاکمان رادور بزنند ولی ماشاء الله فیلتر شکن در دنیا وجود دارد و فقط هم برای ما توسعه داده نشده است.





بگیرند. همچنین در بیسفون پلاس امکان ارسال فایل‌های مدیا، متنی بدون محدودیت حجم وجود دارد. بیسفون ادعا می‌کند که کانال، ابداع این پیام‌رسان برای نخستین بار در دنیا بوده و دیگر پیام‌رسان‌ها با فاصله‌ای یک‌ساله این ایده بیسفون را اجرایی کردند. ثبت کانال در بیسفون به این شکل است که باید از طریق منوی موجود در سمت چپ ایجاد کانال را انتخاب کنید، برای کانال خود اسم و آی‌دی بسازید، برای کانال خود هشتگ تعریف کنید و از امکان اختصاصی بیسفون، یعنی نمایش کانالتان در دسته‌بندی‌ها و امکان سرچ بدون الزام به عضویت در کانال، برای هر کاربر بیسفون استفاده کنید. همچنین کانال شما می‌تواند دارای چند ادمین باشد.

«سروش»

سروش هم یک نرم‌افزار پیام‌رسان ایرانی است که اعلام شده با سرعت و امنیت بالا و دارای قابلیت‌های متعددی نظیر ارسال پیام متنی، ارسال پیام صوتی، امکان برقراری تماس صوتی، ارسال عکس و فیلم، ارسال فایل‌های مختلف، تشکیل گروه، کانال‌های عمومی متعدد و غیره است. بنا بر اعلام، تمامی خدمات سروش از جمله تماس صوتی رایگان است و در هر ثانیه تماس صوتی ۹ کیلوبایت از حجم اینترنت شما مصرف می‌شود. سرویس آب و هوا، خرید شارژ آسان، پرداخت قبوض، تماس صوتی رایگان، ایجاد کانال‌های تعاملی و انواع نظرسنجی، گفت‌وگوی فردی و گروهی و سایر امکانات از جمله پرداخت درون کانالی، ارسال تصویر

«بله»

«بله» یک شبکه اجتماعی پیام‌رسان است که بنا بر آنچه از سوی مسئولانش اعلام شده، با توجه به امکاناتی که برای اشخاص و کسب و کارها فراهم کرده، می‌تواند تبادلات مالی و غیرمالی آنها را تسهیل کند. در بخش معرفی آن هم آمده که کاربران می‌توانند از بله برای انتقال پول، پرداخت قبوض، خرید شارژ، استعلام قبض موبایل، پرداخت عوارض خروج از کشور، گرفتن موجودی و نیکوکاری در کنار ارتباط با کسب و کارهای مختلف استفاده کنند. بنا بر اعلام، پیام‌رسان «بله» توسط بانک ملی ایران ضمانت شده و کاربران می‌توانند با خیال راحت به انجام تراکنش‌های خود اقدام کنند و از امنیت سرویس کارت به کارت هم مطمئن باشند.

همچنین افراد می‌توانند فایل‌هایی تا سقف «۱۰۰ مگابایت» را ارسال کنند، با نوشتن بخشی از نام کانال در بخش «جست‌وجو» از تب «گفتگو»، اقدام به جست‌وجوی کانال مورد نظر خود کنند. طبق آنچه اعلام شده، شماره تلفن کاربران تنها به اشخاصی نمایش داده خواهد شد که شماره موبایلشان در دفترچه تلفن همراه آن شخص ذخیره شده باشد. همچنین در صورتی که فردی شماره موبایل تان را از طریق گزینه «افزودن مخاطب» اضافه کرده باشد، نیز قابل نمایش است.

«بیسفون» (بیسفون پلاس)

طبق اطلاعات منتشر شده رویای پیام‌رسان، بیسفون پلاس نتیجه تجربه بیسفون و حاصل یک برنامه برای تجربه یک ارتباط آسان، ارزان و سریع برای کاربران است. بیسفون پلاس در کافه بازار و گوگل پلی و همچنین اپ استور در دسترس است و همچنین از طریق تب دانلود در نوار بالایی صفحه اصلی سایت بیسفون می‌توان این نرم‌افزار را دانلود و نصب کرد. همچنین قرار بود که نسخه وب و دسک‌تاپ این پیام‌رسان به زودی در دسترس کاربران قرار گیرد.

بنا بر اعلام، در حال حاضر امکان مکالمه بین دارندگان بیسفون به صورت رایگان فراهم است و به زودی این امکان برای کاربران فراهم می‌شود تا حتی با تلفن‌های ثابت در هر نقطه از دنیا نیز تماس گرفته شود. با راه‌اندازی این سرویس حتی افرادی که بیسفون را روی گوشی خود نصب نکرده‌اند بسته به مقصد تماس، با هزینه‌ای کمتر از تعرفه هر اپراتور دیگری می‌توانند با آن شماره تماس

آلترناتیو

کدام شبکه‌های اجتماعی جایگزین تلگرام شده‌اند؟

اکنون که تلگرام فیلتر شده است، پیام‌رسان‌های داخلی با یکدیگر در حال رقابت هستند تا هرکدام امکانات و ویژگی‌های خود را به کاربران فضای مجازی معرفی کنند و میزبان کوچ‌بزرگ ایرانیان از پیام‌رسان پر مخاطب تلگرام باشند اما آنچه این روزها یکی از دغدغه‌های اصلی کاربران ایرانی در این حوزه است، این است که پیام‌رسان‌ها توسط چه اشخاصی و چگونه اداره می‌شوند؟ «سروش»، «آی‌گپ»، «ایتا»، «گپ» و «ویسپی» پیام‌رسان‌هایی هستند که این روزها نامشان زیاد شنیده می‌شود؛ آن هم به عنوان جایگزینی برای «تلگرام» که ایرانی‌ها چندسالی هست با آن خو گرفته‌اند.

«آی‌گپ»

در بخش معرفی این پیام‌رسان آمده است که آی‌گپ یک ارتباط امن و مطمئن را بین شما دوستان و خانواده‌تان برقرار می‌کند و با استفاده از الگوریتم‌های رمزنگاری منحصر به فرد در جابه‌جایی همه داده‌های شما، امنیت را برای حفظ حریم خصوصی شما فراهم آورده است. پیام‌رسان آی‌گپ از گوگل پلی، کافه بازار یا مایکت قابل دریافت یا به روزرسانی است. بر این اساس کاربران می‌توانند در آی‌گپ به صورت دونفره یا گروهی به گفت‌وگو بپردازند، کانال بسازند و در آن عضو بگردند و اطلاعات خود را بین میلیون‌ها کاربر دیگر نیز به اشتراک بگذارند. همچنین می‌توان هر فایلی را با هر پسوند و حجمی انتقال داده یا در بستر ابری خود ذخیره کرد. مدیرعامل «آی‌گپ» شخصی به نام محمد رسول کاظمی است. این پیام‌رسان توسط شرکت «روی خط مدیا» پشتیبانی می‌شود که در سال ۱۳۹۴ تأسیس شده است. فعالیت‌های این شرکت در حوزه طراحی، برنامه‌نویسی و پشتیبانی نرم‌افزارهای ارتباطی و رسانه‌ای روی تلفن‌های همراه متمرکز است. محمد رسول کاظمی مدعی است: «تخصص بنده در زمینه رایانه است و با تکیه بر همین موضوع اقدام به رفع یکی از دغدغه‌های همیشگی ام که ساختن پیام‌رسانی بومی با قابلیت جهانی است، کرده‌ام و در این مسیر یک ریال حمایت از جایی دریافت نکرده‌ام. تمام کسانی که می‌گویند داخلی‌ها توان پاس‌خگویی به نیاز و تعداد کاربران ایرانی را ندارند به صراحت می‌گویم که آی‌گپ قادر به پاس‌خگویی به تمام نیازهای ۴۰ میلیون کاربر ایرانی است.» کاظمی چندی پیش نیز اعلام کرده بود که هرکس بتواند «آی‌گپ» را هک کند، به او جایزه یک میلیارد تومانی پرداخت می‌کند.

سرویس آب و هوا، خرید شارژ آسان، پرداخت قبوض، تماس صوتی رایگان، ایجاد کانال‌های تعاملی و انواع نظرسنجی، گفت‌وگوی فردی و گروهی و سایر امکانات از جمله پرداخت درون کانالی، ارسال تصویر و ویدئو، موزیک، پیام صوتی، طراحی بات‌های هوشمند، شخصی‌سازی تم اپلیکیشن و غیره نیز از دیگر ویژگی‌های این پیام‌رسان است. برای عضویت در سروش ابتدا باید نرم‌افزار را از وب‌سایت آن یا از طریق کافه بازار دانلود و سپس آن را در گوشی خود نصب کنید. هنگام نصب، باید شماره موبایل خود را وارد کنید که سپس از طریق پیامک، کد فعال‌سازی برای شما ارسال می‌شود و با درج کد فعال‌سازی در قسمت تعیین شده، شما عضو سروش خواهید بود. ضمناً برای نصب و استفاده از این نرم‌افزار باید گوشی شما به اینترنت متصل باشد. نرم‌افزار سروش در بهمن ۱۳۹۴ نسخه آزمایشی خود را به بازار عرضه کرد و تا بهمن ۱۳۹۵ نزدیک به ۷۰۰ هزار کاربر فعال داشت. این نرم‌افزار تحت حمایت سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران گسترش یافته و بخش عمده‌ای از سهام این شرکت متعلق به صداوسیماست. «سروش» توسط شرکت «توسعه فناوری رسانه سروش» پشتیبانی می‌شود که مدیرعامل این شرکت شخصی به نام محمدرضا علی عسگری است و مدیریت پیام‌رسان سروش نیز بر عهده سیدمیثم سیدصالحی است. سیدصالحی، مدیرعامل شرکت داده‌پرداز «فان‌آ» بوده؛ شرکتی که خدمات اینترنت پرسرعت ارائه می‌کرده است. پیام‌رسان «سروش» مدعی است که اطلاعات مخاطبان را ذخیره و از آنها استفاده می‌کند اما این اطلاعات را در اختیار شخص یا شرکت ثالثی قرار نمی‌دهد. این پیام‌رسان شرایط و قوانینی را برای عضویت تنظیم کرده که در بنده آن آمده است: «سروش مجاز است در هر زمان که مشخص شد شناسه انتخاب شده مغایر با مشخصات سازنده یا مدیران کانال است با بدون اطلاع قبلی شناسه کانال را تغییر یا کانال را غیرفعال نماید. مرجع تشخیص در این زمینه، سروش است.» در بند ۲ قوانین محتوای ردوبدل شده در سروش نیز آمده است: «کاربران مجاز به انتشار محتوای خلاف واقع، غیراخلاقی و غیرقانونی نیستند و عواقب آن بر عهده خود کاربر خواهد بود.»

در بند ۵ قوانین شرایط استفاده آمده است: «کاربر آزاد است تا در چارچوب قوانین این توافقنامه و قوانین جمهوری اسلامی ایران اقدام به استفاده از بخش‌های مختلف سروش کند. لازم است ذکر شود عواقب تخلف از این بند، بر عهده خود کاربر است. در این خصوص سروش خود را توسعه‌دهنده

دیگر توجیهی برای حمایت از روحانی نداریم

آیا اصلاح‌طلبان حمایت از روحانی را پایان می‌دهند؟

غلامرضا حیدری

عضو فراکسیون امید



شکست بکشند اما متأسفانه آقای روحانی و عده‌های دیگری هم داد. در زمان انتخابات و عده رفع حصر را دادند که یکی از مهم‌ترین عوامل در رأی آوری آقای روحانی بود و ما برای او سینه زدیم. اما من به عنوان یک شهروند که همین الان هم خود را موظف می‌دانم که حامی ایشان باشم باید بگویم خیلی وعده‌های خلاف دادند. روحانی فرد باتجربه‌ای بوده و باید عمیق‌تر فکر کند و بضاعت خود و موانع را ببیند. ناچونمردی است که موقع رأی گرفتن وعده دهند و در نهایت هیچ کدام از وعده‌ها به نتیجه نرسد. علی‌رغم فشارهایی که وجود دارد آقای روحانی باید خودش پاسخگو باشد. ما از بس از ایشان حمایت کردیم دیگر هیچ توجیه برای حمایت‌مان نداریم، چون قوه قضاییه در زمینه فیلترینگ تلگرام وارد شده، رئیس‌جمهور باید با رئیس قوه قضاییه صحبت کند و اگر به تفاهم نرسید با مذاکره با مقام رهبری که طبق قانون اساسی سکانت دار اصلی کشور هستند، موضوع را حل کند، چون فیلتر تلگرام از سوی قوه قضاییه سؤال کنند که او نیز عنوان می‌کند من کارهای دادگستری سؤال کنند که او نیز عنوان می‌کند من کارهای نیستیم. من به وزیر ارتباطات اعتماد ندارم و نمی‌دانم چقدر راست می‌گوید، چون خودش زمانی در سرچشمه همین مسائل بوده و حالا وزیر شده است، البته قضایات نمی‌کنیم اما اعتمادی ندارم. حق هر شهروندی است که نسبت به یک فرد بی‌اعتماد باشد و من تناقضاتی را در حرف‌های ایشان می‌بینم. در خصوص فیلتر تلگرام حکم قضایی صادر شده و فرایند خاص خود را دارد مجلس در شکستن حکم قضایی اختیار ندارد و فرایندش در داخل قوه قضاییه است. مجلس می‌تواند قانون وضع کند و بگوید فیلتر ممنوع! که من احتمال تأیید آن از سوی شورای نگهبان را بسیار کم می‌دانم، چون قانون اساسی صراحت دارد که شکنجه و تفتیش عقاید مطلقاً ممنوع است و محول نکرده که قانون‌گذار حد و حدود تعیین کند، اما چقدر به آن عمل می‌شود؟ ضررهای فیلتر تلگرام بسیار بیشتر از فایده متصور افراد فیلترکننده است. دنیا، دنیای ارتباطات است و خداوند در قانون ارتباطات است اینکه ما ارتباطات را قطع کنیم، خلاف نظام خلقت و قوانین الهی است. فیلتر تلگرام مغایر منافع ملی است و امیدواریم مقامات تصمیم‌گیر در این زمینه همه جوانب را دوراندیشانه مورد توجه قرار دهند.

متأسفانه بعد از همه فراز و فرودها تلگرام فیلتر شد و این کار در افکار عمومی نتایج خوبی ندارد. اگر ما برای افکار عمومی احترام قائل هستیم و به آن به عنوان یک شاخص در ارزیابی عملکردهایمان اهمیت می‌دهیم، باید بدانیم این اقدامات تأثیر بسیار منفی در کاهش اعتماد عمومی که یک سرمایه اجتماعی است، دارد. رفتارهایمان موجب کاهش اعتماد مردم می‌شود و در روز مبادا خدای ناکرده موجب می‌شود که کم‌بیاوریم. اعتماد عمومی می‌تواند حلال بسیاری از مشکلات باشد. در مورد علت فیلتر تلگرام باید بگویم چند سناریوی می‌توان برای چرایی فیلتر تلگرام عنوان کرد: اول اینکه افرادی که در فیلتر تلگرام دخیل هستند، فکر می‌کنند که منافع کشور با استفاده از تلگرام در خطر می‌افتد. سناریوی دیگر این است که تلگرام موجب بالارفتن آگاهی عمومی می‌شود و بالارفتن آگاهی عمومی را برای کشورداری مفید نمی‌دانند. سناریوی سوم اینکه آنها از نظر فکری و مدل ذهنی با تکنولوژی‌های روز خیلی سرسازگاری نداشته باشند. در کشورمان ابتدا با رادیو، بلندگو، تلویزیون و... مخالفت می‌شد و در اوایل انقلاب نیز ویدئو حرام و قاچاق بود. روی اینترنت نیز در اوایل خیلی بحث بود. دنیا لحظه‌ای پیشرفت می‌کند و در عصر دیجیتال هستیم و حتی عنوان می‌شود که از این عصر هم در حال عبور هستیم، بنابراین به نظر می‌آید این مخالفت‌ها، درگیر شدن‌ها و ممانعت‌ها نتیجه عکس داده است. خدا کند که افراد تصمیم‌گیر با عقلانیتی در جهت بهره‌برداری هر چه بهتر، مناسب‌تر و آسان‌تر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کنند؛ بگیروبند مدل ذهنیت بسته است که مربوط به زمان کمونیسم شوروی است که آن هم منسوخ شد. در خصوص اینکه عدم تحقق وعده رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه دست‌مان بر روی دکمه فیلتر نمی‌رود، چه تبعات منفی در جامعه دارد باید بگویم سناریویی وجود دارد مبنی بر اینکه تمامی این اقدامات برای مخالفت با رئیس‌جمهور است و می‌خواهند او را به

«گپ»

در بخش معرفی این پیام‌رسان هم آمده که می‌توان یک ارتباط سریع و مدرن را روی تلفن همراه، تبلت و رایانه شخصی تجربه کرد و کاربران در هر شرایطی تنها با دسترسی به اینترنت می‌توانند به حساب کاربری خود در گپ متصل شوند؛ با دوستان خود در ارتباط باشند و از دنیای اطلاعات، خدمات و سرگرمی‌های گپ بهره‌مند شوند. برای داشتن گپ روی تلفن همراه، باید ابتدا آن را از مارکت‌های معتبر ایرانی و بین‌المللی (گوگل پلی، استور - اپل اپ استور - کافه بازار) دریافت و سپس نصب کنند. در این پیام‌رسان می‌توان به صورت دوفره یا گروهی با دوستان چت کرد، همچنین می‌توان برای دوستان خود عکس، فیلم، استیکر و غیره ارسال کرد. کاربران همچنین می‌توانند فروشگاه مجازی خود را راه‌اندازی و به فروش محصولات و خدمات خود اقدام کنند. بنا بر اعلام کاربران با استفاده از کیف پول گپ می‌توانند حساب خود را شارژ کرده و پرداخت‌های مختلفی را انجام دهند. خرید از فروشگاه‌ها، شرکت در جشنواره‌ها و مسابقات، استفاده از امکانات خاصی از بازی‌ها و صدها امکان دیگر همگی در کیف پول همراه آنها قرار گرفته است. همچنین با استفاده از امکان درخواست پول در بستر گپ، می‌توان در گپ صورتحساب ایجاد کرد و برای دوستان و خانواده فرستاد. در وبسایت این پیام‌رسان هیچ اطلاعاتی درباره شرکت پشتیبان و گردانندگان اصلی آن وجود ندارد. گردانندگان «گپ» در اینستاگرام نیز فعالیتی ندارند و گویا ترجیح دادند که در گمنامی به فعالیت خود ادامه دهند. در بخش «ارتباط با ما» و «درباره ما»ی وبسایت گپ عملاً هیچ اطلاعاتی وجود ندارد و آنها صرفاً مدعی ارتباط آسان و مدرن هستند. آنها می‌گویند: «شرکت‌ها و افرادی که دارای محتوا و خدمات ارزشمند هستند، می‌توانند از طریق پیام‌رسان گپ خدمات و اطلاعات خود را در اختیار مخاطبان قرار دهند». آذری‌جهری، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات سال گذشته به این پیام‌رسان پیوست.

«اینا»

مراحل طراحی و پیاده‌سازی نرم‌افزار اینتا توسط شرکت اندیشه‌یاوران تمدن امروز که گفته می‌شود یک شرکت خصوصی است، انجام گرفته که این شرکت تحت حمایت دو شرکت طوبی و هاتف فعالیت می‌کند. سوابق این شرکت‌ها در حوزه فناوری‌های مبتنی بر تلفن همراه است. اینتا مدعی است: «هیچ شخص، گروه و جریانی نمی‌تواند اینتا را مجبور به حذف اطلاعات کاربران و فعالیت‌های آنها در نرم‌افزار کند. در عین حال اینتا تابع قوانین و مقررات رسمی جمهوری اسلامی ایران و احکام مراجع صالح قضایی است و نسبت به حذف روایات و کانال‌هایی که مطالب خشونت‌آفرین و تروریستی را نشر دهند یا حاوی مطالب مستهجن باشند، اقدام خواهد کرد. لطفاً توجه فرمایید که این شامل محدودیت‌های محلی در مورد آزادی بیان نمی‌شود. برای مثال اگر نقد کردن دولت در کشوری ممنوع باشد، اینتا هیچ‌گاه در این گونه سانسورهای سیاسی مشارکت نمی‌کند. تا به این روز ما به اندازه صفر بابت دیدار در اختیار اشخاص ثالث از جمله دولت‌ها قرار داده‌ایم.» در وبسایت «اینا» نام هیچ شخصی به عنوان گرداننده اصلی نیامده است.





تصمیم تهران

ایران در مواجهه با آمریکا چه خواهد کرد؟

بر اجرای تعهدات برجامی از سوی ایران تاکید شده بود. در نشست ناتو که در اواخر ماه مه گذشته برگزار شد، ترامپ تلاش کرد تا شرکای اروپایی خود را به جلوگیری از تجارت با ایران تشویق کند. همچنین در ماه جولای مدیر امور قانونگذاری کاخ سفید در نشست گروه ۲۰ در آلمان اعلام کرد که دونالد ترامپ از کشورها می خواهد که با دولت های حامی تروریسم به خصوص ایران مبادله تجاری نداشته باشند. این لابی ها نشان می دهد که آمریکا در واقع در حال نقض پاراگراف ۲۹ برجام مبنی بر جلوگیری از اتخاذ هرگونه سیاست برای تاثیر منفی بر عادی سازی روابط تجاری و اقتصادی با ایران بوده است. دولت ترامپ همچنین ممکن است نقض های دیگری را در رابطه با توافق هسته ای ایران انجام داده باشد. پاراگراف ۲ توافق به طور خاص آمریکا را ملزم می کند تا مجوز فروش هواپیماهای مسافربری و خدمات مربوطه به ایران را صادر کند. بر اساس قانون آمریکا، هر شرکت آمریکایی یا حتی شرکت خارجی که بیش از ۱۰ درصد اجزای سازنده محصولات خود را از آمریکا دریافت می کند باید مجوز دفتر کنترل دارایی های خارجی وزارت خزانه داری آمریکا (OFAC) را دریافت کند.

سه گزینه ایران در صورت خروج آمریکا از برجام

محمدجواد ظریف در جریان سفر اخیر خود به ایالات متحده آمریکا در گفت و گو با نشریه «نیویورکر» سه گزینه ایران را در صورت خروج واشنگتن از برجام تشریح کرده است. وزیر امور خارجه کشورمان در این خصوص می گوید: «این برای ایران مهم است که به منافع توافق هسته ای دست پیدا کند. تهران سه گزینه و سناریو در صورت خروج ترامپ از توافق هسته ای دارد: سناریوی اول این است که ایران نیز از توافق هسته ای خارج شود، به پایبندی خود به مفاد توافقنامه پایان دهد و غنی سازی اورانیوم را از سر بگیرد. آمریکا هرگز نباید از این مساله واهمه داشته باشد که ایران به دنبال بمب اتمی است ولی ما به شدت به دنبال غنی سازی خودمان هستیم.»

ظریف افزود: «گزینه دوم از مکانیزم اختلاف و منازعه در توافق هسته ای استخراج می شود که به هر طرف اجازه می دهد تا شکایت رسمی را در کمیسیون که برای رسیدگی به نقض مفاد توافقنامه تشکیل شده، ارجاع دهد. ایران تاکنون ۱۱ شکایت را به این کمیسیون ارجاع داده است، همچنین به فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که رئیس این کمیسیون است، موارد نقض توافق هسته ای از سوی آمریکا را در ۳ مقطع مختلف اعلام کرده است. هدف اصلی از این روند، بازگرداندن آمریکا به پایبندی به مفاد برجام است.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی تصریح کرد: «گزینه سوم که جدی ترین و شدیدترین است آن است که ایران احتمالاً برای خروج از پیمان آن پی تی تصمیم گیری خواهد کرد. ایران از امضا کنندگان این پیمان به شمار می رود.»

رایزنی ظریف و لاوروف بخصوص مواجعه با آمریکا

وزیر امور خارجه کشورمان در هفته گذشته و در سفری کوتاه و یکروزه به مسکو که جهت شرکت در نشست مشترک ایران، ترکیه و روسیه در قبال سوریه برگزار شد، با سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در خصوص نحوه مواجعه با اقدامات ایالات متحده آمریکا (خروج احتمالی واشنگتن از توافق هسته ای) به رایزنی پرداخت.

وزیر امور خارجه ایران در پایان سفر چند ساعته اش به مسکو گفت که با لاوروف، وزیر خارجه روسیه درباره اقدامات مشترک برای مقابله با حرکت های آمریکا در برجام هماهنگی و گفت و گو کرده است. همچنین محمدجواد ظریف در نشست خبری مشترک با همتایان روس و ترکیه ای خود در پاسخ به پرسش خبرنگاران در خصوص احتمال ارتباط برجام و مخالفت های آمریکا با ایران در سوریه افزود: «هیچ یک از این بحث ها ارتباطی با برجام پیدا نمی کند. آمریکا از ابتدای دولت ترامپ در مخالفت با یک توافق بین المللی و یک قطعنامه شورای امنیت که مورد تایید قرار گرفته و قطعنامه ای است که دولت ایالات متحده نیز یکی از بنیان آن بوده و رای مثبت به آن داده است و این تعهد را برای خودش ایجاد کرده است، حرکت می کند. آقای ترامپ نه تنها این قطعنامه را اجرا نکرده بلکه تعهدات دولت آمریکا را نیز نقض کرده است و امروز علاوه بر اینکه به تعهدات خود باز نمی گردد، زیاده خواهی هایی فراتر از برجام نیز دارد. این موضوع نه تنها برای مردم ایران بلکه برای سایر اعضای برجام و جامعه بین الملل هم غیرقابل قبول است.»

روایت اتلانتیک از نقض علنی برجام توسط ترامپ

همچنین یک نشریه معتبر آمریکایی در گزارشی با تاکید بر اینکه «ترامپ نه به برجام پایبند بوده و نه پایبند خواهد ماند»، نوشت: «دولت ترامپ در واقع پاراگراف ۲۹ برجام مبنی بر لزوم خودداری آمریکا از اتخاذ هرگونه سیاستی در راستای تاثیر منفی بر عادی سازی روابط تجاری و اقتصادی ایران با جامعه بین الملل را نقض کرده است.» نشریه اتلانتیک با تاکید بر اینکه «ترامپ تاکنون نیز توافق هسته ای با ایران را نقض کرده است»، نوشت: «مخالفان توافق هسته ای همواره اعلام می کنند که تهران به تعهدات خود در برجام پایبند نبوده است اما به نظر می رسد این واشنگتن است که این تعهدات را عملی نکرده، با همه حواشی که در مورد تصمیم ترامپ در ۱۲ می برای خروج از برجام یا ماندن در آن وجود دارد، یک موضوع کاملاً مشخص است و آن اینکه ایران به تعهدات خود در برجام پایبند بوده است.»

آژانس بین المللی انرژی اتمی ۹ بار در گزارش های خود این موضوع را مورد تایید قرار داده است. همچنین متحدان اروپایی آمریکا و حتی جیمز متیس وزیر دفاع ترامپ نیز بر این موضوع مهر تایید گذاشتند. در همین ماه جاری وزارت خارجه آمریکا گزارشی را منتشر کرد که در آن

طی روزهای اخیر، مقامات آمریکایی و اروپایی به صورتی صریح از احتمال عدم تمدید تعلیق تحریم های ثانویه آمریکا علیه ایران سخن می گویند. امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه و انگلا مرکل صدر اعظم آلمان نیز هر دو به صورت مستقیم و غیرمستقیم اذعان کرده اند که توانسته اند تغییری در تصمیم نهایی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در قبال برجام به وجود آورند. در چنین شرایطی احتمال خروج آمریکا از برجام و متعاقباً لغو توافق هسته ای افزایش یافته است. برخی کارشناسان و تحلیلگران مسائل بین المللی نیز معتقدند واشنگتن و تروئیکی اروپایی در حال تلاش برای قرار دادن ایران بین دوراهی «لغو برجام» یا «تغییر برجام» بوده و بازی هدمندی را در این خصوص با همراهی یکدیگر تکمیل می کنند. با این حال مسلمانان کشورمان، مذاکره مجدد بر سر برجام یا اعمال هرگونه تغییری در مفاد آن (تحت عنوان توافق ثانویه یا الحاقیه) را نخواهد پذیرفت.

اولتیماتوم روحانی در تماس با ماکرون

حسن روحانی عصر یکشنبه هفته گذشته و در تماس تلفنی امانوئل ماکرون اظهار داشت: «پایداری برجام موجب تحکیم امنیت و همکاری منطقه ای است. اساس روابط ما بر اعتماد است و برجام اولین پایه مهم برای اعتماد میان ایران و کشورهای غربی است.» روحانی با بیان اینکه مواضع آمریکایی ها علیه برجام صریحاً ناقض توافق میان هفت کشور است، گفت: «ایران در روزهای اخیر تصمیمات بسیار مهمی در زمینه روابط بانکی، ارز و دیگر مسائل اقتصادی اتخاذ کرده است و برای هر تصمیمی که آمریکا در دوازدهم ماه می (۲۲ اردیبهشت) بگیرد، اقدامات متنوعی را طراحی کرده ایم.» رئیس جمهور با بیان اینکه رفتار فعلی آمریکا، نقض برجام و ایجاد ترس و ابهام برای کشورهای مختلف و نگاه های اقتصادی برای رابطه با ایران است، تاکید کرد: «حتی اگر در ۲۲ اردیبهشت آمریکا اعلام کند در برجام می ماند و شرایط دو سال گذشته را بخواهد ادامه دهد، برای ما قابل قبول نیست.»

روحانی با تاکید بر اینکه آینده برجام بعد از ۲۰۲۵ را مقررات بین المللی تعیین می کند و ایران هیچ محدودیتی را فرای تعهداتش نمی پذیرد، گفت: «برجام و هر موضوع دیگری به بهانه آن، به هیچ وجه قابل مذاکره نیست.»

رئیس جمهور فرانسه نیز در این تماس تلفنی با تاکید مجدد بر ضرورت گسترش همکاری های تهران-پاریس در همه عرصه های مورد علاقه اظهار داشت: «اتحادیه اروپا و به ویژه فرانسه کاملاً از برجام دفاع کرده و ما صد درصد در برجام باقی می مانیم.» امانوئل ماکرون پایبندی به برجام را باعث تقویت اعتمادسازی و ثبات امنیت در منطقه دانسته و تاکید کرد که موضع مشخص فرانسه و اروپایی ها باقی ماندن در چارچوب برجام است و از شما (ایران) هم می خواهیم که در این توافق بمانید. اتحادیه اروپا و فرانسه برجام را همان طور که هست قبول دارند.»

روایت عراقی از احتمال بازگشت به دوران قبل از برجام

عضو ارشد تیم مذاکره کننده هسته ای کشورمان از احتمال بازگشت به دوران قبل از برجام (در صورت خروج آمریکا از توافق هسته ای) خبر داده است. سیدعباس عراقچی در این خصوص می گوید: «در هر دو صورت که آمریکا از برجام خارج بشود یا نشود، ادامه این وضعیت قابل تحمل نخواهد بود و تدابیر ویژه ای در نظر داریم. برای همه سناریو ها گزینه های خودمان را آماده کردیم. هر احتمالی (از جمله بازگشت به دوران پیش از برجام) در این خصوص وجود دارد.»

تقسیم کار نه چندان پیچیده

تهران اجازه عبور غرب از خطوط قرمز خود را نمی دهد

سیدرضا صدر الحسینی

کارشناس مسائل استراتژیک



به طور کلی، روند تحولات مربوط به پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پس از انعقاد توافقنامه بین‌المللی برجام، به نقطه بسیار حساسی رسیده است. در این میان، چنین نکته‌ای حائز اهمیت است که در شرایط کنونی، تصمیم طرف‌های دخیل در انعقاد برجام برای استمرار اقدامات مبتنی بر این توافقنامه چگونه خواهد بود. در این خصوص نکاتی وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد؛ نخست اینکه در فضای سیاسی کشور، تصویری نادرست در خصوص «طرف تصمیم‌گیر» درباره برجام به وجود آمده است. بر این اساس، برخی دائما به دنبال این هستند که ایالات متحده آمریکا چه برخورد و مواجهه‌ای با برجام خواهد کرد. با این حال معتقدم که تصمیم‌گیرنده اصلی برای ادامه برجام یا توقف همیشگی این توافق جمهوری اسلامی ایران است. ایالات متحده آمریکا با استناد به ابرازهای رسانه‌ای و تبلیغاتی و سیاسی خود و در قالب یک عملیات روانی، از مدتی قبل فضای سیاسی کشورمان را در قبال تصمیم ترامپ در قبال برجام حساس کرده است. واشنگتن سعی دارد شرایط را به گونه‌ای القا کند که گویا حال و آینده اقتصادی ایران در بعد داخلی و بین‌المللی، به تصمیم ترامپ مربوط می‌شود. اما موقعیت ایران به گونه‌ای است که تصمیم‌نهایی را پیرامون برجام اتخاذ خواهد کرد. نکته دیگر، به نقش و نوع بازی کشورهای اروپایی در این معادله بازمی‌گردد. برخی تصور می‌کنند از آنجا که کشورهای اروپایی در جریان انعقاد برجام و پس از آن، نقش پلیس خوب را بازی کردند، می‌توانند بدون نظر ایالات متحده آمریکا اروپا را در سید جمهوری اسلامی ایران نگاه دارند. از این رو به نظر می‌رسد اقداماتی که اروپا صورت داده است، در قالب

تاثیرگذاری بر تصمیم‌نهایی ایران و متعاقبا، تاثیرگذاری در قبال توان دفاعی مطلوب کشور (بالاخص توانمندی بومی موشکی) قابل تفسیر است. باید این نکته را مدنظر قرار داد، اروپاییان در یک تفاهم مشترک با ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیده‌اند که واشنگتن در توافقنامه برجام باقی بماند، به شرط آنکه ایران گفت‌وگوی خود را با کشورهای اروپایی در خصوص توان دفاعی خویش آغاز کند. این تفاهم مخالف امنیت ملی، منافع و مصالح کشور است. مواضع امام راحل و مقام معظم رهبری و ملت غیور و شجاع کشورمان در قبال مسائل دفاعی کاملا واضح است. باید تاکید کرد که به هیچ عنوان، پذیرشی از سوی ایران برای ورود به گفت‌وگو بر سر توان موشکی کشورمان وجود ندارد. توان و اقتدار جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل و ظرفیت‌های موجود داخلی آن، به میزانی است که قادر خواهد بود بر اصول و ارزش‌های علمی و دفاعی خود تکیه کرده و آن طور که دیگر مخالفان و رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی ما می‌خواهند به ما دیکته کنند، عمل نکند. بررسی و تحلیل دقیق روند اقدامات اروپا در قبال پرونده هسته‌ای ایران و برجام به صراحت نشان می‌دهد که مقامات اروپایی نقش هنرپیشگانی در قبال این توافق ایفا می‌کنند. سناریو و زمان و شیوه بازی هر یک از بازیگران اروپایی را کارگردان نمایش یعنی ایالات متحده آمریکا تعیین می‌کند. چه در جریان انعقاد توافق برجام و چه در دوران پس‌برجام، کشورهای اروپایی همان اهداف و مقاصد تعیین شده توسط ایالات متحده آمریکا را دنبال می‌کنند. این قاعده هم در دوران ریاست جمهوری اوباما و هم در دوران ریاست جمهوری ترامپ صادق بوده است. اروپاییان تلاش می‌کنند با حفظ ظاهری آرام و در قالب رفتارهای دیپلماتیک، مقاصد کلی غرب را به پیش ببرند. در یک نگاه کلی تر، ما در قبال پرونده برجام شاهد تقسیم کاری هستیم که میان ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا شکل گرفته است. اروپایی‌ها در این معادله سعی کرده‌اند نقش یک بازیگر تعدیل‌کننده (به سود منافع

غرب و آمریکا) را ایفا کنند. در دوران پس‌برجام، هم ما مشاهده می‌کنیم که اروپایی‌ها با توجه به اینکه احساس کردند از بازارهای ایران طی ۳۰ سال اخیر بازمانده‌اند، تلاش کردند این عقب‌ماندگی را به وسیله پرونده هسته‌ای ایران تا حدودی جبران کنند. با این حال تاکنون ارتباط با برخی کشورهای اروپایی نتوانسته در خصوص موضوع برجام به جمهوری اسلامی کمک کرده باشد. با نگاهی به روند ارتباط کشورهای اروپایی با ایران (قبل و پس از انقلاب اسلامی) متوجه می‌شویم که این کشورها همواره به دنبال منافع خود و ایفای نقش استعماری دیرینه خود علیه کشورمان بوده‌اند. پس از پیروزی انقلاب، تعدادی از کشورهای اروپایی کمک‌حال سیاست‌های استعماری آمریکا در منطقه و علیه منافع ملی ایران بوده‌اند. در هر حال، کشورهای اروپایی (با حفظ همین رویکرد) در صدد بودند تا رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا را در توافق هسته‌ای نگاه دارند اما مواضع متناقض، پارادوکسیکال و غیرحقوقی ترامپ ثابت کرده است به هیچ عنوان نمی‌توان تا اعلام نظر نهایی وی در خصوص ماندن یا خروج از برجام قضاوت نهایی کرد. به نظر می‌رسد فایده توافقنامه برجام برای کشورهای اروپایی بیش از ایالات متحده آمریکا بوده است که متعاقب آن حاضر شده‌اند در این معادله نقش پلیس خوب را ایفا کنند. درحقیقت ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی، در صورتی برجام را حفظ خواهند کرد که قدرت دفاعی مشروع جمهوری اسلامی ایران کاهش یافته و قدرت موشکی کشورمان محدود شود. به عبارت بهتر، ایالات متحده آمریکا در صورتی از برجام خارج نمی‌شود که ایران، کلید برنامه‌های موشکی خود را به بازیگران غربی و امضاکنندگان غربی برجام تحویل دهد. تحقق این موضوع، به معنای ایجاد شکافی بزرگ در زنجیره دفاعی کشورمان است. نباید از خاطر برد همه مقامات ارشد کشور در ایران اعلام کرده بودند ورود به مباحث دفاعی کشور خط‌قرمزی پررنگ در حوزه امنیت ملی ما محسوب می‌شود و در این خصوص هیچ مذاکره‌ای صورت نخواهد گرفت. از این رو، صراحتا می‌توان عنوان کرد که توافقات ایالات متحده آمریکا و اروپا، نمی‌تواند به مبنایی برای حل پرونده برجام تبدیل شود. جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه در حوزه منافع ملی خود، خصوصا در مباحث دفاعی حاضر به معامله سیاسی نبوده و نخواهد بود؛ قاعده‌ای که آن را باید به صورتی صریح و دقیق مدنظر قرار داد



پاتک

واکنش ایران در صورت لغو برجام چه خواهد بود؟

حمید عزتی

مترجم

جمهوری اسلامی ایران صراحتاً اعلام کرده است که پاسخ کشورمان به نقض عهد ایالات متحده آمریکا در برجام و خروج احتمالی از توافق هسته‌ای، قاطعانه خواهد بود. برخی مقامات کشورمان صراحتاً اعلام کرده‌اند که در صورت خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از برجام، ایران نیز از توافق هسته‌ای خارج خواهد شد و دلیلی برای ادامه این توافق از سوی ایران وجود ندارد. از سوی دیگر، با توجه به دیدارهای صورت گرفته اخیر میان مقامات آمریکایی و اروپایی در واشنگتن، احتمال خروج دولت ترامپ از برجام افزایش یافته است. نشریه «فوربس» مطلبی را در خصوص نحوه واکنش ایران نسبت به خروج احتمالی ایالات متحده آمریکا از برجام منتشر کرده است که توجه شما خوانندگان گرامی را به متن آن جلب می‌کنیم:

مدت زمان اندکی تا اعلام نظر نهایی واشنگتن در خصوص توافق هسته‌ای با ایران باقی مانده است. ۱۲ ماه می، زمانی است که ایالات متحده و اروپا سعی کرده‌اند تا فرارسیدن آن، در خصوص برخی مسائل مانند محدودتر کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و مهار فعالیت‌های منطقه‌ای ایران به توافق برسند. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در سفر اخیر که به ایالات متحده آمریکا (نیویورک) داشت، سیاست‌های واشنگتن در قبال برجام را محکوم کرد. همچنین برجام اصلی‌ترین موضوع مذاکره امانوئل ماکرون و دونالد ترامپ در جریان سفر اخیر رئیس‌جمهور فرانسه به واشنگتن بود. طی نشست که میان روسای جمهور ایالات متحده و فرانسه برگزار شد، امانوئل ماکرون معامله جدیدی را برای تکمیل و جایگزینی برجام پیشنهاد داد.

او چهار موضوع و دغدغه اصلی را در خصوص برجام و توافق با ایران مطرح کرد که

شامل نگرانی‌های بلندمدت مربوط به مدت اعمال تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران (بندهای موسوم به غروب آفتاب)، نگرانی‌های کوتاه‌مدت در خصوص برجام، نگرانی در خصوص موشک‌های بالستیک و فعالیت‌های موشکی ایران و در نهایت نگرانی در خصوص فعالیت‌های منطقه‌ای این کشور (مانند فعالیت‌هایی که ایران در سوریه صورت می‌دهد) می‌شد.

اما دونالد ترامپ همچنان نسبت به توافق هسته‌ای با ایران رویکرد مثبتی ندارد و نسبت به آن و اجرایش ابراز دل‌سردی کرده است. رئیس‌جمهور فرانسه حتی در جریان دیدار با ماکرون، این توافق را احقانه خواند و نسبت به ادامه تعلیق تحریم‌های ایران (مطابق اختیاراتی که از سوی کنگره به ترامپ داده شده است) ابراز تردید کرده است. تعلیق این تحریم‌ها، ایران را قادر می‌سازد تا از مزایای تجاری و مالی مربوط به این مساله بهره‌مند شود.

گام بعدی برای ایران سخت است

نوع پاسخ ایران نسبت به اعمال دوباره تحریم‌های ایالات متحده آمریکا (تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران) تا حدود زیادی بستگی به نحوه اعمال این تحریم‌ها از سوی واشنگتن دارد؛ اینکه آیا ایالات متحده آمریکا همه تحریم‌های ثانویه و قبلی خود را علیه ایران وضع خواهد کرد یا در خصوص برخی از آنها بازنگری خواهد کرد. مقامات ایران تا کنون چهار گزینه مختلف را که به شدت متفاوت هستند، در قبال خروج دولت ترامپ از برجام مشخص کرده‌اند. در حال حاضر، تهران می‌تواند گزینه‌هایی را انتخاب کند که حداقل در ابتدا منجر به محافظت از این کشور در برابر آثار وضع دوباره تحریم‌ها توسط آمریکا شود. این موضوع می‌تواند در قالب رایزنی با اتحادیه اروپا صورت گیرد. تاریخ نشان داده که اثرگذاری تحریم‌های ایالات متحده آمریکا در قبال دیگر بازیگران، بدون همراهی متحدان آن به شدت کم بوده است.

با این حال اولین گزینه - و شاید جذاب‌ترین گزینه از دیدگاه اتحادیه اروپا - این است که از مکانیزم حل اختلافات در برجام (ICPOA) استفاده شود. با این وجود چالش بزرگ برای ایران این است که مکانیزم حل اختلاف

در ماده ۳۶ بر اساس این فرض استوار است که ایالات متحده یا دیگر قدرت‌های غربی، نه ایران، باید آن را اجرا کنند. این مکانیزم به منظور مجازات ایران طراحی شده و اجازه می‌دهد تا ایالات متحده و دیگران در صورت نیاز به تحریم‌ها علیه ایران مجدداً اقدام کنند. به عبارت بهتر، این ماده قانونی، اساساً برای اقدام علیه ایران طراحی شده و نه اقدام علیه ایالات متحده آمریکا! ظریف اخیراً خاطرنشان کرده است که ایران تا کنون ۱۱ بار به صورت غیررسمی شکایت خود را (در خصوص عهدشکنی آمریکا در برجام) به فدریکا موگرتینی، مسئول سیاست خارجی اروپا و مسئول کمیته مشترک برجام ارائه کرده است. همچنین وزیر امور خارجه ایران اعلام کرده است که کشورش می‌تواند در آینده به صورتی رسمی و متعاقب رفتار ایالات متحده آمریکا، از این کشور شکایت کند.

اما ایالات متحده اگر چنین اتفاقی بیفتد، مجازات نمی‌شود! اگر ایران ماده ۳۶ را فعال کرده و آن را به گردش دربیورد، یک دوره بازبینی ۱۵ روزه آغاز می‌شود که کمیته مشترک بررسی برجام، پروسه حل و فصل شکایت صورت گرفته از سوی ایران را بر عهده خواهد گرفت یا آن را به جلسه وزرا (وزرای ایران و اعضای ۵+۱) ارجاع خواهد داد. در صورتی که وزرا نتوانند این شکایت و اختلاف به وجود آمده ناشی از آن را حل و فصل کنند، کمیته مشترک برجام یک هیات مشاوره سه نفره را با حضور نمایندگان کشور شاک (ایران)، کشور متهم (ایالات متحده آمریکا) و یک عضو مستقل تشکیل خواهد داد.

در نهایت (در صورت عدم نتیجه بخش بودن دیدارهای سه جانبه)، کشور شاک می‌تواند پرونده را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع دهد. در اینجا ایالات متحده آمریکا می‌تواند هر گونه قطعنامه‌ای را (در خصوص تمدید برجام و تعلیق تحریم‌های ایران) و تو کند بدون آنکه دلیلی موجه برای آن ارائه نماید. در کل این روند، حدود ۳۵ روز به طول خواهد انجامید. در هر حال، ایران می‌تواند بلافاصله از برجام خارج شود و برنامه هسته‌ای خود را دوباره راه‌اندازی کند. همچنین ایران می‌تواند از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شود.

با این حال، به نظر می‌رسد استناد به فرآیند «حل اختلافات» در برجام نخستین حرکت و واکنش ایران در قبال خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای باشد. این تصمیم به ایران اجازه خواهد داد تا حمایت‌های اتحادیه اروپا، چین و روسیه را به دست آورد و از اعتبار بین‌المللی آنها برای مواجهه با ایالات متحده آمریکا استفاده کند.

ایران می تواند به سرعت غنی سازی ۲۰ درصدی را آغاز کند

دکتر حسن بهشتی پور در گفت و گو با مثلث

شواهد و مستندات موجود نشان می دهد که دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا قصد خروج از توافق هسته ای و عدم تمدید تعلیق تحریم های ثانویه علیه کشورمان را دارد. از سوی دیگر، ترونیگای اروپایی اعلام کرده اند که به رابرتی های خود با واشنگتن با هدف آنچه «حفظ برجام» می خوانند ادامه می دهند. به راستی واکنش جمهوری اسلامی ایران در صورت خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته ای چه خواهد بود و نقش کشورهای اروپایی در این معادله چگونه قابل تفسیر است؟ در این خصوص گفت و گویی با دکتر حسن بهشتی پور، تحلیلگر ارشد مسائل سیاست خارجی و روابط بین الملل صورت داده ایم که از نظراتان می گذرد.

از توافق هسته ای با ایران چه فرضیاتی وجود دارد؟ آیا امکان دارد دولت ترامپ دیگر کشورهای دنیا را نیز از همکاری و ایجاد ارتباط تجاری منع کند؟ در این صورت واکنش کشورهای دیگر نسبت به درخواست رئیس جمهور آمریکا چه خواهد بود؟

احتمال اول این است که آمریکا از برجام خارج شود ولی برای روابط با اتحادیه اروپا، هند، ژاپن، چین و کره جنوبی با ایران مانع تراشی نکند. یعنی در واقع خروج خودش را با منع دیگران برای ارتباط با ایران همراه نکند، اگر چنین باشد ایران چون خودش با آمریکا مناسبات خاص اقتصادی ندارد خیلی دنبال این نخواهد بود که کلا تمام مقررات برجام را نادیده بگیرد اما اگر آمریکا دیگران را مجبور کند و بگوید یا باید با آمریکا مبادله داشته باشید یا با ایران و تحریم های ثانویه را فعال کند، آن وقت اتحادیه اروپا و سایر کشورها نظیر چین و هند قطعاً طرف ایران نمی ایستند چون بیشترین مبادلات شان را با آمریکا انجام می دهند. اما چنان که اشاره کردم صرف نظر از مواضع ترامپ در ۲۲ اردیبهشت آینده نباید فراموش کرد که از یک سو آن رژیم حقوقی که آمریکا در دوره اواما به آن اتکا داشته دیگر وجود ندارد و آمریکا الکان دیگر نمی تواند انتظار چنین حمایتی از اتحادیه اروپا، هند یا چین و روسیه

دیگر بسیار متنوع است. به طور مثال ایران راجع فشارها و تهدیدهای آمریکا و اسرائیل درباره کشورهای منطقه یا در مورد برخورد دوگانه غرب با موضوع حقوق بشر بحث دارد. نکته دیگر اینکه دسترسی به سایت های نظامی ایران هیچ توجیهی ندارد؛ چرا که اساساً فعالیت هسته ای در این سایت ها انجام نمی شود. آژانس بین المللی انرژی اتمی در سال های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۴ از سایت های نظامی ایران بازدید داشته و موضوع PMD را برای همیشه مختومه اعلام کرده است. بنابراین چنین درخواستی را نه تنها ایران نمی پذیرد، بلکه منطق هم نمی پذیرد. در خصوص بندهای موسوم به غروب آفتاب نیز همین گونه است. ایران با پذیرش پروتکل الحاقی محدودیت های دائمی را درباره آنچه که در پروتکل الحاقی پیمان NPT آمده است در صورت تایید نهایی مجلس ایران می پذیرد؛ اما اینکه این انتظار وجود داشته باشد که تعهدات توافق شده در برجام نیز از لحاظ زمانی برای ایران نامحدود باشد، نقض غرض است؛ چرا که بر اساس این توافق بعد از پایان مدت زمان تعیین شده که هشت سال است یا زمانی که آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام کند، وضعیت ایران همچون سایر اعضای آژانس به شرایط عادی تبدیل خواهد شد.

در خصوص خروج احتمالی ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا به صورت مشخص از اروپا خواسته است در سه حوزه اعمال بازرسی از اماکن نظامی ایران، تحدید توان موشکی کشورمان و دائمی کردن مدت زمان محدودیت های اعمال شده علیه ایران در برجام، تغییراتی را در برجام صورت داده و خواسته های واشنگتن در این خصوص را تامین کنند. نظر شما در این خصوص چیست؟

موارد جدیدی که اکنون از سوی دونالد ترامپ و دولت آمریکا طرح می شود، موضوعات تازه ای نیست. اتفاقاً در مذاکرات منتهی به برجام نیز مطرح شده بود که نتیجه ای در بر نداشت. در واقع اواما و جان کری نیز خواستار آن بودند که این سه مورد در توافق لحاظ شود اما ایران زیر بار نرفت؛ چرا که این سه درخواست مانند آن است که ایران خواستار غنی سازی به میزان نامحدود شود. با این حال در توافق برجام طرفین به حداقل رضایت دادند تا توافق حاصل شود و اگر قرار بود این سه موضوع مورد توجه باشد هیچ گاه توافقی به دست نمی آمد.

از سوی دیگر این خود کشورهای غربی بودند که تاکید داشتند فقط در موضوع هسته ای مذاکره می کنند و ایران هم از این پیشنهاد استقبال کرد چرا که موضوعات

داشته باشد، از سوی دیگر آمریکا الان خودش با روسیه بر سر تحریم‌ها درگیر است، با چین سر تعریف‌هایی که به فولاد بسته و این کشور هم متقابلاً کالاهای آمریکایی را تحریم کرده و آمریکا مجدداً یک سری تعریف‌های دیگر را افزایش داده، درگیر است، بنابراین عملاً اختلافات جدی بین چین - آمریکا و همچنین روسیه - آمریکا و اتحادیه اروپا - آمریکا وجود دارد و فضا به شکلی نیست که آمریکا هر کار دلش خواست بکند. بنابراین باید منتظر بود. فکر می‌کنم ایران خودش را برای هر سناریویی آماده کرده است.

به نظر می‌رسد عزم دولت دونالد ترامپ برای خروج از توافق هسته‌ای با ایران جدی باشد. مقامات سازمان انرژی اتمی کشورمان صراحتاً اعلام کرده‌اند که در صورت ابطال برجام، در عرض چند روز به سطح غنی‌سازی ۲۰ درصد و حتی بیشتر باز خواهند گشت. با این حال برخی معتقدند که با توجه به محدودیت‌هایی که در جریان عمل به تعهدات ما در برجام پذیرفته‌ایم، چنین موضوعی امکان‌پذیر نیست. نظر شما در این خصوص چیست؟

در راستای پاسخ‌دهی به این سوال لازم است تعریف مشخصی از «غنی‌سازی» ارائه دهیم. غنی‌سازی طی فرآیندهای فیزیکی، معمولاً بر تفاوت کوچکی مبتنی است که در جرم اتم‌های اورانیوم ۲۳۸ و اورانیوم ۲۳۵ وجود دارد. یعنی در یک فرآیند غنی‌سازی همیشه اورانیوم با جرم ۲۳۵ برای تولید انرژی کاربرد دارد و با جرم ۲۳۸ کاربردی در این زمینه ندارد. دانشمندان طی فرآیندی ابتدا اورانیوم را به یک زرد و بعد به گاز اگزوفلوراید تبدیل می‌کنند و بعد این گاز را به سانتریفیوژ که ۱۰ هزار دور در دقیقه می‌چرخد، تزریق کرده و جرم ۲۳۵ را از ۲۳۸ جدا می‌کنند و به تدریج مقدار ۲۳۵ را افزایش می‌دهند.

حالا اگر دو درصد غنی‌سازی شود، می‌شود غنی‌سازی دو درصد، اگر ۵ درصد بشود، می‌شود غنی‌سازی ۵ درصد و اگر ۲۰ درصد شود، می‌شود غنی‌سازی ۲۰ درصد. غنی‌سازی ۲۰ درصد یعنی از هر صد قسمت اورانیوم، ۲۰ درصدش ۲۳۵ است که می‌تواند تبدیل به انرژی شود. حالا این فرآیند در ایران بومی است، یعنی دانشمندان ما در عمل یاد گرفتند چگونه این کار را انجام دهند بنابراین ایران به راحتی می‌تواند ظرف روزهای محدودی دومرتبه همان غنی‌سازی را با فرآیند ۲۰ درصد تکرار کند یعنی مجدداً تولید را به ۲۰ درصد غنی‌سازی برساند، بنابراین نیازی نیست که یک فناوری پیچیده و جدید ایجاد شود، یعنی همان سانتریفیوژها که فعلاً دارند کار می‌کنند و ۴/۶۷ غنی‌سازی می‌کنند می‌توانند به راحتی این فرآیند را تکرار و به بیشتر تبدیل کنند. ضمن آنکه می‌توان از سانتریفیوژهایی که الان در انبار گذاشته شده، مجدداً استفاده کرد و هم سانتریفیوژ «آی آر ۸» که آزمایشش موفقیت‌آمیز بوده را به جریان انداخت، بنابراین وقتی آقای صالحی می‌گوید که ما می‌توانیم کمتر از چند روز این فرآیند را دو مرتبه آغاز کنیم، تمام مطلعین دانش هسته‌ای می‌دانند که این بلاف نیست یعنی یک حرفی نیست که همین طوری بزنند، بلکه می‌شود این کار را انجام داد.

۲۲

دسترسی به سایت‌های نظامی ایران هیچ توجیهی ندارد؛ چرا که اساساً فعالیت هسته‌ای در این سایت‌ها انجام نمی‌شود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۴ از سایت‌های نظامی ایران بازدید داشته و موضوع PMD را برای همیشه مختومه اعلام کرده است. بنابراین چنین درخواستی را نه تنها ایران نمی‌پذیرد، بلکه منطقی هم نمی‌پذیرد

۲۲

تحقق چنین شرایطی است که می‌تواند منافع بلندمدت خود را در ارتباط با آمریکا و ایران به صورت هم‌زمان حفظ کند. این در حالی است که ترامپ برای تحقق بخشیدن به وعده خروج از برجام شروطی را مطرح کرده است که واجد منطقی حقوقی و سیاسی نیست. او با طرح خواسته‌هایی نظیر ایجاد ممنوعیت برای ایران جهت دسترسی به بمب اتم، دائمی کردن محدودیت برنامه‌های هسته‌ای ایران و همچنین ایجاد محدودیت‌هایی پیرامون توان دفاعی و موشکی ایران، عملاً سایر کشورهای طرف توافق را در موقعیت دشواری قرار داده است یعنی خواسته‌هایی را مطرح کرده که دولت قبلی آمریکا نتوانست به آنها دست یابد و اینک او می‌خواهد حداقل با طرح آنها امتیازهای دیگری را به دست آورد.

در چارچوب چنین خواسته‌هایی است که طرح حل و فصل موضوعات غیرهسته‌ای از جمله محدودسازی توان دفاعی و موشکی ایران که از جمله بهانه‌های ترامپ برای نقض برجام است، در دستور کار کشورهای اروپایی قرار گرفته است.

باز یگساران اروپایی مدعی هستند که مذاکرات با ترامپ بر سر شروط چندگانه رئیس‌جمهور آمریکا، با هدف حفظ برجام صورت می‌گیرد. نظر شما در این خصوص چیست؟

به سوال مهمی اشاره شد. موضوع موشکی ایران از جمله مهم‌ترین موضوع‌های مورد اختلاف بین ایران و اتحادیه اروپا هم است اما پیگیری جدی آن از سوی اروپا و حتی طرح تحریم‌های جدید در چنین شرایطی یکی از راه‌هایی است که اروپا برای حفظ برجام در پیش گرفته است؛ راهی که به نظر می‌رسد در موقعیت کنونی که اجرای برجام با کارشکنی مواجه شده است و ایران را نسبت به پایبندی جهان غرب به یک توافق بین‌المللی بدبین کرده، بی‌ثمر است. چنانچه اروپا می‌خواهد سایر مسائل مورد اختلاف با ایران را مورد پیگیری قرار دهد در درجه نخست باید ترامپ را به ماندن در برجام و سپس اجرای کامل همه تعهدات این کشور ترغیب کند تا ایران از مزایای آن به‌خوبی بهره‌مند شود. در چنین فضایی است که می‌توان به ادامه یافتن گفت‌وگوهای ایران و غرب درباره سایر مسائل هم امیدوار بود اما پیش از آن باید دید که اروپا قادر است در گام اول دولت‌مردان آمریکا را به حفظ توافق هسته‌ای راضی کند یا خیر.

امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان و بوریس جانسون، وزیر امور خارجه بریتانیا آمریکا را ترغیب می‌کنند که در برجام بمانند زیرا در صورتی که برجام از دست بدهند بار دیگر به نقطه صفر می‌رسند و باید همه تجربه‌های تلخ گذشته را تکرار کنند. آنها معتقدند با حفظ برجام می‌توانند وارد گفت‌وگو با ایران در موضوعات دیگر نظیر موشکی شوند که این همان بازی اروپایی‌ها در مقابل بازی ترامپ است که چهار شرط برای حفظ برجام تعیین کرده و بر آن نیز اصرار می‌کند. سیاستمداران ایرانی نیز دست طرف‌های غربی خود را خوانده‌اند و می‌دانند که آنها به جایی نخواهند رسید، بنابراین آمریکا و اروپا باید به سمتی بروند که برجام را به‌طور کامل اجرا کنند.

رئیس‌جمهوری آمریکا اکنون قصد دارد تجربه غلط تاریخی مسئولان گذشته آمریکا را تکرار کند و تصور می‌کند با این فشارها می‌تواند مردم ایران را از حق مسلم خود که غنی‌سازی اورانیوم است محروم کند. ترامپ خوب می‌داند که بازیریا گذاشتن برجام همه طرف‌های این توافقنامه ضرر خواهند کرد زیرا این مسأله‌ای نیست که تنها ایران در آن آسیب ببیند، بلکه همه طرف‌های برجام یعنی آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و روسیه متضرر خواهند شد. اما همه این ضرر و زیان‌ها به یک صورت و یک اندازه نیست و اگر آمریکا از برجام خارج شود دور تازه‌ای از مناسبات در عرصه بین‌الملل آغاز می‌شود.

طی یک سال اخیر، مذاکراتی میان دیپلمات‌های اروپایی و آمریکایی بر سر برجام و نحوه مواجهه با آن در جریان بوده است. این مذاکرات طی هفته‌های اخیر به نقطه اوج خود رسیده و شاهد سفرهای مکرر مقامات ارشد اروپایی به واشنگتن و دیدار آنها با ترامپ بر سر این موضوع هستیم. رویکرد اروپا در قبال برجام را در برهه فعلی چگونه تحلیل می‌کنید؟

به‌طور کلی اروپا در قبال برجام منافعی را دنبال می‌کند و در عین حال توافق هسته‌ای را چارچوبی مطمئن برای پیگیری موضوع عدم اشاعه سلاح هسته‌ای می‌داند. اروپا به دنبال آن است که با متقاعد کردن ترامپ به ماندن در برجام مانع از فروپاشی این توافق شود. همکاری اقتصادی تنگاتنگ اروپا با ایران که بعد از برجام رونق گرفت و متعاقب آن حل مسأله هسته‌ای به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که برای اروپا از منظر امنیتی حائز اهمیت زیادی بود، دو عاملی است که کشورهای قاره سبز را به‌طور جدی در صف حامیان این توافق قرار داده است آن‌هم در شرایطی که پایبندی ایران به اجرای تعهداتش زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان مرجع ناظر برجام بارها مورد تأیید قرار گرفته است.

با وجود این، انتظار می‌رود به دلیل حجم گسترده مبادلات اقتصادی اروپا با آمریکا در صورت خروج این کشور از برجام و اجرای تحریم‌های ثانویه، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای طرف ایران، از ادامه همکاری اقتصادی با ایران خودداری کنند. اما از آنجا که اروپا با آمریکا بر سر موضوعات دیگر بین‌المللی از جمله توافقنامه آب و هوایی و اجرای تعریف‌های جدید گرمی آمریکا بر اروپا هم اختلاف نظر دارد، این بار بر سر برجام به دلیل اولویت امنیتی آن برای متقاعد کردن ترامپ برای ماندن در برجام تلاش دوچندانی خواهد کرد زیرا اتحادیه اروپا فقط در

۲۲

نشریه یاتلان‌تیک : مخالفان توافق هسته‌ای همواره اعلام می‌کنند که تهران به تعهدات خود در برجام پایبند نبوده است اما به نظر می‌رسد این واکنش‌نگتن است که این تعهدات را عملی نکرده. با همه حواشی که در مورد تصمیم ترامپ در ۱۲ می برای خروج از برجام یا ماندن در آن وجود دارد، یک موضوع کاملاً مشخص است و آن اینکه ایران به تعهدات خود در برجام پایبند بوده است.

۲۲

معمای پسا برجام

گفت و گوی مثلث با سیدرسول موسوی

به نظر تان دو باز یگر شرقی عضو شورای امنیت و امضا کننده برجام چه رویکردی را از زمان روی کار آمدن برجام داشته اند؟ آیا آنها در مورد لغو یا ادامه برجام همچنان متفعل عمل خواهند کرد؟

▶ ابتدا باید این پرسش را مطرح کرد که آیا واقعا مساله، مساله هسته ای بوده و هست یا چیزهای دیگر است. در حال حاضر یکی از تندترین افراد مانند پمپئو که به تازگی به پست وزارت خارجه منصوب شد، در جلسه بررسی صلاحیت خود در سنای آمریکا بیان کرد اساسا ایران به دنبال هسته ای نظامی نبوده است. از این رو این نشان می دهد موضوعات مطرح شده در مورد ایران، غیرواقعی و چقدر جوسازی های علیه ایران بود. این مساله از سوی کسی که او را به عنوان وزیر خارجه جدید آمریکا خواهیم دید نوعی اعتراف به این است که ایران به دنبال تسلیحات هسته ای نبوده و بسیار مهم است. از این رو باید واقعیت را در جای دیگر بررسی کرد. مطلب این است که موضوع برمی گردد به قدرت ایران، نقش آفرینی ایران، جایگاه ایران و اینکه ایران به هر حال به عنوان یک قدرت منطقه ای چه نقشی را می خواهد داشته باشد. حالا اینکه این نقش در چه مجموعه های بین المللی قرار می گیرد، آنجاست که هر کشوری موضع خودش را مطرح می کند. اگر به بحث هسته ای بخواهیم برگردیم، خود روسیه در بحث فعالیت های ایران جزو مخالفان بوده که ایران ظرفیت هسته ای نظامی اصلا نداشته باشد و وقتی هم که به ظرفیت های هسته ای غیرنظامی می آمد، مخالفتی به زبان نمی آورد، ولی به اشکالی دیگر تحت این عنوان که اساسا ایران چه نیازی دارد این همه هزینه برای مسائل هسته ای داشته باشد، آن را مطرح می کرد. اینها از این زاویه وارد بحث می شدند، بنابراین در یک فلاش بک اگر به گذشته نگاه کنیم، موضوع ایران هسته ای یک بحث یا بهانه ای شده بود بین قدرت های بزرگ و یک نوع اتفاقی بود که در کنار این قضیه اساسا ایران عرصه همکاری روسیه با غرب بود، یعنی موضوع ایران موضوعی بود که در یک مقطع به یک موضوع همکاری تبدیل شده بود. اما در مواقعی که در سایر مباحث بین غرب و روسیه تفاوت هایی شکل می گیرد، موضوع ایران هم معنی دیگری می یابد. ما حتی در طول مذاکرات برجام یک بحث یکنواختی نمی بینیم. زمانی روسیه مخالف بخش هایی از مراحل تدوین برجام می شود، یک زمانی فرانسه و زمانی کشور دیگری مخالفت می کند. حتی در مقطعی آمریکا به دیگران فشار می آورد که بعضی از سدهای مربوط به بحث بندهای برجام برداشته شود، به هر حال هر چه بود، ما با متنی روبرو هستیم که در دوران ویژه ای روی آن توافق شکل می گیرد. در آمریکا هم یک تحولات داخلی پیش می آید، مثلاً رئیس جمهوری می آید روی کار که به برجام انتقادات شدیدی دارد. خیلی ها معتقدند که اساسا محتوای برجام نیست که مورد هجمه ترامپ است، بلکه چون برجام نتیجه فعالیت های او باماست، از آن جهت ترامپ با آن مخالف است. او ترامپ هر سیاست و هر برنامه ای که او بام داشته را کلاً کنار زده و موردی نیست به بگویم ایشان بر فعالیت های او بام مهر تایید گذاشته باشد؛ نه، یکی از دلایلی که برجام مورد هجمه ترامپ است و خیلی هم جدی است، این است که او بام

نباید میراثی به نام برجام در بحث های خلع سلاح داشته باشد، البته موارد دیگری هم مطرح است که نقش اسرائیل و نقش عربستان به صورت کاملاً واضح در هدایت روند های مربوط به برجام دیده می شود. در ابتدا لغو برجام مطرح بود، ولی این روزها می بینیم هر چه زمان می گذرد، بحث هایی تحت عنوان اصلاح و ضامن پیش کشیده می شود. محتوای اصلاح یعنی اینکه ایران سخت تر مورد نظارت قرار بگیرد و به نوعی کمتر از منافع برجام بهره مند شود.

در این بین ایران تحرکی برای جلب نظر روسیه و چین نیز انجام داده که در هر صورت بتواند نظر مثبت آنها را داشته باشد؟

▶ اینکه مجموعه کشورهای موثر در حفظ برجام چه کار می خواهند کنند، بحث هایی هم بین مذاکرات مقامات کشور ما با مسئولان مختلف از جمله روسیه و دیگر کشورها هم مطرح بود و این گونه موضوع طرح می شد که مثلاً روسیه یا چین تصورشان این نباشد که برجام یک موافقتنامه دو جانبه بین ایران و آمریکا است. نه، برجام موافقتنامه ایران و پنج کشور دائمی شورای امنیت سازمان ملل به اضافه آلمان است، به اضافه اینکه برجام به دنبال قطعنامه ۲۲۳۱ یک تاییدیه شورای امنیت را دارد. اینکه حالا عضوی از این مجموعه اعضای شورای امنیت به هر دلیلی بخواهد یک مصوبه شورای امنیت را کنار بگذارد و عکس العمل دیگر اعضای شورای امنیت چه خواهد بود، جای تامل است. به نظر می آید که رسانه های روسیه به این قسمت از قضیه نمی پردازند و همچنین در چین بیشتر سوال را متوجه ایران می کنند، یعنی از ایران سوال می کنند که چه کار خواهد کرد. حالا ایران قطعاً عکس العمل مناسب خودش را خواهد داشت، ولی سوال اصلی را باید خود اینها جواب دهند؛ روسیه چه خواهد کرد؟ نه به خاطر ایران، به خاطر اینکه روسیه الان اگر سند را هر دامنیت ملی اش را نگاه کنیم، یا سند تدبیر سیاست خارجی اش را نگاه کنیم، یکی از بحث های کلیدی که روسیه مرتب مطرح می کند، تاکید بر حفظ حقوق بین الملل در روابط بین المللی است. هیچ سندی به صورت مشخص مثل برجام یک سند بین المللی که مورد تصویب شورای امنیت است، به این روشنی وجود ندارد و قطعاً ای است که با اجماع شورای امنیت به تصویب رسیده است؛ حالا بقیه اعضا باید موضع شان را در رابطه با این قضیه مشخص کنند که چگونه حقوق بین الملل می خواهد نادیده گرفته شود؟ برخلاف اصل منشور که باید از زور علیه هیچ کشوری و تهدید به اعمال زور استفاده نشود، ما شاهد این هستیم که در ارتباط با برجام تهدید به زور هم هست. مطالعه ادبیات منتشر شده در خصوص برجام تا آنجایی که برای من امکان پذیر بود در روسیه و تا یک مقداری در چین، به نظر می آید که آنها نوعی عامدانه سکوت کردند. حالا من از محتوای مذاکرات رسمی بین مقامات ایران و روسیه اطلاعی ندارم، ولی به عنوان کسی که اطلاعات خودش را از مجموعه مباحث روزنامه ها، کانون های اندیشه و مراکز مطالعاتی می گیرد، می توانم این را مطرح کنم که روسیه در درجه اول و پس از آن چین بیش از آنچه به این بپردازند که چه خواهد شد، بیشتر منتظر هستند ببینند ایران چه عکس العملی نشان خواهد داد و بر اساس آن خودشان را تنظیم کنند و ببینند چه کار خواهند کرد. مراکز

برجام روزهای سرنوشت سازی را طی می کند. دو هفته دیگر تا سراسر رسید اعلام نظر ترامپ در مورد برجام مانده است و تحرکات بسیاری در مورد آن شکل گرفته است. اما چیزی که کمتر به آن پرداخته شده است رفتار روسیه و چین در مورد برجام است. اگر ترامپ دست به لغو برجام بزند و تعلیق تحریم ها را تمدید نکند، شرق چه تصمیمی در مورد آن خواهد گرفت و مناسبات آنها با ایران به چه سمت و سویی خواهد رفت؟ در این باره با سیدرسول موسوی، دیپلمات سابق وزارت خارجه و کارشناس مسائل روسیه گفت و گو کرده ایم که از نظر می گذرانید.

که در این ارتباط به دستگاه های تصمیم گیری در روسیه مشورت می دهند؛ مثلاً در روسیه، اتساق فکری که به عنوان مراکز در زمینه های هسته ای به دستگاه های مختلف روسیه مشورت می دهد، وقتی که گزارش های آنها را مطالعه می کنید، می بیند که آنها هم بیشتر این سوال را مطرح می کنند که ایران چه خواهد کرد، تا اینکه این را مطرح کنند که خودشان چه خواهند کرد. این یکی از ویژگی های این مرحله است. در خیلی از موارد به نظر می آید که هم چین و هم روسیه بر اساس رسانه های شان و مطالبات رسانه ای شان، ظاهراً رأس را گذاشته اند و روسیه آمریکا به نوعی از برجام خارج خواهد شد؛ البته با سیاستی که آمریکایی ها در حال حاضر دارند، به نظر می آید که آنها خارج نمی شوند، ولی به دنبال بی اثر کردن آن هستند، یعنی کاری می کنند که برجام هیچ نفعی نداشته باشد، ولی همچنان تعهدات ایران پابرجا باشد و چین نقشی را دارند. آنچه ما می بینیم در خصوص اسناد رسانه ای و مراکز مطالعاتی دو کشور روسیه و چین، این است که آنها اصل را گذاشته اند که برجام تقریباً تاریخ مصرفش احتمالاً بگذرد و حالا بر اساس عکس العمل ایران می خواهند برای خودشان طراحی داشته باشند. من چیزی ندیده ام که آنها بخواهند در جهت عدم وقوع چنین چیزی، پیشنهادی به دستگاه های تصمیم سازی شان بدهند. البته در اروپا که وضعیت آن متفاوت است؛ در اروپا به جهت فضای دموکراتیک بالاخره یک مجموعه ای در این راستا حرکت کرده اند که برای حفظ برجام توصیه می کنند، حرکت می کنند و سعی می کنند که به شکلی برجام را حفظ کنند. البته اروپایی ها در حال حاضر بیشتر به این سمت می روند که از ایران خواسته شود که حتی در صورت خروج آمریکا، ایران در برجام بماند، یعنی آنها چنین توصیه هایی انجام می دهند؛ هم به ایران توصیه می کنند و هم به مسئولان کشور خودشان. به مسئولان کشور خودشان می گویند راهی پیدا کنید برجام بماند. به ایران توصیه می کنند سیاست صبر و حوصله را پیش بگیرد.

چنین حرکت ها و تحرکاتی بین رسانه های روسی و چینی مشاهده نمی شود؟

▶ در روسیه در درجه اول و چینی ها که دیگر اساساً بسیار کم و محدود صحبت می کنند، ولی در اینجا هم عمدتاً آنچه دیده می شود، توصیه ای نیست، بیشتر توصیف شرایط است و شرایط را هم به این صورت توصیف می کنند که یک اتفاقی که در حال وقوع است و پس از وقوع ما باید ببینیم که نسبت به چارچوب رفتاری ایران چه راه و روشی باید پیش بگیریم.

به نظر تان دلیل سکوت چینی ها بیشتر این است

بحث دوم که به نظر این سناریو را آمریکا دنبال می‌کند، این است که اصلا با تحریم‌های یکجانبه و گسترش آن به تحریم‌های ثانویه، برای ایران در بهره‌گیری از اقتصاد جهانی عملا مشکل ایجاد می‌کند. حالا خود روسیه هم دچار این قضیه است، یعنی خود روسیه هم تحت این تحریم است. قانون کاتزا که همزمان علیه ایران و روسیه صادر شد و تعداد تحریم‌هایی که علیه روسیه است، به مراتب بیشتر از تحریم‌ها علیه ایران است.

کار خاصی نمی‌تواند بکند، یعنی براساس نوع رفتاری که دارد اتفاق می‌افتد، نهایتا تحریم‌های شورای امنیت بر نمی‌گردد، ولی آثاری که الان با اقدامات آمریکا در پیش است، ایران را از بهره‌مندی از ظرفیت‌های پیش‌بینی شده در برجام محروم می‌کند. روسیه هم کار خاصی نمی‌تواند انجام دهد، وقتی که ایران مایل باشد، یک بانک اروپایی در ایران کار کند، ایران مایل باشد یک ایرباس بخرد یا هر چیزی، کاری که روسیه می‌تواند انجام دهد این است که هواپیمای خودش را بفروشد، دیگر کاری نمی‌تواند در زمینه خرید ایرباس برای ایران انجام دهد. چیزی که در حال شکل‌گیری است، بیش از آنچه به موضوع شورای امنیت برگردد، در خارج از شورای امنیت در حال اتفاق است. این حتی اگر از مسائل مورد اعتراض روسیه باشد، ولی کاری نمی‌تواند در مورد آن شکل داد. همین اتفاق در ارتباط با سوریه نیز افتاد، روسیه به دنبال مطرح شدن مسائل در شورای امنیت بود تا از امتیاز و توی خود در صورت لزوم استفاده کند ولی غربی‌ها به نتیجه رسیدند که شورای امنیت به جهت و توی روسیه فشل و نا کارآمد است و کار خاصی نمی‌تواند پیش ببرند، از این رو در خارج از شورای امنیت تصمیم گرفتند. اتفاقی که در ارتباط با موضوع برجام در حال وقوع است، نه تنها ممکن است در درون شورای امنیت مطرح نشود، بلکه حتی در ارتباط با توافق آمریکا و اروپا هم مطرح نشود. آمریکا به صورت یکجانبه و تحمیل یک سلسله هزینه‌های کلان بر شرکای اقتصادی ایران، تهدیدهایی را اعمال کند که عملا ایران را از نفع بردن از فعالیت‌های خودش جلوگیری کند.

فرض کنید که مثلا آمریکا کاری کند که ایران برجام را نقض کند. اگر آژانس موضوع نقض برجام توسط ایران را اعلام کند، تحریم‌های شورای امنیت اتوماتیک برمی‌گردد و دیگر شورای امنیت لازم نیست که جلسه تشکیل دهد. آن موضوع اسنپ یک که قبلا مورد انتقاد بود، همین است؛ یعنی نیاز نیست که شورای امنیت تشکیل جلسه دهد، یک چیزی را تصویب کند یا نکند. نه، اگر نقض برجام از سوی ایران شکل گیرد، تحریم‌های شورای امنیت اتوماتیک برمی‌گردد و کشورهای دیگر نقشی در این ندارند که بتوانند جلوی او را بگیرند؛ این یک بحث. بحث دوم که به نظر این سناریو را آمریکا دنبال می‌کند، این است که اصلا با تحریم‌های یکجانبه و گسترش آن به تحریم‌های ثانویه، برای ایران در بهره‌گیری از اقتصاد جهانی عملا مشکل ایجاد می‌کند. حالا خود روسیه هم دچار این قضیه است، یعنی خود روسیه هم تحت این تحریم است. قانون کاتزا که همزمان علیه ایران و روسیه صادر شد و تعداد تحریم‌هایی که علیه روسیه است، به مراتب بیشتر از تحریم‌ها علیه ایران است.

یعنی ایران الان در یک وضعیتی قرار می‌گیرد که لزوما هم تحریم‌های شورای امنیت باشد یا نباشد، به جهت فضایی که ایجاد می‌شود و عدم دسترسی ایران به منابع مالی، عدم دسترسی ایران به اسکناس و عدم دسترسی ایران به سرمایه‌گذاری شرکت‌های دیگر، باعث می‌شود که شرکت‌های مختلف و بانک‌های مختلف اساسا با ایران کار نکنند، برای اینکه می‌بینند هزینه کارکردن با ایران بسیار بالاتر است. در این خصوص به لحاظ عملیاتی هم روسیه

که از شرایط پیش آمده بعد از برجام با ایران و از روابطشان مخصوصا در زمینه تجاری با ایران راضی نیستند؟

من جمع‌بندی ام این است که اینکه چینی‌ها از روابطشان با ایران به نوعی احساس رضایت نداشته باشند، لزوما به برجام مربوط نیست. در برجام یک سلسله همکاری‌هایی با چینی‌ها پیش‌بینی شده بود. بر اساس آخرین گزارشی که وزارت خارجه به مجلس در زمینه اجرای برجام داد، به نظر می‌آید که آن مواردی که در توافق برجام وجود دارد، در حال انجام است، ولی در ارتباط با همکاری‌های اقتصادی، به نظر می‌آید که بله، چینی‌ها انتظارشان این بود که پس از برجام یک نوع همکاری بیشتری با ایران خواهند داشت، ولی انتخاب‌هایی که ایران انجام داد، تنوع‌سازی‌ای که در ارتباط با روابط اقتصادی خودش تعریف کرد - که شاید خیلی هم به نتیجه مشخصی نرسید - به نظر می‌رسد که چینی‌ها از این نوع روابط رضایت لازم را نداشته باشند.

باتوجه به اینکه قبل از شکل‌گیری برجام فضای سوریه به شکل نگرفته بود، روابط روسیه با ایران به این شکلی که الان است، نبود؛ همیشه گفته می‌شد که روابط روسیه با ایران تحت الشعاع روابط روسیه با آمریکا است؛ یعنی آمریکا هر وقت با روسیه خوب است، روسیه از ایران فاصله می‌گیرد و هر وقت اینها بین‌شان تنش ایجاد می‌شود، روسیه به ایران نزدیک‌تر می‌شود. الان باتوجه به اینکه این فضا با آن شرایط فرق دارد، روسیه و ایران روابطشان نزدیک‌تر شده؛ مخصوصا در سوریه، به نظر تان الان اگر شرایط متشنجی بین ایران و آمریکا پیش بیاید، یعنی اگر برجام لغو شود و یک سری تحریم‌های جدید شکل بگیرد یا در شورای امنیت این موضوع مطرح شود، روسیه به نظر تان چه کار می‌کند؛ مانند گذشته بیشتر منفعل برخورد می‌کند یا نه، تجربه‌ای که یک بار در شورای امنیت قطعنامه علیه ایران را تو کرد، می‌تواند تکرار شود؟

باید ببینیم اساسا چه سناریوهایی محتمل است.





ماركسيسم تجديد نظر طلب

چين و روسيه چه نقشي در خلع سلاح اتمي کره شمالي دارند؟



بحران شبه جزیره کره که بعد از پایان جنگ جهانی دوم ایجاد شده بود با دستیابی کره شمالی به سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های دوربرد وارد مرحله جدیدی از تقابل سیاسی و نظامی میان کره شمالی با آمریکا، کره جنوبی و ژاپن شده است. تهدیدات کره شمالی مبنی بر نابودی اهدافی در آمریکا، ژاپن و کره جنوبی با اتکا به توان اتمی و موشکی خود موجب وحشت کشورهای منطقه از شروع یک جنگ خانمان‌سوز یا اتمی شد؛ در چنین فضای ملتهب سیاسی با روی کار آمدن دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهوری جدید آمریکا شاهد تشدید این تنش‌ها در منطقه بودیم.

مساله حل بحران کره شمالی از جمله شعارها و وعده‌های انتخاباتی دونالد ترامپ بود؛ رئیس جمهوری آمریکا، دولت‌های پیشین خود را به کوتاهی و عدم اقدامات مناسب علیه زیاده‌خواهی‌های رهبران کره شمالی متهم می‌کرد و از روزی که وارد کاخ سفید شد، موضوع برخورد با کره شمالی جزو برنامه‌های اصلی سیاست خارجی وی بود.

جنگ لفظی بین ترامپ با کیم جون اون، رهبر کره شمالی در یک سال گذشته و اقدامات دو کشور در تهدیدهای نظامی، اتمی و موشکی، موجب وحشت کشورهای جنوب شرق آسیا به خصوص کره و ژاپن شده بود؛ چرا که هرگونه شروع جنگ در منطقه شبه جزیره کره موجب توسعه بحران و جنگ به کل منطقه خواهد شد و تمام زیرساخت‌های اقتصادی منطقه را نابود خواهد کرد. روسای جمهور سابق آمریکا از ترس ایجاد چنین بحرانی در منطقه و جهان سعی در مدارا با کره شمالی داشتند؛ اما ترامپ براساس دکترین سیاست خارجی خود که بر غالب بودن هژمونی نظامی و اقتصادی آمریکا در جهان تاکید دارد، حل مساله کره شمالی را عاملی مهم در تثبیت موقعیت سیاسی خود در افکار عمومی آمریکا و مردم جهان می‌داند و به همین جهت تمام گزینه‌های لازم جهت برخورد با کره شمالی را مطرح و در راستای اجرایی کردن آنها دستورات لازم صادر شده است.

در چنین شرایط بحرانی چند عامل مهم در منطقه نقش اساسی در حل بحران ایفا کرده‌اند که برخی موارد به شرح زیر است:

۱- سیاست‌های مشخص دونالد ترامپ و تاکید بر حل مساله کره شمالی و امنیت در شبه جزیره کره با هدف تسلط نظامی آمریکا در کل شبه جزیره کره و حمایت از هم‌پیمانان و متحدین دیرین ایالات متحده مانند کره جنوبی و ژاپن.

۲- مذاکرات آمریکا با چین و روسیه به عنوان شرکا و متحدین کره شمالی در خصوص منافع متصرفه در همکاری با آمریکا در حل مسالمت آمیز بحران کره که موجب شد چین شریک استراتژیک کره شمالی، حاضر به شروع مذاکرات شود. در این خصوص سفر کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی به چین و ملاقات با رهبران چینی و همچنین سفر مایک پمپئو، رئیس وقت سازمان سیا و وزیر خارجه فعلی آمریکا در ملاقات با رهبران کره شمالی در پیونگ یانگ را نباید از یاد برد که در این دو ملاقات ضرورت مذاکره و رسیدن به یک صلح دائمی در قبال ارائه مشوق‌های اقتصادی مطرح شد.

۳- مذاکرات آمریکا و روسیه و رسیدن به یک جمع‌بندی مشترک در خصوص بحران‌های منطقه‌ای از مهم‌ترین دستاوردهای سیاست خارجی ترامپ بوده

است. مذاکرات دو جانبه ترامپ و پوتین درباره موضوعات مورد علاقه در بخش‌های مهمی به نتیجه رسیده است که یکی از آنها، توافقات حل مساله بحران شبه جزیره کره است. با توجه به بحران‌های منطقه‌ای و فشار تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا علیه روسیه و درگیر بودن روسیه در بحران سوریه و اوکراین، موقعیت روسیه در افکار عمومی جهان تضعیف شده و مسکو بر آن شده است تا در راستای حل بحران کره علاوه بر گرفتن امتیازات اقتصادی از ژاپن و آمریکا در رابطه با تلطیف افکار عمومی مردم منطقه و جهان نسبت به سیاست‌های آن کشور در اوکراین و سوریه اقدام نماید.

۴- باید توجه داشت که کره شمالی یک کشور مستقل در جامعه جهانی است اما از معدود کشورهایی است که سیاست خارجی و اقتصاد وابسته شدیدی به منافع روسیه و چین دارد. در واقع سیاست‌های کره شمالی بر اساس سیاست خارجی و نظامی روسیه و چین پایه‌ریزی شده است و به همین جهت وقتی عزم جدی ترامپ نسبت به حمله نظامی علیه کره شمالی از سوی پکن و مسکو تایید شد، چین جهت ممانعت از بروز جنگ که به صورت مستقیم و غیرمستقیم منافع آن کشور را نیز تهدید می‌کرد، با استفاده از اهرم‌های خود در کادر رهبری کره شمالی زمینه مذاکرات را مهیا کرد و مانع شروع جنگ در منطقه شد.

بد نیست که نگاهی به تاریخ شروع جنگ در دو کره و تقسیم این کشور به دو کشور کره شمالی و کره جنوبی داشته باشیم؛ جنگ کره در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ با گذشتن نیروهای تحت فرمان کیم ایل سونگ، رهبر وقت کره شمالی از مدار ۳۸ درجه آغاز شد. در روز بعد شورای امنیت ملل متحد به پیشنهاد آمریکا قطعنامه‌ای را برای کمک نظامی به کره جنوبی به تصویب رساند. شورای سابق که در شورای امنیت صاحب حق وتو بود، در آن هنگام جلسات شورای در اعتراض به وضعیت کرسی چین در این سازمان تحریم کرده بود. کرسی چین با وجود تصرف تمام خاک اصلی این سرزمین توسط جمهوری خلق چین به رهبری مانو در سال ۹۴۹۱ همچنان در اختیار حکومت جمهوری چین تایپه بود و در نتیجه این قطعنامه بدون حضور شوروی به امضا رسید. در مجموع ۳۴۱۱ هزار سرباز برای کمک به کره جنوبی به جنگ اعزام شدند که ۸۸ درصد آنان آمریکایی و بقیه از ۲۰ کشور دیگر بودند.

نیروهای کمونیست کره شمالی که از نظر تجهیزات نظامی برتری مطلق بر همسایه جنوبی داشتند، مراحل اولیه جنگ را با موفقیت طی کرده و تقریباً تمام کره به جز شبه جزیره بوسان در جنوب شرقی را اشغال کردند، اما با ورود نیروهای سازمان ملل که فرماندهی آنها را داگلاس مک آرتور، فرماندار نظامی آمریکا در ژاپن بر عهده داشت، ورق برگشت. در ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۰ نیروهای آبی-خاکی آمریکا در بندر اینچه‌اون ۱۶۰ کیلومتر پشت خطوط ارتش کره شمالی پیاده شده و این شهر را به تصرف خود درآوردند و ۱۰ روز بعد سئول دوباره به دست قوای کره جنوبی افتاد. در

اول اکتبر قوای سازمان ملل از مدار ۳۸ درجه گذشته و در ۱۹ اکتبر پیونگ یانگ پایتخت کره شمالی، به تصرف آنها درآمد. نیروهای سازمان ملل سپس تارود یالو در مرز چین و کره پیشروی کرده و تقریباً تمام شبه جزیره را اشغال کردند. اما در این مرحله ورود میلیون‌ها سرباز چینی، تحت عنوان قوای داوطلب، وضعیت را تغییر داده و نیروهای کره شمالی و چین مجدداً سئول پیش رفتند. هرچند نیروهای سازمان ملل دوباره سئول را اشغال و نیروهای کره شمالی و چین را تا مدار ۳۸ درجه عقب‌رانند. از ژوئیه ۱۹۵۱ جنگ به حالت مغلوبه درآمد و مذاکرات آتش‌بس بین دو طرف آغاز شد، این مذاکرات دو سال بعد، پس از شکست دموکرات‌ها در آمریکا و آغاز ریاست جمهوری آیزنهاور در ژوئیه ۱۹۵۳ به پیمان آتش‌بس انجامید و مدار ۳۸ درجه به عنوان مرز دو طرف تعیین شد. این پیمان هنوز اعتبار خود را حفظ کرده و معاهده صلحی میان دو کشور امضا نشده است. بنابراین تاکنون در مرزهای دو کشور آتش‌بس موقت حاکم شده و صلح دائمی امضا نشده است.

سفر اخیر رهبر کره شمالی به کره جنوبی با هدف مذاکرات دو جانبه صلح و پذیرفتن امضای صلح دائمی و نابودی تجهیزات و سایت‌های اتمی توسط مقامات کره شمالی، یک پیروزی برای دونالد ترامپ به شمار می‌رود. این شرایط که مقامات کره شمالی ۱۸۰ درجه از مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کرده‌اند، نشان دهنده وقوع اتفاق و معامله مهمی در تقسیم قدرت بین روسیه، چین و آمریکا در شبه جزیره کره و منطقه جنوب شرقی آسیاست. در این میان می‌توان به حل مساله تایوان که چین طالب حل آن به نفع خود است و بحران شبه جزیره کریمه در اوکراین که روسیه علاقه‌مند به حل آن است اشاره کرد و باید دید در مقابل خلع سلاح کره شمالی که با حمایت روسیه و چین بوده است آن کشورها چه امتیازاتی دریافت کرده‌اند.

در خصوص نتیجه نهایی این بحران، ملاقات ترامپ و کیم جونگ اون در هفته‌های آتی بسیار سرنوشت‌ساز است.

با وجودی که آمریکا بر ادامه تحریم‌ها و فشارها به کره شمالی تا زمان رسیدن به نتیجه مطلوب تاکید دارد اما رهبر کره شمالی عزم خود را جهت خلع سلاح اتمی و موشکی اعلام کرده است و در حال حاضر تمام سیاستمداران و افکار عمومی جهان منتظر ملاقات تاریخی رهبران آمریکا و کره شمالی هستند.

در نتیجه مذاکرات و توافقات کره شمالی و ایالات متحده آمریکا، مبنای سیاست‌های آتی دو کشور در منطقه قرار خواهد گرفت و به نظر می‌رسد ترامپ در قدم دوم بعد از خلع سلاح اتمی و موشکی کره شمالی موضوع اتحاد دو کره را پیگیری خواهد کرد، چرا که نیروی نظامی و ارتش قوی کره شمالی اگر با قدرت اقتصادی کره جنوبی ادغام شود، این کشور می‌تواند نقش مهمی در سیاست آتی آمریکا در منطقه جنوب شرقی ایفا کند؛ باید منتظر بود تا نتیجه اولین ملاقات رهبران دو کشور مشخص شود.

مذاکرات آمریکا با چین و روسیه به عنوان شرکا و متحدین کره شمالی در خصوص منافع متصرفه در همکاری با آمریکا در حل مسالمت آمیز بحران کره که موجب شد چین شریک استراتژیک کره شمالی، حاضر به شروع مذاکرات شود. در این خصوص سفر کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی به چین و ملاقات با رهبران چینی و همچنین سفر مایک پمپئو، رئیس وقت سازمان سیا و وزیر خارجه فعلی آمریکا در ملاقات با رهبران کره شمالی در پیونگ یانگ را نباید از یاد برد که در این دو ملاقات ضرورت مذاکره و رسیدن به یک صلح دائمی در قبال ارائه مشوق‌های اقتصادی مطرح شد.

آمریکا به دنبال خلع سلاح کره شمالی است

استاد دانشگاه شهید بهشتی در گفت‌وگو با مثلث

مهم‌ترین دلایل و اهدافی که رهبر کره شمالی را واداشته تا با همتای خود در کره جنوبی دیدار داشته باشد چیست؟

در رابطه با اهداف رهبر کره شمالی باید توجه داشت که برنامه هسته‌ای کره شمالی تقریباً تکمیل شده و از این پس، پیونگ یانگ به دنبال آن است که به برنامه هسته‌ای خود مشروعیت ببخشد و به نوعی به عنوان یک کشور هسته‌ای به جامعه بین‌المللی بازگردد، بنابراین دلیل اصلی اقدامات کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی را می‌توان بازگشت به جامعه بین‌المللی بعد از رسیدن به اهداف هسته‌ای عنوان کرد.

از دیگر سو مسائلی همچون فشارها و تحریم‌های شدید بر کره شمالی نیز بر این تصمیم کیم جونگ اون تأثیرگذار بوده است، البته کره شمالی سال‌هاست که تحت تحریم است و طی این سال‌ها به‌رغم تحریم‌ها، برنامه‌های هسته‌ای‌اش را دنبال کرد. چرا که از ابتدا انتخاب استراتژیک پیونگ یانگ، دسترسی به سلاح هسته‌ای بوده است و به همین دلیل نیز فشارها و تحریم‌ها را تحمل کرد. امروز این برنامه هسته‌ای تقریباً تکمیل شده، بنابراین دلیلی برای تحمل بیشتر فشارها وجود ندارد.

آیا دیدار رهبر کره شمالی و کره جنوبی باعث گشایش در روابط دو کره خواهد شد؟

این دیدار و اجلاس می‌تواند نوعی زمینه‌چینی برای اجلاس اصلی مذاکرات میان کیم جونگ اون و دونالد ترامپ، رهبران کره شمالی و ایالات متحده آمریکا تفسیر شود. به بیان دیگر مذاکره‌کننده اصلی با کره شمالی، آمریکاست که هنوز خواسته‌ها و محور مذاکرات واشنگتن خیلی مشخص نیست و طبیعتاً



دستیابی محور اصلی که آمریکایی‌ها دنبال آن هستند، یعنی خلع سلاح کره شمالی به راحتی امکان‌پذیر نیست. زیرا این مساله نیازمند آن است که موازنه قدرت در کل شبه‌جزیره تغییر کند که این تغییر موازنه قدرت نیز یک روند بسیار طولانی و پیچیده خواهد بود، البته از این نظر که خانواده‌های جدا افتاده بتوانند همدیگر را ملاقات کنند، فضای کم‌تشنه‌ی در شبه‌جزیره حاکم شود، در آینده برخی طرح‌های اقتصادی اجرا شود و منطقه مرزی دو کشور حالت آرام‌تری به خود بگیرد، این دیدار حائز اهمیت است.

به نظر شما آیا غرب به ویژه آمریکا می‌پذیرند که کره شمالی با وجود عدم خلع سلاح به جامعه جهانی بازگردد؟

اینکه به کره شمالی مشروعیت داده شود و برنامه هسته‌ای این کشور از سوی غرب پذیرفته شود، خود یک مساله کلیدی است و پیچیدگی مذاکرات آنی احتمالی میان کره شمالی و آمریکا در همین رابطه است. زیرا مذاکرات هنوز شروع نشده و آنچه تاکنون مشاهده کرده‌ایم مرحله پیش‌مذاکرات است. مرحله پیش‌مذاکرات با یک سری وعده و وعید و ادبیات مثبت شروع می‌شود ولی مرحله مهم، مذاکرات رودررو است که باید ببینیم در آن مرحله طرفین چه محورهای مذاکراتی را روی میز خواهند گذاشت و رسیدن به یک توافق چقدر قابل حصول است.

مرحله دیگر که کار را پیچیده‌تر می‌کند اجرای قرارداد انعقادی میان طرفین است. در واقع اگر قراردادی امضا شود، اجرای آن همچون اجرای برجام یک پروسه بسیار پیچیده خواهد بود. در توافق هسته‌ای با ایران با وجودیکه قراردادی منعقد شده اما اجرای آن با مشکلات بسیاری همراه است، بنابراین در حال حاضر در مورد کره شمالی، طرفین در حال امتحان کردن همدیگر هستند و برای قضاوت کردن درباره نتیجه مذاکرات هنوز زود است.

با توجه به تحولات فعلی در شبه‌جزیره کره و سناریوهای احتمالی، موضع‌گیری طرف‌های درگیر در این مساله را در آینده چطور می‌بینید؟

مواضع مشخص است؛ چینی‌ها و روس‌ها از این تحول استقبال کردند، زیرا طبیعی است که پذیرش کره شمالی مجهز به سلاح هسته‌ای از سوی جامعه بین‌المللی یک پیروزی برای آنهاست، بنابراین مشکلی با پیشرفت مذاکرات به این شکل و تأمین خواسته‌های کره شمالی ندارند. در طرف دیگر ژاپن قرار دارد که مردد است؛ ژاپن تا حدی از مذاکرات استقبال کرده نسبت به این موضوع که کره شمالی به صورت یک دولت مسلح به سلاح هسته‌ای به جامعه بین‌الملل بازگردد، خشنود نیستند.

زیرا این موضوع علیه منافع ژاپن است و آنها تلاش دارند که در مذاکرات اصلی موضع سخت‌تری درباره برنامه هسته‌ای کره شمالی اتخاذ شود. کره جنوبی نیز با قدری تفاوت، همراستا با آمریکا حرکت می‌کند. بحث خلع سلاح کره شمالی یا

برای اولین بار یک رهبر کره شمالی با عبور از منطقه غیرنظامی بین دو کره، یا بر خاک کره جنوبی گذاشت تا بعد از ۱۱ سال بار دیگر جهان شاهد گفت‌وگوی رهبران دو کره باشد. همچنین طرفین در بیانیه‌ای نسبت به غیراتمی شدن شبه‌جزیره کره متعهد شدند. اکنون این پرسش مطرح است که آیا پیونگ یانگ حاضر است که برنامه هسته‌ای‌اش را به‌طور کلی کنار بگذارد و سناریوهای احتمالی در خصوص مذاکرات پیش‌رو میان واشنگتن-پیونگ یانگ چه خواهد بود؟ در این خصوص گفت‌وگویی با محسن شریعتی‌نیا، استاد دانشگاه شهید بهشتی داشتیم که در ادامه می‌آید.

غیرهسته‌ای شدن شبه‌جزیره، اولویت کره جنوبی است. در این میان آمریکا هنوز به جمع‌بندی دقیقی راجع به نیات کره شمالی نرسیده‌اند.

مهمترین مساله برای آمریکا در وضعیت فعلی خلع سلاح کره شمالی است که دست یافتن به این هدف بسیار بعید است. بنابراین باید ببینیم که در مذاکرات پیش‌رو چقدر بر سر موضوع اصلی که همان غیرهسته‌ای شدن شبه‌جزیره است، میان طرفین توافق حاصل خواهد شد که این فعالیت مفهوم گنگ است و طرف‌های درگیر در خصوص این مساله با جزئیات بحث نکرده‌اند.

طرف آمریکایی نیز این ابهام را به‌عنوان یکی از چالش‌های پیش‌رو برشمرده است. حتی به نظر می‌رسد که اجلاس پیش‌رو میان ترامپ و کیم جونگ اون یک آغاز برای یک مسیر طولانی و دشوار در حل و فصل بحران شبه‌جزیره باشد البته اگر این نشست در همان نقطه آغاز با شکست مواجه نشود.

اگر این مذاکرات به شکست بینجامد که احتمال آن به گفته شما زیاد است، سناریوی بعدی پیش‌رو برای کره شمالی چه خواهد بود؟

قطعاً تحریم‌های بیشتری علیه کره شمالی اعمال خواهد شد؛ البته تحریم‌ها در حد اعلامی خود در مورد کره شمالی اجرا شده است. منتها از یک طرف پیونگ یانگ ارتباط خیلی معناداری با جامعه جهانی ندارد و مردم این کشور به نوعی به فقر عادت کرده‌اند و از طرف دیگر خود تحریم‌ها برای کره شمالی خیلی اهمیت ندارد و آنچه اهمیت دارد اجرایی شدن این تحریم‌ها از طرف چین و روسیه است. اگر این دو قدرت اراده کنند می‌توانند تحریم‌ها را دور بزنند و باتوجه به همبستگی آنها با کره شمالی و عضویت‌شان در شورای امنیت، اساساً امکان سنجش اینکه تحریم‌ها دور زده شده یا خیر، چندان آسان نخواهد بود.

از این رو به نظر می‌رسد بعد از شکست احتمالی گفت‌وگوها میان کره شمالی و آمریکا، تحریم تنها گزینه غرب خواهد بود و آنها دست به اقدام نظامی نخواهند زد. چرا که کره شمالی یک دولت هسته‌ای است و حمله به یک دولت هسته‌ای کار آسانی نیست، بنابراین وضعیت در شبه‌جزیره کره متشنج می‌شود و تحریم‌ها افزایش پیدا می‌کند منتها احتمالاً شاهد جنگ با یک دولت دارای توانمندی هسته‌ای نخواهیم بود.

تحولات به کره شمالی کمک خواهد کرد تا وجهه خود را در آن منطقه و جهان تا حدی بهبود ببخشد و اتهام تهاجم کره شمالی به همسایگان خود را کاهش دهد. ولی به نظر می‌رسد که فراتر از این موارد، توافق مهمی میان واشنگتن و پیونگ‌یانگ مبنی بر خلع سلاح هسته‌ای کره شمالی داشته باشیم.

در این میان به نظر می‌رسد که واشنگتن نیز مایل است که اوضاع در شبه جزیره کره تحت کنترل باشد، به نحوی که آمریکا اطمینان یابد که کره شمالی به دنبال تهاجم علیه کشورهای همسایه همچون ژاپن یا کره جنوبی نیست. در واقع وقتی کره شمالی وارد یک فضای تنش آلود با کشورهای همسایه‌اش که اغلب نیز متحد آمریکا هستند، می‌شود، این انتظار را برای ایالات متحده ایجاد می‌کند که باید کاری انجام دهد و این کشور را متوقف کند. در چنین شرایطی است که مشاهده می‌کنیم مانند امروز روابط آمریکا و کره شمالی وخیم‌تر می‌شود، بنابراین برای ایالات متحده بهتر است به هر ترتیبی که شده روابط ستول و پیونگ‌یانگ را به سمت وضعیت ثبات استراتژیک سوق دهد. به همین ترتیب کاهش تنش در روابط میان کره شمالی و ژاپن در دریای ژاپن نیز برای آمریکا اهمیت دارد.

فاکتور دیگر چین است؛ چینی‌ها به شدت مایل هستند ضمن آنکه از اتحاد دو کره جلوگیری می‌کنند (چون به نظر می‌رسد هنوز این منطقه آمادگی اتحاد دو کره را ندارد)، در عین حال ریسک جنگ را از سر کره شمالی نیز کاهش دهد.

در جنگ احتمالی میان کره شمالی و کره جنوبی به نحوی که آمریکا را درگیر کند، ناگزیر چین نیز وارد می‌شود. یعنی جنگ ناخواسته‌ای که پکن به هیچ وجه مایل نیست حداقل در این مقطع زمانی وارد آن شوند. در نتیجه چین و آمریکا به عنوان موتور محرکه پروسه حل اختلاف میان کره شمالی و کره جنوبی عمل می‌کنند. اما به نظر نمی‌رسد دو کشور به بیش از یک توافق مسالمت‌آمیز که تاحدی صلح را در شبه جزیره میان دو کره تضمین می‌کند، فراتر بروند و به خلع سلاح پیونگ‌یانگ به‌طور واقعی دست پیدا کنند.

در عین حال برخی به نقش آفرینی روسیه در خصوص مساله کره شمالی نیز اشاره دارند؛ اما باید توجه داشت روسیه در منطقه شمال غرب آسیا یک قدرت درجه دو است و با حضور آمریکا و چین به عنوان دو قدرت اصلی یا ژاپن به عنوان یک قدرت اقتصادی که در آن منطقه مستقر هستند روسیه حرف زیادی برای گفتن ندارد ولی مسکو نگرانی‌هایی نسبت به این منطقه دارد؛ چرا که احتمال درگیری میان دو کره یا تسری آن به قدرت‌های بزرگ‌تر مانند چین و آمریکا، پای روسیه را هم به نحوی به میان می‌کشد و می‌تواند پیامدهایی هم بر اقتصاد جهانی و هم بر امنیت شرق آسیا که روسیه مرزهای طولانی آبی در آنجا دارد، باقی بگذارد.

بنابراین روس‌ها نیز مایل هستند که شکلی از ثبات پیش‌بینی‌پذیر بین دو کره و دیگر کشورهای این منطقه با مشارکت آمریکا شکل بگیرد، البته به نظر نمی‌رسد که روسیه هم تمایلی به خلع سلاح کره شمالی داشته باشد چون نگران است که توازن منطقه‌ای در آنجا به زیان چین و البته روسیه برهم بخورد و اوضاع را به نفع آمریکا تغییر دهد. مگر آنکه این توافق احتمالی، موازنه‌های موجود را از طریق تضمین‌های امنیتی دست‌نخورده باقی بگذارد. از طرف دیگر مسکو معتقد است که رسیدن به یک توافق منطقه‌ای بین دو کره در نهایت رژیم کنترل تسلیحات هسته‌ای را تقویت خواهد کرد و باعث می‌شود تا حدی جاه‌طلبی‌های دولت ترامپ که به دنبال رسیدن به یک موفقیت چشمگیر در روابط خارجی است، کاهش پیدا کند.



صلح بعید است

آمریکا می‌خواهد اوضاع در شبه جزیره تحت کنترل باشد

دیاکو حسینینی

عضو ارشد مرکز بررسی استراتژیک ریاست جمهوری



این گونه به نظر می‌رسد که آمریکا بلافاصله نسبت به این چنین درخواستی، مقاومت جدی از خود نشان دهد. اگرچه ممکن است واشنگتن آماده باشد که بخشی از تحریم‌های کره شمالی را لغو کند اما برای برچیدن چتر اتمی از کره جنوبی یا خارج کردن بخشی از تقریباً ۳۰ هزار نیروی این کشور در کره جنوبی تردیدهای جدی وجود دارد و احتمالاً آمریکا در این زمینه مقاومت بسیاری خواهد کرد.

علت این است که فلسفه وجودی این نیروها و چتر اتمی اگرچه تا اندازه زیادی در سال‌های اخیر مربوط به کره شمالی بوده اما حداقل در دو دهه اخیر به چین نیز مربوط بوده است.

درواقع این نیروها و پوشش نظامی آمریکا در آن منطقه با هدف مقابله با تهدیدهای نظامی بالقوه چین در آینده نزدیک نیز تفسیر و ارزیابی می‌شود، بنابراین برای ایالات متحده آمریکا بسیار دشوار خواهد بود که بخواهد چنین درخواستی را برآورده سازد. به محض اینکه آمریکا در برابر چنین درخواستی مقاومت کند، طبعاً کره شمالی انگیزه‌ای برای خلع سلاح اتمی نخواهد داشت.

اگر پیونگ‌یانگ تسلیحات خود را تقدیم آمریکا کرده یا به کلی آنها را نابود کند، چه تضمینی وجود دارد که آمریکایی‌ها در سال‌های آینده و در دوره‌های بعدی ریاست جمهوری آمریکا خلاف این تعهدات عمل نکنند و نسبت به کره شمالی نیات جاه‌طلبانه دیگری از جمله در خصوص تغییر رژیم این کشور نداشته باشند؟

در نتیجه برای کره شمالی اصلاً عادلانه نیست که در ازای صرفاً لغو تحریم‌ها آماده باشد که تسلیحات خود را تقدیم آمریکا کند. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که نهایتاً چنین معامله‌ای صورت بگیرد.

از سوی دیگر این واقعیت وجود دارد که ممکن است ستول و پیونگ‌یانگ به توافقاتی دست پیدا کنند؛ از جمله ایجاد مناطق حائل مرزی در مناطق غیرنظامی، پایان دادن به وضعیت آتش‌بس و دستیابی به صلح در روابط دو کشور بعد از جنگ ۱۹۵۳ در کره، البته همین

دیدار رهبران کره شمالی و کره جنوبی که به «دیدار تاریخی این و اون» شهرت یافته و همچنین زرمه‌هایی مبنی بر احتمال خلع سلاح کره شمالی از چند بعد قابل بررسی است. در واقع دو دیدگاه در این رابطه وجود دارد؛ دیدگاه نخست معتقد است که این چرخش ناگهانی کره شمالی به دلیل فشارها و تهدیدهای آمریکا در دوره دونالد ترامپ صورت گرفته و کره شمالی را به این جمع‌بندی رسانده که بهتر است برای جلوگیری از افزایش ریسک برخورد نظامی آمریکا و متحدانش با این کشور، به چنین چرخشی روی آورد. دیدگاه دوم این است که کره شمالی فارغ از تهدیدهایی که آمریکا انجام می‌دهد و با علم بر اینکه ایالات متحده استراتژی روشن و مشخصی جز لفاظی درباره کره شمالی ندارد، تصمیم گرفته که با یک ابتکار عمل برای مدتی مذاکراتی را آغاز کند که احتمالاً نتیجه آن به‌طور طبیعی و منطقی این خواهد بود که آمریکا و کره جنوبی آماده پذیرش شبه جزیره کره عاری از تسلیحات هسته‌ای نیستند.

حال پرسش اینجاست که به چه صورت ممکن است چنین ایده‌ای به واقعیت تبدیل شود؟ در واقع درخواست اصلی کره شمالی از آمریکا و متحدانش همچون کره جنوبی این خواهد بود که در ازای خلع سلاح هسته‌ای پیونگ‌یانگ، چتر اتمی آمریکا از فراز این منطقه برچیده شود، احتمالاً بخشی از نیروهای نظامی آمریکا از کره جنوبی خارج شوند یا حداقل تضمین‌هایی داده شود مبنی بر اینکه تهاجمی در آینده نسبت به کره شمالی صورت نخواهد گرفت.

همه اینها باید در کنار این مساله باشد که آمریکا تمام تحریم‌های مربوط به کره شمالی را نیز لغو کند.

پازل پیچیده

آیا کره شمالی سرمایه استراتژیک اش را واگذار می کند؟

محمد زارع

پژوهشگر مسائل چین



دیدار رهبران دو کره در ۲۷ آوریل ۲۰۱۸ علاوه بر اینکه یکی از تحولات جدید و مهم در روابط کره شمالی و جنوبی به شمار می رود، همچنین توانسته است یخ بن بست های اخیر فرایندهای دیپلماتیک و مدیریت بحران های منطقه ای و بین المللی را تا حدودی شکسته و امیدواری نسبت به حل بحران های موجود منطقه ای و بین المللی را از طریق دیپلماسی و فرایندهای دیپلماتیک کمی افزایش دهد.

به بیان دیگر پس از ناکامی های تقریباً طولانی مدتی که در حوزه دیپلماسی و مدیریت بحران و همچنین پرونده های امنیتی مهم بین المللی شاهد آن بودیم و حتی برخی از «مرگ دیپلماسی» سخن گفتند، به نظر می رسد که دیدار رهبران دو کره تا حدودی این فضا را تلطیف کرده و امیدواری ها را کمی افزایش داده است، البته این نکته را هم باید بیان کرد که حوزه و دامنه این خوشبینی و امیدواری ها بیشتر منحصر به شبه جزیره کره است و دیگر جوامع و تحلیلگران تلاش داشته اند تا با امیدواری توأم با احتیاط به این مساله بنگرند. به عنوان مثال، رسانه های کره شمالی از این دیدار به عنوان «مهم ترین تحول در تاریخ این کشور» و رسانه های کره جنوبی نیز از آن به عنوان «نقطه عطفی در سرنوشت شبه جزیره» یاد کردند. نظرسنجی های انجام شده توسط آژانس سنجش افکار عمومی کره جنوبی نیز همین خوشبینی و امیدواری را نشان داده و بیان می دارد که تقریباً ۷۷ درصد از جامعه آماری مورد نظرسنجی در کره جنوبی، خوشبینی و امیدواری خود نسبت به آینده این ملاقات ها و مذاکرات را بیان داشته اند.

همان گونه که بیان شد، این تنها بخشی از مساله و پازل پیچیده بحران در شبه جزیره کره است و هنوز ابهامات و موانع زیادی در چگونگی پیشبرد این مسیر وجود دارد. به بیان دیگر مساله و بحران شبه جزیره کره هنوز وارد فاز دشوار و پیچیده خود یعنی فاز و مرحله ای که بازیگران و قدرت های بزرگ درگیر در این بحران خواهند نیات، تمایلات و اهداف خود را محقق سازند، نشده است. طبیعتاً این فاز دشوارترین مرحله در آینده و چگونگی حل و فصل بحران در شبه جزیره کره است و به نظر نمی رسد که ایجاد تعادل میان نیات و اهداف این بازیگران به راحتی میسر باشد. به منظور فهم و تبیین بهتر این مسیر دشوار و موانع پیش رو می توان سه نقش اساسی را در حوزه مدیریت بحران به شکل عام و بحران در شبه جزیره کره به صورت خاص برای بازیگران درگیر در این بحران برشمرد و از یکدیگر تمییز داد. این نقش ها عبارتند از: الف) نقش بازیگران تسهیلگر (facilitator) ب) نقش بازیگران شکل دهنده (shaper) ج) نقش بازیگران دستکاری کننده (manipulator). اگرچه هر کدام از این نقش ها در حوزه مدیریت بحران های منطقه ای و

”

هنوز راه طولانی و پرپیچ و خمی پیش روی چگونگی حل و فصل بحران در شبه جزیره کره است؛ چرا که اولاً هنوز مشخص نیست که تغییر خاصی در نگاه کره شمالی به موشک به عنوان «سرمایه استراتژیک»، حاصل شده باشد و ثانیاً بازیگران و قدرت های بزرگ درگیر در این بحران به خصوص چین و آمریکا هنوز در مراحل اولیه ایفای نقش خود در چگونگی حل و فصل این بحران هستند و هرچه زمان به جلوتر رود، ایجاد تعادل میان اهداف و نیات این بازیگران دشوارتر از گذشته خواهد شد. ثالثاً قرار گرفتن نظم بین الملل در حالت گذار و فهم قدرت های بزرگ از این نظم، نه امکان حل و فصل کامل چنین بحران هایی را میسر می کند و نه امکان رسیدن به یک توافق پایدار را ممکن می کند.

”

بین المللی تعریف خاص خود را دارد که شرح آن از حوصله این نگارش خارج است، لیکن آنچه در ارتباط با بحران در شبه جزیره کره و رفتار بازیگران درگیر در این بحران می توان ادراک کرد، آن است که مدیریت این بحران هنوز در فاز اول یعنی فاز تسهیل گری است و هر کدام از این بازیگران تلاش کرده اند تا از طریق ایفای نقش یک بازیگر تسهیلگر (facilitator) بسترها و زمینه های لازم برای پیشبرد مذاکرات و نزدیکی بیشتر دو کره را فراهم آورند. طبیعتاً هرچه زمان به جلوتر رفته و بازیگران و قدرت های بزرگ درگیر در این بحران بخواهند دیگر نقش های پرشمرد شده را هم ایفا کنند، ایجاد تعادل میان اهداف و خواسته های این بازیگران دشوارتر و مسیر حل و فصل بحران شبه جزیره کره نیز پیچیده تر خواهد شد. به عنوان مثال اگرچه متفکرین و تحلیلگران چینی همواره خوشبینی خود نسبت به فرآیند آغاز شده میان دو کره را اعلام کرده و بیان داشته اند که این مذاکرات می تواند در تخفیف تنش ها در شبه جزیره کره و نزدیکی دیدگاه های دو کشور در حوزه های مورد اختلاف مفید و موثر باشد، لیکن همچنین معتقدند که مساله اصلی در شبه جزیره کره به روابط آمریکا و کره شمالی و چگونگی آینده این روابط برمی گردد. از منظر این تحلیلگران، آمریکا متغیر اصلی در بهبود وضعیت در شبه جزیره کره است که به نظر نمی رسد دیدگاه این کشور نسبت به کره شمالی و غیرهسته ای کردن این کشور تغییر خاصی کرده باشد.

بنابراین در مجموع می توان گفت که هنوز راه طولانی و پرپیچ و خمی پیش روی چگونگی حل و فصل بحران در شبه جزیره کره است؛ چرا که اولاً هنوز مشخص نیست که تغییر خاصی در نگاه کره شمالی به موشک به عنوان «سرمایه استراتژیک»، سرمایه ای که طی تقریباً دو دهه برای کره شمالی محتوای استراتژیک تولید می کرده است، حاصل شده باشد و ثانیاً بازیگران و قدرت های بزرگ درگیر در این بحران به خصوص چین و آمریکا هنوز در مراحل اولیه ایفای نقش خود در چگونگی حل و فصل این بحران هستند و هرچه زمان به جلوتر رود، ایجاد تعادل میان اهداف و نیات این بازیگران دشوارتر از گذشته خواهد شد. ثالثاً قرار گرفتن نظم بین الملل در حالت گذار و فهم قدرت های بزرگ از این نظم، نه امکان حل و فصل کامل چنین بحران هایی را میسر می کند و نه امکان رسیدن به یک توافق پایدار را ممکن می کند.



کره شمالی، لیبی نیست

پیونگ یانگ سیاست درهای باز چین را دنبال می‌کند

علی خرم

سفير سابق ایران در چین و سفير سابق اکردیته در کره شمالی



شرایطی که طی بیش از شش دهه گذشته بر کره شمالی حاکم بوده باعث شد که این کشور به سمت ساخت سلاح اتمی و موشک‌های پیشرفته گام بردارد. در واقع کره شمالی از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۵۳ در جنگ با آمریکا و کره جنوبی بود که در آن مقطع از سوی چین و روسیه حمایت می‌شد. این در حالی است که از سال ۱۹۵۳ تا امروز هیچ قرارداد آتش‌بسی میان کره شمالی با آمریکا و کره جنوبی منعقد نشده است. بنابراین همواره این نگرانی وجود دارد که باز هم آمریکا به کره شمالی حمله کند. به همین دلیل نیز کره شمالی به سمت ساخت سلاح هسته‌ای و موشکی حرکت کرد و موفق شد به دستاوردهایی نیز دست یابد. به ترتیبی که کره شمالی با موشک‌ها و کلاهک‌های هسته‌ای اش حتی می‌تواند آمریکا را هدف قرار دهد.

از این نظر می‌توان گفت که پیونگ یانگ به هدفی که مدنظر داشت دست یافته است. اما شاید از این پس کره شمالی بخواهد وارد گفت‌وگو با جهان و جامعه بین‌الملل شود و به گفته رهبر این کشور به سمت رشد اقتصادی گام بردارند. کره شمالی سیاست درهای باز چین را مدل قرار داده تا در جهت سرمایه‌گذاری خارجی و باز کردن درها به روی تکنولوژی گام بردارد و از کره شمالی یک کشور پیشرفته بسازد که بتواند با کره جنوبی قابل مقایسه باشد. برای تحقق این هدف ممکن است کره شمالی مجبور شود به خلع سلاح روی آورد یا اینکه با تدابیری ضمن حفظ جایگاه موشکی و هسته‌ای، پیشرفت اقتصادی نیز داشته باشد. با توجه به این مسائل اکنون

نمی‌توان به صورت صددرصد اعلام کرد که آیا کره شمالی می‌خواهد خلع سلاح شود یا خیر؟
من بعید می‌دانم که پیونگ یانگ به سمت خلع سلاح کامل برود، زیرا اگر چنین برنامه‌ای مدنظر کیم چونگ اون، رهبر کره شمالی بود، طی یک سال گذشته آن قدر تلاش نمی‌کرد که سلاح هسته‌ای به دست آورد.

همچنین از سخنان کیم چون اون چنین بر نمی‌آید که قصد دارد تن به خلع سلاح بدهد، بلکه می‌خواهد با توان هسته‌ای و موشکی خود با آمریکا سر میز مذاکره نشسته و از موضع برابر به عنوان یک قدرت هسته‌ای با رئیس‌جمهور آمریکا روبه‌رو شود. آمریکا سعی می‌کند کره شمالی را نظیر لیبی معرفی کند که چاره‌ای جز تحویل تجهیزات غنی‌سازی و هسته‌ای خود ندارد. در حالی که جایگاه هسته‌ای و موشکی کره شمالی قابل قیاس با لیبی نیست. لیبی یک کشور غیرصنعتی و عقب‌افتاده در همه حوزه‌ها از جمله در حوزه هسته‌ای و موشکی بود و کره شمالی حداقل در این دو حوزه تا سطوح عالی توسعه یافته و قادر است صنعت هسته‌ای خود را در صورت لزوم دوباره بازسازی نماید.

هدف دیگر پیونگ یانگ ممکن است این باشد که به دلیل روی کار آمدن تندروها در آمریکا مانند دونالد ترامپ، مایک پمپئو، جان بولتون، نیکلی هیلی و افراد دیگر بخواهد صرفاً مانوری انجام دهد و زمان بخرد تا این دوران سپری شود. یعنی مشخصات اقتصادی را بپذیرد اما نه به قیمت از دست دادن جایگاه هسته‌ای و موشکی اش. آمریکایی‌ها تلاش دارند این گونه تبیین کنند که کره شمالی به دنبال هدف نخست است و می‌خواهد تمام سلاح‌هایش را تحویل دهد. اما همچنان که اشاره شد کره شمالی با سپری کردن روند خلع سلاح به وضعیت لیبی دچار نمی‌شود؛ زیرا کره شمالی در بحث هسته‌ای و موشکی دارای فناوری بسیار پیشرفته‌ای

است در حالی که لیبی اصلاً تجربه و دستاوردی در این زمینه نداشت.

در واقع به نظر می‌رسد که پیونگ یانگ لیست بلندبالایی را مدنظر دارد تا در مذاکره با طرف‌های مقابل به آنها دست یابد. یکی از این موارد آن است که قرارداد آتش‌بس و عدم تعرض امضا شود و آمریکا به این کشور تضمین دهد که حمله‌ای علیه آن انجام نخواهد شد. تحریم‌ها علیه این کشور نیز لغو شود تا بتواند وارد بازار دنیا شود. همچنین کره شمالی خواهان آن است که از رشد اقتصادی و تکنولوژیک برخوردار شود در نتیجه می‌خواهد این امکانات را در اختیارش قرار دهند. یکی از سخت‌ترین خواسته‌های پیونگ یانگ، خروج آمریکا از کره جنوبی است، چرا که اگر آمریکا از کره جنوبی خارج شود از نظر واشنگتن به این مفهوم است که آنها شبه جزیره کره را به چین واگذار کرده‌اند. در حالی که برنامه‌ریزی آمریکا روی این بنا شده که در نیمه دوم قرن بیست و یکم بتواند جلوی چین بایستد و به همین دلیل نیز انتقال نیروهایش از خاورمیانه به خاور دور را در دستور کار داده است. از این رو آمریکا احتمالاً از کره جنوبی خارج نخواهد شد و کره شمالی هم با هدف آنکه در تحقق اهداف و خواسته‌هایش موفق باشد چند سالی زمان می‌خرد و اگر در تحقق این امور موفق نبود شاید دوباره وضعیت قبل بازگردد.

بنابراین وضعیت فعلی، یک وضعیت بالاتکلیف است و نمی‌توان یک تضمین و نتیجه‌گیری قطعی داشت که کره شمالی و آمریکا می‌توانند به توافق برسند اما آنچه اهمیت دارد اینکه پیونگ یانگ با توصیه چین، در مسیری گام نهاده که تنش‌ها فروکش کند.

در این میان اگر کره شمالی واقعا در مسیر مذاکرات پیش برود، به دونالد ترامپ و تندروها در آمریکا اعتماد به نفس خواهد داد و باقی کشورها نیز با او همراه خواهند شد. به این ترتیب اولین نتیجه این مساله تشدید فشارها بر ایران خواهد بود. از دیگر سو تا امروز تمام فکر جهانیان به عنوان خطر اول روی کره شمالی متمرکز بود اما با زودده شدن این خطر، با دامن زدن به ادعاها علیه ایران، این کشور به عنوان خطر نخست در نظام جهانی مطرح خواهد شد. از این بابت ایران باید به دنبال مانور سیاسی و دیپلماتیک باشد تا کشورهای مخالف ایران نتوانند علیه این کشور وارد عمل شوند.



غروب برج‌ام

سرا‌نجام توافق هسته‌ای چه می‌شود؟

۱۲ می، روز تصمیم‌گیری ترامپ برای خروج از این توافق است که سه سناریو برای این موضوع متصور است:

- ۱- آمریکا از توافق خارج نشود
- ۲- آمریکا از توافق خارج بشود
- ۳- آمریکا با اصلاحات و تغییر در برجام بماند؛ یعنی در حقیقت برجام تغییر کند

و دیپلماسی دوفره جای آن را بگیرد. و مهم‌تر از این، موضوع اسرائیل است که سعی آشکار در لابی‌گری و تلاش برای خروج آمریکا از برجام را دارد. این مساله نگاه و دید جهانیان را نسبت به آمریکا و حمایت آشکار اسرائیل از مواضع آمریکا در خروج از برجام، با توجه به رفتار سیاسی اسرائیل در منطقه متفاوت کرده و در عین حال اعتماد جهانیان به سیاست‌های جهانی آمریکا را سست می‌کند.

سناریوی سوم این است که با انجام برخی اصلاحات که مدنظر آمریکا و متحدین اروپایی اش است برجام را حفظ کنند. این سناریو، سناریوی ممکن است ولی به نظر نویسنده برای ایران مناسب نیست؛ به دو علت، اول اینکه ایران را به بازیکر منفعل در منطقه تبدیل می‌کند. دوم اینکه این مساله برای ایران مطرح است که چه تضمینی وجود دارد که بعد از اصلاحات، آمریکا روی مواضع خود بماند؟ پس این دفعه اعتماد ایران نسبت به بازیگران بین‌المللی کم می‌شود و شاید هم راهکارهای تهاجمی تری را پیش بگیرد.

اصلاحات مدنظر آمریکا و اصرار متحدین آمریکا بیشتر از اینکه موضوع برجام باشد موضوعات عملکرد سیاسی و منطقه‌ای ایران است.

به نظر نویسنده، ایران با پایه یک کشور دولت-ملت سازی شده در منطقه و ژئوپلیتیک خاص، نیاز به یک عملکرد به‌عنوان بازیگر کلیدی و فعال در منطقه دارد.

هرچند ساختارهای اقتصادی در ایران ضعیف است و مدیریت اقتصادی قوی روی آن وجود ندارد ولی موضوع سیاست خارجی با سیاست داخلی متفاوت است در عین حال این دو از هم‌دیگر کاملاً تاثیر می‌پذیرند.

به امید اینکه تصمیم‌گیران کلیدی کشور علاوه بر اصلاحات سیاست داخلی در موضوعات اقتصادی، معیشتی و اجتماعی... تلاش ویژه داشته باشند و پرستیژ ایران را به کشوری که دولت‌سازی و ملت‌سازی توانمندی دارد با حاکمیت خوب در دو حوزه اداره کنند.

جایزه صلح نوبل به ترامپ و رئیس‌جمهور کره جنوبی برای رسیدن به صلح به گوش می‌رسد.

سوال مطرح در اینجا این است که برجام با این موضوع که آمریکا یکی از مذاکره‌کنندگان اصلی این توافق است و ترامپ نیز نگاه کاملاً منفی به این موضوع دارد به کجا خواهد رسید؟

۱۲ می، روز تصمیم‌گیری ترامپ برای خروج از این توافق است که سه سناریو برای این موضوع متصور است:

- ۱- آمریکا از توافق خارج نشود
- ۲- آمریکا از توافق خارج بشود
- ۳- آمریکا با اصلاحات و تغییر در برجام بماند؛ یعنی در حقیقت برجام تغییر کند.

سناریوی اول که آمریکا خارج نشود و هیچ تغییری در برجام ایجاد نشود از نگاه تحلیلگران جزو سناریوهایی غیرممکن است؛ چون ترامپ با آوردن مایک پمپئو و جان بولتون که مخالفان جدی ایران و توافق هستند، تقریباً این موضوع را منتفی کرده و همچنان سناریوی ناممکن است ولی با توجه به اینکه در عالم سیاست هیچ چیز غیرممکنی وجود ندارد، پس احتمال تمدید دوباره تحریم‌ها و ارجاع تصمیم‌گیری به سه ماه بعد ممکن است. اگر این موضوع اتفاق بیفتد، ایران یک فرصت نفس‌گیری خواهد داشت.

سناریوی دوم، یعنی آمریکا از برجام خارج شود. این سناریو، پیش‌بینی اکثر تحلیلگران در حال حاضر است و خود ترامپ نیز با عملکرد خود و حتی به‌طور واضح در سخنانش، این موضع را تا امروز پایدار نگاه داشته است. حتی بعد از سفر امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، این موضع خروج از برجام تغییر چندانی نکرده است. در بررسی این سناریو باید پیش‌بینی کرد که آمریکا از برجام خارج شود دوستان اروپایی اش نیز خارج شوند، ولی به نظر نویسنده عملاً در مواضع ایران تغییری ایجاد نمی‌شود و روسیه و چین دو متحد ایران، در مسائل روابط بین‌المللی به این کشور کمک خواهند کرد ولی نباید فراموش کرد که هر دو بازیگر کمک‌کننده، بازیگران منفعت‌طلب هستند و غیر قابل اعتماد و در بزنگاه‌های کلیدی، اگر منافع خود را در خطر ببینند ایران را رها می‌کنند.

پس ایران در این سناریو باید کاملاً سیاست داخلی خود را تقویت کند و ساختارهایی را با طرح اقتصاد مقاومتی و اصلاحات اقتصادی... نهادینه کند و خود نیز از برجام بدون ابا خارج شود. چون ماندن در توافقی که دستاوردی برایش نداشته باشد فایده‌ای ندارد و خروج با عزت بهتر از ماندن با ذلت است.

با خروج آمریکا از برجام، پرستیژ آمریکا در دیپلماسی جهانی ضربه می‌بیند. آمریکا سعی دارد در توافق با کره شمالی این پرستیژ را اصلاح کند که به نظر نویسنده ممکن نیست. چون برجام یک توافق چندجانبه و یک دیپلماسی جمعی موفق بود و نمی‌تواند یک توافق دوطرفه



رئیس‌جمهور آمریکا که از کمین انتخاباتی خود تا امروز، دشمنی خود را آشکارا نسبت به توافق برجام اعلام کرده، هیچ عمل یا توصیه‌ای حتی از متحدین اروپایی و سایر بازیگران بین‌المللی عزم او را در مخالفت با برجام کاهش نداده و همچنان عزمش بر جزم خروج پایدار است. سوال کلیدی در این تحلیل این است که نیت اصلی دونالد ترامپ از این مخالفت مداوم و عدم عقب‌نشینی از مواضع خود چیست؟

اگر بخواهیم لایه به لایه در این تحلیل پیش برویم، اولین دلیل این مخالفت را در روانشناسی ترامپ باید جست‌وجو کرد. ترامپ قبل از رسیدن به پست ریاست‌جمهوری، یک فرد معمولی و در حد یک کارآفرین موفق بود؛ بنابراین در حوزه سیاست‌های دولتی و روابط بین‌الملل نه تجربه و نه فرصت قانونی برای این کار داشت و از ایران نیز در حافظه تاریخی خود، یک کشور تهاجمی که جرات اشغال سفارت‌کشورش و به‌گروگان‌گیری اعضای سفارتخانه آمریکا به مدت طولانی را داشته، یاد می‌کند. با توجه به نگاه بالا به پایین فرهنگ آمریکایی نسبت به سایر فرهنگ‌ها، این موضوع در ترامپ نیز یک دید منفی به عملکرد ایران حتی در موارد مثبت ایجاد کرده است.

دونالد ترامپ از نظر روانشناسی نه به ملت ایران، بلکه نسبت به حکومت جمهوری اسلامی ایران نگاه تیره‌ای دارد و تلاشش این است که در مواضع خود این نگاه را عملی کند.

در لایه بعدی تحلیل عملکرد ترامپ، باید اصرار او بر پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری و رفتار متفاوت او با اوباما را مورد واکاوی قرار داد. ترامپ سعی در اثبات این دارد که مسیر اوباما در اداره کشور و تصمیمات کشوری اشتباه بوده و سعی دارد عملکرد دولت قبلی را با تصمیمات جدید و گاهی اوقات کاملاً مخالف با آن به جامعه آمریکا ارائه دهد.

می‌توان گفت او در خیلی موارد نیز از جمله لغو طرح بهداشت اوباما (اوباما کر) موفق هم بوده و در سایر مواردی که از حوصله این مقاله خارج است نیز سعی داشته در جهت خلاف دولت قبلی قدم بردارد.

در روابط بین‌المللی ما فقط در مورد خاورمیانه و موردی که برجام را مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

برجام، یکی از دستاوردهای موفق اوباما و تیم سیاست‌گذاری بین‌المللی آمریکا است و به جرات می‌توان گفت یکی از دیپلماسی‌های موفق جهانی است که می‌توانست الگویی برای مذاکرات جمعی نیز باشد.

ترامپ مخالفت خود را با این موضوع به‌طور جدی از زمان به قدرت رسیدن دنبال کرده است چون این توافق را بدون ماهیت موضوع، دستاورد دولت اوباما می‌دانست و سعی در لغو آن داشت. به همین خاطر ترامپ موازی با مخالفت با برجام، موضوع مذاکره با کره شمالی را به‌عنوان

جایگزین طولی برای برجام به صحنه جهانی معرفی کرد و در مذاکرات سعی در مدیریت این مذاکره به‌طور گسترده با شرکت دادن متحدین و جلب توجه جهانیان به این موضوع داشت. گاهی شدت این مذاکره به قدری در این نمودار مذاکره‌ای به پیش می‌رفت که تحلیلگران جنگ

را پیش‌بینی می‌کردند و گاهی چنان دیپلماسی نرم دنبال می‌کرد که آن را با بحران موشکی کوبا مقایسه می‌کردند. به‌هرحال این مذاکره با مدیریت ترامپ به یک راه‌حل موفق منتهی شده تا جایی که زمزمه‌های دادن

سناریوی سوم این است که با انجام برخی اصلاحات که مدنظر آمریکا و متحدین اروپایی اش است برجام را حفظ کنند. این سناریو، سناریوی ممکن است ولی به نظر نویسنده برای ایران مناسب نیست؛ به دو علت، اول اینکه ایران را به بازیکر منفعل در منطقه تبدیل می‌کند. دوم اینکه این مساله برای ایران مطرح است که چه تضمینی وجود دارد که بعد از اصلاحات، آمریکا روی مواضع خود بماند؟ پس این دفعه اعتماد ایران نسبت به بازیگران بین‌المللی کم می‌شود و شاید هم راهکارهای تهاجمی تری را پیش بگیرد. اصلاحات مدنظر آمریکا و اصرار متحدین آمریکا بیشتر از اینکه موضوع برجام باشد موضوعات عملکرد سیاسی و منطقه‌ای ایران است



حیات نباتی

تحریم‌های غیرهسته‌ای و موشکی احتمالاً تشدید می‌شوند

محمد علی هژبری

کارشناس روابط بین‌الملل



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در راستای عمل به وعده‌های انتخاباتی‌اش، جمعه ۲۰ اکتبر ۲۰۱۷ (۲۱ مهر ۱۳۹۶)، استراتژی جدید واشنگتن علیه جمهوری اسلامی ایران و برجام را اعلام کرد. ترامپ با اعلام اینکه، ایران با آزمایش‌های موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای و نقض حقوق بشر، جسم و روح برجام را نقض کرده است، از کنگره خواست که در مورد خروج از برجام یا اصلاح آن، تصمیم‌گیری کند. اگر باراک اوباما، برجام را به‌عنوان مهم‌ترین «توافق کنترل تسلیحات قرن» در قالب یک فرمان اجرایی می‌دانست، ترامپ با معاهده چندجانبه تلقی کردن آن، کنگره را به روند تصمیم‌گیری وارد کرد.

با اعلام عدم پایبندی ایران به توافق هسته‌ای از سوی ترامپ، بنا به قانون، کنگره دو ماه فرصت داشت که در مورد بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای تصمیم گرفته یا قانونی برای تشدید نظارت بر برجام و فشار بر تهران، تصویب کند. رویکرد ترامپ، با اعتراض سران قدرت‌های اروپایی و اعضای برجام روبه‌رو شد. فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در واکنشی قاطعانه اعلام کرد که «برجام یک توافق دو جانبه نیست و به هیچ کشوری تعلق ندارد، بنابراین

آمریکایی (طبق توافق تبادل زندانیان با دولت روحانی) در آسمان کشور بیگانه بوده و ساعتی قبل از آن، ایران را ترک کرده بود.

دولت اوباما هم با این توصیف که برجام فقط یک توافق مرتبط با موضوع هسته‌ای است، در همان دی ۹۴، دو میلیارد دلار اموال بلوکه‌شده ایران در بانک‌های نیویورک را به‌عنوان «پرداخت به قربانیان تروریسم» و به بهانه نقض ایران در بمب‌گذاری مقرر نظامیان آمریکایی در بیروت (۱۹۸۳) و انفجار برج‌های الخبر عربستان (۱۹۹۶) غارت کرد. اوباما قانون تحریمی آسپا و تحریم سوئیفت را تمدید و قانون «محدودیت ویزا برای سفرکنندگان به کشورهای خاص از جمله ایران» را تصویب کرد، البته این طرح در مجلس نمایندگان آمریکا و با ۴۰۷ رأی مثبت و تنها در برابر ۱۹ رأی منفی به تصویب رسیده بود.

بنابراین تحریم‌ها و فشارهای غیرهسته‌ای حتی در دوران اوباما، مانع بهره‌مندی کامل ایران از مزایای اقتصادی برجام شد. البته نمی‌توان مُنکر بهره‌مندی ایران از مزایای برجام در زمینه سیاسی و امنیتی شد.

در بسیاری از مواقع، توافق برجام به‌صورت مانعی جدی در اجماع و وحدت قطب‌های قدرت علیه جمهوری اسلامی ایران عمل کرده است. بازیگری و فعالیت‌های سه سال اخیر ایران در سوریه، عراق و یمن به‌وسیله برجام و پشت‌بند آن یعنی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، با مانع جدی روبه‌رو نشده است.

حالی که فعالیت‌های منطقه‌ای ایران به بار نشست و شاهد شکست داعش در عراق و سوریه و نقش آفرینی ایران در این کشورها هستیم و معارضین و نیروهای تحت حمایت عبری-عربی-غربی در سرنگونی نظام بشار اسد، به نتیجه نرسیده‌اند، از نقض روح برجام سخن می‌گویند. به همان تعبیر باراک اوباما از این واژه می‌رسیم. اوباما در فروردین ۹۵ (مارس ۲۰۱۶)، روح برجام را «تغییر رفتار ایران» نامید.

شاید این جمله تاریخی «جان کری»، وزیر خارجه

رئیس‌جمهور هیچ کشوری نمی‌تواند به آن پایان دهد.» به تعبیر بهتر بهانه‌ای برای خروج از برجام وجود نداشت چرا که تا امروز ۱۰ بار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پایبندی تهران به تعهدات برجام را تایید کرده است. اما باید گفت که برخی از تحلیلگران جهان و حتی کارشناسان ایرانی، همان روزهای شکل‌گیری توافق برجام، خطرات احتمالی آن را گوشزد کرده و این توافق را معاهده‌ای با عمر اندک و با دولت فعلی آمریکا (دولت باراک اوباما) توصیف می‌کردند، به این ترتیب که دولت بعدی ایالات متحده، می‌تواند توافق برجام را منحل کند. اگرچه برجام سندی است که ذیل قطعنامه مصوب و الزامی ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، امضا شده است و تعهد و بار سیاسی و دیپلماتیک برای امضاکنندگان دارد، اما همین توافق، خروج و عهدشکنی طرفین را پیش‌بینی کرده است. به تعبیر محمدجواد ظریف، «هر سطر و کلمه برجام بر اساس بدبینی و بی‌اعتمادی متقابل نوشته شده است.» جمهوری اسلامی ایران، در همان روزهای اول توافق، با کارشکنی و تحریم‌های آمریکا روبه‌رو شد. در اولین روز اجرای برجام-دی ماه ۹۴-وزارت خزانه‌داری آمریکا با صدور بیانیه‌ای از افزودن نام شرکت‌ها و افراد جدید به فهرست تحریم‌های ایران به واسطه ارتباط با برنامه موشکی ایران خبر داد. این تحریم‌ها قرار بود دو هفته قبل اعمال شوند، اما واشنگتن به دلیل آنچه نگرانی از برهم خوردن توافق تبادل زندانیان اعلام شد، از آنها عقب‌نشینی کرد. تحریم‌های جدید در آن مقطع و در دولت اوباما در حالی اعلام شد که هوایم‌های حامل زندانیان

سناریوی سوم محتمل این است که آمریکا در برجام می‌ماند، اما به اروپا و متحدانش، فرصت دوباره برای یافتن راه‌حل بهتری که به تعبیرشان منجر به تغییر رفتار ایران شود، می‌دهد. ایجاد توافق‌های مکمل و متمم یا به تعبیر بهتر، شروع مذاکره برای برجام موشکی و مذاکره در باره سیاست‌های منطقه‌ای در دستور کار قرار می‌گیرد.

رژیم صهیونیستی را حداقل به تعویق خواهد انداخت. تحولات اخیر در شبه‌جزیره کره و دیدار تاریخی «کیم جونگ اون»، رهبر کره شمالی و «مون جائه این»، رئیس‌جمهور کره جنوبی (۲۷ آوریل - ۷ اردیبهشت) در مرز دو کشور در روستای پانمنجوم و اعلام پیش‌دستی پیونگ‌یانگ به خلع سلاح اتمی کره و عاری‌سازی اتمی منطقه شبه‌جزیره و قول جونگ‌اون به تخریب سایت اتمی و زیرزمینی معروف «پونگی‌یری» در شمال شرقی آن کشور که شش آزمایش اتمی کره شمالی در آن انجام شده است و تعهد به دعوت از کارشناسان و ناظران جهانی طی هفته‌های آتی، ایران را در موضع ضعیف‌تر قرار می‌دهد. نکته دیگر اینکه آمریکا و متحدان غربی‌اش به این نتیجه می‌رسند که تحریم‌های فلج‌کننده، قابلیت تغییر رفتار تحریم‌شونده را در بلندمدت به‌دنبال دارد. می‌شد که خروج آمریکا از برجام، سبب بی‌اعتمادی بیشتر پیونگ‌یانگ به این کشور شده و جونگ‌اون را از توافق با آمریکا دور می‌کند، ایده خلع سلاح اتمی کره، آن هم بدون پیش‌شرط، دست آمریکا را برای خروج احتمالی از برجام و حتی فشار برای اصلاح آن را باز می‌گذارد.

حال باتوجه به مطالب فوق، سناریوهای ذیل را می‌توان به‌عنوان رفتار آمریکا و امضاکنندگان برجام و رویکرد ایران، پیش‌بینی کرد.

نخستین سناریوی محتمل این است که اروپا، تسلیم خواسته ترامپ شده و برای اینکه واشنگتن را برای ماندن در برجام تشویق کند، تحریم‌های موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای علیه تهران را در دستور کار قرار دهد.

در این صورت، برجام حیات نباتی خواهد داشت. تلاش برای افزایش هزینه‌های تهران در سوریه و تمرکز بر خروج سپاه پاسداران از این کشور در اولویت قرار می‌گیرد. تحریم سپاه پاسداران علاوه بر کنگره آمریکا، ممکن است در پارلمان‌های کشورهای اروپایی بررسی شود. بازرسی‌های آژانس از اماکن نظامی و تحقیقاتی کشور افزایش یافته و ابعاد سیاسی فعالیت‌های این سازمان، به جای ابعاد فنی، پررنگ می‌شود. از این رو، ممکن است برخی از تحریم‌های سابق شورای حکام، احیا شود.

سناریوی دوم؛ اعلام خروج قطعی و کامل واشنگتن از توافق برجام است. سخنرانی اخیر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در وزارت دفاع (دوشنبه ۲۹ آوریل) و طرح ادعای فعالیت‌های اتمی مخفی ایران و انتقال مواد رادیواکتیو مربوط به برنامه تسلیحاتی به منطقه شوراآباد در جنوب تهران، این پیام را به واشنگتن فرستاد که برجام، قابل اصلاح نیست.

از این رو دونالد ترامپ، ضمن موافقت با نتانیاهو و ادعاهای مضحک‌ش بیان کرد: «در اینکه رژیم ایران همچنان به‌دنبال دستیابی به سلاح اتمی است، شکی نیست. فکر می‌کنم که خروج از توافق ایران، پیام مثبتی به کره شمالی بفرستد.»

خروج آمریکا از برجام به دو صورت متصور است. در

و سوریه بحث و گفت‌وگو کرد.

آنچه درباره مائوتل ماکرون در طول یک سال ریاست جمهوری‌اش می‌توان گفت این است که وی در این مدت توانسته است سیاست خارجی مستقلی را برای فرانسه بازتعریف کند؛ امری که در همراهی ماکرون با ترامپ در مساله سوریه به‌عنوان بهترین متحد آمریکا در این زمینه و همراهی وی با انگلیس در موضوع مسمومیت جاسوس روسیه مشاهده شد. هرچند ماکرون در دوران مبارزات انتخابات ریاست جمهوری تلاش کرده بود خود را در مسیر گل - میتران و به نوعی از فرانسوا اولاند و نیکولا سارکوزی متمایز نشان دهد اما در طول یک سال گذشته مجبور بوده است به‌عنوان قدرتی متوسط با قدرت‌های بزرگتر همراه شود. جدیدترین نشانه این مدعا، مشارکت در حمله موشکی به سوریه است که برخلاف انتقادهایش در طول مبارزات انتخاباتی از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و حمله به لیبی در دوره ریاست جمهوری سارکوزی، صورت گرفت.

شاید مساله برگزیتی و خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، فرصت مناسبی است تا پاریس با بازیگری در تحولات خاورمیانه خاصه موضوع برجام، به بازیگر اول اتحادیه اروپا، تبدیل شود. بی‌شک برلین هم در این رقابت نمی‌خواهد عقب بنشیند. از این رو، بعد از سفر ماکرون، شاهد سفر آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان به واشنگتن بودیم. موردی که از رسانه‌های غربی درز کرده، این است که موضوع برجام در اولویت گفت‌وگوی مرکل با ترامپ نبوده است.

رئیس‌جمهوری فرانسه هم در سخنرانی خود در کنگره آمریکا اعلام کرد: «با رئیس‌جمهور ترامپ پیشتر درباره این صحبت کردم که باید درباره بی‌ثبات‌سازی ایران در منطقه و برنامه موشکی آنها تلاش کنیم و فشار بیابیم اما توافق نامه هسته‌ای باید اجرا شود.»

فرانسه برای اینکه واشنگتن را برای ماندن در توافق، ترغیب کند، فشار در موضوع غیرهسته‌ای و همچنین رایزنی در مورد مذاکرات موشکی را مطرح می‌کند. به‌نظر می‌رسد ترامپ و ماکرون به توافقی در این باره دست یافته‌اند. از این رو ماکرون بیان می‌کند: «در باره ایران، هدف ما روشن است. جمهوری اسلامی ایران هرگز نباید به سلاح اتمی دست بیابد. نه الان، نه در ۱۰ سال و نه بعد، هرگز.»

در مورد موضع سایر کشورهای اروپایی هم باید گفت برخی کشورها همچون اسپانیا، سوئد، اتریش و ایتالیا که ماه گذشته در برابر پیشنهاد بریتانیا، فرانسه و آلمان مقاومت کرده بودند، برای وضع تحریم‌های جدید بر تهران به اکثریت اعضای اتحادیه پیوسته‌اند. بی‌شک بسیاری از تحولات منطقه، همچون حلقه‌های یک زنجیر، باهم در ارتباط بوده و اجماع علیه سیاست‌های تهران را آسان‌تر کرده‌اند. یکی از این تحولات، ادعای حمله شیمیایی به دوامی سوریه در ۷ آوریل ۲۰۱۸ بود.

با توجه به وجود مخالفان دولت بشار اسد در این منطقه، انگشت اتهام غرب به سوی دولت بشار اسد و حامیان خارجی‌اش از جمله ایران و روسیه نشانه رفت. شانزده خبری رسانه‌های غربی در موضوع حمله شیمیایی به دوامی و واکنش هیجانی و تند محور غربی در حمله به پایگاه‌های نظامی ایران، حزب الله لبنان و دولت سوریه، حتی قبل از اعلام نظر بازرسان سازمان منع تسلیحات شیمیایی یا بازرسان سازمان ملل، از مقاومت این کشورها در برابر طرح تحریم تهران کاسته است.

نکته مهم اینکه، حملات اخیر آمریکا و اسرائیل با علم به این است که تهران برای جلب نظر کشورهای غربی و برای اینکه بهانه‌ای برای خروج آمریکا از برجام و تشدید تحریم‌های غیرهسته‌ای فراهم نکند، تلافی تهاجم

سابق آمریکا در دی ۹۵ و در روزهای پایانی حضور در کابینه، روشنگر باشد. کری در یادداشتی عنوان کرد: «مذاکرات با تهران برای عقب‌نشاندن ایران از برنامه هسته‌ای به نتیجه رسید و حالا دولت بعدی آمریکا باید ضمن ادامه اعمال فشار بر ایرانی‌ها، برای عقب‌نشاندن برنامه موشکی ایران تلاش کند.»

این پروژه در دوره ترامپ، با نقش پررنگ کنگره پیگیری شد. اما باتوجه به نبود اجماع در کنگره و کابینه علیه برجام، طرح «کانتن - کورکر» مبنی بر افزایش توانایی نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و محدودیت‌های بیشتر برای چرخش سانتریفیوژهای پیشرفته ایران، بازگشت خودکار این محدودیت‌ها و ضرورت اجازه بازرسی از تاسیسات نظامی و تحقیقاتی ایران، به نتیجه نرسید.

ترامپ ۲۲ دی ۹۶ (۱۲ ژانویه ۲۰۱۸) هنگام تعلیق تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران طبق تعهدات کشورش در برجام به کشورهای اروپایی فرصت داد تا فرارسیدن موعد بعدی تعلیق تحریم‌ها در ۱۲۰ روز آینده، معایب این توافق را برطرف کنند. وی به کشورهای اروپایی هشدار داد در صورت عدم برطرف شدن معایب، این آخرین بار است که تعلیق تحریم‌ها علیه ایران را تمدید می‌کند.

در واقع بعد از پاسکاری‌های متعدد برجام در کنگره و کاخ سفید، توپ به زمین متحدان اروپایی واشنگتن بازگشته است. حال که کنگره، از فرصتی که برایش ایجاد شده بود تا به تعبیر نیکی هیلی، «توافق اتمی با ایران را از دنیایی فانتزی که دولت اوباما ایجاد کرد به دنیای واقعی نشان دهد»، این مسئولیت به امضاکنندگان برجام، واگذار شد.

حال دیگر از مواضع قاطع موگرینی در حمایت از برجام خبری نیست. از طرفی تغییرات مهمی در کابینه ترامپ صورت گرفته است. افرادی که مخالف خروج آمریکا از برجام بوده‌اند، دیگر سرکار نیستند و تیم ضدایرانی ترامپ، با حضور جان بولتون در سمت مشاور امنیت ملی و مایک پمپئو در سمت وزیر امور خارجه، تکمیل شده است. از حامیان حفظ برجام، فقط جیمز متیس وزیر دفاع در کابینه ترامپ باقی مانده است که در مواضع ضدایرانی او هم شکی نیست، بنابراین تغییرات اخیر در تیم امنیت ملی کاخ سفید، کفه را به شکل قاطعانه‌ای به سمت تمایل ترامپ به لغو برجام سنگین کرده است. دونالد ترامپ، خواستار بازنگری و اصلاح سه یا چهار محور مهم برجام، از سوی متحدین اروپایی‌اش است؛ محورهایی که تغییر آنها، به معنای نابودی کل برجام است. به تعبیر بهتر، خروج آمریکا از برجام و تغییر محورهای درخواستی ترامپ، هر دو به یک نتیجه منجر می‌شود. ترامپ در ادعاهایش، برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران، فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده تهران در منطقه، به ویژه در سوریه و یمن و محدودیت زمانی برای توقف غنی‌سازی اورانیوم را که در برجام قید شده است (بند غروب) نقایصی می‌داند که بدون اصلاح آنها، منافع آمریکا و به تعبیر او منافع جهان تامین نمی‌شود.

او همچنین جمعه (۴ می ۲۰۱۸) در جواب به سناریوهای محتمل ایران و مواضع مسئولان ایرانی، عنوان کرد: «به جمهوری اسلامی ایران اجازه نخواهم داد در صورت خروج آمریکا از توافق اتمی، فعالیت برای تولید سلاح اتمی را از سر بگیرد.» شاید تعبیر رهبر انقلاب، واقع‌گرایانه‌ترین رویکرد تهران در رابطه با اصل خروج آمریکا باشد: «اگر آمریکا بخواهد، برجام را پاره کند، ما آن را آتش می‌زنیم.»

به نظر می‌رسد نباید امیدی به موضع مقتدرانه اروپا در مقابل ترامپ و رویکرد واشنگتن داشت.

امانوتل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه در اولین سفر رسمی به آمریکا، با ترامپ در خصوص برجام، فعالیت‌های منطقه‌ای ایران، موضوع کره شمالی، روسیه

جنگ روانی

اروپا نمی‌خواهد تعاملات با ایران را از دست بدهد

بر توافق میان آنها در خصوص برجام نیست. شاید هم این سیاست آنها باشد که دیدگاه‌شان را در آخرین فرصت ابراز کنند. با این حال به عقیده من باقی ماندن آمریکا در برجام پنجاه-پنجاه است. دولت ترامپ استدلال‌هایی برای خروج از برجام دارد که برخی از محافظه کاران تندرو نیز در کابینه و مجلسین آمریکا نیز قویا از این ایده ترامپ حمایت می‌کنند. ضمن اینکه اسرائیل و عربستان هم در منطقه این موضوع را دامن می‌زنند. اما از طرف دیگر موانع دشواری هم برای خروج آمریکا از برجام وجود دارد، یکی از این موانع ناخشنودی متحدان اروپایی آمریکا بعد از خروجش از برجام است. همچنین خروج واشنگتن از برجام، واکنش تند جمهوری اسلامی ایران را به همراه دارد. از سوی دیگر دیدار آمریکا با کره شمالی نشان می‌دهد که ایالات متحده به هیچ تعهدی پایبند نیست. این موضوع می‌تواند تأثیری منفی در افکار عمومی دنیا و آمریکا داشته باشد که دولت ترامپ به وعده‌هایی که دولت قبلی داده و به نوعی یک تعهد براساس حقوق بین الملل است که دولت‌ها براساس جانشینی تعهد دولت‌های قبلی را می‌پذیرند، پایبند نیست.

علاوه بر این باید گفت در وضعیت کنونی، آمریکا غیر از جنگ روانی و اهرم‌های تحریم‌های یکجانبه، ابزار موثر دیگری برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در اختیار ندارد که این موضوع هم یکی از چالش‌های پیش روی دولت آمریکا است. از سوی دیگر ترامپ تمایل دارد به عنوان یک تاجر، تصمیمات بسیار مهم را به هزینه کم اتخاذ کند، اما برجام از موضوعاتی است که می‌تواند هزینه‌های سنگینی به همراه داشته باشد. بنابراین خروج واشنگتن از برجام می‌تواند عواقب بدی برای کاخ سفید داشته باشد؛ هم در مناسبات دو جانبه‌اش با جمهوری اسلامی ایران در قالب برجام، هم در روند تحولات در منطقه خاورمیانه. به همین جهت این امکان وجود دارد که اروپاییان در دیدار اخیر با رئیس‌جمهور آمریکا این مشکلات را برای وی تبیین کردند.

بنابراین به نظر می‌رسد دولت آمریکا همان گونه که در یک سال و نیم گذشته از برجام به عنوان یک ابزار برای تأثیر گذاری بر اقتصاد ایران استفاده کرده و خوشبختانه تاکنون جمهوری اسلامی در داخل با اتخاذ سیاست‌هایی این تأثیرپذیری را از بین برده است؛ و با توجه به اینکه سه کشور اروپایی در قالب یک بیانیه مشترک اعلام کردند که در برجام باقی خواهند ماند و با علم به اینکه خروج از برجام دستاوردهای کافی را ندارد، به احتمال قوی با اعلام تحریم‌هایی در برجام باقی بماند. اما در این بین امکان وجود دارد که آمریکا، عربستان، اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی به دنبال اعمال فشار بر ایران در رابطه با سیاست‌های منطقه‌ای باشند. از سوی دیگر اروپاییان تمایل دارند بدون هرگونه فشار و تهدیدی در این خصوص با ایران مذاکره کنند تا روابط با جمهوری اسلامی حفظ شود. در واقع باید گفت که اروپا علاقه‌ای به تغییر شرایط منطقه خاورمیانه ندارد، زیرا هر گونه تنش در منطقه می‌تواند تأثیری منفی روی امنیت اروپا داشته باشد. تحولات سوریه در سال‌های گذشته منجر به گسیل مهاجران به اروپا، گسترش تروریسم در اروپا به ویژه در آلمان و فرانسه و جنگ و بی ثباتی تأثیرات منفی بر اقتصاد آنها هم شده است. در عین حال اروپاییان ضمن رضایت از روابط اقتصادی با ایران، تمایل به گسترش آن هم دارند، بنابراین به نظر می‌رسد تقویت و گواهی سیاسی بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به ویژه در مورد مسائل منطقه‌ای در آینده هم ادامه پیدا کند.



مهدی فتوحی

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل
از دانشگاه تهران

با نزدیک شدن به زمان تمدید تعلیق تحریم‌های هسته‌ای ایران، صدراعظم آلمان، آنگلا مِرکل و امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه جداگانه با دونالد ترامپ دیدار داشتند. یکی از محورهای اصلی مذاکرات آنها آینده توافق هسته‌ای قدرت‌های جهانی با ایران بود. به نظر می‌رسد این دیدارها برای ترغیب رئیس‌جمهور ایالات متحده برای باقی ماندن در برجام و حفظ آن است.

اروپا و آمریکا متحدان یکدیگر بعد از دوران جنگ جهانی دوم و بعد از دوران جنگ سرد هستند. ایالات متحده در دوران جنگ سرد امنیت کشورهای اروپایی را در قالب ناتو برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی برعهده گرفته و بخش اعظمی از بودجه نظامی برای حفاظت از این کشورها بر عهده آمریکا بوده است. به همین جهت همیشه پیوندهای نزدیکی بین اروپا و آمریکا برقرار بوده. اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اقدامات یکجانبه‌ای که آمریکا در دوران جورج بوش داشت، شکاف‌هایی در مناسبات اروپا و ایالات متحده ایجاد شده است. به طوری که حمله یکجانبه واشنگتن به عراق باعث شده بسیاری از دولت‌های اروپایی از جمله آلمان و فرانسه اعتراض کنند. در شرایط فعلی هم که دونالد ترامپ قدرت را در آمریکا با شعار ناسیونالیسم اقتصادی در دست گرفته و کمتر با شرکای اروپایی مشورت می‌کند، به نظر می‌رسد که روابط کشورهای اروپایی با واشنگتن سرد و دشوار است و در حوزه‌های مختلف با یکدیگر اختلاف نظر دارند. در دوران ریاست جمهوری اوباما، او تلاش می‌کرد تا حد امکان در باره تصمیمات بین‌المللی با کشورهای اروپایی مشورت کند و از این طریق بسیاری از اهداف و سیاست‌هایش را در عرصه بین‌الملل پیش ببرد. در این قالب اتحادیه اروپا، رهبری آمریکا را در نظام بین‌الملل می‌پذیرفتند. اما در حال حاضر دونالد ترامپ کمتر با اروپاییان مشورت می‌کند و در برخی امور هم با آنها اختلاف رای دارد. از اختلافات عمده‌ای که در دوران ترامپ به اوج خود رسید، پیمان آب‌وهوایی و قرارداد تجارت آزاد کشورهای اروپایی و ایالات متحده است. همچنین افزایش تعرفه فولاد و آلومینیوم که از چند ماه دیگر اجرایی خواهد شد و اختلاف نظر برای افزایش بودجه نظامی کشورهای اروپایی به دو درصد تولید ناخالص ملی، از دیگر اختلافات میان آنهاست. اختلاف نظر دیگر در رابطه با مساله برجام است. دونالد ترامپ از زمانی که به قدرت رسیده و حتی پیش از آن در دوران رقابت‌های انتخاباتی، اظهار نظرهای تندی درباره برجام داشت و مکرر تهدید به خروج از آن می‌کرد. در حال حاضر امانوئل ماکرون و آنگلا مِرکل سفرهایی به واشنگتن داشتند و رایزنی‌هایی کردند. در این دیدار فرانسه طرحی را ارائه کرد و براساس آن اروپا تمایل به حفظ برجام دارد. اما در ادامه ترامپ و ماکرون در مورد نفوذ منطقه‌ای ایران در خاورمیانه، برنامه موشکی ایران و ادامه دادن محدودیت‌های برنامه هسته‌ای ایران بعد از ۲۰۲۵ گفت‌وگو کردند و احتمالاً این مباحث در دیدارهای صدراعظم آلمان با رئیس‌جمهوری ایالات متحده هم طرح شده است. بنابراین اروپاییان تمایل به ماندن در برجام دارند و با گفت‌وگو با ایران در خصوص برخی موضوعات، رضایت آمریکا را هم به دست آوردند. اما از طرف دیگر نوع ادبیات این سه مقام، گواهی

حالت اول واشنگتن، مانعی برای تبادل تجاری اروپا و سایر کشورها با ایران به وجود نمی‌آورد.

همان‌طور که عباس عراقچی، معاون سیاسی وزیر خارجه اخیراً تأکید کرده، اولین راه، ادامه برجام، بدون آمریکا است که ایران در چنین وضعیتی در توافق هسته‌ای باقی نخواهد ماند، البته رویکرد قبلی وزارت خارجه کشورمان این بود که اعلام می‌کرد، حتی حاضر به ادامه برجام منتهای آمریکا هستیم. تغییر این موضع عقلمانی به نظر می‌رسد.

طبق تحلیل خبرگزاری رویترز «در صورت خروج آمریکا از برجام» و در راستای حفظ آن، اروپا و آمریکا می‌توانند توافقی را امضا کنند تا از صدور تحریم‌های ثانویه واشنگتن علیه شرکت‌های اروپایی که خواستار تجارت با ایران هستند، جلوگیری کند. در این صورت آمریکا نیز در آینده قادر خواهد بود تا با تغییر دولت وارد «برجام» شود، البته این برنامه در صورتی اجرایی خواهد بود که ایران تمایل داشته باشد پس از خروج آمریکا از «برجام» در آن باقی بماند.»

در حالت دوم، خروج آمریکا همراه با بازگشت تحریم‌های هسته‌ای، ثانویه و اقتصادی خواهد بود. در این صورت، نه تنها متحدین اروپایی، بلکه کشورهای شرق آسیا هم توان مقابله با قوانین تحریمی آمریکا را نخواهند داشت. فروش نفت و گاز و انرژی در وضعیت بدی قرار گرفته و تبعات و شوک‌های اقتصادی فراوانی متوجه کشور می‌شود.

«محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه در گفت‌وگویی با نشریه «نیویورکر» از سه گزینه پیش روی ایران در صورت خروج آمریکا از برجام سخن گفت که نخستین مورد، اقدام متقابل ایران برای پایان دادن به تعهدات هسته‌ای قید شده در برجام و از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم است. همچنین علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی عنوان کرد که این توانایی را داریم که در چهار روز، فردو را راه‌اندازی کرده و به غنی‌سازی ۲۰ درصد برسیم. دومین گزینه ایران، توسل به مکانیزم حل اختلاف است که به همه طرفین دخیل اجازه طرح شکایت رسمی در کمیسیون رسیدگی به موارد نقض برجام را می‌دهد. اما گزینه سوم، خروج از آن بی‌تی است. گزینه‌ای که این روزها از زبان «علی شمخانی»، دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز شنیده شده است. او در روزهای گذشته گفته بود: «متأسفانه از روز آغاز اجرای تعهدات، طرف مقابل به اشکال مختلف کارشکنی انجام داده است.

خروج ایران از NPT (ان‌پی‌تی) بنا به ماده دهم آن امکان‌پذیر است، البته خروج ایران از آن بی‌تی بهتر است همراه با اجرای داوطلبانه آن باشد، چون خروج از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای Nuclear Non-Proliferation Treaty، در نگاه اول خاصه از سوی آمریکا و غربی‌ها، به عنوان شروع و از سرگیری ساخت تسلیحات اتمی تحلیل خواهد شد، بنابراین اعلام اجرای داوطلبانه آن، تا حدی این خطر را از ایران دور می‌کند.»

سناریوی سوم محتمل این است که آمریکا در برجام می‌ماند، اما به اروپا و متحدینش، فرصت دوباره برای یافتن راه حل بهتری که به تعبیر نشان منجر به تغییر رفتار ایران نشود، می‌دهد. ایجاد توافق‌های مکمل و متمم یا به تعبیر بهتر، شروع مذاکره برای برجام موشکی و مذاکره درباره سیاست‌های منطقه‌ای در دستور کار قرار می‌گیرد. مسئولان جمهوری اسلامی ایران بالاتفاق مذاکره و گفت‌وگو در مورد امور دفاعی و موشکی را غیرممکن دانسته‌اند.

با همه این تفاسیر، سناریوی اول یعنی حفظ برجام در عین تشدید تحریم‌های غیرهسته‌ای و موشکی، بسیار محتمل به نظر می‌رسد.



توافق واگرایانه

برجام تنش‌زدایی میان طرفین را در پی نداشت



رامتین رضایی

کارشناس روابط بین‌الملل

اثر بخشی و موفقیت یک معاهده بین‌المللی پیش از آنکه به خود معاهده یا مفاد آن منوط و مشروط باشد، به وضعیت و مناسبات طرفین معاهده با یکدیگر از یک سو و موقعیت و شرایط محیطی و زمانی که معاهده و توافق در آن صورت گرفته، بستگی دارد. به زعم دیدگاه دیوید میترا نی، واعظ نظریه نوکارکردگرایی همگرایی سیاسی شرط لازم و ضروری موفقیت معاهدات میان دولت‌ها در زمینه‌های فنی و اقتصادی به شمار می‌رود. وی ضمن نقد دیدگاه کارکردگرایان که همکاری و توافق در حوزه‌های فنی و غیر سیاسی را شرط دستیابی به توافق، همکاری و همگرایی سیاسی می‌داند به‌طور کلی بر این عقیده است که صرف انعقاد چند معاهده فنی یا تجاری میان دولت‌ها حتی در صورت وابستگی متقابل میان آنها، تضمینی قابل اتکا برای شکل‌گیری همگرایی سیاسی یا رفع اختلافات نخواهد بود، بنابراین اراده و تمایل دولت‌های طرف یک معاهده بین‌المللی به کاهش یا وانهادن تنش‌ها و تعارضات و مهم‌تر از آن حرکت به سمت یک همکاری و همگرایی سیاسی-امنیتی اولویت بیشتری نسبت به امضای توافقات در سایر حوزه‌ها دارد. معاهدات صلح و رسای (۱۹۱۹م) پس از پایان جنگ جهانی اول با تسامح فراوان می‌تواند مثال خوبی برای تبیین این مسأله باشد. با وجود توافقات گسترده میان دولت‌های حاضر در کنفرانس در خصوص تعیین مرزهای جدید و کشورهای تولد یافته از امپراتوری‌های اتریش-مجارستان و عثمانی، اما اختلافات و تعارضات ایدئولوژیک و سیاسی چنان وسیع و پدیده بود که در نهایت در ۱۹۳۹م و آغاز جنگ جهانی دوم این معاهدات عملاً به وادی نسیان سپرده شد. در مثالی دیگر، همکاری و توافقات میان آمریکا به شوروی پیشین و روسیه فعلی در زمینه‌های مختلف تجاری و فنی نه تنها نتوانست همکاری سیاسی قابل توجهی را میان دو طرف ایجاد کند، بلکه امروز جهان بالاترین

سطح تنش میان این دو قدرت را نظاره می‌کند. برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام میان ایران و گروه ۵+۱ نیز هر چند یک توافق تاریخی به‌شمار می‌رود، اما در شرایطی منعقد شد که اراده‌ای جدی میان طرفین به منظور در پیش گرفتن رویکرد و راهبرد تنش‌زدایی سیاسی (دست کم در کوتاه مدت) به چشم نمی‌خورد. توافق میان ایران و گروه موسوم به ۵+۱ بیش از آنکه حاصل یا برآمده از مقتضیات تنش‌زدایی فعال باشد، محصول صرافت طرفین به‌رهایی از چالش هسته‌ای بود. برای ۵+۱ خصوصاً آمریکا رهایی از تهدید اتمی ایران به زعم خودشان و برای ایران نیز رهایی از تحریم‌ها و فشارهای آزادکننده بین‌المللی اصلی‌ترین هدف و انگیزه در خلق برجام به شمار می‌رفت. برجام از یک سو با رویکرد تنش‌زدایی همراه نبود و از سوی دیگر شرایط و مناسبات منطقه‌ای نیز در سخت‌ترین و پر تنش‌ترین وضعیت خود قرار دارد. تعارضات جدی آمریکا و متحدین منطقه‌ای آن با ایران در خصوص بحران‌های سوریه و یمن، عراق و تاحدودی بحرین عملاً مانعی جدی در مسیر تنش‌زدایی حتی به صورت محدود آن ایجاد کرده است. تنش‌های فزاینده نیز خود زمینه‌ساز مخالفت‌های داخلی با درون بلوکی (مانند مخالف‌های جدی و آشکار اسرائیل و پنهان‌عربستان) با برجام شد که ظهور ترامپ و ورود افرادی مانند بولتون و پمپئو از نمودها و تأثیرات آن به شمار می‌رود.

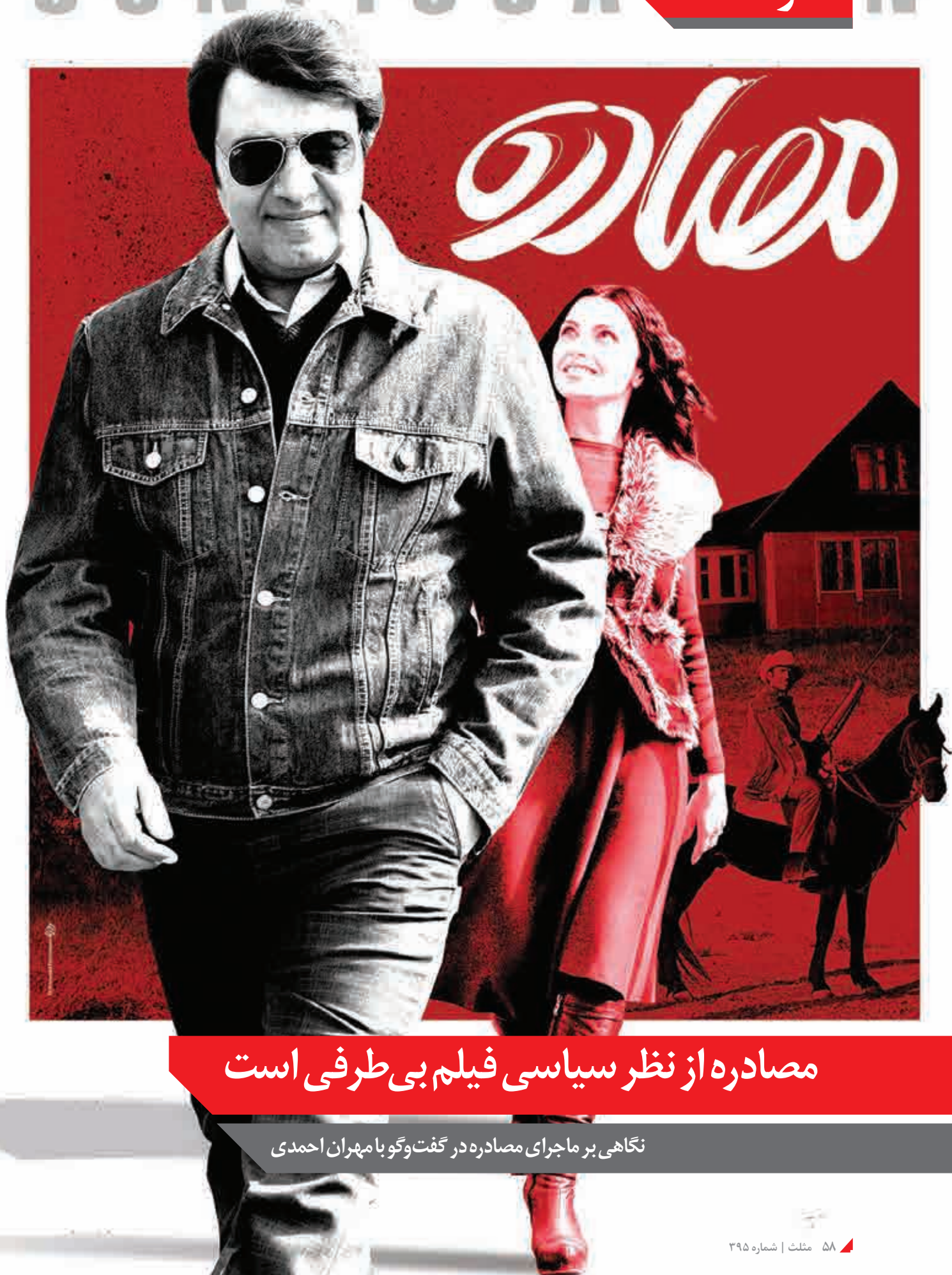
بنابراین به نظر می‌رسد که مشکلات و موانع پیش روی برجام بیش از آنکه نتیجه خود توافق باشد، نتیجه اوضاع متشنج منطقه‌ای و تقابل فزاینده طرفین این معاهده خصوصاً جمهوری اسلامی ایران و آمریکا است. باید توجه داشت که خلافت قدرت منطقه‌ای که از سال ۲۰۰۳ و با سرنگونی رژیم صدام حسین آغاز و با انقلاب‌های عربی به اوج رسید، تعارضات و رقابت میان ایران و عربستان را به شکل فزاینده‌ای گسترش داد. مسأله عراق نیز از همان سال ۲۰۰۳ به یک عرصه و موضوع جدید برای تقابل جدی ایران و آمریکا تبدیل شد. در این میان شرایط منطقه به گونه‌ای پیش رفت که تنش‌زدایی دوره‌های پیشین را هر روز با اصطکاک و چالش بیشتری مواجه می‌کرد. افزایش توانایی موشک‌های دوربرد ایران نیز به عامل دیگری

جهت افزایش تنش مبدل شد.

در حال حاضر خروج قطعی و کامل آمریکا از برجام یا تحت فشار قراردادن ایران به منظور پذیرش تعهدات و محدودیت‌های جدید (مانند محدودیت موشک‌های دوربرد) سناریوهای احتمالی و پیش‌رو در آینده‌ای نزدیک است که در هر دو صورت نتیجه‌ای جز افزایش تنش‌ها و تعارضات نخواهند داشت. خروج آمریکا از برجام از سرگیری مجدد تحریم‌های ثانویه علیه ایران اما به صورت یکجانبه را به همراه خواهد داشت. در این صورت مقاومت سه عضو اروپایی ۵+۱ در درازمدت بسیار بعید به نظر می‌رسد اما روسیه و چین احتمالاً همچنان از برجام و تداوم آن حمایت خواهند کرد. سناریوی دوم نیز نه تنها با مقاومت جدی ایران، بلکه از سوی روسیه و چین نیز مورد مخالفت قرار خواهد گرفت. در شرایط فعلی و پیش‌رو ایران می‌تواند با در دست گرفتن ابتکار عمل در راستای تنش‌زدایی با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و نیز گسترش روابط با دولت‌های میانه‌روتر منطقه مانند کویت، قطر و عمان از فشارهای غرب خصوصاً آمریکا بکاهد. در این میان تنش‌زدایی با عربستان و نیز میانجیگری جهت برقراری صلح در یمن از جمله اقداماتی محسوب می‌شود که می‌توانند معادلات منطقه‌ای و جهانی را به سود ایران تغییر دهند.

اما باید به یک مسأله بسیار مهم توجه خاصی مبذول داشت. همان‌طور که گفته شد همگرایی در حوزه‌های فنی بدون همگرایی در حوزه سیاسی میسر نخواهد شد. اما با این حال شرط لازم و ضروری گسترش همگرایی سیاسی خصوصاً در جهان امروز وابستگی‌های اقتصادی و مرادوات گسترده تجاری است. در واقع حضور فعالانه و چشمگیر طرفین یک معاهده در بازارهای جهانی، حجم بالای مبادلات با یکدیگر و نیز برخورداری از جایگاه والای اقتصادی در سطح منطقه‌ای و جهانی از ملزومات اجتناب‌ناپذیر همگرایی‌های سیاسی و در نتیجه معاهدات میان یک دولت با دیگر دولت‌ها در عصر جهانی شدن است. به نظر می‌رسد که پایین بودن حجم مبادلات ایران با کشورهای اروپایی عضو ۵+۱ و آمریکا و در نتیجه نبود وابستگی متقابل قابل توجه میان آنها از عوامل مهم جهت به چالش کشیده شدن برجام توسط آمریکا به شمار می‌رود. سهم بسیار ناچیز ایران در صادرات غیر نفتی، عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی به خصوص در دوران پسایر برجام که فرصت مناسبی را پیش رو گذاشته بود، موجب شد که آمریکا بتواند به راحتی در مورد خروج از توافق اظهار نظر کند.

در این میان سه کشور اروپایی بر خلاف ایالات متحده آمریکا مرادوات تجاری نسبتاً بیشتری داشته و از خریداران عمده نفت ایران به شمار می‌روند. از سوی دیگر نیاز مبرم اروپاییان به گاز و تمایل آنها به عدم وابستگی به واردات گاز از روسیه می‌تواند از عواملی باشد که آنها بسیار بیش از آمریکا به برجام پایبند بمانند. سه کشور اروپایی و روسیه و چین معتقدند که برجام در مهار قدرت هسته‌ای ایران عملکرد موثقی داشته اما آمریکا آن را یک توافق بسیار بد می‌داند که می‌تواند موجب افزایش توانایی اتمی ایران شود. سه دولت اروپایی به دنبال گسترش نفوذ خود در خاورمیانه هستند. بنابراین ثبات در این منطقه را ترجیح می‌دهند. اما آمریکا خروج تدریجی از خاورمیانه و حرکت به سوی آسیا-پاسفیک را دنبال می‌کند. در نهایت اروپاییان به خوبی می‌دانند که وقوع درگیری و منازعه جدی در خاورمیانه بیشترین تهدید را برای آنها در پیش خواهد داشت (مانند بحران پناهندگان و یا درگیری مستقیم با روسیه). به همین علت دو کشور آلمان و فرانسه تلاش زیادی را برای متقاعد کردن آمریکا به ادامه برجام و ممانعت از منازعه با ایران به خرج داده‌اند.



Dilem

مصادره از نظر سیاسی فیلم بی طرفی است

نگاهی بر ماجرای مصادره در گفت‌وگو با مهران احمدی

مصادره ناراحت شدند و واکنش نشان دادند؟ یک نکته مهم هم این است که در واقع شما ساواک را زیر ذره بین قرار داده‌اید. این مساله چقدر در ذهن شما مهم بوده است؟

این نکته جالبی است که هر دو گروه به این داستان واکنش‌های منفی و مثبت زیادی نشان دادند. اما واقعیت آن است که من دل در گرو هیچ‌یک از این دسته‌ها ندارم. مصادره با یک بودجه نسبتاً متوسط توسط بخش خصوصی ساخته شده و هیچ کمک یا رانت حزبی و دولتی پشت فیلم نبوده است. مصادره تنها دغدغه انسانیت و هویت را داشته و سیاست در محوریت آن جایی نداشته است. ما فکر می‌کنیم سوءتفاهمی که برای گروه‌های خارجی با ملت ایران به وجود آمده، منجر به این شده که آنها این‌طور فکر کنند که در ایران همان فضای دهه‌های پنجاه و شصت حاکم است. این در صورتی است که بسیاری از امور دچار تغییرات فراوان شده‌اند. من ارزش گذاری برای این تغییر ندارم، حرف من واقعیت این تغییر است. شما فضای آن دوره را به خاطر ندارید. در آن زمان اتفاقات عجیبی رخ می‌داد که واقعا می‌توان به آنها پرداخت.

از نسوی دیگر خیلی از دوستان ما که به خارج از ایران می‌رفتند، به هر دلیلی هنوز درباره ایران همان‌گونه می‌اندیشند. در حالی که چنین تصویری درست نیست و واقعیت ندارد. همچنین ایرانی‌هایی که درباره کشورهای دیگر تصورات واهی دارند، باید به آنها بگوییم که در خارج از ایران خبری نیست. ما ایرانی هستیم و کشورمان را دوست داریم. حتی حاضریم که جان‌مان را برای کشور بدهیم. به شرطی که همه چیز در کشور بر اساس درستی و صلح و صداقت و امنیت پیش برود و در پایان هم بگوییم که امان از احتلاس.

فضای سیاسی و هویتی که در مصادره دیدیم، تا حدود زیادی من را به یاد فیلم سن پترزبورگ انداخت. هر دو روایتگر یک مساله اجتماعی است که در بستر سیاسی مشابهی رقم می‌خورد. هر دو هم البته دارای نقاط ضعف و قوتی بودند که شاید سخن گفتن از نقاط ضعف منشا اثرات بیشتری در سینمای ایران احمدی به حساب آید.

نکته اول اینکه من سن پترزبورگ را ندیده‌ام. تنها لحظاتی از این فیلم را دیده‌ام و اما درباره آن، این‌گونه شنیده‌ام که اثر بسیار خوبی است. اما دوست دارم از نقاط ضعف مصادره بشنوم.

یکی از این موارد، نارسایی در القای پیام شکست هویتی است. شما در یکی از مصاحبه‌ها به این اشاره کرده بودید که اسب شدن یارجانلو منصفه بروز این شکست هویتی اوست. این در حالی است که فضای سالن سینما و اکران‌ها ما را به این سمت و سورهنمون می‌شود که شاید بسیاری از مخاطبان این پیام را دریافت نکرده‌اند.

به نظر شما چهل سال زمان کمی برای بروز این شکست است؟

خیر! نمایش روند شکست به خوبی مخاطب را همراه خود نکرده است.

اینکه یارجانلو چهل سال به دنبال زمینش است و نمی‌تواند آن را بازپس بگیرد. دوستی که طی این سالیان به او امید داده، در اواخر داستان به آمریکا می‌آید و امید بازگشت یارجانلو را ناامید می‌کند. خامندی به او می‌گوید که تو هویت ایرانی نداری. باید ایران را فراموش کنی. نام تو اسی و نه اسماعیل است. وارد بازی‌های سیاسی ای شده‌ای که اگر به ایران بازگردی برای تو حاشیه‌های زیادی به همراه می‌آورد. تمام امید اسماعیل به فردی است که او را با ناامیدی کامل مواجه می‌کند. می‌گوید که عکس حضور تو در تجمعات اپوزیسیون منتشر شده و اگر

مهران احمدی؛ بازیگر سینما و تلویزیون، دستیار کارگردان، برنامه‌ریز و مدیر تولید است که در آثار سینمایی و تلویزیونی زیادی هنرنمایی کرده است. سابقه حضور او در عرصه بازیگری به بیش از دو دهه می‌رسد و در همین راستاست که این روزها احمدی پا به عرصه کارگردانی نیز گذاشته است. مصادره نام نخستین اثر سینمایی اوست که به تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی و مشاوره نرگس آبیاری روی پرده سینماها، آخرین روزهای اکران خود را می‌گذراند. در این مصاحبه از اندیشه احمدی برای پرداخت به این سوژه و این فیلم شنیده‌ایم.

بیان شده که پر از سیاست و سیاست‌زدگی است. اما داستان فیلم مصادره با احوالات شخصیت پیش رفته است. لایه سیاسی داستان از ابتدای امر پررنگ است و رفته رفته رنگ می‌بازد. رنگ آن تغییر می‌کند، گاهی کم‌رنگ و پررنگ و حتی گاهی از بین می‌رود. دلیل این تحولات، تغییرات شخصیت اسماعیل یارجانلو است. او در هر وضعیتی باشد، ملاک ما برای تعلیق صحنه و وضعیت و افراد دیگر به روشنی پیدا می‌شود. اسماعیل در وضعیت سیاسی قبل از انقلاب تا وضعیتی که دچار تغییرات زیادی شده به نمایش گذاشته شده است. بستر اصلی مصادره، احوالات شخصیت اصلی داستان است. این گزاره هم درست است که پیرنگ سیاسی موازی نیز در مصادره دیده می‌شود. اما من به شدت مخالف این هستم که نام سیاسی روی این فیلم بگذاریم. به همین دلیل است که گاهی از جریان‌ها و گروه‌های مختلف واکنش‌های متفاوتی درباره فیلم دریافت می‌کنیم. گاهی آن‌وری‌ها به فیلم توهین می‌کنند و گاهی این‌وری‌ها. من برای دسته و گروه و حزب خاصی فیلم نساخته‌ام و چنین واکنش‌هایی به نظر من طبیعی ارزیابی می‌شود. قلاب مصادره به هیچ دسته و گروه خاصی نمی‌گیرد و این هم تا حدودی ناشی از شخصیت من است. من در هیچ گروه‌بندی سیاسی خود را ندیده و جان‌دادم و همواره سعی کرده‌ام که درباره سیاست مستقل بیندیشم. من فقط معتقد به یک قانون درست انسانی هستم که همه باید از آن پیروی کنند. در این قانون و وضعیت هیچ فردی حق تجاوز به دیگری را ندارد. هر فردی که دارای خصوصیتی از این دسته باشد، برای من محترم به حساب می‌آید. فیلمی که ساخته‌ام نیز از همین اندیشه مایه گرفته است. نگاه ما در مصادره به هیچ‌عنوان غرض‌ورزانه نبوده است. مصادره یک فیلم کاملاً بیطرف است. روایتگری اتفاقاتی که در سالیان زندگی‌ام دیده‌ام و در کنار آن نیز از تحقیقات و واقعات شنیده‌ام، در این روایت گنجانده شده است.

از واکنش طیف‌های سیاسی که در مصادره سوژه شده بودند، گفتید. کدام یک از این دو بیشتر از

۲۲

فکر می‌کنم پررنگ‌ترین ویژگی و کانسپتی که در مصادره وجود دارد، بحث هویت است! نه بحث سیاسی یا حتی اجتماعی، که البته آنها نیز منظور ما بوده است. اما ما پیرنگ کم‌رنگ‌تری مثل سیاست یا مسائل اجتماعی را برای گفتن حرف اصلی که همان پرداختن به هویت است، در مصادره انتخاب و طرح‌ریزی کرده‌ایم

۲۲

قبل از اینکه مصاحبه امروز را ترتیب دهیم، مروری بر مصاحبه‌های شما درباره مصادره داشتیم. در یکی از این نشست‌ها دیدیم که شما تغییر موقعیت و تاثیر آن بر هویت یارجانلو را محور اصلی داستان مصادره دانسته‌اید. استنارت پرداختن به سوژه هویت و موقعیت، از کجا به ذهن شما رسید؟ هویت محور اصلی فیلم شماست؟ آیا این محور برای مخاطب هم به روشنی قابل دریافت است؟

بله! من فکر می‌کنم پررنگ‌ترین ویژگی و کانسپتی که در مصادره وجود دارد، بحث هویت است نه بحث سیاسی یا حتی اجتماعی که البته آنها نیز منظور ما بوده است. اما ما پیرنگ کم‌رنگ‌تری مثل سیاست یا مسائل اجتماعی را برای گفتن حرف اصلی که همان پرداختن به هویت است، در مصادره انتخاب و طرح‌ریزی کرده‌ایم. آقای علی فرقانی زحمت نگارش فیلمنامه را داشته‌اند و در نتیجه جرقه اصلی به ذهن ایشان رسیده است. من بعداً به این تیم اضافه شدم و به همراه ایشان بازنویسی فیلمنامه را انجام داده و به این نتیجه رسیدیم. ما در کنار هم کانسپت را قوی‌تر کرده و به «مصادره» اشاره کنیم که نباید از هیچ سینمایی از مخاطبان دسته‌های مختلف انتظار این را داشته باشید که لایه‌های پنهان مطلب یا یک فیلم را متوجه شوند! هر فردی از دیدگاه و اندیشه و سواد خود، برداشت می‌کند و در واقع همین زاویه نگاه است که برداشت او از فیلم را شکل می‌دهد. مخاطب از همین داشته‌هایش برای برداشته‌ها در برابر یک اثر هنری استفاده می‌کند. من وقتی با بسیاری از افراد و مخاطبان این فیلم صحبت می‌کردم، چنین برداشتی داشتند. انسانی که به ناچار مجبور شده هویت اصلی خود را در کشورش جا بگذارد، سال‌ها به دنبال آن تلاش کند و بالاخره در تلاطم رسیدن یا نرسیدن به آن ناامید شود.

این محوریت برای من و فیلمنامه اولویت اصلی به حساب می‌آمد. ما دوست داشتیم گفتاری درباره هویت انسانی داشته باشیم. من فکر می‌کنم اگر مصادره در آمریکا یا کشورهای دیگری به اکران درآید و مخاطبان به تماشای آن بنشینند، متوجه درد این فرد می‌شوند. فردی که بنا به اجراهایی و تنش‌ها را ترک می‌کند و به کشور دیگری می‌رود. در آن کشور است که خواسته‌هایش را پیدا نمی‌کند و دوباره عزم کشورش را می‌کند. همین کانسپت را می‌توان در یک تراژدی بیان کرد. اما انتخاب ما برای روایت این داستان، یک کم‌دی سیاه یا تلخ بوده است. به این دلیل که با کم‌دی می‌توان طیف مخاطب بیشتری را جذب کرد و پای فیلم نشاناد.

دلیل انتخاب ژانر کم‌دی، همراهی بیشتری مخاطبان است که شما نیز به درستی به آن اشاره کردید. اما سوال من درباره دلیل انتخاب این بستر سیاسی خاص است. شما نمی‌توانستید داستان را در سال‌های دیگر و دوران دیگری رقم بزنید؟

نه، دلیل خاصی نداشت. مادر کشوری زندگی می‌کنیم که در نیم‌قرن اخیر، یا حتی قبل از آن، جامعه سیاست‌زده‌ای داشته‌ایم. ما با سیاست رشد کرده‌ایم و در این سالیان اخیر، سیاست تاثیر زیادی در زندگی ما داشته است. نمی‌توانیم جدای از آن زندگی کنیم. در نتیجه روایت فیلم نیز در دورانی

مصادره دغدغه‌مند است

چند و چون ساخت و حمایت
از «مصادره» در گفت‌وگو با
تهیه‌کننده این فیلم

محبوبه شریف‌حسینی

خبرنگار

مروری بر سابقه شما در تهیه آثار سینمایی نشان از آن دارد که حضور چندانی در عرصه طنز نداشته‌اید. حضور بیکاره شما در مصادره دلیل خاصی داشت؟

واقعبت امر این است که در تولید و تهیه فیلم، هیچ وقت برای خودم چارچوب زانر تعریف و تعیین نکردم. نه من، بلکه فکر نمی‌کنم هیچ تهیه‌کننده‌ای در سینما خودش را فقط در یک ژانر و یک جور فیلم ساختن محدود کند. همیشه برای من چه در فیلم‌هایی مثل شیار ۱۴۳ چه در نفس و چه فیلمی مثل آجی دغدغه‌مندی و حرفی که در فیلم وجود دارد، در اولویت و اهمیت است. وقتی بحث تولید فیلم مصادره پیش آمد، دیدم جدا از اینکه فیلمساز این دغدغه را دارد، دغدغه خودم من نیز هست، چون فیلمساز دست روی موضوع مهم، به روز و اثرگذاری گذاشته که هم نیاز امروز جامعه ماست و هم اینکه واقعا در این زمینه اثر زیادی یا حتی درخوری تولید نشده است. وقتی دیدم حرف فیلم مهم است و هدفی که دنبال می‌کند هدف بزرگی، به سمت تولیدش است.

ورود به عرصه تازه و همراهی با آقای احمدی در نخستین اثر سینمایی ایشان در کسوت کارگردان، آیا برای یک تهیه‌کننده ریسک به حساب نمی‌آید؟

ببینید، تقریبا همه تجربه تهیه‌کنندگی من در سینما کار کردن با کارگردان‌های فیلم‌اولی است؛ از فیلم «اشیا» آنچه شما می‌بینید به شما نزدیک‌تر است «اولین کار خانم آیار که تهیه‌کننده‌اش بودم و هم فیلم «آجی» اولین فیلم خانم «مرجان اشرفی‌زاده». با تمام احترامی که برای فیلمسازان باتجربه قائلم ولی در طول این مدت دریافتیم که فیلمسازان فیلم‌اولی همیشه پرانرژی‌تر و با جسارت‌تر هستند. نگاه و حرفشان یک تازگی به خصوص دارد که در فیلمسازان فیلم‌های پرسابقه شاید کمتر یافت شود. در مورد مه‌رمان احمدی نیز همین جریان صادق است. باید بگویم من از زمان فیلم «شیار ۱۴۳» مه‌رمان را می‌شناختم. بعد از آن هم در نفس این ارتباط نزدیک‌تر شد و در فیلم مصادره هم که با هم همکاری بسیار رضایت‌بخشی را تجربه کردیم، به تمام توانایی‌هایش اعتماد و اعتقاد داشتم. می‌دانم چقدر آدم دغدغه‌مندی است و واقعا مطمئن بودم که پس از این همه سال کارکردن در سینما اولین فیلمی که بسازد حتما فیلم خوب و تاثیرگذار خواهد بود. باید بگویم مه‌رمان قبل این کار شش فیلم کوتاه هم ساخته که من تهیه‌کننده یکی از آنها بودم و در همان کار به توانایی‌هایش ایمان آوردم. الان هم که خب خدا را شکر از نتیجه همکاری بسیار راضی‌ام و مطمئن هستم مه‌رمان در سینما حرف‌های زیادی برای زدن دارد که با مصادره استارتش را زده است.

ارمنستان کار می‌کنیم، دست و پای ما در انتخاب لنز و نماهای مختلف بسته‌تر می‌شود. همین‌طور ما فرصت محدودی در اختیار داشتیم که الحمدلله توانستیم به بهترین شکل از این گروه خوب استفاده کنیم. شاید اگر فرصت‌های بیشتری در اختیارمان بود و می‌توانستیم با آرامش بیشتری کار کنیم، نتیجه بهتری داشتیم؛ امری که ربطی به تهیه‌کننده ندارد. سینمای ما در بخش خصوصی با این مساله روبه‌رو است. از یک جایی به بعد تنها باید ادامه اثر را گرفت و از لوکیشن بیرون زد. همین موارد است که منجر به نقصان در مواردی می‌شود.

شاید امروز و در شرایط فعلی، هیچ‌کس به اندازه من نمی‌داند که نقاط ضعف فیلم کجاست. دانسته‌هایی که امیدوارم در فیلم‌های بعدی مورد اصلاح واقع شود.

شما به عنوان یک کارگردان دغدغه‌مند، حتما تصور ذهنی کاملی از طنز اجتماعی دارید. یک نمونه‌اعلا که سعی می‌کنید به آن نزدیک شوید چیست و نسبت مصادره با این نمونه چگونه است؟

در سالیان اخیر، کم‌دی‌های ما به سمت کم‌دی بزن و بکوب پیش رفته است. کم‌دی‌هایی که نه داستان چندانی دارند و نه دغدغه اجتماعی. آنها تنها ساخته می‌شوند تا یک صورت سرگرم‌کننده داشته و مخاطب را از جهت فکاهی راضی نگه دارند. برای به دست آوردن این رضایت نیز هر قیمتی چه در کلام و چه در نمایش، پرداخت می‌کنند.

جای خالی یک سینمای کم‌دی داستان‌گو، که در آن مخاطب سبک‌مغز از سینما بیرون نیاید و اندکی سنگین‌تر از سالن خارج شود، بسیار محسوس است. این به نظر من بد نیست که برخی از مخاطبان در پایان فیلم با حال بدی از سالن خارج شده‌اند. بسیاری از آنان واژه کم‌دی سیاه را درباره فیلم به کار برده‌اند که به نظر من جای خوشحالی دارد. طنز تلخ را هر مخاطبی نمی‌شناسد. این طنز حائز اتمسفری است که می‌تواند منشا تغییرات زیادی در سینمای ایران باشد. البته که من مبدا چنین سبک و اتفاقی در ایران نبوده‌ام و قبل از من آثار بسیار خوبی در این ژانر ساخته شده است. اما در سالیان اخیر فضای این کم‌دی‌ها کم‌رنگ‌تر شده است. کم‌دی‌های سیاهی که می‌تواند مسائل روز اجتماعی را با لحن طنز خود به صورتی برنده بیان کند. مسائلی که خط‌قرمزهای ما اجازه پرداخت به آن را نمی‌دهد و همچنین مخاطب نیز استقبال چندانی از آن در ژانر غیرطنز نخواهد داشت.

امیدوارم بازمه موفق به ساخت کم‌دی‌های سیاه شوم؛ فیلم‌هایی با سوزهای خوب و بکر که هم مخاطب و هم فیلمساز را راضی کند.

در ایران با تو مواجه شوندم، حتما بازداشت و مجازات در انتظار توست. در همین راستاست که اسماعیل شروع به آتش زدن نمادهای هویتی‌اش می‌کند. یارچانو کابوس شبانه ایران و زمین‌هایش را در صحنه‌های بسیاری می‌بیند و مخاطب نیز در این لحظات همراه اوست. همسرش را از دست می‌دهد. تباهی فرزندش را پیش روی خود می‌بیند و حتی توان تأمین هزینه دانشگاه او را ندارد. ما نود دقیقه برای روایت یک فیلم وقت داریم. در این نود دقیقه باید چه اتفاقاتی بیشتر از این رخ بدهد؟ آیا اینها برای نمایش شکست هویتی کم به نظر می‌رسد؟ شما فکت‌های نقدتان را روشن‌تر بگویید، همان‌طور که من فکت‌هایم را بیان کردم.

به نظر من انتقاد از یک اثر هنری، حتما باید همراه با فکت و نشانه باشد. اگر تنها سلیقه در انتقادهای وارد شده باشد، ما نیز می‌توانیم به منتقد این‌طور پاسخ دهیم که شما نیز می‌توانید به جای تماشای مصادره، به تماشای اکسیدان یا خالتور بنشینید. اما وقتی دلایل دراماتیک، شخصیت‌پردازانه، تکنیکی و تاکتیکی در نقد بیان شود، می‌توان کاملا منطقی درباره یک اثر صحبت کرد. این زاویه نگاه حتی درباره نقاط قوت نیز صادق است.

به هر حال سلیقه مخاطب نیز تا حدی در نقد موثر واقع می‌شود.

بله، مثلا من وقتی می‌گویم که فلان فیلم آقای کیارستمی مطابق با سلیقه من نیست، اما در واقع فیلم خوبی است. من آثار اجتماعی روز را شاید بیشتر از فیلم‌های قدیمی بپسندم. این نکته مهمی است که باید در نقد به آن توجه کرد. نقاط ضعف دیگری که درباره مصادره به آن اشاره می‌کنید، کدامند؟

این سوال من از شما بود. مه‌رمان احمدی در مقام یک منتقد، مصادره را چطور ارزیابی می‌کند؟ او فکر می‌کند که در کدام بخش موفق نبوده و به ایده‌آل ذهنی‌اش نرسیده است؟

ما در یک کشور سوم، آمریکا را بازسازی کردیم. گویا این بازسازی هم بد از آب درنیا آمده است. بازسازی که تاریخ و جغرافیا در آن همراه بوده و به نظر من واقعا کار سختی بوده است. همین نکته دست و پای ما را می‌بست. اگر می‌توانستیم به اصل لوکیشن برویم، حتما نماهای بازتر و لانگ‌شات‌های بیشتری از آمریکا داشتیم. در نتیجه شلوغی و ازدحامی که یارچانو را محاصره کرده بهتر به نمایش درمی‌آمد. جامعه‌ای که تنها و تنها باید در آن کار کرد و به هیچ چیز دیگری فکر نکرد، جامعه‌ای متشکل از ملیت‌های مختلفی که اسماعیل در میان آنها گم می‌شود. گم شدن یارچانو در گستره بزرگ آمریکا شاید به میزان ایده‌آل من به نمایش درنیا آمده است. وقتی ما در





اکران نوروزی سال ۱۳۹۷، با چند فیلم پرحاشیه و پرطرفدار کار خود را آغاز کرد. مصادره یکی از مهم‌ترین این آثار بود که در میان مخاطبان سینما نیز توانست به خوبی جای خود را باز کرده و سهم بیشتری از گیشه را در مقایسه با رقبا از آن خود کند. محمدحسین قاسمی، تهیه‌کننده فیلم سینمایی مصادره که در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت و در بخش داوری مورد بی‌مهری‌های زیادی قرار گرفت، در رابطه با این اثر سینمایی می‌گوید: «مصادره اثری دغدغه‌مند است که احترام سینما و مخاطب را حفظ می‌کند و به ورطه لودگی و ابتذال گرفتار نشده و به همین دلایل قطعاً مخاطبان آن مبلغان اصلی‌اش خواهند بود.»

بازیگران و چه در کارگردانی و تولید. نخواستیم یک کمدی سردستی و بگیر و برو تولید کنیم. برای انتخاب و فیلمبرداری لوکیشن مدنظر به چند کشور سفر کردیم. در جزئیات تولید از دکور و گریم گرفته تا طراحی فضا و لباس واقعا کم نگذاشتیم. برای همین فکر می‌کنم می‌شود هم یک فیلم کمدی خوش ساخت ساخت که منتقدان جدی سینما از آن راضی باشند و هم اینکه عموم مردم فیلم را دوست داشته باشند. ما در تولید فیلم «مصادره» سعی کردیم در این مسیر پیش برویم. «مصادره» یک کمدی شریف و برای تمامی خانواده‌های ایرانی ساخته شده است.

همان‌طور که شما هم گفتید ما فیلم‌های خیلی خوب و مهمی در سینمای ایران داریم که در ژانر کمدی تولید شده‌اند. همه آنها آثار موفق و ماندگاری شدند. فیلم‌هایی مثل «لیلی با من است»، «آجاره‌نشین‌ها»، «مارمولک»، «مهمان مامان» و «مومیایی ۳». همه این آثار با یک استاندارد بالایی ساخته و در تاریخ سینمای ایران هم ماندگار شدند و مخاطبان هم همیشه به خوبی از این فیلم‌ها یاد می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین مواردی که در نقد مصادره به آن اشاره شده، حضور عطاران و کمدی‌سازی به سبک عطاران است. اینکه شاید اگر بازیگر دیگری به جای او روی پرده سینما بود، مردم این میزان استقبال از فیلم را نداشتند و از سوی دیگر نیز مصادره به این میزان دیده نمی‌شد...

حسن بزرگ و عامل موفقیت عطاران در این است که با تمام وجود خودش را وقف فیلم می‌کند و به اصطلاح در اختیار فیلم و کارگردان است و همه انرژی‌اش را برای نقشی که دارد، می‌گذارد. شاید خیلی از فیلمسازان نتوانند از ظرفیت بازی و شخصیت عطاران استفاده کنند. عطاران یک نمونه منحصر به فرد در سینمای کمدی و بازیگری است. عطاران سعی کرد بازی‌اش در این فیلم با دیگر فیلم‌هایش متفاوت باشد که قضاوت در این باره را می‌توان به ناقدان و اهالی سینما سپرد.

نیست و در همه جای دنیا سینمای کمدی مخاطبان بسیار زیادی دارد. در مورد سینمای ایران هم دلایل اجتماعی، سیاسی و خیلی وقت‌ها اقتصادی دارد. به هر حال مردم به سینما به نوعی به عنوان سرگرمی و تفریح نگاه می‌کنند و دوست دارند وقتی به سینما می‌روند شاید برخلاف امورات روزمره زندگی‌شان در جامعه ساعات خوشی را داشته باشند. یکی از دلایل هم شاید تولید بیش از اندازه فیلم‌های تلخ و اجتماعی در این سال‌ها باشد ولی به هر حال همیشه مخاطبان کمدی را دوست دارند.

جنس کمدی در مصادره شاید با هم طرازان خود فرق‌های زیادی داشته باشد. چه از این حیث که نویسنده و کارگردان در پی یک دغدغه اجتماعی هستند و این مساله را با زبان طنز بیان می‌کنند و چه از این جهت که بسیاری از خطوط قرمز در فضای مصادره درنوردیده شده و شاید نوستالژی ساز و آوازهای این فیلم، بسیاری از مخاطبان و گیشه را همراه خود کرده است. نظر شما درباره جنس کمدی مصادره چیست؟

من خیلی به فیلم‌هایی که به اسم کمدی ساخته می‌شوند کاری ندارم. ما در تولید مصادره سعی کردیم از یک استاندارد پیروی کنیم؛ چه در بخش فیلمنامه که وقت خیلی زیادی دوستان برایش گذاشتند، چه در انتخاب

۲۲

وقتی بحث تولید فیلم مصادره پیش آمد، دیدم جدا از اینکه فیلمساز این دغدغه را دارد، دغدغه خودم من نیز هست، چون فیلمساز دست روی موضوع مهم، به‌روز و اثرگذاری گذاشته که هم نیاز امروز جامعه ماست و هم اینکه واقعا در این زمینه اثر زیادی با حتی در خوری تولید نشده است

۲۲

حمایت از فیلمسازان اول ۲ ویژگی دارد؛ ویژگی اول آن است که شاید این کار ریسک محسوب شود که بسیاری از همکاران بنده به این قضیه فکر می‌کنند و به همین علت در پی حمایت از فیلمسازان اول نمی‌روند اما ویژگی دوم این است که این حمایت می‌تواند نویددهنده اثری خلاقانه باشد. فیلمسازان اول بگر و با استعداد هستند و باید مرتباً در سینمای کشور حضور داشته باشند. متأسفانه شرایط تولید فیلم برای فیلمسازان اول بسیار سخت است و آنها از حمایت‌های کمتری نسبت به سایر فیلمسازان برخوردار هستند اما ما باید یادمان بیاید که پیشکسوتان سینما هم یک روز فیلمساز اول بوده‌اند و از همین جا شروع کرده‌اند و کسی بوده تا به آنها اعتماد کند. بنده معتقدم باید فضا به جوانان داده شود.

با این زاویه دید، شما جوان‌گرایی در سینما را به شدت قبول دارید و سعی می‌کنید که نسل نو نفس را بازی کنید...

ما کشوری هستیم که اگر نوگرایی و جوان‌گرایی نداشته باشیم با مشکلات روبه‌رو می‌شویم و از همین رو همواره باید از ظرفیت‌ها و پتانسیل حضور نیروهای جوان در تمامی عرصه‌ها و به‌خصوص عرصه مهم فرهنگی و هنری بهره‌مند شویم. خوشبختانه تجربه ثابت کرده که در اغلب اوقات اعتماد به جوانان بازخوردهای خوبی را برای جامعه به ارمغان آورده و از این رو امیدوارم که این روند رو به رشد باشد.

چندسالی است در سینما جوانان اتفاقات خوبی ایجاد کرده‌اند. این اتفاق بسیار خوشنودکننده است و ما باید در پی ایجاد راهکارها و تمهیداتی باشیم تا فیلمسازان اول بیش از پیش دیده شوند و مورد حمایت قرار بگیرند.

مصادره در سطح خوبی دیده شده و مردم استقبال گرمی از فیلم داشتند. دلیل استقبال مردم از این فیلم به نظر شما چیست؟

استقبال مردم از سینمای کمدی دلایل خیلی زیادی دارد، البته این استقبال مختص سینمای ایران



شاهد نقش اول بودن یارچانو هستیم. عنصری بی عقل و کم مایه که کارهای او از افراط و تفریط نشأت گرفته و نمی توان همراهی قلبی یا پایبندی ایدئولوژیک خاصی در آنها پیدا کرد. اسماعیل تنها در پی یافتن راهی برای بازگشت به ایران و رسیدن به اموالش است. راهی که سرانجام از رسمی ترین مجرای ممکن به آن می رسد و اتفاقا سند زمین هایش نیز به راحتی در اختیار او قرار می گیرد. این در حالی است که مخاطب طی داستان مصادره، در فضای ذهن خود به این سمت و سو نمی رود و چنین حدسی نمی زند.

مصادره نیز مانند بسیاری از کمدی های دیگر سوژه تکراری ای را انتخاب کرده است، اما توانسته با کمی سر و شکل دادن فرنگی به آن و خرج کمی خلاقیت آن را با دیگر آثار متفاوت کند. ما هنگام تماشای مصادره یاد و خاطره بسیاری از آثار مشابه در ذهن مان زنده می شود. آثاری شبیه سن پترزبورگ و مکس که اگرچه در بطن داستان و سوژه با مصادره تفاوت زیادی دارند اما به خاطر استفاده از یک بستر داستانی مشابه و انداختن داستان در فضای روز، مخاطب را به قیاسی ناخواسته وامی دارد و در این قیاس شاید مصادره با قیاسی کوتاه تر از رقیبای خود دیده شود.

شوخی های مصادره اما همان است که در دیگر فیلم های رضا عطارانی شاهد بوده ایم! از طرفی دیگر شوخی های ناجور (که مردم در هر حالتی به آن می خندند) در فیلم کم نیست، البته خوشبختانه میزان این نوع شوخی ها در این فیلم در مقایسه با دیگر فیلم ها کم است و سکان کشتی را دست خود نگرفته است. نکته ای دیگر که باعث ضعف فیلم شده و از نظر گیشه سطح کار را بالا برده، رضا عطاران است. رضا عطاران دیگر تبدیل به یک شخصیت شناخته شده در ایران شده است، می توان گفت یک برند که هر کاری بکند همه می خندند. حضور او در فیلم، تضمینی برای فروش آن فیلم است. اساسا رضا عطاران در نقش های طنز خود درجا می زند و قصد تغییر ندارد. همه چیز مانند فیلم های قبلی است، همان اکت، همان میمیک، همان لحن. در واقع همین باعث جذابیت رضا عطاران شده است و همین شخصیت شناخته شده اش است که مردم بابت آن پول می دهند. اما این شخصیت رضا عطاران نویسنده گان و کارگردانان را تبتل کرده و به دنبال خلق شخصیتی متفاوت نیستند. این همان اتفاقی است که گویی درباره هومن سیدی نیز تکرار می شود. او در چند کار آخر بسیار تکراری نقش خود را ایفا کرده، با همان اکت های بامزه ای که مخاطبان را به دنبال خودش می کشاند. هرچه او در کارگردانی پیشرفت محکمی دارد اما متأسفانه در بازیگری پیشرفت می کند و شاهد نیستیم.

مصادره سعی کرده به مخاطب خود احترام بگذارد و این قابل احترام است. اما باز نتوانسته احترام مخاطب ایرانی را آن طور که باید حفظ کند زیرا جدا از کمدی فیلم، قصه دچار شتاب زدگی شده و هر جا نکته ای بامزه وجود داشته، توقف کرده و به آن پرداخته است. قصه کشش همراه کردن مخاطب را ندارد و اگر طنزی در پس این قصه نبوده به دلیل پرداخت نامناسب، مخاطبین با فیلم همراه نمی شدند. مصادره، شوخی سیاسی کم ندارد و بدون شک نمی تواند بدون درگیری با ارزشاد به مرحله اکران برسد. متأسفانه قصه نکات غیرمنطقی زیاد دارد که از نظر باورپذیری مخاطب را پس می زند. مصادره نسبت به فیلم های طنز باب شده این روزها، کمدی محترم تری است، اما نتوانسته دغدغه اجتماعی و هویتی خود را به درستی و روشنی به مخاطب تحویل دهد. چه از این رو که در بسیاری از صحنه ها و سکانس ها، مخاطب مجال بیشتری برای موشکافی و فکر می طلبد که شاید بتوان از مخاطب عمومی چنین انتظاری داشت.

کمدی نسبتاً محترم

روایت مصادره چگونه روایتی است؟

محدثه میرزائی

خبرنگار

تصویری که از ایران در ذهنش ساخته اند شروع می شود و با یک فلاش بک، زندگی و گذشته اسماعیل و روندی که پسرش را روانه ایران کرده است، مرور می کند. در جریان این روایت اما یک بستر داستانی انتخاب شده که مهم ترین مایه آن پرداخت های سیاسی و طعنه های بی پروا به جریانات مختلف سیاسی است. فیلم از یک سو و در جریان بازداشت و بازجویی زکریا، طعنه های زیادی را به جریان سیاسی خاصی وارد می سازد که شاید نماد طبقه حاکم در ایران امروز است. زکریا در شرایطی بازداشت شده که دلیل درستی برای این کار به مخاطبان ارائه نمی شود. همچنین زمانی که او برای شکایت به دادگاه ایران می رود و قاضی او را صاحب حق تشخیص می دهد، زکریا با پرهیز از شنیدن صدای قاضی و تنها شلوغ کاری سعی می کند که فضا را به سمت و سوی رفتار برخی از جریانات سیاسی مخالف نظام سیاسی ایران و انقلاب ببرد. او در این دادگاه دست به هوجوی گری هایی می زند که ریشه در مخالفت های کورکورانه دارد و همین مساله منجر به فرورفتن بیشتر او در این جریان می شود.

از سوی دیگر نیز در میانه داستان مصادره شاهد همراهی ناخواسته یارچانو با جریان سلطنت طلبی می شویم که اقدام به راه اندازی یک شبکه ماهواره ای برای ابراز مخالفت های سیاسی خود کرده است. یارچانو که در آمریکا به صورت تصادفی همراه رئیس قدیم خود در اداره ساواک شده، ناخواسته در بازی های سیاسی و تجمعاتی حضور داشته که انگ مبارزه سیاسی را به پیشانی او چسبانده و به این راحتی نمی تواند از این ماجرا بیرون بیاید. از همین روست که در صحنه هایی مثل سرود خوانی دسته جمعی در این شبکه ماهواره ای یا پرتاب گوجه فرنگی به ماشین رئیس جمهور ایران در جریان سفرش به آمریکا،

داستان مصادره از این قرار است که فیلم ماجرای زندگی پر فراز و نشیب اسماعیل یارچانو - رضا عطاران - کارمند خرید ساواک را روایت می کند که در کمال تعجب و به شکلی کاملاً کمیک، هیچ اطلاعی از کم و کیف سازمانی که در آن کار می کند، ندارد. اسماعیل تفریحش رفتن به کاباره و تماشای اجرای موسیقی یک گروه آمریکای لاتین، به ویژه خواننده زن زیبای این گروه و خرید اعانه ملی است. یک بار شانس در خانه اسماعیل را می زند و بلیتش برنده می شود و اسماعیل با پول آن زمین بزرگی در عباس آباد می خرد. در ادامه، ازدواج اسماعیل با کلمته، خواننده زن گروه موسیقی و تولد فرزندشان به انقلاب سال ۵۷ منتهی می شود و اسماعیل که از همه جا بی خبر است، راهی اداره شده و در آنجا به جرم مشارکت در شکنجه گری های ساواک به اعدام محکوم می شود اما با کمک دوستش جلال خاوندی (بابک حمیدیان) از زندان فرار می کند و با خانواده اش راهی آمریکا می شود.

نیمه دوم فیلم به شرح مشقت های زندگی اسماعیل در آمریکا می گذرد؛ وی هر شب با فکر زمین های بی صاحبش در ایران سر به بالین می گذارد و هر روز پیرتر و شکسته تر می شود و تا مرز جنون نیز پیش می رود. آن سوی اسماعیل، فرزندش قرار دارد که در آمریکا بزرگ شده و ملغمه ای است از فرهنگ و زبان ایرانی و آمریکایی که با دیدن حال و روز و خیم پدرش تصمیم می گیرد به ایران بازگردد و تکلیف زمین های مصادره شده شان را شخصا مشخص کند. اساسا فیلم از ورود زکی به ایران و ترسش از

روایت‌های چندپاره

نگاهی به فیلم «مصادره» و نقد موقعیت‌های آن



کاوه قادری

خبرنگار

نخستین فیلم بلند سینمایی مهراحمدهی یعنی «مصادره» را می‌توان یک اثر درخور توجه به حساب آورد. به این معنا که داستان اصلی مصادره از طریق یک روایت غیرخطی فلاش‌بک‌گونه، به نحوی اتوبیوگرافیک، در گذر از موقعیت‌ها و پیشامدهای زمانی مختلف، با محوریت تاثیر موقعیت‌ها و رویدادهای زمانی و تاریخی بر زندگی شخصیت‌های اصلی ما تعریف می‌کند؛ در واقع همان ایده روایی مرکزی فیلم «هنگ عنب» سامان مقدم، با شرکت «رضا عطاران»ی که می‌توان گفت خود به تنهایی، به یک ژانر منحصر به فرد در آثار کم‌دی سینمای بدنه ما تبدیل شده است؛ با همان شمایل و شناسه‌های همیشگی و متعارف در قالب دست‌انداختن و مخالفت طنزانه و تمسخر آمیزش با گفتمان رسمی، ناتوانی در بیان منظور دوگانه‌اش به طرف مقابل، تضادی که به لحاظ رفتاری در چیدمان و جنس و لحن موقعیت و بیان حالت ایجاد می‌کند، دوگانه و مخلوط حرف‌زدن‌اش (که در این فیلم، مشخصاً از تلفیق انگلیسی و فارسی صحبت کردنش استفاده شده است) و البته شوخی با موقعیت‌هایی همچون سلام کردن به زن یک سیاهپوست متعصب آمریکایی و غیره، که فیلم نیز عمدتاً از طریق همین شیوه‌ها، تولید کم‌دی اغلب کلامی و گاه موقعیتی می‌کند.

از سوی دیگر اما می‌توان مصادره را از دریچه نقد نگریست. به این معنا که یکی از مهم‌ترین نقصان‌های فیلم «مصادره»، در همین نوع تولید کم‌دی نهفته است؛ اینکه فیلم، کم‌دی‌اش را نه از بستر موقعیت‌ها و رفتارها، که از لایه‌هایی می‌گیرد که اغلب، موضوعیتی در داستان اصلی ندارند و به نظر می‌رسد صرفاً به عنوان طعنه‌های اجتماعی-سیاسی خام و سوژه‌مند نشده در داستان، لا به لای اوقات مُرده موقعیت‌ها گنجانده شده‌اند؛ لایه‌ها و طعنه‌هایی که نه با پرداخت در سیر و بستر داستانی کمیک فیلم، بلکه به صورت گذرا و موضوعی در فیلم مطرح می‌شوند و همین نرسیدنشان از مرحله «موضوع» به مرحله «پرداخت»، موجب می‌شود تا ارتباط تماتیک و درونمایه‌ای با خط سیر اصلی داستانی نداشته باشند و در واقع، صرفاً به کلیت فیلم، وصله‌پینه شوند و این یعنی یک کم‌دی کلامی خنثی که ارتباط داستانی لازم را با خط سیر روایی فیلم نمی‌یابد.

این کم‌دی کلامی خنثی، البته محصول بی‌خاصیت بودن موقعیت‌ها و پیشامدهای داستانی نیز است؛ پیشامدها و موقعیت‌هایی که مانند خواب‌های استعاری جدا افتاده از درام شخصیت اصلی یا مسابقه فوتبال ایران-آمریکا یا فعالیت به صورت سرودخوانی در آن شبکه ضدانقلاب و سلطنت‌طلب و غیره، آن قدر خنثی و علی‌السویه و علی‌البدلند که وجود یا عدم وجودشان، نه کارکردی در داستان دارد، نه تغییری در آن ایجاد می‌کند و نه حتی حرکت داستانی به وجود می‌آورد؛ تا

جایی که فیلم بعد از دچار شدن به مدت زمان زیادی خلا داستانی و سرگردانی روایی ناشی از تعدد بیش از اندازه البته بلا استفاده، دوباره سراغ موضوع زمین‌های شخصیت اصلی در ایران برود؛ بی‌آنکه معلوم شود اگر داستان اصلی فیلم، حول چنین موضوعی است، اولاً چرا فیلم، این موقعیت مرکزی خود را از کمی بعد از پایان پرده اول داستانی‌اش تا تقریباً انتهای پرده دوم داستانی‌اش، نیمه‌کاره‌ها می‌کند و به جای پیشبرد این خط سیر داستانی در پرده دوم خود، به موقعیت‌های متفرقه‌ای همچون آمریکاگردی، عاشق شدن کاراکتر هومن سیدی، در «بار» کارکردن کاراکتر رضا عطاران، دوستی کاراکتر هومن سیدی با «خورخه» و غیره می‌پردازد؛ ناتیبا ارتباط این داستان اصلی (که حول موضوع زمین‌های شخصیت اصلی در ایران است) با حدود نیمی از فیلم که در آمریکا می‌گذرد و به زندگی شخصی شخصیت اصلی و همسر خارجی و دوست‌پسرش و غیره می‌پردازد، چیست؟!

در واقع، به نظر می‌رسد متولیان فیلم که ظاهراً از کم‌تریال بودن داستان اصلی بایسته فیلم آگاهند، کوشیده‌اند با افزودن موقعیت‌های گوناگون داستانی، از دچار شدن فیلم به خلا داستانی جلوگیری کنند؛ کوششی که عملاً به چندپارگی روایت منجر شده است اما سوای این چندپارگی روایت، در ساحت پایان‌بندی نیز ناگهان کلاه‌بردار از آب درآمدن «جلال خاوندی» بی‌چربی و بدون چگونگی است؛ هیچ‌گونه پیش‌زمینه و پشتوانه روایی و نمایشی جز نمایش چند عکس، ندارد و «جامپ کات» داستانی است که به نظر می‌رسد بیشتر برای ارجاع فرامتنی به اختلاس‌ها و قضیه «محمود خاوری» (دقت کنید به تشابه اسم‌ها) و البته سرهم‌بندی کردن آپرومندان چندضلعی نامرتب و ناموزون داستانی اثر، در فیلم گنجانده شده است؛ پایان‌بندی‌ای که با زمین گذاشتن بسیاری از خطوط و موقعیت‌های داستانی، عملاً بی‌پایان است و در واقع، معنای نیمه‌کاره‌ها کردن داستان اصلی و استعفا از ادامه روایت آن را می‌دهد.

اما گذشته از اینها، فیلم حتی در فضا سازی‌هایش نیز مشکل دارد. حالا اگر از نوع ظاهر سازی آمریکایی‌ها و لاتین تبارهای فیلم که حتی نمی‌توانند به زبان خودشان

درست صحبت کنند (نمونه‌اش نحوه صحبت کردن کاراکتر معشوقه هومن سیدی با کاراکتر هومن سیدی در فیلم) بگذریم، حتی شناسه‌های زمانی و تاریخی موقعیت‌ها مانند وضعیت شهر در زمان حکومت شاه و بعد از انقلاب و پوسترها و دیوارها و... نیز بسیار باسماه‌ای و ساده‌انگارانه ظاهر سازی شده است؛ شناسه‌های زمانی و تاریخی که یادمان نرود از ملزومات یک روایت اتوبیوگرافیک در گذر زمان است؛ به همراه تعریف کردن قصه زمان که در آن نیز همین گونه ظاهر سازی‌های ساده‌انگارانه مشاهده می‌شود؛ شناسه‌ها و قصه زمانی که اگر چه شخصیت اصلی و چگونگی سیر حرکتی‌اش در زندگی را به مخاطب معرفی می‌کند اما باز هم نسبت به اغلب خطوط داستان اصلی و موقعیت‌های آن، خنثی و بی‌کارکرد است و بود یا نبودنش، تاثیر چندانی بر درام مرکزی نمی‌گذارد.

علاوه بر اینها، ساختار روایت داستان نیز دچار نقصان است؛ وقتی روایت فیلم، روایتی اتوبیوگرافیک است که با فلاش‌بک از کاراکتر هومن سیدی به ابتدای ماجرا شروع می‌شود؛ قاعدتاً راوی داستان باید اول شخص و کاراکتر هومن سیدی باشد. در حالی که برای شیرین تر و طنزانه تر شدن نریشن‌ها، از راوی سوم شخص و ناصر طهماسب استفاده شده؛ امری که موجب ایجاد راوی دوگانه متناقض ساختار روایت برای فیلم شده است. به گونه‌ای که آخر سر هم مشخص نمی‌شود راوی اصلی فیلم، راوی سوم شخص در قالب نریشن‌های ناصر طهماسب است یا راوی اول شخص و کاراکتر هومن سیدی؟! چرا که اگر راوی اصلی، راوی سوم شخص در قالب نریشن‌های ناصر طهماسب است، آن هنگام ساختار روایی اتوبیوگرافیک فیلم، نقض شده و عملاً با ساختار بیوگرافیکی مواجه می‌شود که دیگر راوی بودن کاراکتر هومن سیدی در فیلم، موضوعیتی ندارد و اگر هم ساختار روایی فیلم، اتوبیوگرافیک و مبتنی بر راوی اول شخص است، آن هنگام روایت سوم شخص ناصر طهماسب در فیلم، چه موضوعیتی دارد؟!

مسئله‌های اشکالی در اینکه مهراحمدهی، فیلم کم‌دی از نوع سینمای عامه‌پسند آمریکایی بسازد نیست؛ مشروط به اینکه عناصر روایی و موقعیت‌سازی‌هایش را بیشتر در راستای داستان اصلی‌اش قرار دهد، ساختار روایی‌اش را واحد و متمرکز کند، بیشتر به سمت کم‌دی موقعیت‌برود تا کم‌دی کلامی، کم‌دی‌اش چه از نوع موقعیت و چه از نوع کلامی را سوژه‌مند و در راستای خط سیر روایی قرار دهد و در میان این همه، احیاناً از «بی‌مویی»‌ها نیز الگوی روایی و نمایشی نگیرد؛ یا دست کم، سراغ نمونه‌هایی مانند پل فیگ برود تا جود آیاتاو.



وقتی روایت فیلم، روایتی اتوبیوگرافیک است که با فلاش‌بک از کاراکتر هومن سیدی به ابتدای ماجرا شروع می‌شود، قاعدتاً راوی داستان باید اول شخص و کاراکتر هومن سیدی باشد

وقتی از تیم ملی امید سخن به میان می‌آید اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود حسرتی چهل و چهار ساله است؛ حسرتی بیش از چهار دهه برای حضور امیدهای ایران در مسابقات المپیک، چیزی فراتر از ناکامی. با این حال فدراسیون فوتبال با انتخاب سرمربی جدید امیدهای ایران امیدوار است به طلسم ناکامی پیرامون این تیم پایان دهد. فدراسیون فوتبال به همین دلیل به سراغ مربی‌ای رفته است که خودش فوتبال را از سن نوجوانی آغاز کرده و به سطح بالایی از مربیگری در فوتبال دنیا دست پیدا کرده؛ زلاتکو کرانچار.

کرانچار در سن ۱۱ سالگی به تیم پایه دینامو زاگرب و در ۱۷ سالگی به تیم اصلی دینامو زاگرب پیوست. او در خلال سال‌های ۱۹۶۶ تا سال ۱۹۸۳ در ۵۵۶ بازی برای این تیم بازی کرد و توانست ۹۸ گل برای این تیم به ثمر برساند. وی همچنین سابقه بازی در تیم‌های راییدوین و سنت پولتن را نیز دارد و به همراه راییدوین به مقام نایب قهرمانی جام برندگان جام اروپا در سال ۱۹۸۵ نیز رسید. کرانچار یکی از بازیکنانی بود که پس از فروپاشی و تجزیه یوگسلاوی و تشکیل کشور کرواسی در نخستین بازی تیم ملی فوتبال این کشور برابر آمریکا در ۱۷ اکتبر ۱۹۹۰ به میدان رفت و نخستین کاپیتان تاریخ تیم ملی فوتبال کرواسی به شمار می‌آید.

این تاریخچه کوتاه از دوران بازیگری او نشان می‌دهد که او بازیکن باقابلیتی بوده و البته دوران مربیگری او نیز کم از دوران بازیگری‌اش ندارد. او پس از خداحافظی از بازیگری، پای به دنیای مربیگری فوتبال نیز گذاشت. او سال ۱۹۹۱ به جرگه مربیگری وارد شد و مربیگری را از یک تیم باشگاهی اتریشی آغاز کرد. وی سابقه مربیگری در تیم‌های زیادی از جمله دینامو زاگرب را دارد. او همچنین مربی تیم‌های ملی فوتبال کرواسی و مونته‌نگرو نیز بوده است. وی موفق به راهیابی تیم ملی کرواسی به عنوان تیم اول و بدون باخت از گروه ۸ به جام جهانی ۲۰۰۶ شد و در جام جهانی ۲۰۰۶ سکون هدایت این تیم را در دست داشت. او در فوتبال ایران نیز دوران قابل قبولی را پشت سر گذاشته است. کرانچار در سال ۸۸ به عنوان سرمربی پرسپولیس انتخاب شد اما در همان سال برکنار شد و علی‌دایی به عنوان جانشین وی در سمت سرمربیگری پرسپولیس انتخاب شد. او در سال ۹۰ به عنوان سرمربی سپاهان انتخاب و موفق شد تیم فوتبال سپاهان را در لیگ برتر ۹۱-۹۰ و جام حذفی ۹۲-۹۱ به مقام قهرمانی برساند. کرانچار در سال ۹۳ از هدایت تیم سپاهان استعفا داد. او در سال ۹۵ برای دومین بار به عنوان سرمربی سپاهان انتخاب شد و یک سال بعد با توافقی دو طرفه از سپاهان جدا شد. کرانچار در مجموع در ۱۶۸ بازی رسمی هدایت تیم‌های سپاهان و پرسپولیس را بر عهده داشته است. او ۱۴۷ بار روی نیمکت سپاهان و ۲۱ بار روی نیمکت پرسپولیس نشسته است. نکته قابل توجه اینکه زلاتکو کرانچار هرگز در فوتبال ایران مربی حاشیه‌ساز یا جنجالی نبوده است. پیوستن او به تیم‌های ایرانی همان قدر حرفه‌ای صورت گرفته که جدایی‌اش از این تیم‌ها. اگرچه در کارنامه او ناکامی هم دیده می‌شود اما شاید همین روحیه حرفه‌ای از او انتخابی مطمئن برای فدراسیون فوتبال ساخت تا بالاخره پس از کشمکش‌های فراوان، حمید استیلی به عنوان مدیر تیم ملی فوتبال امید، اعلام کند زلاتکو کرانچار به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال امید ایران انتخاب شده و با وی تا سال ۲۰۲۰ توافق شده است. حمید استیلی از انتخاب کرانچار این‌طور دفاع می‌کند: «به دنبال این هستیم تا بتوانیم با کرانچار در بازی‌های آسیایی جاکارتا و المپیک ۲۰۲۰ به نتایج خوبی دست پیدا کنیم. او از رزومه بسیار خوبی برخوردار است و ما با وجود چنین مربی‌ای می‌توانیم نتایج خوبی کسب کنیم. در حال حاضر وجود کرانچار همانند کی‌روش در تیم ملی



کرانچار؛ با ۲۵۰ هزار دلار

استیلی از مربی ایرانی عبور کرد

مردان آینده‌ساز فوتبال ایران قرار بدهیم.»
 سرمربی تیم ملی امید گفته است: ما در فوتبال ایران بازیکنان جوان و بااستعداد زیادی داریم که می‌توانند نسل درخشانی را بسازند. همه هدف ما این است پاسخ مناسبی به توقعات مردم بدهیم. طبعاً در حال حاضر همه نگاه جامعه به تیم ملی دوست‌داشتنی بزرگسالان ایران است که تحت هدایت شایسته کارلوس کی‌روش قرار دارد و به‌طور حتم همه به همراه هم در کنار اعضای تیم ملی بزرگسالان هستیم برای موفقیتش دعای کنیم.»

او ادامه داد: «خیلی سریع پس از حضورم در ایران، برنامه‌ریزی برای تدوین برنامه‌های اردویی برای تیم ملی امید ایران آغاز شد و سعی می‌کنیم طی روزهای آینده برنامه‌های مان را اعلام کنیم. جلسات متعدد و فشرده‌ای با حضور آقایان محمصص، کلانی، معینی و استیلی داشتیم که در این باره همه موارد را زیر نظر بگیریم.»

کرانچار همچنین تأکید کرده: «متأسفانه برخی داستان‌سرایان در باره رابطه میان من و سرمربی محترم تیم ملی بزرگسالان مطرح شده که همه آنها دور از واقعیت است. برای آقای کی‌روش احترام فراوانی قائل هستم و برای کمک به فوتبال ایران در اینجا هستم و تأکید می‌کنم که همه یار و همراه تیم ملی بزرگسالان ایران هستیم. پس از جام جهانی، بازی‌های آسیایی جا کازارتا را داریم که در بعد منطقه‌ای اهمیت زیادی دارد و امیدوارم خانواده فوتبال شاهد روزهای خاطره‌انگیزی باشند.»

با این حال اما برخی از مربیان ایرانی از همین حالا مخالف خوانی خود را علیه کرانچار آغاز کرده‌اند و فدراسیون فوتبال را بابت انتخاب این مربی کروات انتقاد قرار می‌دهند اما برانکو ایوانکوویچ چندی پیش در مواجهه با این موضوع گفته بود اگر کرانچار سرمربیگری تیم ملی امید ایران را بپذیرد باید کلاه‌مان را به آسمان پرتاب کنیم. باید دید این انتخاب بعد از بازی‌های آسیایی نیز اهالی فوتبال را مجاب خواهد کرد که به نشانه احترام برای کرانچار و تیمش کلاه از سر بردارند یا شرایط بدون تغییر در نقطه‌ای که سال‌ها عدصفر را نشان می‌دهد، باقی خواهد ماند. اخبار تکمیلی خبرنگار مثلث حکایت از این دارد که رقم قرارداد کرانچار حدود ۲۵۰ هزار دلار برای یک سال است.

زودی حاشیه‌هایی را باعث خواهد شد که عمدتاً به روحیات سرمربی تیم ملی بزرگسالان برمی‌گردد. تنش‌ها البته در صورتی ادامه‌دار خواهد بود که کرانچار نیز بخواهد به شیوه کی‌روش برخورد کند اما عده دیگری هم هستند که رای دیگری دارند. این عده اعتقاد دارند کرانچار پس از ناکامی در سپاهان به دنبال بازسازی خود در فوتبال ایران است و هرگز از تنش‌ها یا حاشیه‌های احتمالی استقبال نخواهد کرد، به خصوص اینکه فدراسیون فوتبال هم بعد از راهبایی مقتدرانه تیم ملی به جام جهانی علاقه‌مند است افتتاح موفقیت تیم ملی امید در بازی‌های آسیایی جا کازارتا را نیز به نام خود به ثبت برساند. با همه اینها آخرین اظهارنظرهای کی‌روش و کرانچار درباره یکدیگر مسئولیت سخت مدیران فدراسیون را نشان می‌دهد. آنجا که کرانچار وقتی سرمربی سپاهان بود بابت غیبت‌های طولانی مدت کی‌روش در ایران و ندیدن بازی‌های باشگاهی گلایه‌هایی را مطرح کرده بود اما در عوض کی‌روش با بیانیته‌ای تأکید کرده بود اگر طی مدت ۷ سال من را نشناخته‌ای، از این به بعد هم فرصت شناختن من را از دست خواهی داد. آیا انتقال کرانچار به تیم ملی امید مقدمه‌ای است بر قطع همکاری با کارلوس کی‌روش در پایان رقابت‌های جام جهانی؟ آیا قرار است هموطن کرانچار در آینده‌ای نزدیک جای کی‌روش را بگیرد تا جمع کروات‌ها در تیم‌های ملی فوتبال ایران تکمیل شود؟ این سوال‌ها در حالی فعلی پاسخ‌مانده که موضوع اصلی در شرایط کنونی احتمال موفقیت یا عدم موفقیت کرانچار همراه با تیم ملی امید است؛ آیا کرانچار می‌تواند به دور از هر گونه حاشیه‌ها یا تنش، به طلسم ناکامی‌های تیم ملی امید پایان دهد؟

فلا در گام نخست این‌زلاتکو کرانچار است که نسبت به بروز هر گونه حاشیه‌ای هشدار داده و در حرکتی رو به جلو هر گونه اختلاف با کی‌روش را تکذیب کرده است. کرانچار گفته است: «از اعتمادی که به من توسط مسئولان فدراسیون فوتبال، وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک شد، کمال سپاس را دارم. پس از حدود ۶ سال حضور در ایران، احساس مسئولیت سنگینی در قبال نسل آینده فوتبال این کشور دارم. خوشبختانه شناخت جامعی از شرایط فوتبال ایران دارم. امیدوارم بتوانم مجموع تجاربم را در اختیار

امیدو بزرگسالان از اتفاقات بسیار مهمی است که در فوتبال ما رخ داده و ما باید از چنین اتفاقاتی به خوبی استفاده کنیم و دست به دست هم بدهیم تا به هدف بزرگمان که راهبایی به المپیک ۲۰۲۰ است دست پیدا کنیم.»

او ادامه می‌دهد: «کرانچار مربی بسیار بزرگی است و با خصوصیات اخلاقی خوبی که دارد من مطمئنم اگر رسانه‌ها، مربیان باشگاه و مدیران عامل باشگاه‌ها کمک کنند ما می‌توانیم از تیم ملی فوتبال امیدمان به خوبی دفاع کنیم و در بازی‌های آسیایی جا کازارتا به نتایج قابل قبولی با این مربی دست پیدا کنیم.»

اردوی تیم ملی امید قرار است از ۲۵ اردیبهشت آغاز شود. فدراسیون فوتبال قصد دارد کرانچار را متقاعد کند که با چند دستیار ایرانی کار کند تا مربیان جوان ایرانی بتوانند از تجربیات این مربی کروات بهره ببرند، البته قرار است این مربی یک یا دو دستیار نیز همراه خود به ایران بیاورد.

کرانچار حدود دو سال پیش هم گزینه مربیگری امیدهای فوتبال بود اما در آن مقطع به دلایلی عجیب نتوانست سرمربی تیم امید شود.

کرانچار در حالی به عنوان سرمربی تیم ملی امید انتخاب شده که دو سال پیش هم گزینه احتمالی برای احراز این پست بود. در آن مقطع وزارت ورزش و وقت، کمیته‌ای تحت عنوان کمیته تعیین وضعیت مربیان خارجی تشکیل داد و خروجی جلسات آن اعضا حذف کرانچار به دلیل برخی موارد بود. حالا با تغییراتی که طی دو سال گذشته در وزارت ورزش رخ داده و با این رفتن آن کمیته من در آوردی گفته می‌شود کرانچار به عنوان سرمربی جدید امیدهای ایران انتخاب شده است. کرانچار با تیم سپاهان سابقه قهرمانی در لیگ برتر و جام حذفی ایران را دارد. او در پرسپولیس نیز مربیگری کرده است و باتوجه به اینکه آخرین قهرمانی تیم امید ایران در بازی‌های آسیایی با حضور یک مربی کروات (برانکو ایوانکوویچ در بوسان) رقم خورده، این امید وجود دارد تا کرانچار و شاگردانش در آندونزی عملکرد خوبی از خود به جای بگذارند. نکته دیگری که درباره کرانچار وجود دارد رابطه او با کارلوس کی‌روش است. درباره این رابطه نه‌چندان دوستانه دو گمانه وجود دارد؛ عده‌ای معتقدند رابطه نه‌چندان دوستانه کرانچار-کی‌روش به

کرانچار فوتبال ایران را خوب

می‌شناسد

تیم ملی امید به بازی تدارکاتی و اردوی مناسب نیاز دارد

مربی کروات طرف هستیم که به خوبی فوتبال ایران را می‌شناسد. درست است که نتایج اخیر زلاتکو کرانچار در فوتبال ایران خوب نبوده و او از عملکرد خیره‌کننده‌ای که در مقطعی با سپاهان داشت فاصله زیادی گرفت و در نهایت مجبور به جدایی از فوتبال ایران شد اما باید این فاکتور ویژه را برای این مربی قائل باشیم که او به خوبی فوتبال ایران را می‌شناسد. در پرسپولیس و سپاهان کار کرده و من معتقدم این فاکتور به او کمک می‌کند که بهتر بتواند با تیم ملی امید کار کند.

فراموش نکنیم یک تیم برای رسیدن به موفقیت به فاکتورهای خاصی نیاز دارد که یکی از آنها به انتخاب درست سرمربی برمی‌گردد. اگر فرض کنیم که کرانچار بهترین گزینه برای سرمربیگری تیم ملی امید ایران است در عین حال نباید فراموش کنیم که امیدها به بازی‌های تدارکاتی قوی نیاز دارند.

همچنین اردوهای خوبی برای این تیم باید تشکیل شود تا بتوانند در شرایطی حرفه‌ای وارد بازی‌های آسیایی جا کازارتا شوند. در غیر این صورت نباید انتظار داشته باشیم که طلسم ناکامی‌های تیم ملی امید شکسته شود. به هر حال همه ما باید امیدوار باشیم که این بار کرانچار بتواند با امیدهای ایران کار ویژه‌ای انجام دهد و نتایج قابل قبولی کسب کند.

باتوجه به داشته‌ها و سلیقه و روشی که دارد دست به انتخاب کرانچار زده است. تیم ملی امید ایران می‌بایست پاسخ انتظارات مردم را بدهد. قانونی که باعث شد هر باشگاه حتماً از بازیکنان امید خود در رده بزرگسالان استفاده کند امروز مفید بودن خود را بیش از هر زمان دیگری نشان می‌دهد. ما بازیکنان خیلی خوبی داریم که می‌توانند در تیم ملی امید بازی کنند اما در عین حال چون با تیم‌های بزرگسالان تمرین و بازی کرده‌اند از تجربه بالایی برخوردارند.

به همین دلیل من فکر می‌کنم با یک برنامه‌ریزی درست و اصولی می‌توان تیم خوبی را مهیا کرد تا امیدهای ایران بتوانند در بازی‌های آسیایی جا کازارتا نتایج خوب و قابل قبولی کسب کنند. از طرفی دیگر ما با یک



بهتاش فریبا

مربی فوتبال

به نظرم آنچه درباره تیم ملی امید اهمیت زیادی داشت، این بود که خیلی زود سرمربی خودش را بشناسد و تکلیف نیمکت فنی‌اش روشن شود. فدراسیون فوتبال انتخاب خودش را انجام داده و باید ببینیم در آینده چه اتفاقاتی رخ خواهد داد. در واقع نمی‌توانیم فعلاً درباره کرانچار و آینده تیم ملی امید قضاوتی داشته باشیم اما همان‌طور که عرض کردم روشن شدن تکلیف این تیم را باید به فال نیک بگیریم. به هر حال فدراسیون هم



تراژدی در جشن قهرمانی مترجم خاطی اشتباهاتش را قبول ندارد

در حاشیه جشن قهرمانی پرسپولیس، محسن مسلمان تصویری از جشن قهرمانی را به صورت زنده در یکی از شبکه‌های اجتماعی به تصویر کشید که در بین آن اصغر نیک‌سیرت، مترجم برانکو، لفظی را در مورد حضور این بازیکن در زمین مسابقه و پاس گل دادنش به کار برد که خوشایند نبود. اما این مترجم خبرساز نه تنها بابت اظهارات عجیب خود عذرخواهی نکرده است، بلکه تمام سعی خود را به کار گرفته که موضوع توهین به برانکو و رفتار مداخله جویانه خود را اساساً رد کند. او می‌گوید: «نمی‌دانم این چه داستان‌هایی است که برای من درست کرده‌اند! یکسری دنبال این هستند که به این مسائل دامن بزنند و بهترین کار این است که اهمیتی نداد.»

او ادامه می‌دهد: «من اصلاً با آقای برانکو شوخی ندارم. ماجرا این بود که مسلمان قبل از بازی از من خواهش کرد که از برانکو بخواهم در این بازی به میدان بروم. او تاکید داشت که اگر به میدان بروم، حتماً درخشش خواهد داشت، چرا که انگیزه دارد. حقیقتش من این موضوع را به برانکو نگفتم، چرا که او ترکیب تیمش را مشخص کرده بود و قبل از بازی به بیکاره دست به تغییر ارنج نمی‌زند. مسلمان با نظر خود برانکو در این بازی به میدان رفت و توانست یک پاس گل هم بدهد که من در پایان بازی به نوعی خواستم از مسلمان تعریف کنم و به او بگویم که همان شد که تو گفتی. در واقع منظور من از به کار بردن آن جمله این بود که به مسلمان بگویم «دیدنی به زمین رفتی و خوب کار کردی.»

نیک‌سیرت تاکید می‌کند: «متأسفانه یکسری هم مدعی شده‌اند که منظور من از به کار بردن آن جمله این بوده است که به برانکو توهین کنم. برای چه باید به برانکو که این قدر رابطه خوبی با وی دارم و سه سال است از کنارش نان می‌خورم، توهین کنم؟ نمی‌دانم از روی بدخواهی این مسائل را مطرح می‌کنند یا هدف دیگری دارند.»

نیک‌سیرت در حالی این اظهارات عجیب را در توجیه رفتار زنده خود مطرح می‌کند که خودش تاکید کرده است با برانکو در این مورد صحبت کرده، واکنش برانکو اما قابل

تحسین است. او سکوت کرده. در دناک‌تر اینکه حتی وقتی برانکو نسبت به دفاعیات مترجم خود سکوت کرده است، نیک‌سیرت به این نتیجه نرسیده که سرمری خوبیست در پرسپولیس اساساً اهل پرخاش و درگیری نیست، بلکه از این سکوت این طور برداشت کرده که برانکو اصلاً مشکلی در این زمینه ندارد! تلخ‌تر از این طنز سراغ دارید؟

مترجمی که باید امانتدار برانکو باشد با زشت‌ترین الفاظ درباره این مربی کروات صحبت کرده است و حالا به جای عذرخواهی به هر دری می‌زند تا این رفتار را توجیه کند. واکنش افکار عمومی اما طی هفته گذشته قابل توجه بود. هواداران پرسپولیس حالا بهتر از هر زمان دیگری متوجه شده‌اند که چرا محسن مسلمان نیکمت نشین شده بود. هواداران این تیم حالا متوجه شده‌اند که برانکو ایوانکوویچ در چه شرایطی تیمش را از ورود به حاشیه و تنش دور کرد و چگونه سرخ‌ها را به جام قهرمانی رساند. نیک‌سیرت که قاعدتاً باید نزدیک‌ترین فرد به برانکو ایوانکوویچ باشد، در این چند جمله با طرفداری از مسلمان به او یادآوری می‌کند که با این پاس گل جواب دندان‌شکنی به سرمری پرسپولیس داده است. این صحبت‌های نیک‌سیرت به قدری سریع و غافلگیرکننده است که محسن مسلمان واکنشی به این مساله ندارد و بنابراین صدای نیک‌سیرت که با لحنی بد ادا شده است به سرعت و به دست هواداران دوآتشه‌ای که پای لایو مسلمان نشستند بودند، هم‌گیر می‌شود. نکته مهم در این مساله این است که اگر چه مسلمان ناخودآگاه یک گفت‌وگوی خصوصی را افشا کرده اما تحلیل فوری طرفداران پرسپولیس نگرانی از فضایی است که در تیم پرسپولیس وجود دارد. در کامنت‌هایی که صفحه‌های هواداری و طرفداران تیم بعد از این ماجرا داشتند، این طور به نظر می‌رسد که آنها احساس کردند بین برانکو و نزدیک‌ترین فردش در این تیم فوتبال فاصله‌ای بزرگ وجود دارد. حال آنکه برانکو قبلاً مترجمی مثل رضا چلنگر را داشته که نزدیک‌ترین فرد او در همه زمینه‌ها محسوب می‌شود. این ویدئو بعد از جشن قهرمانی به دست پرسپولیسی‌ها و شخص برانکو نیز رسید و اوقات سرمری

پرسپولیس را تلخ کرد و اگر چه آسکو (اسم مستعاری که کروات‌های پرسپولیس به نیک‌سیرت می‌گویند) در جشن قهرمانی حضور یافت، اما بعید به نظر می‌رسد که رابطه این دو به حالت قبلی بازگردد و حالا باید انتظار داشت که بی‌اعتمادی شدید از سوی برانکو نسبت به مترجمش که در این سه سال همواره کنار او بوده، شکل بگیرد. البته نیک‌سیرت در گفت‌وگوی پس از بازی با ورزش سه این موضوع را تکذیب کرد و به کری خوانی با بازیکن حریف ربط داد، محسن مسلمان نیز در استوری گفته‌های نیک‌سیرت را تایید کرد اما بار دیگر استفاده مکرر و افراطی از شبکه‌های اجتماعی باعث بروز یک حاشیه شد و جشن قهرمانی را به کام برانکو ایوانکوویچ تلخ کرد. نقش باشگاه پرسپولیس اما در کنترل این حواشی بسیار مهم است؛ مدیران باشگاه برای حفظ و تداوم موفقیت‌های پرسپولیس و جلوگیری از به حاشیه رانده شدن این تیم، باید تصمیمات بزرگ و شجاعانه‌ای بگیرند تا تیمشان با پروفیسور ایوانکوویچ همچنان در راه موفقیت گام بردارد. با این حال گرشاسی، سرپرست این باشگاه تا تاکید کرده که برانکو باید در مورد نیک‌سیرت تصمیم بگیرد. این موضع انفعال اما به طور حتم چیزی نیست که مطلوب برانکو باشد. اما واکنش برانکو ایوانکوویچ تا اخیر صورت گرفت. او دوشنبه هفته گذشته، یعنی سه روز بعد از جنجال مترجمش بالاخره در واکنش به اظهارات نیک‌سیرت گفت: «نمی‌توانم ناراحت باشم؟ نه تنها از آقای نیک‌سیرت بلکه از شما خبرنگاران هم ناراحتم چون چنین سوالی را مطرح می‌کنید.» باشگاه پرسپولیس اگر چه قهرمانی لیگ برتر را از آن خود کرده، اما اگر نتواند برخورد مناسبی با نیک‌سیرت و مسلمان انجام دهد، بی‌تردید آنچه که به طور مرتب مورد تاکید جعفر کاشانی است به بدترین شکل ممکن از دست داده. مدیران پرسپولیس همچنان از سرمری کروات پرسپولیس موفقیت‌های دیگری را مطالبه می‌کنند اما در عین حال به این موضوع توجهی نمی‌کنند که در درون تیم برانکو حتی نزدیک‌ترین فرد به وی نیز سعی می‌کند خود را به بازیکنان معترض تیم نزدیک کند. چه واکنشی باید صورت بگیرد؟ برانکو چه تصمیمی خواهد گرفت؟ کمیته انضباطی باشگاه پرسپولیس و کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال چه واکنش‌ها و تصمیماتی خواهند داشت؟ در صورت حفظ مترجمی که نه تنها اشتباهاتش را نمی‌پذیرد، بلکه در مقام توجیه آن برمی‌آید، چه خسارت‌هایی متوجه کاربزمای برانکو خواهد بود؟

استثناء

پرسپولیس با مترجم فحاش خود برخورد رادیکال کند



امیر حاج رضایی

کارشناس فوتبال

پرسپولیس در ورزشگاه آزادی جشن قهرمانی برگزار می کند اما یک ویدئوی شوکه کننده خیلی زود به سوزه شبکه های اجتماعی تبدیل می شود. اتفاقی که رخ داده زشت تر از آن است که خواهیم درباره الفاظ زشتی که مترجم آقای برانکو به کار برده است، صحبت کنیم؛ آن قدر زشت که نمی توانیم این ادبیات را بنویسیم یا بر زبان جاری کنیم. باور کردن این چیزها البته در فوتبالی که هر روز از مواجهه با آن خسته و دلسرد می شویم، اتفاق عجیبی نیست اما از زشتی آن هم نمی کاهد. آنجا که یک مترجم که به طور حتم تحصیل کرده هم هست به خودش اجازه می دهد درباره یک انسان با شخصیت مثل برانکو ایوانکوویچ با این ادبیات زنده و زشت صحبت کند. اما فراموش نکنیم که دو اتفاق زشت رخ داده است؛ اول اینکه الفاظ رکیکی استفاده شده و دوم اینکه آقای مترجم آگاهانه رفتار مداخله جویانه ای داشته است. مداخله در حریمی که تصمیم گیری در آن فقط بر عهده سرمربی یک تیم است. چقدر مهم است که برانکو به محسن مسلمان در چه بازی هایی اعتماد کرده و در چه بازی هایی او را روی نیمکت نشانده است. تصمیم گیری در مورد بازی کردن یا بازی نکردن یک بازیکن موضوعی است که فقط سرمربی تیم درباره آن اختیار تام دارد. به محض اینکه مثال های خارجی می زنیم هم یک عده می گویند چرا فوتبال ما را با آنجا مقایسه می کنید. چطور است که اسم مان را فوتبال حرفه ای گذاشته ایم اما نمی خواهیم حتی خودمان را

با آنها مقایسه کنیم؟ مگر نه اینکه گرت بیل در خیلی از بازی ها روی نیمکت رئال مادرید نشست؟ مگر نه اینکه زیدان در یک بازی بی اهمیت مثل لگانس به او فرصت بازی داد؟ آیا در آنجا عده ای به زیدان فحاشی کردند؟ من فکر می کنم این اتفاق کم اهمیتی نیست که باشگاه پرسپولیس قصد دارد توپ را به زمین خود برانکو بیندازد. مدیران این باشگاه گفته اند در مورد آقای مترجم باید خود برانکو تصمیم بگیرد. در صورتی که به عقیده من این باشگاه است که متولی پرسپولیس است و با رایزنی با برانکو باید خودش تصمیم بگیرد.

به نظر من اما باید برخورد رادیکالی در این زمینه صورت بگیرد. من هرگز با ریش سفیدی به طور کامل مخالف نبودم اما ریش سفیدی که قرار باشد به اشاعه اعمال زشت و نادرست کمک کند، نباید مدنظر قرار بگیرد و در اینجاست که عیار و شهامت باشگاه پرسپولیس

»

باور کردن این چیزها البته در فوتبالی که هر روز از مواجهه با آن خسته و دلسرد می شویم، اتفاق عجیبی نیست اما از زشتی آن هم نمی کاهد. آنجا که یک مترجم که به طور حتم تحصیل کرده هم هست به خودش اجازه می دهد درباره یک انسان با شخصیت مثل برانکو ایوانکوویچ با این ادبیات زنده و زشت صحبت کند. اما فراموش نکنیم که دو اتفاق زشت رخ داده است؛ اول اینکه الفاظ رکیکی استفاده شده و دوم اینکه آقای مترجم آگاهانه رفتار مداخله جویانه ای داشته است

»

مشخص خواهد شد. من در جنوب شهر تهران بزرگ شدم. در محله هایی که به یاد ندارم هرگز پیر یا بزرگ تر یک محله برای موضوعات ناموسی ریش سفیدی کرده باشد. ریش سفیدی وقتی معنا پیدا می کند که در موقعیت درستی صورت بگیرد. من تاکید می کنم که با این مترجم باید برخورد رادیکالی صورت بگیرد و اتفاقاً باشگاه پرسپولیس برای فدراسیون فوتبال گزارشی تهیه کند که برخوردها و محرومیت های جدی تری هم برای ایشان صورت بگیرد. باشگاه پرسپولیس با گفتن این حرف که برانکو باید در این مورد تصمیم بگیرد نباید خود را کنار بکشد. با شناخت و ارادتی که نسبت به آقای جعفر کاشانی دارم امیدوارم باشگاه پرسپولیس در این زمینه به خوبی ورود کند و تصمیم قاطعانه ای بگیرد. این خلاف اصول انسانی است که ما با یک مربی زحمتکش و با شخصیتی مثل برانکو ایوانکوویچ این گونه برخورد کنیم. تیم مان را قهرمان کند و با فردی که در کارش مداخله کرده و درباره اش الفاظ رکیکی به کار برده است از طریق مدارا و مصلحت اندیشی وارد شویم. من به شخصه روی نیمکت های فراوانی نشسته ام.

وقتی سرمربی بدم متوجه شدم یکی از اعضای کادر فنی به یک بازیکنی گفته است حق تو این نیست که روی نیمکت بنشین و باید بازی کنی. من نامه ای به باشگاه زدم و درخواست کردم که این فرد از کادر فنی اخراج شود چون او در کار من مداخله کرده بود. او حق یا توفعی را نزد آن بازیکن ایجاد کرده بود که من به عنوان سرمربی آن حق را برایش قائل نبودم، بنابراین از باشگاه پرسپولیس می خواهم که شجاعت خودش را در این زمینه نشان بدهد و برخورد قاطعانه ای با آقای مترجم داشته باشد. در این صورت برانکو با تمرکز بهتری به بازی های بعدی تیمش فکر خواهد کرد.



جان سخت

نکونام در نخستین تجربه سرمربیگری موفق شد

«چرا معجزه؟ با قلدری تمام به لیگ برتر آمدیم. لیاقتش را داشتیم. شما ببینید کدام تیم در ۹ هفته اخیر توانست این نتایج را به دست بیاورد که ما به دست آوردیم، البته مهدی پاشازاده و داوود مهبادی نیز برای این تیم زحمت زیادی کشیدند، من از حاصل کار آنها استفاده کردم. به مردم قائمشهر و بازیکنانم و خانواده‌هایشان که در این مدت سختی زیادی کشیدند تبریک می‌گویم. ان شاء الله این صعود مبارک همه مردم مازندران باشد.»

این حرف‌ها را جواد نکونام به زبان آورد وقتی تیمش را به لیگ برتر رسانده بود. ماموریت سختی که خیلی‌ها و حتی شاید مدیران باشگاه نساجی مازندران هم آن را لاقط در پایان فصل جاری غیرممکن می‌دانستند اما نکونام نشان داده که توانمندی‌های بالایی دارد. او همچنان که در دوره بازیگری‌اش باهوش بود نشان می‌دهد که می‌تواند مربی باهوش تری باشد؛ باهوش و البته با دیسیپلین خاصی که از او سراغ داریم. آنجا که وقتی از او درباره ادامه همکاری‌اش با نساجی مازندران می‌پرسند می‌گوید: «باید الان خوشحال باشیم اما بعدا در این باره صحبت خواهیم کرد.»

و باز همان اندازه باهوش که خود را به سوژه جنجالی رسانه‌ها تبدیل نکند، بنابراین وقتی در گیر و دار جشن و پایکوبی به او می‌گویند: مسئولان یکی از تیم‌ها گفته بودند که شما داوران بازی‌های آنها را تعیین می‌کنید، به جای عصبانی شدن و پرداختن به مسائل حاشیه‌ای این گونه پاسخ می‌دهد: سوال بعدی!

جواد نکونام اما برای رسیدن به این افتخار بزرگ در

آغاز راه مربیگری‌اش مشکلات زیادی را تحمل کرد. او در حالی که با تیم خونه‌به‌خونه نتایج نسبتاً خوبی کسب کرده بود و یکی از پخت‌های اصلی صعود به لیگ برتر بود، از سمت سرمربیگری این تیم بنا به دلایلی استعفا کرد و راهی تهران شد اما طولی نکشید که مدیران باشگاه نساجی مازندران وی را به خدمت گرفتند و به او اعتماد کردند. با همه اینها اما وقتی خبرنگاری به او گفت در طول این مدت فشار زیادی روی شما وجود داشت، شما این فشار را چطور تحمل کردید، این گونه واکنش نشان داد: «فشاری نبود. من بازیکن حرفه‌ای بودم و فوتبال را در بالاترین سطحش بازی کردم. با این کارها نمی‌توانند به من ضربه بزنند چون جان سخت‌تر از این حرف‌ها هستم. توکلم به خداست.»

خبر آنالاین درباره روحیه خاص نکونام می‌نویسد: «آوردن نساجی در فاصله ۹ هفته به پایان لیگ یک کار دشواری بود. به خصوص که ۹ امتیاز با صدر جدول فاصله داشتند، کار دشواری بود که شاید حتی مدیران نساجی هم باورشان نمی‌شد. این عدم اطمینان را می‌شد در جلسه معارفه جواد نکونام به وضوح دید؛ جایی که مالک باشگاه گفت: «ما با او قرارداد یک فصل و نیمه بسته‌ایم تا حتما در پایان این قرارداد در لیگ برتر باشیم.»

همان روز اما نکونام و تیمش نشان دادند دنبال وقت گذراندن در لیگ یک نیستند. او همان روز بازیکنانش را در رختکن نگه داشت و بعد از رفتن مسئولان تیم با لحنی قاطع گفت: «بباید عهد ببندیم که می‌رویم لیگ برتر. هر کسی فکر می‌کند می‌ترسد و باور ندارد به لیگ برتر می‌رویم، همین حالا برود باشگاه و قراردادش

رافسخ کند.»

این عهد و این اعتماد باعث شد تا آنها با تمام وجود بازی کنند. طوری بازی کنند که در کنار حمایت مردم عاشق فوتبال قائمشهر، چاره‌ای غیر از صعود به لیگ برتر نداشته باشند.

نکونام در اولین سال مربیگری حالا یک صعود دراماتیک و استثنایی را به لیگ برتر جشن گرفته است؛ درست وقتی که داور سوت پایان دیدار نساجی و راه‌آهن را به صدا درآورد. درست در لحظه‌ای که او جلوتر از بازیکنان برای شادی به آسمان می‌پرد، مشخص بود که یک سرمربی جدید به فوتبال ایران اضافه شده است.

نکته جالب این است که نکونام در آغاز تجربیات مربیگری از تیم خونه‌به‌خونه شروع کرد. او در ابتدای این فصل به تیم بابلی رفت تا با نتایج خوب نشان بدهد با وجود جوان بودن اما یک مربی آینده‌دار و صاحب سبک است. دوران حضور نکو در بابل البته زودتر از حد انتظار به اتمام رسید و او به دلیل اختلاف شدید با مدیران خونه‌به‌خونه این تیم را ترک کرد. با این حال بازگشت او در فاصله ۹ هفته به اتمام لیگ دسته اول دوباره تور رقابت را بین نساجی و خونه‌به‌خونه او ج گرفته روشن کرد و دو تیم نفس به نفس تا هفته آخر پیش رفتند. جالب اینکه نساجی بعد از تساوی بدون گل در مسجد سلیمان در دو هفته قبل از اتمام لیگ دسته اول به نظر ناامیدترین تیم بین شانس‌های صعود به نظر می‌رسید اما محاسبات نکونام جواب داد و او یکشنبه هفته گذشته با پیروزی پرگل مقابل راه‌آهن با تفاضل گل بهتر راه صعود به لیگ برتر را هموار کرد تا اولین و دومین تجربه سرمربیگری‌اش نتیجه‌ای کاملاً شیرین در پی داشته باشد.

سبک مربیگری نکونام و ام گرفته از سرمربیان بزرگی است که او با آنها کار کرده بود. چهره‌هایی مثل کارلوس کی‌روش که تا قبل از انتخاب سرمربی تیم امید، کاپیتان سابقش را شایسته‌ترین فرد برای تصاحب این پست می‌دانست.

نکونام که دوران ملی‌اش از مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۲ آغاز شده و رکورددار بازی ملی در فوتبال ایران است، در سیر پله به پله‌اش بعد از پایان نافرجام در تیم ملی حالا با جاه‌طلبی خاص خود، یک سرمربی مدعی و جوان در فوتبال ایران است. به عکس‌های لحظات پایانی پیروزی نساجی که نگاه می‌کنیم پی می‌بریم که این مربی با آتیه فوتبال ایران را باید دقیق‌تر ببینیم. ورزش سه می‌نویسد: «او جواد نکونام است، راه را باز کنید.»

شاید به دلیل همین توانمندی‌هاست که کی‌روش در واکنش به انتخاب گزینه‌ای برای سرمربی تیم ملی امید به صراحت عنوان کرد: «من گفتم که مربیان ایرانی را زیاد نمی‌شناسم اما نفراتی مثل دایسی، گل محمدی، ویسی و... می‌توانند از عهده کار بریابند و در تیم امید موفق شوند؛ اما اگر دنبال یک گزینه هستید که هم جوان باشد، هم آرزوهای بزرگ و جاه‌طلبی داشته باشد و هم از اعتبار بین‌المللی برخوردار باشد، تنها شخص مناسب جواد نکونام است. من وقتی چنین حرفی می‌زنم، قطعاً فکت لازم را برایش دارم تا ثابت کنم. استراکچرها و سیستم پایه‌ای و مدرن اینجاست که خودم ساخته‌ام و می‌توانید آنها را ببینید، البته اگر کسی نظری مخالف من دارد، به آن احترام می‌گذارم.» حالا جواد نکونام خود را به عنوان یکی از مربیان موفق فوتبال ایران معرفی کرده است. او که در دوران بازیگری خود یکی از باکیفیت‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال ایران بود حالا قصد دارد در دنیای مربیگری نیز حرف‌هایی برای گفتن داشته باشد؛ حرف‌هایی که به قول خودش اگر قرار به گفتن آنهاست باید در زمین بازی آن حرف‌ها را بزنند.





نکونام کاریزمای مربیگری دارد

خوشحالم که دو مربی جوان ایرانی تیم‌های‌شان را به لیگ برتر آوردند

شدند تیم‌های خود را به لیگ برتر بیاورند. این نشانه روشنی است که مدیران باشگاه‌های ما بیش از پیش به مربیان ایرانی و به خصوص جوانان اعتماد کنند. نسل امروز نسل خاصی است. بازیکنان این نسل روحیات خاص خودشان را دارند. ما با نسلی سروکار داریم که نمی‌توانیم اینترنت را از آنها بگیریم اما باید بتوانیم هیجانات این نسل را کنترل کنیم و آنها را به خوبی برای حضور در بازی‌های سخت آماده کنیم. مربیان جوان فوتبال ایران دوستانی دارند که خیلی خوب می‌توانند آخرین و به‌روزترین اطلاعات مربیگری را در اختیارشان قرار دهند، بنابراین چاره‌ای نداریم جز اعتماد کردن. اطمینان دارم که در این صورت فوتبال ملی ما نیز روزهای بهتری خواهد داشت. شما به این موضوع فکر کنید که یک تیم برای آمدن به لیگ برتر باید چه سختی‌هایی را پشت سر بگذارد. یکی از این سختی‌ها این است که تیم شما باید دو برابر تیم‌های دیگر جنگنده و فیزیکی ظاهر شود. بازیکنان شما باید به خوبی بدوند. نکونام چون خودش بازیکن جنگنده‌ای بود و زندگی حرفه‌ای و سالمی داشت موفق شد تیمش را هم این‌گونه به رشد برساند. او همچنین از دوستان سالمی در کنار خود بهره گرفت که بتوانند به خوبی به او و تیمش کمک کنند. درست است که برانکو توانست پرسپولیس را به‌عنوان قهرمانی برساند درست است که شفر موفق شد در استقلال تغییرات چشمگیری را ایجاد کند اما فراموش نکنیم که علی کریمی و عبدالله ویسی موفق شدند تیم‌های‌شان را در لیگ برتر نگه دارند. فراموش نکنیم که یکی از سخت‌ترین کارهای فوتبال ایران که صعود به لیگ برتر است را دو مربی جوان ایرانی انجام دادند، البته این را هم بگویم که از همین حالا نمی‌توانیم بگوییم که نکونام مربی بزرگی است و کارش را تمام و کمال انجام داده است. او تازه اول راه مربیگری است اما در شروع این راه از یک آزمون بسیار سخت سربلند بیرون آمده است. من از این بابت خوشحالم و به او تبریک می‌گویم. اینکه در ادامه راه مربیگری او چه خواهد کرد و چه انتخاب‌هایی خواهد داشت موضوعی نیست که بتوانیم الان درباره‌اش صحبت کنیم اما اینکه مربیان جوان ایرانی به خوبی موفق شده‌اند توانمندی‌های خودشان در فوتبال ایران را بروز دهند، باید به فال نیک بگیریم و بیش از گذشته به این موضوع توجه کنیم. جواد نکونام در نساجی مازندران عملکرد فوق‌العاده‌ای داشت چون به خوبی نقاط ضعف تیمش را شناسایی کرد، توانست مهاجم خوب و باکیفیت بگیرد، خط دفاعی تیمش را تقویت کند و با بازیکنان تیمش ارتباط خیلی خوبی برقرار کند.

تان به خوبی وظایف‌شان را بدانند. نکونام این ویژگی را دارد. به خوبی می‌تواند اندیشه‌های خود را به تیمش منتقل کند. نکته‌ای که ما می‌لیم درباره آن صحبت کنیم این است که امثال من و جواد نکونام که فوتبال را زود کنار گذاشتیم و جذب دنیای مربیگری شدیم به خوبی می‌توانیم با بازیکنان تیم‌مان ارتباط برقرار کنیم، چون اختلاف سنی زیادی با تیم‌مان نداریم. آنها را به خوبی درک می‌کنیم. احساسات و روحیات خاص دوران بازیگری را به خوبی می‌شناسیم و هنوز تا حدودی در همان فضا قرار داریم، بنابراین بهتر از هر مربی دیگری می‌توانیم روح جنگیدن را به تیم‌مان تزریق کنیم. شاید وقتی نکونام سرمربی نساجی شد خیلی به‌تصور نمی‌کردند او بتواند دست به چنین کار بزرگی بزند و تیمش را به لیگ برتر بیاورد اما دیگر دوره این حرف‌ها تمام شده است که می‌گویند امثال نکونام چون جوان هستند از تجربه کافی برخوردار نیستند و نمی‌توانند موفق شوند. دنیای فوتبال آن قدر پیشرفت کرده که مربیان جوان هم می‌توانند با تکیه بر دستیاران خوب و یادانش در کادرفنی صاحب تجربه‌های ارزشمندی شوند؛ کاری که نکونام انجامش داد. او یک تمرین‌دهنده خوب خارجی را به کادرفنی اضافه کرد و خودش هم با تمام تمرکز به مسائل فنی تیمش پرداخت. نتیجه‌اش هم این شد که نساجی مازندران به لیگ برتر صعود کرد. اما بد نیست این را هم بگویم که تفکر مدیران فوتبال ما نیز باید تغییر کند. من به همه مربیان خارجی احترام می‌گذارم. من مربیان خارجی داشته‌ام که خیلی چیزها از آنها یاد گرفته‌ام. همین‌طور به مربیان ایرانی با سابقه هم احترام می‌گذارم. اصلاً اگر اینها نبودند چه کسی به ما بازی کردن یا مربیگری را یاد می‌داد اما بحث من این است که باید رفته رفته فضا را برای فعالیت مربیان جوان ایرانی باز کنیم. مربیان جوان ایرانی همچون محمود فکری و جواد نکونام نشان دادند که تا چه حد استعداد دارند و می‌توانند تیم‌های خود را به موفقیت برسانند. در لیگ دسته یک شما مربیان خارجی را دیدید که برای حضورشان روی نیمکت خیلی هزینه شده بود اما خوشحالم که دو مربی ایرانی موفق

محسن بیاتی نیا

مربی فوتبال



قبل از اینکه درباره دوست و همبازی قدیمی‌ام و مربی موفق امروز فوتبال ایران صحبت کنم باید عرض کنم دنیای مربیگری را دنیای بازیگری خیلی متفاوت است. دو مقوله کاملاً جدا از یکدیگر هستند و دوره بازیگری به هیچ وجه نمی‌تواند ملاک یا معیار خوبی برای ارزیابی دوره مربیگری باشد. اینکه یک بازیکن بازیکن خوبی بوده دلیل بر این نیست که مربی بزرگی هم بشود یا بر عکس اگر بازیکن بدی بوده دلیل کافی نیست که حتماً مربی بدی خواهد بود. ممکن است یک بازیکن متوسط دوره مربیگری‌اش بسیار پرافتخار ظاهر شود یا بازیکنان بزرگی هم داشته‌ایم که در دوره مربیگری عملکرد خوبی نداشته‌اند. با این حال خوشبختانه جواد نکونام نشان داد که همچنان که بازیکن بزرگی بوده نشانه‌های درستی از بزرگ شدن در عرصه مربیگری را هم دارد. من خودم سرمربی بوده‌ام. می‌دانم که چقدر کار دشواری است. سرمربیگری یک کاریزمای خاصی می‌خواهد که به‌نظم جواد نکونام این کاریزما را دارد. نکونام در فوتبال اروپا بازی کرده است. بارها شرایط سخت و پیچیده را در دوره بازیگری‌اش تجربه کرده است، بنابراین به خوبی می‌داند که در شرایطی که تیمش به بحرانی برخورد می‌کند چگونه باید رفتار کند و بازیکنانش را چگونه مهیای بازی‌های سخت کند. این کار شوخی بردار نیست. بخش مهمی از پیچیدگی‌های کار مربیگری در همین موضوع است که شما بتوانید تیم‌تان را برای شرایط سخت آماده کنید. شما به‌عنوان یک مربی چطور می‌خواهید این کار را انجام بدهید؟ من به شما می‌گویم که باید بتوانید اندیشه‌های‌تان را به خوبی به بازیکنان تیم‌تان منتقل کنید. مهم نیست که شما یک مربی دفاعی هستید یا یک مربی که به حمله علاقه‌مندید. مهم این است که بازیکنان تیم



«در سال ۱۳۸۹، ۸۹۱ هزار ازدواج ثبت شد اما از این سال تاکنون سالانه ۶/۵ درصد از میزان ازدواج در کشور کاسته شده است. یعنی ما در سال ۹۵ به ۶۶۱ هزار ازدواج رسیدیم. این آمار نشان می‌دهد در یک بازه پنج ساله آمار ازدواج در کشور ۲۵ درصد کاهش داشته است. علاوه بر آن شاهد افزایش آمار طلاق در کشور هستیم. برای مثال در تهران به ازای هر دو ازدواج یک مورد طلاق و در مناطق شمالی آن به ازای هر پنج ازدواج یک مورد طلاق ثبت شده است. اگر با همین برنامه‌های جاری پیش برویم حتماً نرخ تولد فرزند در سال‌های آینده کاهش پیدا می‌کند. در حال حاضر فاصله بین ازدواج و نخستین فرزند در خانواده‌ها به سمت ۵ سال سوق پیدا کرده است. ما در حال حاضر ۱۱ میلیون جوان ازدواج نکرده در کشور داریم. یعنی ۳۰ درصد افراد ۲۰ تا ۳۵ ساله ازدواج نکرده‌اند. این گروه در کنار فراهم شدن مسکن و شغل، نیازمند آموزش‌هایی برای یادگیری تاب‌آوری در برابر مشکلات اجتماعی هستند.» در روز جوان آماری از این دست که توسط رئیس اداره سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت ارائه شد، وضعیت ناامیدکننده‌ای را به تصویر کشید. خبر مهم اینکه جنگنده‌های سعودی با وجود بمباران حقیرانه محدوده مراسم تشییع پیکر شهید صالح الصماد در صنعا، نتوانستند مانع وداع باشکوه با رئیس شورای عالی سیاسی یمن شوند. بر اثر بمباران میدان سبعین، محل تشییع پیکر صالح الصماد، یک نفر شهید و دو نفر نیز زخمی شدند. ائتلاف سعودی-آمریکایی از طریق پهپادهای خود، خودرو حامل صالح الصماد را در استان الحیدیه واقع در سواحل غربی یمن هدف قرار داده و او و تعدادی از همراهانش را ترور کردند. خبر بد هم اینکه استاد علی آوارگان، نوازنده و سازنده قیچک منطقه بلوچستان درگذشت. این استاد ملقب به لعل محمد سرودی از نوازندگان کهن منطقه بلوچستان بود که هم قیچک می‌ساخت و هم این ساز را خوب می‌نواخت. استاد زمان مرگ ۸۶ سال داشت.



باز پرس شعبه دوم دادسرای فرهنگ و رسانه تهران از صدور دستور قضایی مسدودسازی تلگرام خبر داد و اعلام کرد: «فعالیت این سایت در ایران از دهم اردیبهشت ممنوع است.» این یعنی از این به بعد اگر تلگرام‌تان را باز کردید و دیدید که نوشته اتصال به شبکه یا به روزرسانی اما هیچ ربطی به داغ کردن سرورها و حمله و اتک و اینها ندارد، بالاخره موقعی که همه انتظارش را می‌کشیدند، رسید...»

خدمات پزشکی و درمانی گران می‌شود. معاون کل وزارت بهداشت درباره مباحث مطرح مبنی بر افزایش پنج درصدی تعرفه‌های پزشکی ۹۷، گفت: «مصوبه شورای عالی بیمه در حوزه تعرفه‌ها که با رای گیری تمامی بیمه‌ها، وزارت بهداشت و نماینده نظام پزشکی همراه بوده، مشخص است. دولت با توجه به محدودیت‌های منابع به‌طور کلی افزایش سبب تعرفه‌ای را پنج درصد تصویب کرده است.» نماینده مردم کرمانشاه در مجلس با توجه به وضعیت نامناسب زلزله‌زدگان از سلبریتی‌ها درخواست کرد هرچه سریع‌تر وضعیت پول‌های جمع‌آوری شده را تعیین تکلیف کنند: «بر اساس گزارش ارائه شده از سوی استاندار کرمانشاه در نشست مشترک با اعضای کمیسیون اصل ۹۰ و نمایندگان استان کرمانشاه ۶۳ میلیارد تومان کمک‌های مردمی در اختیار هلال احمر، ۲ تا ۲/۵ میلیارد تومان کمیته امداد، ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان زیبا کلام، ۸/۵ میلیارد تومان علی دابی و ۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان خانم کلباسی قرار دارد.» این چندروز باران خوب می‌بارد و آسمان با ما مهربان بوده. بارانی که در یکشنبه شب به اوج خود رسیده بود، دوشنبه هم بارید اما این نعمت الهی گاهی هم باعث آب گرفتگی در معابر و این چیزها می‌شود، آن وقت است که یادمان می‌افتد که تهران شهردار ندارد و اعضای شورای شهر هنوز دارند دنبال آن می‌گردند.



دنیای بدون تلگرام قطور بود؟ یکشنبه یک چند ساعتی این دنیا را تجربه کردیم، البته موضوع ربطی به فیلترینگ نداشت. تلگرام به دنبال اختلال به وجود آمده که به دلیل مشکل گرمای بیش از اندازه یکی از سرورهای آن بود، در دسترس کاربران نبود و تا وصل شدن مجدد فرصتی پیش آمد به چند کار عقب مانده برسیم و برسید! قطعی تلگرام موجب شوخی‌های بامزه‌ای در فضای مجازی شد، شوخی‌هایی مثل «داداش خنک نشد سرور اتون؟ والا کوره ذوب آهن هم بود تا الان خاموشش کرده بودن»، «داداش پول نداری فن بخری، بگو زنگ بزنم بچه‌ها بیان فوت کنن خنک بشه» و «یکی از خوبیای قطعی تلگرام اینه که به آغوش خانواده بازمی‌گردیم.»

ولی الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید تعداد مسافرت‌های خارجی در ایران بیش از حد معمول است و باید متعادل شود. سیف این حرف را در برنامه‌ای تلویزیونی به زبان آورده که در آن وضعیت بازار ارز را تشریح کرده است. به جز سیف افراد دیگری هم هستند که از نرخ سفرهای خارجی ایرانی‌ها نگرانی دارند، چرا که با هر سفر ارز از کشور خارج می‌شود و این می‌تواند به اقتصاد کشور ضربه بزند. این ماجرا خیلی هم به همین راحتی نیست، باید در مورد آن بحث جدی شود. میان قاتم شهر و بابل فقط ۲۱ کیلومتر فاصله است، این فاصله می‌تواند، فاصله‌ای میان غم و شادی در یک شب باشد. وقتی مردم قاتم شهر صعود نساجی را به لیگ برتر جشن گرفتند و مردم بابل در غم ماندن پشت در لیگ برتر ماندند، پیروزی ۶ بر صفر نساجی مقابل راه‌آهن، مازندران را پس از مدت‌ها صاحب نماینده‌ای در لیگ برتر کرد. در حاشیه سفر وزیر بهداشت هم به شهر سوسنگرد خوزستان، مردم این شهر به نشانه یادبود و تشکر یک دست لباس عربی به وزیر هدیه دادند.



ورزش مورد علاقه حاج قاسم سلیمانی



تقدیر اینستاگرامی محسن رضایی از کارگران



ارادت مدافع پرسپولیس به مدافعان حرم



واکنش رضا رشیدپور به خشونت پلیس فرانسه



سه‌شنبه

۱۱ اردیبهشت روز کارگر است، این سه‌شنبه هم در همه جای جهان همه یادشان افتاد که هستند کسانی که دستشان زبرتر از دست دیگران است و نان‌شان ساده‌تر، دغدغه‌هایشان خیلی زیاد نیست، امنیت شغلی می‌خواهند، امنیت روانی برای زندگی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و چیزهایی از این دست؛ کاش به جای شعار دادن، همه برویم و یقه‌پاره کنیم برای پاسداشت این قشر از جامعه، لااقل حقوقشان را بدهیم... مثل این فرانسوی‌ها نباشیم. در جریان اعتراضات کارگران در پاریس مبنی بر سیاست‌های دولت فرانسه، شهسوار حسینی، خبرنگار خبرگزاری صد اوسیمیا به علت استنشاق گاز اشک‌آور، مسمومیت شدید و بی‌هوشی به بیمارستان منتقل شد. توحیدیان، تصویربردار گروه خبری نیز به علت اصابت گلوله پلاستیکی به سرش و شرایط وخیم جسمی به بیمارستان منتقل شد. این تظاهرات روز سه‌شنبه از میدان باستیل Bastille پاریس آغاز شد و حدود ۱۲۰۰ نفر از تظاهرات کنندگان ماسک زده بودند. پلیس فرانسه از گاز اشک‌آور و خودروهای آب‌پاش برای متفرق کردن تظاهرات کنندگان استفاده کرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در افتتاحیه نمایشگاه کتاب تهران، بحران کتاب‌خوانی را کم‌خطرتر از بحران بی‌آبی ندانست و گفت: «باید این بحران رادار کنیم و برای آن ستاد تشکیل داده و برنامه‌ریزی کنیم. باید برای ارتقای سرانه مطالعه فکری کنیم. مادر ۴۰ سال گذشته شاهد انتشار یک میلیون و ۲۳۰ هزار عنوان کتاب بوده‌ایم.» تیم فوتبال رئال مادرید نتوانست بایرن مونیخ را شکست دهد اما با توجه به پیروزی در دیدار رفت برای سومین سال پیاپی به فینال لیگ قهرمانان اروپا صعود کرد، البته این وسط نقش دونفر خیلی محسوس بود؛ اولی اولریش دروازه‌بان بایرن مونیخ که اشتباه‌بندی را مرتکب شد و دیگری داور مسابقه که خیلی راحت از کنار پناhtی‌ها عبور کرد.

چهارشنبه

سی‌ویکمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با شعار «نه به کتاب‌خواندن» از ۱۲ تا ۲۲ اردیبهشت در مصالای امام خمینی (ره) تهران در حال برگزاری است. بروید یک دوری بزنید، شاید یادتان بیاید که کتاب‌خواندن هم زمانی لذتی داشت که در هیچ تاجی پیدا نمی‌شود، این لذت را به نسل‌های بعدی هم انتقال دهید، لطفا! در همین زمینه خبرهای خوبی هم هست، مثل اینکه سیزدهمین چاپ از «رهش»، جدیدترین اثر رضا امیرخانی به نمایشگاه کتاب آمده است که کمتر از چهارماه از انتشار این اثر می‌گذرد. کاش خانواده‌های محترم توجه بیشتری داشته باشند به رفتار نوجوانان و جوانان خود، هر هفته آمارهای بدی به گوش می‌رسد. مدیرکل بهزیستی استان تهران از سبقت گل از شیشه خبر داد: «مصرف ماده مخدر گل در تهران از مصرف شیشه بالاتر رفته است، به طوری که پس از تریاک بیشترین سوء مصرف مواد، به گل اختصاص پیدا کرده است. اگر خانواده‌ها علائم مصرف گل را بشناسند می‌توانند به موقع آن را شناسایی و مداخله کنند. در بررسی‌های علمی، افسردگی، عدم هوشیاری و تمرکز، خشکی دهان و دندان، تپش بالای قلب و پرخاشگری از علائم مصرف گل شناخته شده است.» سرانجام پس از هفته‌ها گمانه‌زنی مشخص شد که افشین پیروانی، سرپرست تیم فوتبال پرسپولیس به دلیل تخلفی که در زمان حضورش در تیم ملی انجام داده، با محرومیتی طولانی مدت روبه‌رو شده است. سرپرست باشگاه پرسپولیس دپروز از رسیدن حکم محرومیت افشین پیروانی به این باشگاه خبر داد، آخر شب تیم آ. اس رم توانست تیم لیورپول را چهار بر دو شکست بدهد اما خوب باید پنج تا می‌زد تا آنفیلدی‌ها به فینال برسند. افتتاح کافه‌ای در تهران که در آن فقط مبتلایان به اوتیسم مشغول به کار هستند هم از آن خبرهای حال خوب کننده روز بود. مراسم عمامه‌گذاری سیداحمد خمینی، فرزند سیدحسن خمینی هم با انتقادهای فراوانی مواجه بود.



اتاق جنگ اقتصادی

رهبر معظم انقلاب راه مقابله با دشمن را حمایت از کالای ایرانی دانستند

عرضه شده بود، برجسته و ممتاز بود و باید در مقابل نیروی کار ایرانی سر تعظیم فرود آورد و به همین دلیل باید دست هنرمند کارگر ایرانی را که یکی از بهترین کارگران دنیاست، بوسید.»

حضرت آیت الله خامنه‌ای افزودند: «با وجود این برجستگی و هنرمندی نیروی کار ایرانی، اما متأسفانه عده‌ای در داخل، حمایت از کالای ایرانی را یا باور نمی‌کنند یا به آن عمل نمی‌کنند.»

ایشان حمایت از کالای ایرانی را به معنای حمایت از نیروی کار و تولید داخل دانستند و خاطر نشان کردند: «این حمایت، همه‌جانبه، و بر عهده مسئولان و همچنین مردم است.»

ایشان با تأکید بر اینکه حمایت از کالای ایرانی، مانع از بیکاری کارگران خواهد شد و زمینه اشتغال جوانان تحصیلکرده را نیز در بخش‌های مختلف تولید فراهم خواهد کرد، گفتند: «وظیفه مردم در حمایت از کالای ایرانی، تصمیم جدی برای خرید تولیدات داخلی است.» رهبر انقلاب اسلامی با انتقاد از خرید کالای خارجی با وجود مشابه با کیفیت داخلی، افزودند:

«چرا عده‌ای بر خرید کالای خارجی اصرار دارند، این چه بدفهمی و مرضی است؟ همه دستگاه‌های دولتی و همچنین همه مردم باید تصمیم بگیرند که از کالای ایرانی استفاده کنند.» حضرت آیت الله خامنه‌ای یکی از نتایج حمایت از کالای ایرانی را جلوگیری از تبعات اجتماعی، امنیتی و اخلاقی ناشی از بیکاری دانستند و خاطر نشان کردند: «حمایت از کالای ایرانی، یکی از بهترین و موثرترین شیوه‌های مقابله با طراحي اقتصادی دشمنان است زیرا آنان متوجه شده‌اند که در جنگ سخت و نظامی به نتیجه نخواهند رسید.»

ایشان افزودند: «البته من در چند سال قبل و در زمان رئیس جمهور دیگر آمریکا که همانند رئیس جمهور فعلی، بد اخلاق و هجوگو بود، گفتم که دوران «بزن در رو» گذشته است و می‌دانند که اگر وارد درگیری نظامی با ایران شوند، چند برابر ضرر خواهند خورد.» رهبر انقلاب اسلامی خاطر نشان کردند: «آنها اکنون تمرکز خود را بر جنگ اقتصادی و جنگ فرهنگی گذاشته‌اند و اتاق جنگ اقتصادی با نظام جمهوری اسلامی، وزارت خزانه‌داری آمریکا است.»



ندوختن به بیگانگان است، گفتند: «وظیفه دولت و مسئولان، برطرف کردن مشکلات و موانع کارآفرینان و کارگران و افزایش ظرفیت تولید واحدهای تولیدی است و وظیفه مردم نیز تصمیم و عزم جدی برای خرید کالای ایرانی است.» ایشان در ادامه، نیروی انسانی بخش تولید به ویژه کارگران را ثروتی عظیم خواندند: «مهم‌ترین ویژگی نیروی کار در ایران، این است که هنر و اندیشه و انگیزه و خلاقیت او از سطح متوسط جهانی بالاتر است.»

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به بازدید چندساعته عصر دیروز خود از نمایشگاه محصولات ایرانی در حسینیه امام خمینی (ره)، تأکید کردند: «به رغم همه فشارها و تحریم‌ها و همه مشکلاتی که مستکبران ایجاد می‌کنند اما تولیدات داخلی که در این نمایشگاه

رهبر انقلاب به مدت دو ساعت و نیم از نمایشگاه کالای ایرانی در حسینیه امام خمینی (ره) بازدید کردند. در این بازدید که آقای علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز حضور داشت، حضرت آیت الله خامنه‌ای از ۷۷ غرفه تولیدات ایرانی در بخش‌های گوناگون از جمله لوازم خانگی، نوشت افزار، پوشاک و منسوجات، مواد غذایی، دارو و تجهیزات پزشکی، لوازم آرایشی و بهداشتی، وسایل کودک، لوازم خودرو و وسایل صنعتی و ساختمانی دیدن کردند و از نزدیک در جریان ظرفیت‌ها و توانمندی‌های تولیدکنندگان، مسائل و دغدغه‌های آنان و نیز میزان استقبال مردم از کالاهای ایرانی قرار گرفتند. مهم‌ترین دغدغه تولیدکنندگان، واردات بی‌رویه و قاچاق بود و درخواست‌ها و پیشنهادهایی درباره اصلاح قوانین و حذف موانع در بخش تولید، تقویت حمایت مالی از واحدهای تولیدی و کمک به تبلیغ و معرفی کالای ایرانی بیان کردند. رهبر انقلاب اسلامی نیز با تقدیر از تولیدکنندگان ایرانی و تحسین کیفیت محصولات موجود در نمایشگاه، بر لزوم جلوگیری از واردات بی‌رویه و مبارزه با قاچاق تأکید و دستوراتی برای پیگیری و حل مشکلات تولیدکنندگان صادر کردند. ایشان از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواستند حل مشکلات منعکس شده در این بازدید را به‌طور جدی در دولت دنبال کند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی همچنان صبح دوشنبه و در آستانه روز کار و کارگر، در دیدار هزاران نفر از کارگران و کارآفرینان، اصلی‌ترین طراحی کنونی برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی را جنگ اقتصادی دانستند و با تأکید بر اینکه تنها راه مقابله با این جنگ، حمایت از کالای ایرانی و تکیه بر توانایی‌ها و ظرفیت‌های داخلی و چشم

خانه جلال و سیمین

موزه‌ای که خانه ماند

شد. خانه جلال آل احمد و سیمین دانشور از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ توسط مرحوم جلال آل احمد و زانی که سیمین دانشور در حال سپری کردن مقطع دکترا در خارج از کشور بود، ساخته شد. این خانه حاصل تجربه‌های معمارانه جلال آل احمد است و بسیاری نقل کرده‌اند که بخش‌هایی از این بنا را خود او ساخته.

خانه‌ای که سال ۸۳ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شد و پس از فوت سیمین دانشور همواره بحث موزه شدن آن مطرح بود تا زمانی که شهرداری تهران اقدام به خرید این بنا کرد. مرمت خانه جلال و سیمین بی‌حاشیه نبود و بارها اقوام این دو نسبت به دخالت در معماری بنا و کند بودن مرمت اعتراض کردند. فضای محدود بنا مدیران را به این فکر انداخته بود که خانه جلال و سیمین را کاربری دیگری بدهند و آن را به خانه ادبیات یا خانه ادبیات داستانی ایران تبدیل کنند. اقدامی که از همان ابتدا با مخالفت‌هایی روبه‌رو بود. براساس مستندات تمام وسایل زندگی این زوج در این بنا باقی مانده بود تا پس از اتمام مرمت این خانه تبدیل به موزه شود و براساس همان وضعیت زمان زندگی مرحوم دانشور در آن چیده شود. اعتراض‌ها به کاربری‌های دیگر موجب شد تا بالاخره خانه جلال و سیمین، خانه آنها بماند.

مشاور شهرداری تهران، ولی الله شجاع‌پوریان معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، فاطمه راکعی سرپرست اداره کل امور بانوان معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، محمود دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات و جمعی از اعضای شورای شهر تهران برگزار

آیین افتتاح خانه موزه سیمین و جلال با حضور سمیع الله حسینی مکارم سرپرست شهرداری تهران، محمدجواد حق شناس رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران، غلامعلی حدادعادل رئیس پژوهشگاه زبان و ادبیات فارسی، سیدرضا صالحی امیری





که عراق در خلیج فارس دارد، از مجموع سواحل ایران و جزیره‌های کشورمان در خلیج فارس کمتر است. هر کس بر شهر هرات مسلط شود، بر آسیای میانه مسلط خواهد بود و هر کس بر خلیج فارس مسلط شود، بر اقیانوس هند مسلط می‌شود. آمریکایی‌ها با دانستن این موضوع است که افغانستان را اشغال کرده‌اند و ایجاد پایگاه‌های نظامی در کشورهای جنوب «خلیج فارس» می‌خواهند بر اقیانوس هند مسلط شوند. آنهایی هم که در منطقه سخن می‌گویند، حرف خودشان نیست؛ بلکه بلندگوی آمریکا، انگلیس، اسرائیل و استعمارگران سابق و هژمون‌نیت‌های فعلی جهان هستند. ایرانی‌ها از زمان هخامنشیان بر «خلیج فارس» تسلط داشتند و همچنان مسلط خواهند بود و این خلیج تا ابد «خلیج فارس» باقی خواهد ماند.»

الی آخر، تنها عنوان «بحر فارس» یاد شده است. نقشه‌های موجود در موزه‌های و کتابخانه‌های بزرگ و قدیمی فرنگ هم همه حکایت از نام «خلیج فارس» می‌کنند. در زمان ناصرالدین شاه، انگلیس‌ها (کمپانی هند شرقی) اقدام به اشغال سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک کردند که توسط قاجار بازپس گرفته شد. انگلیس‌ها باز هم این جزایر را اشغال کردند و پرچم خودشان را در این جزایر نصب کردند. قاجار نامه‌ای به وزارت دفاع انگلستان ارسال کرد و در آنجا از او خواست تا نقشه‌ای از خلیج فارس و منطقه برای آنها ارسال کند. وزارت دفاع انگلستان هم نقشه‌ای جامع ارسال کرد و در آن هر کشوری را با یک رنگ مشخص کرده بود. در آن نقشه از عنوان «خلیج فارس» استفاده و جزایر سه گانه هم متعلق به ایران معرفی شده بود. قاجار با استناد به همین نقشه، جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را پس گرفت و پرچم ایران را برافراشت.» وزیر اسبق امور خارجه کشورمان با ذکر خاطراتی از مذاکرات بین‌المللی و نیز مکاتبات با سازمان ملل متحد برای آگاهی از اسناد سازمان ملل در خصوص نام «خلیج فارس» که همگی شهادت بر این نام داده‌اند، گفت: «دلیل اصرار کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای تغییر نام آن، این است که تغییر نام به تغییر هویت و تغییر مالکیت و ایجاد ادعاهای کاذب منتهی خواهد شد. همچنین باید گفت: مجموع سواحل شش کشور جنوب خلیج فارس همراه ساحل اندکی

کتاب مصور «خلیج فارس» مجموعه‌ای از اسناد تاریخی به ۱۰ زبان زنده دنیا است که مشتمل بر ۱۲۰ تصویر تاریخی که تا یک‌دکنده بر نام «خلیج فارس» هستند و اسناد بین‌المللی از جمله نامه دبیران کل ادوار مختلف سازمان ملل متحد بر اثبات نام «خلیج فارس» به همت جواد نوروزی، محقق و پژوهشگر جوان کشورمان گردآوری شده و توسط پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم، منتشر شده است. علی‌اکبر ولایتی در این مراسم رونمایی، ریشه تحریف نام این خلیج را به انگلیسی‌ها نسبت داد: «تحریف نام «خلیج فارس» از انگلیسی‌ها شروع شده است. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس تا سال ۱۹۷۱ تحت الحمایه انگلیس بودند. بعد از خروج انگلیس از منطقه، سیاست‌های این کشور همچنان در بخش جنوبی «خلیج فارس» حکمفرمایی می‌کند و این کشورها به تبعیت از انگلیس بر اطلاق نامی دیگر بر «خلیج فارس» اصرار می‌ورزند. این تلاش‌ها هیچ‌گاه به ثمر نخواهد نشست و حق خود را نمایان خواهد کرد.» ولایتی در ادامه به تاریخچه نام خلیج فارس اشاره کرد: «برای «خلیج فارس» تا همین اواخر هیچ نامی دیگر در تاریخ و گفته‌ها و شنیده‌ها، شنیده و مشاهده نشده است. در آثاری که از یونان باستان آمده، این خلیج به نام «خلیج فارس» معرفی شده و حتی در نوشته‌جات مورخین و جغرافی‌دانان اسلامی چه ایرانی و چه عرب از حمزه اصفهانی تا استخری و یاقوت حموی و مسعودی و

مرد دیوانه

حمله تندرابرت دنیرو به رئیس‌جمهور آمریکا

را درست کند. به همین دلیل از روزنامه‌نگاری که حالا در این فیلم مستند خواهیم دید، بسیار تشکر می‌کنم؛ روزنامه‌نگاران موثق نگاری که همه جا خود را متعهد به نشان دادن حقیقت به ما می‌کنند. بازه است که فقط چون خودت از چیزی خوشت نمی‌آید به آن بگویی خبر جعلی.»

دنیرو همچنین در نشست خبری افتتاحیه جشنواره تریبیکا که چهارشنبه گذشته در نیویورک برگزار شد، در حضور خبرنگاران و اهالی رسانه گفته بود: «اداره آمریکا به دست مردی دیوانه افتاده که به هیچ عنوان قادر به تشخیص حقیقت نیست. وقتی از چیزی می‌شنود خوشش نمی‌آید با زدن اتهاماتی از قبیل ضدآمریکایی بودن و جعلی بودن اخبار خودش را به آن راه می‌زند. در حالی که ما می‌دانیم حقیقت چیست. همه آدم‌های اهل اندیشه و تفکر حقیقت را می‌دانند.» مجموعه مستند گاربوس گزارشگران و دبیران نیویورک تایمز را در برداشتن برای آشکارکردن اخبار حقیقی در حالی نشان می‌دهد که ترامپ از ابتدای دوران ریاست جمهوری‌اش به جنگ رسانه‌ها رفته است.

در آخرین شب جشنواره بین‌المللی فیلم تریبیکا ۲۰۱۸ که با حضور رابرت دنیرو بنیانگذار جشنواره برگزار شد، این جشنواره میزبان یک مجموعه مستند جدید از لیز گاربوس بود که با عنوان «رکن چهارم» به گزارش‌های نیویورک تایمز و پوشش خبری نخستین سال ریاست جمهوری دونالد ترامپ پرداخت. دنیرو که یکی از مخالفان آشکار ترامپ است به حضار هشدار داد که «یادآوری‌های ترامپ درباره اخبار جعلی» می‌تواند بسیار خطرناک‌تر از حالت فعلی شود چون این واژه حالا تبدیل به «یک شعار محبوب برای دیکتاتورها و زورگوها» در سراسر دنیا شده و نمایانگر نیت‌هایی بسیار بدتر است.

دنیرو که پیش از نمایش مجموعه گاربوس در فستیوال تریبیکا روی صحنه رفته بود، با اشاره به همه خبرهای مخالف ترامپ که از سوی وی با عنوان اخبار دروغ و جعلی خوانده می‌شوند، گفت: «من خیلی نگران این نیستم که جمهوریخواهان بخوانند مزخرف‌های ترامپ درباره اخبار جعلی را باور کنند. من بسیار نگران این هستم که جمهوریخواهان اجازه می‌دهند ترامپ به این راحتی حقایق را کنار بزند و واقعتاً جایگزین خودش

این صلاح دوست‌داشتنی

محمد صلاح برای برطرف کردن مشکل فاضلاب روستای زادگاهش در مصر، ۳۳۰ هزار پوند صرف تأسیس یک تصفیه‌خانه کرد. آقای گل حال حاضر لیگ برتر انگلیس و برنده جایزه بهترین بازیکن این فصل لیگ جزیره که با زدن ۴۳ گل در ۴۶ مسابقه سهم بسزایی در صعود تیمش به نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا داشته، با وجود تبدیل شدن به یکی از بهترین و پرطرفدارترین ستاره‌های حال حاضر فوتبال جهان، رگ و ریشه خود را فراموش نکرده و هنوز هم به طور جدی به مشکلات زادگاه خود روستای انگریگ و هموطنانش بها می‌دهد. این بازیکن ۲۵ ساله که اکنون حقوقی معادل ۹۰ هزار پوند در هفته دارد، حقوق تقریباً یک ماه خود را به خرید یک قطعه زمین که قرار است در آن یک کارخانه تصفیه آب احداث شود، اختصاص داده است. ماهر اشتایه، فرماندار انگریگ درباره کمک مالی صلاح به این روستا گفت: «محمد عاشق روستایش است. او از بازگشت به اینجالت می‌برد. او هرگز برای ما غریبه نخواهد شد. من او را از کودکی اش می‌شناسم. او اهل صحبت کردن درباره کارهای خیریه‌ای که انجام می‌دهد نیست. وقتی که او بازی می‌کند، اینجا همه پای تلویزیون‌های‌شان می‌نشینند.»



سلفی با رویا

درباره فیلم فراری ساخته علیرضا داوودنژاد

آخرین ساخته علیرضا داوودنژاد با یک سال تاخیر سرانجام روی پرده رفت. فراری که در جشنواره فجر سی و پنجم در سال ۹۵ جایزه ویژه هیات داوران را به دست آورد، در اکران ۹۶ فرصت نمایش به دست نیامد و به عنوان یکی از فیلم‌های اکران نوروز ۹۷ روی پرده رفت اما به رغم همه آن چیزهایی که می‌توانست آن را در گیشه موفق کند، چندان هم دیده نشد. هرچند تهیه‌کنندگان این فیلم تمام ایرادهای خود را به گردن دیگران انداختند. داستان فیلم ساده، سرراست و از همان نام فیلم شروع می‌شود، فراری به عنوان نام یک ماشین لوکس غربی مدنظر است یا فراری به عنوان مفهومی که همه می‌شناسیم؛ شاید هم هر دو، تماشگر «فراری» در این فیلم از یک سو شاهد کسانی است که ماشین فراری دارند و از سوی دیگر ناظر فراری بودن یک دختر معمولی خیالاتی است و این همه در شکافی به بزرگی فاصله طبقاتی در جامعه در فیلم «فراری» به نمایش درمی‌آید. داستان فیلم از این قرار است که دختری به نام نگار از شمال کشور به تهران می‌آید تا به آرزویش که دیدن ماشین فراری سجاد است، برسد. قرار است با آن عکس بیندازد تا یک شرط‌بندی را هم برسد. کل فیلم گشتن و یافتن



نگاه بازیگر

ترلان پروانه

نقشم در «فراری» نسبت به بقیه نقش‌هایی که تاکنون ایفا کردم، خیلی تفاوت داشت و به همین دلیل در یکی از مهم‌ترین سال‌های زندگی‌ام یعنی سال کنکور، بازی در این فیلم را قبول کردم؛ یک دختر جوان و به روز شمالی که می‌خواهد روی مد باشد، برای انداختن عکس با ماشین مورد علاقه‌اش از خانه فرار می‌کند و به تهران می‌آید.

به شخصه من بازی خاصی نکردم و شخصیتی که ساختیم بیشتر رفتارهای شخص گلنار بود و ترلان پروانه نقش خاصی را ایفا نمی‌کرد. کاری بسیار سخت و تجربه‌ای فوق‌العاده را در کنار بزرگان کسب کردم. از سختی‌های کار می‌توان گفت که بیشتر کار در یک ماشین می‌گذرد و شما نمی‌توانید اکت خاصی داشته باشید. همچنین در آلودگی‌های شهر تهران ما با کثیف‌ترین ماشین کار را جلو می‌بریدیم که چندین بار باعث مریضی من نیز شد.

همکاری با آقای داوودنژاد برایم سخت بود چرا که او در بازی گرفتن از بازیگران بسیار سختگیر است. خوشحالم که مخاطبان این فیلم از تماشای آن لذت برده‌اند. برخی می‌گویند که فیلم «فراری» کمی تلخ است، به نظرم این تلخی به خاطر این است که ما واقعیت جامعه را نشان داده‌ایم. به نظرم باید مشکلات را گفت تا حل شوند، نه اینکه آنها را به زیر فرش جارو کنیم تا دیده نشوند.

نگاه کارگردان



من مخالف اختلاف طبقاتی موجود در جامعه و وجود افرادی که صاحب مال و ثروت و ماشین‌هایی مانند «فراری» اند، نیستم ولی سوالم این است که این ثروت چگونه به دست می‌آید؟ اگر شما با تفکر، تامل، شناخت، علم، فن، ابداع، خلاقیت، ساخت و ساز و تولید به ثروت رسیده باشید نوش جان تان اما اگر با دروغ، ریاکاری، زد و بند، دزدی، اختلاس، پولشویی، نزول و قاچاق به ثروت رسیده‌اید، بحث آن چیز دیگری است. تفاوت این دو قشر که در رسیدن به ثروت با هم متفاوت هستند، در رفتارهای آنها هم کاملاً قابل مشاهده است، افرادی که با زحمت به ثروت می‌رسند کارهای باسلیقه و خوب را هم از خود به جای می‌گذارند و برعکس افرادی که با راه‌های دیگر به ثروت رسیده‌اند، مطرب‌بازی و شیش و هشتی را در کارهایشان می‌توان دید. مانند فیلم‌هایی که در حال حاضر در سینمای ما بسیار موفق است و ترویج هم می‌شود.

من در این فیلم می‌خواستم نشان دهم که طبقه‌ای که با روش‌های نامناسب به ثروت می‌رسد، هیچ اثری از آرمان و فرهنگ به جای نمی‌گذارد و همه را به باد می‌دهد. اگر بخواهیم تولیدکننده باشیم، باید نیروی انسانی متخصص، خوش‌قیرحه و خلاق داشته باشیم. این نیروها باید در مدارس پرورش پیدا کنند. در حال حاضر در مدارس مان دیگر خلاقیتی وجود ندارد و این از مدرسه ادامه پیدا می‌کند تا فرد وارد جامعه می‌شود. چطور می‌خواهیم با وجود نپرداختن به آموزش و پرورش و شرایط فعلی به این نیروهای مولد دست پیدا کنیم؟ با این وضعیت آموزش چطور توقع داریم با کشورهای دیگر رقابت کنیم؟ آموزش و پرورش و معلمان خیلی مظلوم هستند. نمی‌شود ملتی را نساخت اما مملکت را ساخت. ساخت مملکت نیاز به ساخت ملت دارد.

سال به سال در بیخ از پارسال! هرچه می‌گذرد روحیه انفعالی و تقلید و مصرف‌زدگی بیشتر رواج پیدا می‌کند. این روند نگران‌کننده است. من هم این را دستمایه کارهایم قرار می‌دهم. من نگران آینده جوانان هستم.

علیرضا داوودنژاد

یک عاشقانه ساده

درباره آگا؛ فیلم برگزیده جشنواره بین‌المللی فجر



میلکو لازاروف، کارگردان «آگا» فعالیت‌های سینمایی‌اش را با تدوین یک مستند کوتاه و سپس تجربه سمت مدیر تولید آغاز کرد تا اینکه در سال ۲۰۱۳ اولین فیلم بلندش را با عنوان «بیگانگی» ساخت؛ درامی ۷۵ دقیقه‌ای که در محافل هنری مختلفی مورد توجه قرار گرفت و از جشنواره ونیز همان سال، دو جایزه را برای کارگردان جوان و جاه طلب بلغارش به ارمغان آورد. در سال ۲۰۱۸، دومین فیلم بلند او یعنی «آگا» به عنوان آخرین فیلم بخش رسمی جشنواره بین‌المللی برلین در بخش خارج از مسابقه به نمایش درآمد. میخائیل اپرو سیموف، فئودوسیا ایوانووا، گالینا تیخونووا و سرگئی ایگوروف، نقش‌های اصلی فیلم را بازی کرده‌اند.

اتفاق می‌افتد. چپنا دائم به آنها سر می‌زند. تنها پیوند آنها با دنیای بیرون و دخترشان آگا است که به خاطر عداوت خانوادگی، مدت‌ها پیش از آنها جدا شده است، به گونه‌ای که نانوک حتی نمی‌خواهد حتی درباره او صحبت کند. سدنا بیمار می‌شود و نانوک برای تحقق آرزوی او تصمیم به سفری طولانی می‌گیرد تا آگا را پیدا کند. فیلم به ما نمی‌گوید که چرا آگا با پدرش به مشکل برخورد است و چرا به خانواده بر نمی‌گردد اما می‌توان حدس زد که داستان به همین سبک زندگی برمی‌گردد...

این فیلم، داستان ساده‌ای دارد؛ داستان ساده‌ای که در دنیای ساده‌تری شکل گرفته تا همین سادگی تبدیل به یک زیبایی دوست‌داشتنی شود. داستان آگا داستان عاشقانه‌ای است؛ داستان با هم بودن تا تنها نبودن، داستان ریشه‌ها را یافتن و به آینده دل بستن. اینها را می‌توان در تمثیل‌هایی که در فیلم زیاد است، پیدا کرد. زوج سالخورده از قصه‌ها و افسانه‌های قدیمی می‌گویند، از آنچه از نیاکان‌شان به آنها ارث رسیده، به دنبال دخترشان می‌گردند و این اتفاق جالبی است برای بقا در یک توندرا یخ‌زده. آگا با آنکه در سرما می‌گذرد؛ داستان گرمی دارد، داستان امید است، آنجا که نانوک به همسر بیمارش می‌گوید: «بهار همیشه می‌آید.»

فیلم «آگا» به کارگردانی میلکو لازاروف محصول مشترک کشورهای بلغارستان، آلمان و فرانسه برنده جایزه بهترین فیلم سی و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر شد.

«پاهای مثل خانواده می‌مانند، بدون یکدیگر نمی‌توانند حرکت کنند»؛ همین یک دیالوگ نشان می‌دهد که دومین ساخته لازاروف؛ کارگردان مشهور بلغار چه می‌خواهد بگوید. آگا داستان خانواده است، در دشتی بی‌انتهای که بر اثر برف و یخ سفید شده است. آخرین بازمانده‌های شمالی به سختی روزگار می‌گذرانند؛ یک زوج سالمند با نام نانوک و سدنا. نانوک شکارچی است و سدنا خانه‌دار. تنها دخترشان آگا سال‌ها پیش آنها را ترک کرده است. نانوک و سدنا بر اساس سنت‌های نیاکان‌شان در سرزمین‌های پوشیده از برف قطب شمال در یک یورت (خیمه کروی مردمان مناطق سردسیر) زندگی می‌کنند. آنها در این سرزمین دست‌نخورده و متروک مثل آخرین انسان‌های کره زمین به نظر می‌رسند. به هر حال شیوه سنتی زندگی نانوک و سدنا به تدریج در حال تغییر است و این امری اجتناب‌ناپذیر است چون شکار هر روز سخت‌تر می‌شود و حیوانات پیرامون آنها به دلایل نامعلومی می‌میرند و آب شدن یخ‌ها، هر سال زودتر از قبل

حمله کن لوچ به اسرائیل

مدافع رژیم صهیونیستی نبوده است: «معرفی من به عنوان ضدیهودی بودن، دلایل این است که من همواره از حقوق فلسطینی‌ها دفاع کرده‌ام.»

لوچ که دوبار جایزه نخل طلای کن را دریافت کرده است، در بیانیه‌ای در پاسخ به میشل گفت: «اول به شوهر نگاه می‌کنم و بعد حرف بزنم. آیا شما که وکیل هستید نمی‌دانید اسرائیل همیشه قوانین بین‌المللی را زیر پا گذاشته است؟ هیچ‌وقت برای تصرف سرزمین‌های فلسطینی‌ها پرسشی نداشته‌اید؟ هرگز کشتار شهروندان فلسطینی توسط ارتش اسرائیل را زیر سوال برده‌اید؟ به آوارگان این ماجرا فکر کرده‌اید؟ شما به عنوان یک دانش‌آموخته رشته حقوق باید بهتر از هر کسی بدانید که اسرائیل بارها قوانین بین‌الملل را نقض کرده است.»

میشل که قبلاً دانشجوی دانشگاه ULB بوده اهدای جایزه به کن لوچ را غیرقابل قبول خوانده و گفته بود او یک ضدیهود است.

کن لوچ همواره یکی از منتقدان سرسخت سیاست‌های دولت‌های غربی به ویژه آمریکا و انگلیس و همچنین رژیم صهیونیستی بوده است و تاکنون چندین بار در راس کمپین‌های اعتراضی برای دفاع از حقوق مردم فلسطین قرار داشته است. او برای ساختن فیلم‌هایی مبارزه‌جویانه درباره مسائل اجتماعی و تلاش برای کارگران و مهاجران و بهبود بخشیدن به وضعیت آنها از دانشگاه یوآل بی بروکسل دکترای افتخاری گرفت. او از کنفرانس مطبوعاتی پس از اهدای جایزه دکترای استفاده کرد تا باز هم سیاست‌های صهیونیست‌ها را به باد نقد بگیرد. با وجود اینکه چارلز میشل، نخست‌وزیر بلژیک کن لوچ را به دلیل یهودی‌ستیزی سرزنش کرده و اعلام کرده بود وی شایسته دریافت دکترای افتخاری نیست، دیروز این جایزه به کن لوچ اهدا شد. لوچ که همواره به عنوان یک حامی حقوق فلسطینی‌ها شناخته می‌شود، در کنفرانس مطبوعاتی این جایزه را تأکید کرد ضدیهودی نیست اما هرگز



رسوایی یک مرد

ترجمه یک رمان درباره جنگ ایران و عراق

رمان



به تخصصی که داشتیم به نظرم رسید که موضوع کتاب برای خواننده ایرانی می‌تواند جالب باشد و از این رو دست به ترجمه آن زدم. این رمان وقایع پشت پرده جنگ ایران و عراق را بازگو می‌کند و ماهیت این بازگو کردن به نوعی اعتراض نویسنده به جنگ و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی است. با توجه به اینکه در نزدیکی خودم دو نفر از آسیب دیدگان سلاح‌های شیمیایی داشتیم و به نظرم رسید می‌تواند مفید باشد. از طرف دیگر این کتاب ریشه مسأله جنگ را بررسی کرده بود.»

در غالب داستان بیان شده‌اند اما رویدادهای مهم در این کتاب جنبه عمومی دارند. من با مشاوره مخصوص از لارنس والش و کسب اجازه از سرهنگ اولیور نورث و همچنین با دریافت حق امتیازی درخصوص فاش کردن اخباری در بی‌بی‌سی و ملاقات با بیشتر شخصیت‌های اصلی این داستان اقدام به نوشتن این کتاب کرده‌ام. اغلب شخصیت‌های اصلی حضور و نقش خود در این وقایع را تایید کرده‌اند.»

نویسنده این کتاب گوین اسلر متولد و اهل اسکاتلند است. او کار خود را با روزنامه‌نگاری شروع کرد. سپس به تحقیق و نویسندگی و البته مجری‌گری تلویزیون پرداخت و تاکنون پنج کتاب نوشته است که شامل وفاداری‌ها در سال ۱۹۹۲، آبی عمیق در سال ۱۹۹۲، برادر خوانده در سال ۱۹۹۶، یک مرد رسوا در سال ۲۰۰۸ و بازی قدرت در سال ۲۰۱۰ می‌شود.

اصغر حیدری، مترجم رمان «یک مرد رسوا» با اشاره به اینکه در این اثر خواننده با پشت پرده جنگ ایران و عراق روبه‌رو می‌شود، گفته است: «این کتاب از طریق یکی از دوستان دستم رسید که پس از مطالعه آن با توجه

با وجود اینکه نزدیک به دو دهه است که از پایان جنگ تحمیلی می‌گذرد، هنوز روایت‌هایی از این جنگ وجود دارد که می‌تواند سوژه نوشتن کتاب‌هایی خواندنی شود. «یک مرد رسوا» نوشته گوین اسلر اثری شگفت‌انگیز از سناریوهای کاملاً معتبر در روابط و توافقات مخفی بریتانیا با ایالات متحده در مورد خاورمیانه و البته ایران است. این رمان جنجالی از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شد.

«یک مرد رسوا» بازگوکننده برخی از وقایع هشت سال جنگ تحمیلی بین ایران و عراق در قالب یک داستان است. «یک مرد رسوا» اثری است شگفت‌انگیز از سناریوهای کاملاً معتبر در روابط و توافقات مخفی بریتانیا با ایالات متحده در مورد خاورمیانه و البته ایران.

نویسنده خود درباره این اثر می‌نویسد: «شخصیت‌های اصلی در این کتاب با اسامی غیرواقعی معرفی شده‌اند اما بیشتر اتفاقات واقعی هستند. بریتانیا و ایالات متحده در جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۷۹ م توافقاتی انجام دادند که من در کتاب «یک مرد رسوا» آنها را بازگو کرده‌ام. اگرچه برخی از این وقایع

رمان

زمستان بی‌شازده

رمان تقدیری جایزه امیرحسین فردی



رمان «زمستان بی‌شازده» نوشته «فاطمه نفری» و رمان تقدیری هفتمین دوره جایزه «امیرحسین فردی» منتشر شد.

در این رمان قهرمان داستان، از یک انقلاب بیرونی به یک انقلاب درونی می‌رسد و انقلاب اسلامی و وقایع مرتبط با این رویداد تاریخی منجر به ایجاد تحول در شخصیت اصلی داستان می‌شود. این رمان برای گروه سنی نوجوان با محوریت انقلاب اسلامی نوشته شده است. شخصیت اصلی این داستان یک نوجوان است که در جریان انقلاب و مبارزات منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد و در یک پروسه مرد شدن قرار می‌گیرد و بزرگ می‌شود. در حقیقت در داستان این رمان، شخصیت آن از یک انقلاب بیرونی به یک انقلاب درونی می‌رسد و انقلاب اسلامی و وقایع مرتبط با این رویداد تاریخی منجر به ایجاد تحول در شخصیت اصلی داستان می‌شود. این تحول در شخصیت داستان اتفاقی است که در سال‌های انقلاب بسیار شاهد آن بودیم که افراد در سیر مبارزات انقلاب دگرگونه و متحول می‌شدند.

در بخشی از این رمان آمده است: «دل‌م شور می‌زد، مثل وقتی که می‌خواستند مهندس را بگیرند! در آ که باز کردم، نگاهم دوخته شد تو چشم‌های مردی که خیلی آشنا بود، تم بیخ کرد. تازه داشت یادم می‌آمد که مرد کیست، که یقه‌ام را گرفت و هولم داد تو. تا آمدم به خودم بیایم، سیلی مرد نشست به توی صورتم و افتاده بودم روی زمین...»

رمان

شام خانوادگی

برنده نوبل ادبیات در نمایشگاه کتاب



مجموعه‌ای از داستان‌های کازنو ایشی گورو، برنده نوبل ادبیات ۲۰۱۷ که پیش‌تر در مجموعه داستان‌های او نیامده بودند، در قالب یک کتاب در نمایشگاه کتاب تهران عرضه می‌شود. این مجموعه داستان که با ترجمه اسدالله حقانی با عنوان «شام خانوادگی» به فارسی برگردانده شده، داستان‌هایی را دربر می‌گیرد که پیش‌تر در مجموعه داستان‌های این برنده نوبل ادبیات نبودند؛ داستانی‌هایی چون «یک غربت و گاهی غم»، «مسمومیت»، «در انتظار چی»، «تابستان پس از جنگ»، «شام خانوادگی»، «روستایی آن سوی تاریکی» و «اکتبر ۱۹۴۸». ایشی گورو اسمی ژاپنی دارد. حروف اسمش در ژاپنی به معنای سنگ و سیاه هستند. دو رمان اول او در ژاپن اتفاق می‌افتند، با این حال خود او در مصاحبه‌های متعدد تاکید کرده که با ادبیات ژاپن آشنایی چندانی ندارد و آثارش شباهتی به ادبیات ژاپن ندارند. گورو محبوب جوایز ادبی است، به گونه‌ای که به جز «منظره رنگ پریده تبه‌ها»، همه رمان‌ها و مجموعه داستان‌های کوتاه او نامزد جایزه‌های معتبر ادبی شده‌اند. مهم‌تر از همه، چهار کتاب «هنرمندی از جهان شناور»، «بازمانده روز»، «وقتی یتیم بودیم» و «هرگز رهایم مکن» همگی نامزد دریافت جایزه بوکر بوده‌اند. رمان‌های «بازمانده روز» و «هرگز رهایم مکن» او به صورت فیلم سینمایی درآمدند. «انتونی هاپکینز» و «اما تامپسون» بازیگران سرشناسی هستند که در «بازمانده روز» ایفای نقش کرده‌اند. کتاب «بازمانده روز» از این نویسنده در سال ۱۹۸۹ جایزه «من بوکر» را دریافت کرده که توسط نجف دریابندری در ایران به فارسی برگردانده شده است.



کشور **اکنونومیست**

هفته نامه اکنونومیست سرمقاله و طرح روی جلد این هفته خود را به نظام بهداشت و سلامت جهان اختصاص داد. در این سرمقاله با اشاره به اینکه یک نظام جهانی بهداشت و سلامت باید حساس، ارزان قیمت و عملی باشد، ابراز داشت که این ویژگی ها را باید در همه جای جهان از جمله در کشورهای فقیر وجود داشته باشد.



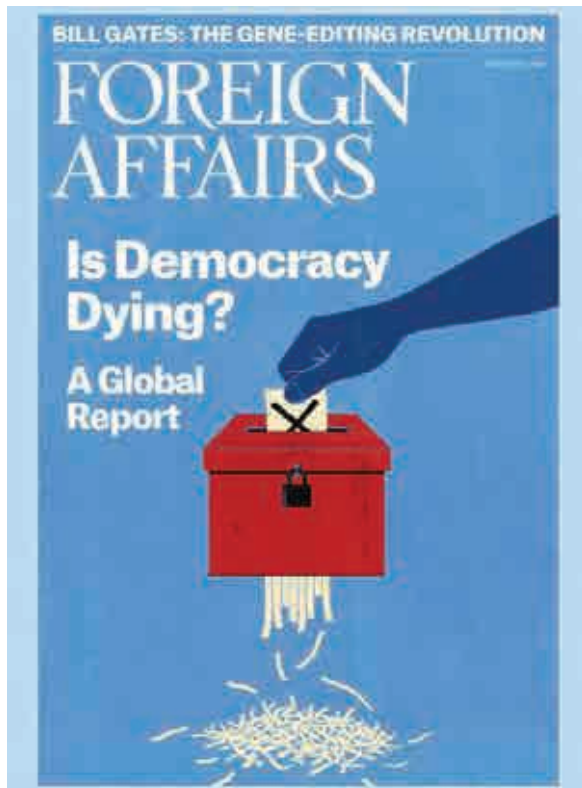
اسپانیا **مارکا**

بارسلونا قهرمانی خود در لالیگا را قطعی کرد. این دومین جام بارسا در این فصل بود. پیش از این آنها موفق به کسب قهرمانی در کوپا دل ری شده بودند. روزنامه مارکا چاپ مادرید با تیتر «لیگ تو» به پیروزی بارسا با هت تریک مسی و قهرمانی بارسا در لالیگا با این ۳ امتیاز پرداخته است و از لیونل مسی تقدیر کرد.



مکزیک **لتراس لیبرس**

ماهنامه مکزیکي Letras Libres در این شماره خود به دوستان سالگرد تولد کارل مارکس پرداخته است، این نشریه در این شماره در چندین مقاله به بررسی این نظریه پرداز آلمانی پرداخته است، این مجله در مقاله ای آورده است که کارل مارکس چندین بار در نظرات تجدیدنظر کرده و ما با یک مارکس واحد مواجه نیستیم.



آمریکا **فارین افرز**

مجله فارین افرز جلد خود را به یک مفهوم کاملاً انتزاعی اختصاص داده است. این مجله در یادداشتی که تیتر روی جلد را بر خود دارد، این سوال را مطرح کرده که آیا دموکراسی در حال مرگ است؟ آنها از ضعیف شدن پایه های دموکراسی در جهان صحبت کرده اند.



انگلستان **استاندارد ایوینینگ**

«ومبلی برای فروش» این تیتر اصلی روزنامه استاندارد ایوینینگ است؛ این جلد مربوط به یکی از جنجالی ترین اتفاقات هفتگی گذشته است، وقتی اتحادیه فوتبال انگلستان اعلام کرد که می خواهد ورزشگاه ومبلی را به شاهد خان میلیاردر پاکستانی و مالک باشگاه فولام به مبلغی بالاتر از ۸۰۰ میلیون پوند بفروشد.



دزدی بزرگ

«اگر آندرس را آندرسینیو صدا می‌زدیم، مطمئن باشیید تا الان دو بار توپ طلا را برده بود»؛ این جمله را سرخیو راموس گفته است، همبازی اینیستا در تیم ملی اسپانیا و رقیب جدی او در ال کلاسیکو. این فقط راموس نیست که اعتقاد دارد که او شایسته دریافت طلا بود، حتی روزنامه آ.اس که به متمایل به تیم رئال است، از نرسیدن توپ طلا به اینیستا با عنوان دزدی بزرگ یاد می‌کند: «آندرس اینیستا یکی از پرافتخارترین فوتبالیست‌های جهان به حساب می‌آید که تمام عناوین گروهی را به دست آورده است. هافبک اسپانیایی به همراه کشورش قهرمانی در اروپا و جهان را تجربه کرد و با بارسلونا فاتح لالیگا، کوبا دل ری، سوپر جام اروپا، سوپر جام اسپانیا، لیگ قهرمانان اروپا و جام جهانی باشگاه‌ها شد. با وجود چنین درخششی او هرگز برنده توپ طلا نشد. دوران درخشان بازیکن اسپانیایی و نمایش فوق العاده‌اش در دیدار فینال کوبا دل ری برابر سویا با واکنش‌های زیادی همراه شد تا جایی که پاسکال فاره، سردبیر مجله فرانس فوتبال به خاطر ندادن توپ طلای اروپا از او عذرخواهی کرد.»

خداحافظی

«برای من بارسا بهترین تیم دنیاست. می‌دانم برای اینکه بتوانید سال‌ها در این تیم بازی کنید، چه چیزهایی لازم دارید. می‌دانم کاپیتان بودن چه معنایی دارد و همین طور مسئولیت آن چگونه است. بنابراین اگر بخواهم با خودم و با باشگاهی که همه چیز به من داد صادق باشم، درک می‌کنم که دوران من امسال به پایان می‌رسد؛ تنها بر اساس یک حقیقت ساده و آن اینکه باشگاهی که از ۱۲ سالگی پذیرای من بود، شایستگی این را دارد که همیشه بهترین بازی‌ها را از من ببیند؛ همان طور که تا به حال این طور بوده و درک می‌کنم که در آینده‌ای نزدیک، دیگر نمی‌توانم از نظر بدنی و ذهنی، بهترین بازی‌هایم را ارائه بدهم. امروز، روز بسیار دشواری برای من است زیرا من در تمام طول زندگی‌ام اینجا بودم و خداحافظی با خانه‌ام و زندگی‌ام کار بسیار پیچیده‌ای است. درک می‌کنم که این طبیعت و قانون زندگی است که با جلودار رفتن، شرایط دشوار و دشوارتر خواهد شد؛ بنابراین شرایط آسانی در باشگاه برایم فراهم نمی‌شود و این شایسته من و باشگاه بارسلونا نیست.» این جملات اینیستا در کنفرانس مطبوعاتی فقط یک معنا دارد، او خداحافظی کرد و به لیگ چین می‌رود.

با این حساب آخرین تصاویری که از کاپیتان خوش تکنیک بارسا در خاطره‌ها مانده، انشک‌های او بعد از تعویض در فینال کوپا دل ری هفته گذشته برابر سویا بود که منجر به برتری ۵ بر صفر بلوگران و چهارمین قهرمانی متوالی آنها شد. اینیستا ۳۳ ساله که در سال ۲۰۰۲ نخستین بازی خودش برای تیم اول بارسلونا را انجام داد، موفق شده ۶۷۰ بازی برای این تیم انجام دهد و ۵۸ بار گلزنی کند. سال بعد که لیونل مسی در شرایط سخت و در زمان گر خورده بازی، چشمانش به دنبال اینیستا بگردد، آندرس دیگر در کنارش نیست و ۸ هزار کیلومتر دورتر، در چین، خواهد بود، بعد از این خداحافظی، حالا مسی که نه‌تازوی را کنار خود می‌بیند و نه اینیستا را بیشتر از همیشه احساس تنهایی می‌کند، این را می‌شود از متنی که برای خداحافظی او نوشته فهمید: «آندرس، بابت این سال‌هایی که در فوتبال گذراندی ممنونم. بازی کردن این ورزش کنار تو باعث افتخار من بود و لحظات فراموش نشدنی را کنار تو سپری کردم. برایت بهترین‌ها را در دوره جدید پیش رو آرزو دارم، هم از لحاظ ورزشی و هم در زندگی. تو در خارج و داخل زمین فوق العاده‌ای. بدون شک، جای خالی‌ات در تیم حس خواهد شد.»

شوالیه رنگ پریده

اینیستا با هواداران بارسلونا خداحافظی کرد

سرزمین دُن کیشوت تعلق داشت. اگر دُن کیشوت خود را شوالیه جنگجویی می‌پنداشت و با دشمنان خیالی اش، از کوه‌ها و درخت‌ها گرفته تا آسیاب‌های بادی، می‌جنگید، آندرس با حریفان واقعی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. گاهی شکست می‌خورد و گاهی می‌برد. او واقعی بود و مردمان فوتنتیلیا به او می‌نازیدند. پسر رنگ پریده خجالتی در دوازده سالگی اش برای تیم محلی آلباسته بالومپی در بازی‌های هفت به هفت به میدان رفت و چنان سحرآمیز بازی کرد که بلافاصله سرانگش آمدند. پدرش انریکه اوریزانو، مربی جوانان بارسا، را می‌شناخت و پسر روانه لاماسیا شد.

قصه شروعش در لاماسیا را از قول سیدلو بخوانید، این ورزشی نویس نامدار نوشته: «مربی، یکی از بازیکنان نیمکت را صدا کرد و یک پسر لاغر رنگ پریده در خط میانی حریف را که یک سال از همه کوچک‌تر بود و تیمش را بیچاره کرده بود، نشان داد: «دیدیش؟ برنش... بازی منطقه‌ای در رده زیر ۱۵ سال بود. نماینده کاتالونیا چهار یا پنج گل زده بود و بازیکن تعویضی از بخش دیگری از اسپانیا بود که تیمی بزرگ و به اعتراف خودش کمی وحشی به حساب می‌آمد. او به زمین آمد و دستور مربی را اجرا کرد در حالی که می‌گفت: «دو روز بیشتر از فوتبال نمانده.»

از خوش‌شانسی همه، اشتباه می‌کرد. این اتفاق تقریباً ۲۰ سال پیش رخ داده و شما قرار نیست نام بازیکن خاطی را بدانید (هرچند احتمالاً خوشحال است که اشتباه کرده) اما همان طور که حدس زده‌اید، نام کسی که لگد خورد، آندرس اینیستا لوخان است که ۳۵ جام یعنی بیشتر از تعداد سال‌های عمرش برده؛ با قهرمانی لیگ در سال ۲۰۰۵ شروع شد و احتمالاً امشب با نهمین قهرمانی لالیگا در لاکرونیا به پایان می‌رسد و شامل شش جام حذفی (آخرین آنها لقب فینال اینیستا گرفت)، چهار لیگ قهرمانان، دو قهرمانی جام ملت‌های اروپا و یک جام جهانی می‌شود.»

او را با کدام تصویر به خاطر می‌آورید؟ چقدر تصویر از او در ذهن مانده است. کلی دربیبل ریز در گوشه زمین زده است که هر کدام می‌تواند برای اینکه او را به عنوان یک نابغه در ذهن مان بشناسیم کافی باشد اما نه، او تصویرهای درشت‌تری هم دارد. می‌توانیم او را با یک گل در فینال جام جهانی ۲۰۱۰ بشناسیم. همان تک گل برای تنها قهرمانی اسپانیا، با همان مصدومیت راهی جام جهانی ۲۰۱۰ شد و برای حفظ آمادگی، نیمه‌شب‌ها و به دور از چشم هم‌تیمی‌هایش در راهروهای هتل، به تمرین می‌پرداخت. با همان مصدومیت بود که در دقیقه ۱۱۶ فینال جام جهانی و در مصاف با هلند، اینیستا توپ ارسالی از سوی سسک فابرگاس را با شوتی دقیق، به قعر مارتن استکلنبرگ فرستاد تا اسپانیا به اولین قهرمانی تاریخ اش در جهان دست یابد. این گل و تقدیم آن به روح دنی خارکه، بازیکن تازه درگذشته اسپانیول، محبوبیت اینیستا را به طرز چشمگیری افزایش داد و دامنه محبوبیت دون آندرس را از بندر بارسلونا تا قلب مادرید و ایالت باسک و سراسر اسپانیا گسترش داد.

تصویر دیگری هم هست که باید به خاطر بیاوریم؛ یک گل قهرمانی دیگر، گلی برای قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا، دیدار برگشت نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا فصل ۲۰۰۸-۰۹؛ یکی از مهم‌ترین و هیجان‌انگیزترین گل‌های تاریخ بارسلونا در ورزشگاه استمفوردبریج شهر لندن توسط اینیستاراهی دروازه‌پتر چک شد. گلی که بارسلونا را به فینال اروپا رساند و نقطه عطفی در ایجاد دوره طلایی باشگاه شد.

خیلی خاطره خوب هست که باید از او به یاد آورد، از او که شوالیه رنگ پریده بارسلونا بود، مرد قهرمانی‌های زیاد و همواره فروتن؛ قهرمانی به نام آندریاس اینیستا.

آقای قهرمان

برای شروع قصه آندریاس باید به یک روستای کوچک رفت. آندرس اینیستا از فوتنتیلیا آمده بود. از یکی از روستاهای لامانچا با جمعیتی کمتر از دو هزار نفر. او به

جامعه باید به آن حد تکامل برسد، به همین خاطر است که می‌گویند تا آن ۳۱۳ نفر تکمیل نشوند، ظهور واقع نمی‌شود.»

دینداری با تعقل

حجت الاسلام محقق داماد، استاد دانشگاه با اشاره به اینکه ۳۹ سال از شهادت استاد شهید مطهری می‌گذرد گفت: «اگر بخواهیم پیام مطهری را در یک جمله خلاصه کنیم یا اگر بپرسند میراث شهید مطهری چه بود؟ در پاسخ باید گفت آن میراث، بیداری همراه با خردورزی است. این میراث اکنون در کل منطقه بیدار است، بیداری ای جاودانه است که همراه با تعقل باشد، اینکه امروزه خبرهای ناگواری از بریدن سر کودکان و برده گرفته شدن زنان می‌شنویم، ناشی از بیداری بدون تعقل است. امروزه منطقه ما درگیر متدین جاهل و نادان بدون خرد است، در حالی که رابطه دین و عقل نه تنها در اسلام بلکه در تمام ادیان مطرح است و برخی گفته‌اند به قیل از میلاد مسیح هم برمی‌گردد. شهید مطهری غیر از دینداری همراه با تعقل خواسته دیگری نداشت. تروریست‌های سوریه و بوکو حرام تفکر اشعری داشتند. حتی آنهایی که در فتوحات اسلامی جنایت می‌کردند، تفکر اشعری داشتند، یعنی اسلام ظاهری محض منهای تفکر.» حجت الاسلام سید رمضان موسوی مقدم، قائم مقام رئیس سازمان صداوسیما هم با اشاره به ویژگی‌ها و فضایل شهید مطهری گفت: «آن شهید در تفکر به مرحله‌ای از اندیش‌ورزی و استنتاج در علوم رسیده بودند که کمتر عالمی به این مرحله می‌رسد. این مرحله یعنی نوآوری، کشف حقایق جدید، پاسخ به مجهولات، جوشش‌های مستمر، خروج عالمانه از بن‌بست‌های علمی و از همه مهم‌تر آزادی و آزاداندیشی که از ویژگی‌های آن متفکر بزرگ بود. شهید مطهری مصداق ایمان و عمل صالح بود، اهل دل و معنا بود، به معنای واقعی روشنفکر دینی بود. شهید مطهری عزت نفس داشت، در امور اجتماعی فردی بسیار منضبط و شخصیتی جامع و مصلحی صالح بود.» حجت الاسلام موسوی مقدم استاد مطهری را از بارزترین و پیشرفته‌ترین دانشمندان عصر جدید دانست و گفت: «او در توجه به واقعیات و آشنایی با مبانی دینی سرآمد بود. یادکرد عمیق از اسلام چهره حقیقی اسلام را در کام جوانان تشنه چشاند. شهید مطهری با سلاح منطق و استدلال و شجاعت، برتری نظرات خود را اثبات می‌کرد. ایشان معتقد بودند انسان دارای دو شخصیت سعادت و شقاوت است که با آزادی خود یکی از این دو را برمی‌گزیند. به عبارتی معماری انسان توسط خود او و برای رسیدن به کمال است و شرط آن برخورداری از ایمان است.»

درس این استاد شهید هزاران نفر از جوانان و دانشجویان تلمذ کردند و نسل جوان آن روزگار با اندیشه‌های وی از نزدیک آشنا شدند. هر کشوری تلاش دارد که از مرزهای جغرافیایی خود به بهترین نحو محافظت کند، دین هم دارای مرز است و تشخیص این مرز نیاز به کار کارشناسی و دقت بیشتر دارد. شهید مطهری مرزبان دین بود و از دین مرزبانی کرد. مرزهای معنوی نیاز به علم و دانش بیش از مرزهای دیگر دارد، بحث عالم‌بودن و آگاه‌بودن شرط اساسی آن است، کسی می‌تواند مرز دین را نگه دارد که جامعیت داشته باشد.»

او شهید مطهری را دارای شخصیت جامع انسانی دانست: «در دوره استاد قلمی با دین مبارزه می‌کردند مانند گروه‌های توده و کمونیسم، در چنین شرایطی شهید مطهری مرزبانی از دین را انجام داد و با اندیشه‌های ضد دینی مقابله کرد و هیچ‌گاه مغلوب نشد. برخی تلاش داشتند با سکولاریزه کردن بازنشسته کردن دین را تسریع بخشند اما مطهری آگاه به زمان بود، زمان را خوب شناخته بود و با تمام وجود وارد میدان شده و کار می‌کرد. شرایط امروز متفاوت است، دشمن به‌طور علنی مبارزه نمی‌کند و حتی افکار دینی را تمجید هم می‌کند. بحث‌های پلورالیسم و تکنوکراسی، و تساهل و تسامح اگرچه از اصول اجتماعی است و در بحث‌های اخلاقی به آن تاکید هم شده، اما نه در اصول دین. این جابه‌جایی از اخلاق به اصول و مبانی دین یک انحراف است که می‌تواند دین را منحرف کند.»

علی مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: «در آثار شهید مطهری دو نکته مورد تاکید است، یک اینکه مهدی موعود یک مسأله جهانی است، دیگر اینکه آینده بشر، آینده عدالت خواهد بود. در آثار ایشان انسان خوشبین به آینده است، اینکه نباید انقلاب حضرت مهدی (عج) را از نوع انفجار دانست، از اساس هم انقلاب اسلامی انفجار نبود، بلکه انقلابی آگاهانه بوده است. مطهری با اشاره به ماجرای اعتصاب کارمندان شرکت نفت قبل از انقلاب و توصیه شهید مطهری برای ارائه نفت گفت: «اینکه می‌گویند دنیا باید از ظلم و جور پر شود و ما باید کمک کنیم ظلم و جور پر شود (البته قبول داریم هنگام ظهور دنیا از ظلم جور پر شده است) اما حرکت جامعه باید هدف گونه و به سمت بالا باشد. پس برای تحقق ظهور

میراث استاد

دوازدهمین همایش حکمت مطهر

سلسله همایش‌های سالانه حکمت مطهر از سال ۱۳۸۳ در سازمان صداوسیما آغاز شده، هر چند در بازه زمانی سال‌های ۹۲ تا ۹۶ اجرای این همایش با وقفه مواجه شد اما از سال گذشته این همایش‌ها دوباره احیا شد تا جایگاه استاد شهید مرتضی مطهری در حکمت اسلامی معاصر تبیین و تجلیل شود. باتوجه به اینکه سال آینده صدمین سال تولد استاد شهید مطهری و چهلیمین سال شهادت ایشان است امسال این همایش نگاهی علمی‌تر به آثار ایشان داشت. همچنین باتوجه به نزدیکی به ایام مبارک نیمه شعبان موضوع و محور اصلی این همایش «مهدویت» انتخاب شده و حدود نیمی از سخنرانان در این حوزه به ارائه آرای خود پرداختند.

همزمان با سی و نهمین سالگرد شهادت استاد «مرتضی مطهری» دوازدهمین همایش حکمت مطهر با حضور علی مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین محمد محمدیان، رئیس نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، سید عزت‌الله ضرغامی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد، استاد دانشگاه و جمعی دیگر از اساتید دانشگاه و دانشجویان و طلاب داخلی و خارجی در سالن آملی تئاتر دانشگاه صداوسیما با محور مهدویت برگزار شد.

استاد مسأله‌یابی

در این همایش عزت‌الله ضرغامی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی موضوع سخنرانی اش را «شهید مطهری و نظام فکری» قرار داد: «استاد مطهری در حوزه تولیدات فکری و اثربخشی آن خبره و به بهترین نحو در این حوزه سخنرانی می‌کرد و در واقع ایشان بهترین الگو برای اثربخشی بود. استاد مطهری فیلسوف بود و در بیشتر سخنان وی کتاب و حکمت در کنار یکدیگر تکرار می‌شود، چرا که حکمت نوعی شیوه عملی است که بیشتر در حوزه رفتار مطرح می‌شود. استاد شهید صرفاً دنبال پاسخ ایدئولوژیک نبوده. او سعی می‌کرد علت آسیب‌ها را بداند و روش برطرف کردن آنها را به صورت شیوه عملی و کارآمد ارائه دهد. شهید مطهری برای اینکه کار را درست انجام دهد، استاد مسلم مسأله‌یابی بود؛ گرفتاری‌ای که اکنون در کشور با آن روبه‌رو هستیم، آیا اگر شهید مطهری زنده بود، به اختصار از مسائل عبور می‌کرد یا به دنبال مسأله‌یابی آن بود؟ او با نگاه عمیق و جامعه‌شناسانه مسائل اصلی جامعه را تشخیص می‌داد.»

ضرغامی با اشاره به اینکه شهید مطهری با شیوه نوآورانه در پی حل مسأله بود، بیان کرد: «مطهری مفسر قرآن بود، باتوجه به جامعیت شخصیتی و تفکری که داشت نگاه‌های نو و شنیدنی از آیات قرآن کریم را ارائه می‌دهد، تفاسیر این شهید پیرامون سوره‌های انتهایی قرآن مجید حاوی نکات اخلاقی و تربیتی است که می‌تواند روزانه برای خواندن این تفاسیر وقت گذاشته شود. شهید مطهری در مناظره‌ها، گفت‌وگوها، نقدها و بحث‌ها طرف مقابل را درک می‌کرد، هیچ‌گاه از هیاهوی مخالفان نمی‌ترسید، وی آشنایی کامل با علوم انسانی داشت.»

مرزبانی از دین

حجت الاسلام والمسلمین محمدیان، رئیس نهاد مقام معظم رهبری هم در این همایش در دانشگاه‌ها با تاکید بر اینکه شهید مطهری نیازی به تعریف ندارد، گفت: «پای



مجمع عمومی سالانه عادی



در مجمع عمومی عادی سالانه تصویب شد

تقسیم سود ۳۱۸۰ ریالی برای هر سهم همراه اول

سود ۳۱۸۰ ریالی هر سهم همراه اول

مجمع عمومی عادی سالانه همراه اول با ریاست دکتر علی بقایی، رئیس هیات مدیره همراه اول آغاز شد. در این مراسم پس از سخنان رئیس مجمع و مدیرعامل و استماع گزارش حسابرسان و نظرات سهامداران؛ در خصوص تعیین سود تقسیمی، روزنامه‌های کنیرالانتشار چاپ آگهی، پاداش و حق جلسه هیات مدیره و در مجمع فوق العاده در خصوص تعیین اعضای حقوقی هیات مدیره تصمیم گیری شد.

در جلسه مذکور با نظرخواهی از سهامداران حاضر و استماع سخنان تعدادی از اعضای هیات رئیسه، با توزیع ۹۶ درصد سود محقق شده (۳۲۸۰ ریال) موافقت و برای هر سهم، تقسیم ۳۱۸۰ ریال سود در نظر گرفته و مقرر شد سود سهامداران حقیقی از ۲۰ اردیبهشت در مدت حداکثر

و مجمع فوق العاده همراه اول صبح یکشنبه، ۹ اردیبهشت با حضور بیش از ۹۳ درصد سهامداران در سالن خلیج فارس پژوهشگاه نیرو برگزار شد.

در هشتمین مجمع عمومی عادی سالانه همراه اول، سود تقسیمی برای هر سهم ۳۱۸۰ ریال اعلام شد. به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، هشتمین مجمع عمومی عادی سالانه

یک ماه واریز شود.

همچنین در خصوص میزان پاداش و حق جلسه هیات مدیره و نیز انتخاب روزنامه برای چاپ آگهی‌های مجمع تصمیم گیری شد. بر این اساس مقرر شد پاداش اعضای حقوقی هیات مدیره؛ نسبت به سال قبل با ۳۰ درصد کاهش پرداخت شود و حق جلسه اعضا همچون سال گذشته باشد.

در ادامه این مراسم در جلسه فوق العاده، پنج شرکت «مخابرات ایران»، «گسترش الکترونیک مبین»، «مهر اقتصاد مبین»، «مدیریت املاک» و «گسترش خدمات ارتباطات کاراشاب» به عنوان اعضای حقوقی هیات مدیره به مدت دو سال انتخاب شدند.

گزارش عملکرد هیات مدیره

در این مراسم، مهندس حمید فرهنگ، مدیرعامل شرکت ارتباطات سیار ایران، گزارش جامعی از عملکرد سال ۱۳۹۶ شرکت به مجمع سهامداران ارائه کرد. فرهنگ ضمن تبریک نیمه شعبان و یادآوری اینکه سال ۱۳۹۷ سال «حمایت از کالای ایرانی» نام گذاری شده است، اظهار کرد: «امید است که در این سال با حمایت همکاران همراه اولی و سهامداران، بتوانیم سهمی در تحقق این شعار ایفا کنیم.

همراه اول در راستای حمایت از تولید داخل بیش از ۷۵ درصد از مصارف هزینه‌ای خود را از منابع داخلی تأمین می‌کند. همچنین کسب رتبه اول در استفاده حداکثری از منابع و مهارت‌های ایرانی در ارزیابی عملکرد اپراتورها توسط سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی دو دوره پیاپی، نشان از اهمیت همراه اول به این موضوع دارد.» وی افزود: «در جشنواره ملی ارتباطات و فناوری اطلاعات، امسال نیز همراه اول همچون چهار دوره گذشته موفق به کسب بالاترین امتیاز بین اپراتورهای تلفن همراه شد.»

جذب بیش از ۱۰ میلیون مشترک در سال ۹۶

مدیرعامل اپراتور اول با بیان اینکه در شرایط رقابتی امروز، همراه اول طی سال ۹۶ سهم بازار خود را حفظ کرده است، گفت: «بر اساس آمار ارائه شده از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، سهم بازار این اپراتور به ۵۹/۵۳ درصد و ضریب نفوذ همراه اول در کشور به ۹۰/۳ درصد رسیده است.»

فرهنگ با بیان اینکه اپراتور اول بیش از ۹۶ میلیون سیمکارت واگذار کرده است، گفت: «بیش از ۱۰ میلیون مشترک جدید در سال ۹۶ جذب شده که از این میان، تعداد ۴۹۱ هزار سیمکارت دائمی و بیش از ۹ میلیون و پانصد هزار سیمکارت اعتباری واگذار شده است.»

وی ادامه داد: «در سال گذشته بالغ بر ۵۲ میلیون سیمکارت به صورت فعال در لحظه در شبکه همراه اول فعال بوده است. همچنین در سال گذشته درصد مشترکین موبایل باند پهن ۳۸ درصد افزایش داشته و به عدد ۳۲ میلیون مشترک رسید. علاوه بر این در سال گذشته تعداد ۱۰ میلیون مشترک نسل ۴ و ۴/۵ جذب شد که نسبت به سال قبل ۳۳۰ درصد رشد داشته است.»

مدیرعامل همراه اول با تشریح دستاوردهای توسعه بازار و سبد محصولات این شرکت در سال ۹۶ گفت: «در سال گذشته حدود ۳۵ خدمت و سرویس جدید به طور مستقیم ارائه و در حال حاضر بیش از ۸۰۰ محصول در حوزه خدمات ارزش افزوده ارائه می‌شود و به طور فزاینده‌ای در حال رشد است.»

افزایش رشد ۱۶۴ برابری در ترافیک دیتا

مدیرعامل همراه اول با بیان اینکه در پایان سال ۹۶،

مشترکین دیتای این اپراتور رکورد ۳۷۰۰ ترابایت ترافیک روزانه را ثبت کرده‌اند، گفت: «طی سال ۹۶ ترافیک دیتای همراه اول نسبت به سال قبل آن ۲/۶ برابر رشد کرده و در مجموع روند ترافیک دیتا در شبکه (ماهانه)، ۱۶۴ برابر رشد داشته است.»

افزایش خدمات حضوری و غیر حضوری به مشترکین

مدیرعامل اپراتور اول از افزایش خدمات غیرحضوری به مشترکین طی سال گذشته خبر داد و گفت: «در سال ۹۶ تعداد ۳۵۰ میلیون درخواست از طریق درگاه‌های خدمات حضوری و غیرحضوری پاسخ دهی شده است. خدمات غیرحضوری شامل خدمات IVR، مرکز تماس ۹۹۹۰ (با میانگین ۴ میلیون و ۲۰۰ خدمت در ماه)، سامانه ۱۹۵، سامانه «همراه من» (با ۸ میلیون مشترک منحصر به فرد و به طور میانگین ماهانه ۳ میلیون خدمت) و خدمات حضوری شامل نمایندگی‌های همراه اول، ادارات مشترکین، مراکز تلفن ثابت و دفاتر ICT روستایی، ماهانه ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار خدمت به مشترکین ارائه می‌شود.»

وی پاسخگویی به مشتریان ارزشمند (CIP)، راه اندازی Happy Call و راه اندازی سامانه ۹۹۹۵ برای پاسخگویی به مشتریان سازمانی را از دیگر خدمات جدید برای مشتریان نام برد.

۱۲۶۶ شهر تحت پوشش موبایل باند پهن

مدیرعامل همراه اول با بیان اینکه شبکه باندپهن همراه اول بزرگترین، وسیع‌ترین و به‌روزترین شبکه موبایل باند پهن در کشور است، گفت: «همراه اول با ۱۶۶۰ سایت نسل ۴/۵، ۲۸۹۰۰ نسل ۲/۷/۵ و ۲۸۹۰۰ سایت نسل ۳/۹ بزرگترین شبکه LTE کشور را در اختیار دارد. بر این اساس صددرصد شهرها از خدمات اینترنت پرسرعت و ۸۷ درصد روستاها از اینترنت نسل ۲ همراه اول بهره‌مند هستند.»

درآمد ۳۵۰۰ میلیارد تومانی از محل دیتا

فرهنگ با اعلام اینکه رتبه شفافیت اطلاع‌رسانی همراه اول در بورس طی سال‌های گذشته همواره بهبود یافته است، گفت: «در آخرین ارزیابی صورت گرفته یعنی پایان سال ۹۶، همراه اول در بین ۳۰۲ شرکت بورسی موفق به کسب عنوان دوم شفافیت شده است.»

مدیرعامل همراه اول در ادامه با اشاره به درآمد کل و سود خالص تفریقی گروه اظهار داشت: «در سال ۹۶ درآمد کل حاصل از سرمایه‌گذاری‌های تفریقی گروه، ۱۲ هزار و ۴۷۱ میلیارد تومان و عملکرد سود خالص تفریقی گروه ۳ هزار و ۱۶۷ میلیارد تومان و میزان درآمد دیتای همراه اول در سال گذشته ۳۵۰۰ میلیارد تومان بوده است.»

جایگاه نخست در خاور میانه

مدیرعامل اپراتور اول با اشاره به جایگاه این اپراتور در صنعت اپراتوری تلفن همراه گفت: «همراه اول در خاورمیانه از نظر تعداد مشترک رتبه نخست، در آسیای جنوبی رتبه هفتم و در جهان در بین ۱۰۰۳ اپراتور تلفن همراه، رتبه نوزدهم را داراست.»

وی همچنین دریافت تندیس شاهین طلایی بخش‌های «تبلیغات حمایتی»، «ترویج فروش» و «مسئولیت‌های اجتماعی» از سومین جشنواره تبلیغات ایران، کسب رتبه اول تعهد به کیفیت در بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات در سومین کنفرانس بین‌المللی کیفیت، دریافت نشان ویژه مدیریت از چهارمین همایش ملی مدیریت جهانی، دریافت تندیس زرین ۷ ستاره

در ششمین دوره آیین تقدیر از سرآمدان روابط عمومی ایران، دریافت تندیس ستاره طلایی روابط عمومی ایران در چهارمین جشنواره ستارگان روابط عمومی ایران، دریافت نشان بلورین استاندارد (C1)، جایزه استاندارد ۳۴۰۰۰ (مدیریت منابع انسانی) و تقدیر از عملکرد همراه اول در اربعین در مراسم تقدیر از خدامان اربعین را از افتخارات این شرکت در سال ۹۶ عنوان کرد.

فرهنگ در خصوص قرارداد رومینگ با کشورهای جهان، گفت: «همراه اول با ۲۷۰ اپراتور در ۱۱۲ کشور قرارداد رومینگ دائمی، ۹۴ اپراتور در ۷۰ کشور قرارداد رومینگ اعتباری، ۸۰ اپراتور در ۵۸ کشور قرارداد تخفیف، ۸۱ اپراتور در ۶۷ کشور اینترنت رومینگ ۳G و ۲۵ اپراتور در ۲۵ کشور قرارداد رومینگ LTE دارد.»

کسب رتبه ۲ ارزش بازار و رتبه ۳ بیشترین سودآوری

فرهنگ با اشاره به جایگاه اپراتور اول بین یکصد شرکت برتر ایران گفت: «کسب رتبه ۲ بالاترین ارزش بازار، رتبه ۳ بیشترین سودآوری، رتبه ۸ بالاترین ارزش افزوده و رتبه ۱۹ میزان فروش از موفقیت‌های همراه اول در سال گذشته بوده است.»

وی در خصوص مبالغ پرداختی به دولت نیز گفت: «از سال ۸۸ یعنی سال واگذاری شرکت به بخش خصوصی هر سال مبالغ پرداختی به دولت افزایش داشته و در سال ۹۶ این مبلغ به ۶۳۴۴ میلیارد تومان رسیده که رقم بسیار بزرگی است.» فرهنگ با بیان اینکه همراه اول بین ۳۰۲ شرکت بزرگ بورسی رتبه ۲ شفافیت را کسب کرده، گفت: «خوشبختانه در سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه ۱۳۹۶، بر اساس گزارشات ارائه شده، همراه اول برای پنجمین سال پیاپی، موفق به کسب نظر مقبول حسابرسان مستقل شده است و این مسأله با توجه به درآمد بیش از ۱۲۴۷۱ میلیارد تومانی همراه اول در سال ۹۶ قابل توجه است. همچنین همراه اول در همین راستا موفق شد تندیس زرین هشتمین دوره جایزه ملی مدیریت مالی ایران را کسب کند.»

منافع حاصل از پروژه CRM-CBS

فرهنگ با عنوان اینکه پروژه CRM-CBS که اول اردیبهشت امسال با حضور ۷۰۰ نفر از همکاران داخلی و خارجی کلید خورد، بزرگ‌ترین طرح در صنعت فناوری اطلاعات کشور از منظرهای محدوده، ارزش پروژه و سازمان است، گفت: «این پروژه به علت اختلالاتی که در شبکه ایجاد می‌کرد، به صورت وسیع به مشترکین اطلاع‌رسانی شد. منافع حاصل از اجرای این پروژه توانمندسازی کسب و کار همراه اول، قابلیت دستیابی به عملیات یکپارچه، استانداردسازی و creative rich offerings است. با اجرای این پروژه مشترکین دائمی و اعتباری همزمان و به صورت یکپارچه سرویس و خدمات دریافت می‌کنند و در هزینه‌ها بهینه‌سازی می‌شود.»

پروژه دماوند، آینده همراه اول

مدیرعامل همراه اول با بیان اینکه در حال حاضر در حال آغاز برنامه پنج‌ساله دوم همراه اول هستیم، گفت: «با توجه به اینکه فضای کسب و کار در حال تغییر است، اگر همراه اول بخواد فقط سرویس‌های پایه ارائه کند، نمی‌تواند در این تحولات رقابت کند. همراه اول قصد دارد همزمان با تحولات دیجیتال علاوه بر به‌روزرسانی سازمان و فعالیت در کسب‌وکار اصلی خود، در حوزه‌های دیگر نیز فعالیت کند.»

همراه اولی‌ها



دریافت هفته نامه مثلث

با ارسال عدد ۴۷۸

به شماره دریافت اپلیکیشن «

۳۰۷۰۷۵۷

